

حقوق اب

قواعد حقوقی ناسی از اصل دهم انقلاب

تألیف
مرتضی نسرمد

جلد سوم

حقوق آب

قواعد حقوقی ناشی از اصل دهم انقلاب

جلد سوم

تالیف

مرتضی سرمد

شماره ثبت کتابخانه ملی $\frac{۱۰۸۱}{۵۱۷۷۲۷}$

قیمت ۲۰۰ ریال

حق طبع محفوظ است

چاپخانه کیهان

تقریظ

بهر نسبت و مقیاس که شئون مختلف اجتماعی و اقتصادی کشور ترقی و تکامل حاصل نماید بهمان نسبت مسائل جدیدی بوجود می‌آید که باید بالضروره با دانش نوینی با آن مواجه شد .

بدست آوردن دانش جدید و راه‌حل‌های مناسب و منطقی برای کمال استفاده از اهم مسائل میباید زیرا بدینوسیله است که اشکالات و ابهامات فنی و حقوقی برطرف و راه پیشرفت و تکامل بهتر هموار میشود .

از اینرو بعد از اعلام منشور انقلاب شاه و مردم که ملی شدن منابع آب کشور یکی از مواد آن است قویاً نیاز به دانش تازه و مقررات و ضوابطی در امر آب و اداره و توزیع عادلانه آن بین مصرف‌کنندگان احساس شد که بسیار بموقع و شایسته بود در این باب فکر عاقلانه‌ای بشود تا با تجربه و وقوف کاملی به اصول حقوقی و اداری این نیاز برآورده شود و البته انجام این مهم از شخصیتی کارآزموده و اهل مطالعه و تجربه و تحقیق انتظار میرفت .

جای تقدیر و امتنان است که جناب آقای مرتضی سرمد که یکی از قضاة فاضل دیوانعالی کشور میباشند این باب را گشوده و بطوریکه شخصاً اطلاع دارم در حدود ۲۶ سال است که در رشته حقوق آب و اقتصاد آن مطالعات و تجربیات فراوانی علاوه بر وظائف قضائی کسب و در نتیجه امروز بتألیف و انتشار سه مجلد حقوق آب پرداخته و همت و کوشش قابل توجهی مصروف نموده‌اند .

محتوای مجلدات سه گانه کتاب حقوق آب مطالب و مسائل بکر و جالب توجهی است که تاکنون در امر آب چنین اطلاعات سودمندی برای

استفاده عموم در دست نبود و اکثر مندرجات مجلدات مزبور تازگی دارند .
در مجلد اول آب از جنبه‌های طبیعی و شیمیائی و ادبی و شاعرانه
گرفته تا چگونگی استفاده از آن و کیفیت آبرسانی در ادوار باستانی و
جنبه‌های حقوقی و مدنی مأخوذ از فقه اسلامی مانند مسئله حریم و مصرف
مفید و معقول بطرز شایسته مورد توجه قرار گرفته و همچنین در مورد تعیین
حوزه های آبریز و مشخصات رودخانه های کشور و موضوع آلودگی آب
در مجلد دوم بحث شیرین و مفیدی شده است و نیز در مجلد سوم در توضیح و تفسیر
مواد قانون آب و قوانین سابق آب بنحو جامع و روشن نکات قابل توجهی مورد
بحث و نتیجه گیری قرار داده شده که تحقیقاً برای عموم قابل استفاده است .
بهر حال تتبع و مطالعات وسیع مؤلف محترم که بمناسبت همین خبریت
و بصیرت بمقام عضویت هیئت اجرائیه کانون جهانی حقوق دانان آب نائل
آمده اند در تألیف مجلدات حقوق آب قابل تقدیر و موجب خرسندی است
خاصه بطوریکه اظهار نموده اند بعد از انتشار مجلد سوم قصد دارند کتابی
بعنوان حل المسائل آب تألیف نمایند که مبهمات و مشکلات قانونی حقوق
آب در آن بنحو کاملتر و وسیعتری تشریح و حل گردد .
در پایان بنوبه خود با مسرت از اقدام دانش پژوهانه جناب آقای
مرتضی سرمد تقدیر و مزید توفیق شان را از خداوند متعال مسئلت مینماید .

رئیس مجلس سنا - جعفر شریف امامی

International Association For Water Law
Association Internationale de Derecho de Aguas
ASSOCIATION INTERNATIONALE DU DROIT DES EAUX

Office of the Chairman of the Executive Council
Via Montevideo 5, ROME, ITALY

PRESIDENT

Guillermo J. Cano

— Executive Council: —

CHAIRMAN

Dante A. Caponera

SECRETARY GENERAL

Vincente Giner

TREASURER

Robert D. Hayton

EDITOR

Joaquin R. Lopez

MEMBERS

Charles Campet

G. W. Putto

Guillermo J. Cano

Morteza Sarmad

General Secretariat:

P. Crespins I

VALENCIA-3, Spain



We hereby gladly certify that **Morteza Sarmad**
was admitted as **full** member of this Association,
effective fro **April, 1968.**

Dante A. Caponera
Chairman, Executive Council

Guillermo J. Cano
President of the Association

Vincente Giner
Secretary General

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	فصل اول : بخش اول : مالکیت عمومی و ملی آب : ماده يك
	ماده دوم : در تشخیص بستر و حدود قانونی رودخانه‌ها و
۲۲	حریم دریاچه‌ها
۳۰	بخش دوم : حقا به و اجازه مصرف : ماده سه
۳۲	ماده چهارم : توضیحاتی در مبحث مصرف
۳۴	ماده پنجم : تبدیل حقا به به پروانه مصرف
۳۵	ماده ششم : تشریفات تبدیل حقا به به پروانه مصرف مفید
۳۸	ماده هفتم : وظائف و اختیارات هیئت‌های سه نفری و پنج نفری
۴۰	آئین‌نامه هیئت‌های سه نفری و پنج نفری
	ماده هشتم : کسانی که بعنوان هیئت‌های سه نفری و پنج نفری انتخاب
۴۵	میشوند .
۴۸	بخش سوم : صدور پروانه مصرف : ماده نه (۹)
۴۹	ماده ده
۵۰	ماده یازده : کیفیت صدور پروانه مصرف
۵۱	ماده دوازده
۵۱	آئین‌نامه صدور پروانه مصرف
۵۶	ماده سیزده : محدودیت مصرف آب
۵۸	ماده چهارده
۵۹	بخش چهارم : شرایط استفاده و نحوه مصرف آب : ماده پانزده
۶۳	ماده شانزده : مصرف مفید چیست
۶۷	ماده هفده : تعیین میزان آب برای هر محصول

۶۸	بخش پنجم : آبهای مصرف نشده : ماده هیجده
۷۵	فصل دوم : وظایف و اختیارات : ماده نوزده
۸۷	ماده بیست : ضابطین دادگستری
۹۲	ماده بیست و یک : پلیس مسلح آب
۹۳	آئین نامه پلیس مسلح آب و وظایف آن
۹۷	ماده بیست و دو : تشکیل شرکت
۱۱۳	فصل سوم : آبهای زیرزمینی : ماده بیست و سه
۱۱۵	قانون حفظ و حراست آبهای زیرزمینی کشور
۱۱۹	ماده بیست و چهار : ممنوعیت محدوده
۱۲۰	ماده بیست و پنج : چاههای بی پروانه
۱۲۱	ماده بیست و شش : تقسیم هزینه تأسیسات به نسبت سهام
۱۲۲	ماده بیست و هفت : آلوده نساختن آب چاه
۱۲۳	ماده بیست و هشت : افراد از آب فروشی منع شده اند
۱۲۷	ماده بیست و نه : رعایت نکات فنی و اقتصادی در امر حفر چاه
۱۲۸	ماده سی : تفکیک آب مخلوط با املاح معدنی از آب شیرین
۱۲۹	ماده سی و یک : نصب شیر در دهنه چاه آرتزین
۱۳۰	ماده سی و دو
۱۳۱	ماده سی و سه
۱۳۲	ماده سی و چهار
۱۳۴	ماده سی و پنج : رعایت اصل لاضرر
۱۳۷	ماده سی و شش
۱۳۸	ماده سی و هفت : قنات یا چاه متروکه
۱۴۰	ماده سی و هشت : رعایت حق الارتفاق
	آئین نامه اجرائی مربوط به حریم رودخانه ها - میل ها - انهار
۱۴۲	طبیعی و شبکه های آبیاری
۱۴۶	قانون انجام لوله کشی آب و فاضل آب شهر تهران
۱۴۷	قانون راجع به ساختمان و بهره برداری سد و تأسیسات لار ولتیان

۱۴۷	قانون اصلاح قانون سدهای لار و لتیان
۱۴۹	تعیین حریم دریاچه احدائی در پشت سدها
۱۵۰	تصویب نامه هیئت وزیران راجع به حریم دریاچه احدائی در پشت سدها
۱۵۲	تصویب نامه راجع به حریم انهار اصلی شبکه آبیاری کرج
۱۵۲	تصویب نامه راجع به حریم انهار اصلی شبکه آبیاری سد داریوش کبیر
۱۵۳	حریم خطوط هوائی انتقال و توزیع نیروی برق
۱۵۷	ماده سی و نه
۱۵۸	آئین نامه اجرائی فصل سوم قانون آب و نحوه ملی شدن آن
۱۷۹	فصل چهارم : حفاظت و نگهداری تأسیسات مشترك : ماده چهل
	ماده چهل و یک : هر بالادستی مسئول خسارتی است که از عمل
۱۸۱	غیر متعارف او بیائین دستی وارد میآید .
۱۸۲	ماده چهل دو : رعایت حریم جاده در حفر چاه و قنات
۱۸۴	ماده چهل و سه : تأمین هزینه تأسیسات مشترك
۱۸۷	ماده چهل و چهار و چهل و پنج : اجازه ورود در ملك دیگری
۱۸۸	ماده چهل و شش : حل اختلاف در آبهای سطحی
۱۹۰	ماده چهل و هفت : انهار بلااستفاده متروکه تلقی میگردد
۱۹۲	ماده چهل و هشت : احداث مجرای دیگر
۱۹۲	ماده چهل و نه : خرید سهام اشخاص در شرکتهای عمرانی دولتی
۱۹۴	لایحه قانونی راجع به تأسیس وزارت آب و برق
۱۹۶	اختیارات وزارت آب و برق در سال ۱۳۴۳
۱۹۹	فصل پنجم : تملك و تصرف اراضی و اعیانی های مورد نیاز ماده پنجاه
۲۰۳	ماده نوزده قانون شرایط اساسی امتیاز نفت شمال به يك کمپانی آمریکائی
۲۰۳	قانون اعطای امتیاز نفت بشرکت نفت ایران و انگلیس
۲۰۵	مواد ۳ و ۱۴ و ۱۵ قانون معادن
۲۰۵	قانون توسعه معابر
۲۱۳	ماده یازده اساسنامه شرکت ملی نفت ایران
۲۱۵	ماده ده اساسنامه شرکت ملی نفت ایران

۲۱۶	مواد یازده و دوازده قانون اصلاح قانون تأسیس بنگاه آبیاری
۲۱۸	ماده شانزده قانون برنامه عمرانی هفت ساله دوم
۲۲۰	قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها
	قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف در استان خوزستان
۲۲۴	و شهرستانهای مشهد و قم و اصفهان
۲۲۷	قانون مربوط به تملك زمینها برای اجرای برنامه های شهرسازی
	طرز تملك اراضی مورد احتیاج در لایحه قانونی برنامه عمرانی
۲۳۰	سوم کشور
۲۳۴	آئین نامه اصلاحی آئین نامه اجرائی قانون تملك اراضی
۲۳۷	مواد الحاقی بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴
۲۴۴	ماده بیست و نه قانون برنامه عمرانی چهارم
۲۴۵	ماده یازده اساسنامه شرکت ملی نفت ایران
۲۵۲	قانون طرز تقویم و تملك اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی
۲۵۵	قانون نوسازی و عمران شهری
	قانون الحاق بند (د) بماده ۴ قانون اراضی دولت و شهرداریها
۲۷۲	و اوقاف و بانکها
۲۸۲	ماده پنجاه و يك : آثار حقوقی بعد از ملی شدن آب
۲۸۴	ماده ۸ قانون الحاق هشت ماده بآئین نامه اصلاحات ارضی
	ماده پنجاه و دو : استفاده از مراتع و اراضی موات و بایر برای
۲۸۵	ایجاد تأسیسات عمرانی
۲۸۷	فصل ششم : وصول آب بها و دیون : ماده پنجاه و سه
۲۹۳	ماده پنجاه و چهار
۲۹۵	فصل هفتم : جلوگیری از آلودگی منابع آب : ماده پنجاه و پنج
۲۹۶	ماده پنجاه و شش
۲۹۷	ماده پنجاه و هفت
۲۹۸	ماده پنجاه و هشت
۳۰۱	فصل هشتم : تخلفات و جرائم : ماده پنجاه و نه

صفحه	عنوان
۳۰۲	ماده شصت
۳۰۶	ماده شصت و یک
۳۰۹	فصل نهم : مقررات مختلفه : ماده شصت و دو
۳۱۰	ماده شصت و سه
۳۱۳	ماده شصت و چهار : مرجع تعیین صلاحیت علمی کارشناسان
۳۱۵	ماده شصت و پنج : لغو قوانین و مقررات مغایر با این قانون
۳۱۷	ماده شصت و شش : آئین نامه اجرایی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

مقدمه

در جلد اول و دوم کتاب حقوق آب راجع بکلیات واصطلاحات و عناوین کم و بیش مطالبی گفته شد. امیدوار است خوانندگان گرامی همانطوریکه در مقدمه جلد دوم کتاب تمنا شد این نویسنده ناتوان را با انتقاد و ارشاد توانائی بخشند و اگر نقص یا اشتباه یا نارسائی در بیان مطالب مشاهده فرمایند لطفاً با نظر اغماض اینجانب را راهنمایی کنند تا در مجلدات بعدی مورد استفاده قرار گیرد همچنین در مجلدات قبلی وعده داده شد که در مجلد سوم بتوضیح و تشریح یکایک مواد قانون آب و نحوه ملی شدن آن بپردازد تا نسبت بهر یک از مواد قانون آب شرح و توضیح لازم داده شده باشد اینک آنچه وعده داده شده بود ایفاء میگردد.

مر تفضی سرمد

قانون آب و نحوه ملی شدن آن

فصل اول - کلیات

بخش اول - مالکیت عمومی و ملی آب

ماده ۱

(کلیه آبهای جاری در رودخانه ها و انهار طبیعی و دره ها و جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و همچنین سیلابها و فاضل آبها و زهابها و دریاچه ها و مردابها و برکه های طبیعی و چشمه سارها و آبهای معدنی و منابع آبهای زیرزمینی ثروت ملی محسوب و متعلق بعموم است مسئولیت حفظ و بهره برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب بوزارت آب و برق محول میشود .)

از مفهوم و منطوق این ماده استنباط میشود که کلیه نزولات جوی جاری در بسترهای طبیعی یا ذخیره شده در مخازن طبیعی اعم از سطحی یا زیر زمینی متعلق بعموم افراد و ملی میباشد لکن آنچه در مخازن مصنوعی و اختصاصی مثل استخرها و آب انبارها و برکه ها و درمجارای قنوات و چاههایی که با اجازه دولت حفر شده باشد و یا بکیفیتی مورد تأیید مقامات مسئول قرار گرفته باشد متعلق بصاحبان آنها میباشد و پس از انتشار آگهی ملی شدن آن ناحیه و منطقه بر اساس مفاهیم مواد ۶۲ و ۶۳ همین قانون که ذیلا درج میگردد عمل خواهد شد .

(ماده ۶۲ - ملی شدن آب و مواد و مقررات مربوط بآن تدریجاً در حوزه آبریز رودخانه ها و منابع زیرزمینی منطقه بمنطقه و ناحیه بناحیه با توجه بامکانات مالی و فنی برنامه های عمرانی آگهی و اجرا خواهد شد .
تشخیص این مقررات خاص و تاریخ اجرای آن بعهده وزارت آب و برق است .)

(ماده ۶۳ - وزارت آب و برق موظف است که ششماه قبل از آغاز اجرای ملی شدن آب محدوده ناحیه یا منطقه مورد نظر را آگهی نماید تا مشمولین بوظایف و تکالیف خود و وزارت آب و برق واقف گردند) . بنا بصراحت ماده فوق حقوق افراد در آبهای موصوف در ماده ۱ این قانون تا وقتی که آگهی مقرر در مواد ۶۲ و ۶۳ نشر میشود محفوظ خواهد بود و پس پس از انتشار آگهی ملی شدن آب منطقه یا ناحیه طبق مفاد ماده ۵۱ عمل خواهد شد .

(ماده ۵۱ - در صورتیکه در اثر ملی شدن آب در ناحیه یا منطقه آب قنوات و چاهها و هر نوع تأسیسات استخراج آب زیرزمینی متعلق باشخاص تملك شود و یا در اثر اجرای طرحهای مربوط بملی شدن منابع موجود نقصان یافته یا خشك شوند بترتیب زیر برای جبران خسارت عمل خواهد شد .

۱ - در مواردیکه اراضی زراعتی آب مشروب شده بوسیله این منابع در محدوده طرح عمرانی قرار گیرند و تأمین آب آنها از منابع ملی شده طرح مقدور باشد یا در مواردیکه این اراضی خارج محدوده طرح عمرانی بوده و تأمین آب آنها از منبع دیگری بحد مصرف مفید امکان پذیر باشد فقط بهای عادلانه قنات یا تأسیسات استخراج آب طبق مقررات این قانون بمالك یا متضرر پرداخت میشود در غیر اینصورت خسارت طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ این قانون(۱) تعیین و پرداخت خواهد شد .

۲ - نسبت بچاهها وقنوات و تأسیسات مربوط باستخراج آب زیرزمینی که قانوناً میباید پروانه داشته باشند ولی بدون پروانه ایجاد شده اند طبق

(۱) - تبصره ۱ ماده ۵۰ - تاریخ ۲۸/۲/۱۳۳۷ مذکور در بندت ماده ۵ (ت) - در مورد باغهای میوه و قلمستانها و بیدستانهایی که بعد از تاریخ بیست وهشتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ احداث شده اند ارزیابی براساس اراضی مشابه زراعتی بترتیب مقرر در این قانون صورت خواهد گرفت ولی حقوق زارعین طبق بند پ این ماده محاسبه و اضافه بر بهای فوق بزارعین مربوطه پرداخت خواهد شد . (جمله (تاریخ تقدیم این لایحه) مندرج در ماده ۶ قانون طرز تملك اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوئی به (سال قبل از تصویب طرح مقدماتی) تغییر داده میشود .

تبصره ۲ ماده ۲۳^(۱) این قانون اقدام خواهد شد .

۳ - در مورد اراضی که از منابع ملی شده در داخل یا خارج طرح آبیاری میشوند و خسارت آنها طبق این قانون پرداخت شده است بهای آب مصرفی طبق مقررات و معیارهای وزارت آب و برق مانند سایر مصرف کنندگان آب از طرف مصرف کننده باید پرداخت شود .

۴ - در مورد اراضی و تأسیسات کشاورزی اشخاص و کشاورزانی که از خارج طرح بداخل طرح جابجا میشوند طبق ماده ۸^(۲) قانون راجع بالحاق هشت ماده بآئین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۲۲/۳/۱۳۴۶ عمل خواهد شد .

(۱) - چاه‌هاییکه از تاریخ ۴/۷/۴۲ با توجه بقوانین و مقررات طبق تشخیص وزارت آب و برق در مناطقی که از طرف وزارت آب و برق ممنوع یا محدود اعلام و آگهی شده و همچنین طبق این قانون غیر مجاز و بدون پروانه حفر شود بدون پرداخت هیچگونه خسارت بشخص وزارت آب و برق مورد استفاده آبیاری قرار داده یا با حضور نماینده دادستان محل مسدود خواهد شد .

(۲) ماده ۸ قانون راجع بالحاق هشت ماده بآئین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۲۲/۳/۴۶ .

ماده ۸ - در نواحی و مناطقی که دولت با اجرای طرحهای توسعه منابع آب و خاک و همچنین اجرای طرحهای توسعه آبهای سطحی و زیرزمینی یا احداث سد ها و بندها گروه چاههای عمیق و نیمه عمیق منابع آب را مهار کرده و بالنتیجه موجبات ازدیاد بهره برداری زارعینی که در اجرای قوانین اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند فراهم گردد ، دولت اجازه دارد نسق زارعین آبخور قدیمی را ارزیابی و معادل ارزش آن از اراضی داخل طرح بآنان منتقل نماید .

در صورتیکه این قبیل زارعین به اراضی بیشتری احتیاج داشته باشند در صورت امکان زمین اضافی مورد تقاضا حداکثر تا مساحت ۶ هکتار وسیله کمیسیون مندرج در تبصره ۲ این ماده ارزیابی و باقسط ۱۵ ساله بآنان فروخته میشود .

تبصره ۱ - مقدار زمینی که در اجرای این ماده در داخل محدوده طرح بزارعین واگذار خواهد شد در هر حال کمتر از میزان نسق قبلی آبی آنان نخواهد بود و دولت برای تأمین خانه و مسکن زارعین مذکور در محل جدید ضمن پرداخت ارزش تأسیسات قبلی آنان تسهیلات لازم را برای ساختن خانه و تأسیسات جدید فراهم خواهد نمود و بطور کلی زارعین مزبور از تمام مزایای طرح عمرانی بهره مند میشوند .

تبصره ۲ - بهای اراضی و مستحدثات و اعیان متعلق بزارعین از طریق توافق سازمان عمران دولتی مربوط و صاحبان آن تعیین میشود . در صورت عدم توافق بهای مذکور براساس احتساب قیمت عادلانه اراضی و مستحدثات مشابه واقع در حوزه عملیات بقیه پاورقی در صفحه بعد

با توجه به مواد مذکور حقوق مکتسب افراد از این منابع ولو بصورت حقا به باشد حفظ و رعایت شده و از گسیختگی نظام اقتصادی کشاورزی و صنعتی و خانگی جلوگیری بعمل آمده است .

در نتیجه حقوقی که افراد در اثر تصرفات مالکانه یا بعلت انعکاس در دفاتر جزء جمع یا اسناد مالکیت یا اسناد دولتی از این باب تحصیل نموده‌اند منظور میگردد و رعایت این مراتب همانطوریکه فوقاً اشاره شد تا زمانی است که آب ناحیه یا منطقه مورد نظر ملی اعلام نشده است و بمحض اینکه آب آن ناحیه یا منطقه ملی اعلام گردید حقوق اشخاص طبق ماده ۵۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن تأمین میگردد منتها عنوان مالکیت اشخاص منتفی و بجای آن پروانه مصرف مفید برای صاحبان حق صادر می‌گردد .

بنابراتب هر آبی که در بستر طبیعی جریان دارد یا در بستر طبیعی ذخیره شده است اعم از اینکه بصورت جویبار یا چشمه‌سار یا انهار طبیعی یا زیرزمینی ولو آب معدنی باشد بموجب ماده ۱ این قانون ملی شناخته میشود و متعلق بعموم است و اداره حق عمومی چه از نظر مدیریت و چه از نظر بهره‌برداری و توسعه از طرف دولت بعهده وزارت آب و برق گذارده شده است .

آبهای معدنی

در گذشته یعنی قبل از تاریخ تصویب این قانون بموجب بند ب طبقه دوم ماده ۱ قانون معادن مصوب ۲۸/۲/۱۳۳۶ نحوه استفاده و بهره‌برداری

بقیه پاورقی از صفحه قبل

عمرانی در تاریخ اجرای قانون در هر منطقه بوسیله کمیسیون مرکب از وزیر آب و برق - دادستان کل کشور - مدیر عامل سازمان برنامه - رئیس سازمان اصلاحات ارضی کل کشور - مدیر کل ثبت و یا نمایندگان آنان با توجه بنظر کارشناس تعیین خواهد شد . حضور زارع یا مالک یا نمایندگان‌شان در کمیسیون مذکور بلامانع است و رأی کمیسیون در این مورد قطعی است .

تبصره ۳ - در صورتیکه زارع یا مالک پس از تقویم و معرفی اراضی که باید بدانجا نقل مکان نماید بانتقال ملک و تخلیه و تحویل آن تمکین ننماید سازمان اصلاحات ارضی کل کشور پس از ۱۵ روز از تاریخ اخطار رأساً اسناد انتقال مربوطه را امضاء و زمین را بتصرف سازمان عمرانی مربوطه خواهد داد .

اداره ثبت و دفاتر اسناد رسمی و مأمورین انتظامی مکلف با اجرای دستورات سازمان اصلاحات ارضی در این مورد خواهند بود .

از آبهای معدنی بعهد وزارت صنایع و معادن سابق و یا وزارت اقتصاد فعلی بوده است و با تصویب قانون ملی شدن آب این اختیار بوزارت آب و برق محول شده است و ظاهراً وزارت آب و برق هم مترصد است پس از اعلام ملی کردن آب منطقه یا ناحیه‌ای در بهره برداری از آبهای معدنی با توجه به بند ج ماده ۱۹ قانون اقدام مقتضی بنماید .

نکته جالب توجهی که در بعضی از آبهای معدنی قابل ذکر است اینست که بعضی از این آبها پس از ظاهر شدن در سطح زمین و سرد شدن قابل استفاده در زمینهای زراعتی هستند بطوریکه در بعضی از معادن شهرستانهای اردبیل - سراب - مشگین شهر و بعضی از نقاط دیگر کشور مشاهده میشود از این نوع آبها در امور زراعتی استفاده مینمایند و پس از خروج از زیر زمین و ظاهر شدن در سطح زمین در استخرهایی جمع آوری مینمایند مادامیکه گرم است بعنوان آب معدنی و خواصی که برای آن قائل هستند استفاده مینمایند و پس از سرد شدن در زمینهای پائین دست از آن استفاده زراعی مینمایند . این نوع چشمه‌ها اکثراً با زمین چشمه‌ها بملکیت اشخاص طبق اسناد مالکیت درآمده‌اند و مالکین زمین از چشمه‌ها استفاده شخصی مینمایند و بعضی از آنها را اداره اوقاف و شیر و خورشید بهره برداری و از بعضی دیگر وزارت اقتصاد با واگذاری بمؤسسات دیگر بهره برداری میکند مثل آبعلی و غیره .

مطلب دیگری که قابل تذکر و یادآوری است موضوع استفاده از آبهای زیرزمینی است که طبق ماده ۱ ملی شده است .

بنابر آنچه گفته شد و نظر به ماده ۲۳ قانون ملی شدن آب تا انتشار آگهی ملی شدن آب در يك منطقه یا يك ناحیه هرکس در حدود مقدمات و مقررات میتواند با اجازه وزارت آب و برق از منابع آبهای زیرزمینی در نواحی و مناطق محدوده یعنی غیر ممنوع پروانه مصرف مفید تحصیل و بحفر چاه مبادرت کند .

شخصاً معتقد است در سالهای اول اجرای قانون ملی شدن آب در بیشتر قطبهای کشاورزی که دارای تأسیسات کامل آبیاری است و در نواحی و مناطقی که محدودیت میزان آبدهی آن بسیار کم است مثل دشت قزوین - شهرستان جهرم - شهرستان نائین زودتر از نقاط کوهستانی عملی خواهد بود

زیرا قانون مذکور بدو در ناحیه یا منطقه‌ای باید اجرا شود که وزارت آب و برق یا مؤسسات تابع قدرت و تسلط کامل بر آبهای سطحی و زیرزمینی آن ناحیه یا منطقه را دارا باشد و عملاً طوری باید آب را مهار کرده باشد که بتواند در سطح آن ناحیه و منطقه آب را به‌سولت توزیع و کنترل نماید و این مدیریت را ادامه دهد زیرا فقط در اینصورت و حالت است که حقا به حق‌الشرب تبدیل به پروانه مصرف مفید میگردد و وزارت آب و برق و مؤسسات تابع موظف به تحویل میزان آب مقرر در پروانه بمصرف‌کننده میباشند والا مسئول ضرر و زیان حاصل در صورت تکاھل در آبرسانی خواهند بود ولی در کوهستانها و نقاطی که تأسیسات کامل آبیاری نیست کمتر این توفیق بدست میآید و کمتر احتیاج حاصل میشود که آگهی ملی شدن آب در آن نواحی و مناطق اجرا گردد بهمین دلیل است که اجرای کامل ملی شدن آب در سراسر کشور ممکن است بیش از سی سال مدت لازم داشته باشد .

گرچه معلوم است که اصطلاح ملی شدن آب باین معنی و منظور بوده که این سرمایه متعلق بعموم افراد ملت میباشند و دولت باعتبار آنکه نماینده و حافظ حقوق ملت است اداره و نظم استفاده مردم از آب را بعهده میگیرد و اگر در عرف عمومی مؤسسه یا اموالی را که متعلق بافراد و اشخاص است مؤسسه ملی مینامند اطلاق (ملی) در این موارد صحیح نیست و بجای واژه (ملی) باید کلمه (اختصاصی) بکار برده شود .

نظر باینکه این سرمایه ملی متعلق بعموم است درآمد حاصل از آن باید طبق مقررات مالی و بودجه‌ای کشور بخزانة کشور واریز شود همان طوری که درآمدهای دیگر از قبیل درآمد نفت - تلفن - برق و نظایر آن بخزانة عاید میگردد .

در تشخیص بستر و حدود قانونی رودخانه‌ها و حریم دریاچه‌ها

ماده ۴

(بسترانهار طبیعی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب‌دائم یا فصلی داشته باشند متعلق بدولت است و پهنای آن تاحدی است که مسیر رودخانه یا نهر را در حداکثر طغیان معمولی نشان دهد و همچنین است ساحل دریاها و دریاچه‌ها طبق قانون اراضی ساحلی

مصوب ۶۶۵۲۵ بنا بر این ایجاد هر نوع اعیانی در بسترانهار و رودخانه‌ها و در سواحل دریا و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی با توجه بحریم قانونی ممنوع است مگر با اجازه وزارت آب و برق .

تبصره ۱ - حداکثر طغیان در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی با توجه به آمار هیدرولوژی رودخانه‌ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آنها بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی از طرف وزارت آب و برق تعیین خواهد شد .

تبصره ۲ - وزارت آب و برق در صورتیکه اعیانی‌های موجود در بسترانهار و رودخانه‌ها را برای بهره‌برداری آب و برق مزاحم تشخیص دهد بمالك یا متصرف اعلام خواهد کرد که ظرف مدت معینی در تخلیه و قلع اعیانی اقدام کند و در صورت استکفاف وزارت آب و برق با نظارت دادستان یا نماینده او اقدام به تخلیه و قلع خواهد کرد . در صورتیکه تا تاریخ تصویب این قانون ایجاد اعیانی با کسب اجازه از مقامات ذیصلاحیت شده باشد فقط خسارات اعیانی بترتیب مقرر در ماده ۵۰ تعیین و پرداخت می‌شود .

در گذشته یعنی قبل از تصویب این قانون بستر انهار طبیعی را مالکین مجاور از طریق اداره ثبت اسناد به ملکیت خود ثبت مینمودند و سند مالکیت تا خط القعر را میگرفتند بطوریکه غالباً بستر رودخانه متعلق بمالکین مجاور بستر میشد و هیچگونه تصرفی ولو استفاده از ماسه رودخانه را هم بمؤسسات دولتی برای تصرف و ساختمان تأسیسات آبیاری اجازه نمیدادند در صورتیکه طبق مواد فصل سوم باب اول قانون مدنی این نوع اموال مالک خاص نداشته و متعلق بعموم میباشد کما اینکه زمین بایر و موات یعنی زمین‌هاییکه بائر افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد طبق ماده ۲۷ قانون مدنی متعلق بعموم افراد است و مالک خاصی نمیتواند داشته باشد .

بهر صورت با توجه بمفاد ماده و استنباط از ماده ۲۵ قانون مدنی که عیناً جهت توجه بیشتر خواننده عزیز درج میگردد ، تملك اشخاص در بستر رودخانه وجهه قانونی و اصولی نداشته و با تصویب مواد مذکور از قانون ملی شدن آب بستر رودخانه‌ها به نص خاص متعلق بعموم (دولت) شناخته شده است . (ماده ۲۵ قانون مدنی - هیچکس نمیتواند اموال را که مورد استفاده عمومست و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب‌انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدانگاههای عمومی تملك کند و همچنین است قنوات و چاه‌هاییکه مورد استفاده عموم است) .

بهر حال علاوه بردلالت قانون مدنی و قانون ملی شدن آب ، در گذشته

هم قوانین وضع شده‌ای مثل تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید بقانون شهرداریها مصوب اسفند ۱۳۴۵ که ذیلا درج میشود همین استنباط را تأیید مینمایند .

(تبصره ۶ ماده ۹۶ - اراضی کوچه‌های عمومی و میدانها و پیاده‌روها و خیابانها و بطور کلی معابر و بستر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضل آب شهرها و باغهای عمومی و گورستان عمومی و درختهای معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملك عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است) که در واقع تأیید مراتب فوق الذکر است ولی همانطوریکه اشاره شد عملا بستر رودخانه ثبت میرسید و اشخاصی دعوی مالکیت مینمودند و گاهگاهی برای تأسیس مؤسسات آبیاری مشکلاتی فراهم میساختند . و همچنین اراضی ساحل دریاها و دریاچه‌ها طبق قانون اراضی ساحلی (۱) مصوب ۲۵ ر ۱۳۴۶ متعلق بعموم است و هیچکس حق ایجاد تأسیسات و استقرار اعیانی در بستر این انهار و مخازن و سواحل آنها را تا حد مقرر ندارد و برای اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز قانون مربوط به اراضی ساحلی را درج مینماید تا بمسائل مربوط بحریم این نوع تأسیسات توجه بیشتری مبذول گردد و دانسته شود که حریم قانونی کدام حریم است . بعقیده نگارنده منظور از ذکر حریم در ماده ۲ قانون آب حریمی است که در قانون اراضی ساحلی و قوانین دیگر ذکر شده است .

اما وسعت و پهنای این بسترها باید بموجب ضابطه‌ای که در قانون معین شده است تعیین گردد و آن ضابطه که در خود قانون پیشینی شده است عبارتست از حداکثر طغیان معمولی که طبق تبصره ۱ ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن باتوجه بآمار هیدرولوژی رودخانه‌ها و انهار و داغ آب

(۱) - قانون مربوط باراضی ساحلی ماده ۱ - اراضی حاصل از پائین رفتن سطح آب دریای خزر و دریاچه‌ها و یا خشک شدن مردابها و باطرافهای ساحلی اراضی متحدته محسوب و متعلق بدولت است و اشخاص حق تقاضای ثبت آنها را ندارند در صورتیکه نسبت باراضی مزبور تقاضای ثبت شده و منجر به ثبت در دفتر املاک نشده باشد درخواست ثبت آنها باطل است و اداره ثبت محل موظف است از وزارت کشاورزی بنمایندگی دولت تقاضای ثبت اراضی مزبور را بپذیرد .

بقیه پاورقی در صفحه بعد

در بستر طبیعی حداکثر طغیان معمولی را معین مینمایند . بنابراین پهنای هر بستر رودخانه و نهری را میتوان باتوجه به ضوابط مذکور معلوم نمود . در تبصره (۱) کلمه « حداکثر طغیان » تاحدی ایجاد مشکل مینماید - زیرا حداکثر طغیان گاهگاهی فوق العاده است و بعضی از شهرها و آبادیهای داخل شهر را فرا میگردد مانند طغیان رودخانه کارون در سه سال قبل یا رودخانه عباس آباد قم در چندین سال پیش اگر حداکثر طغیان ناظر بطغیانهای سی ساله یا هزار ساله باشد طبعاً مشکلات فراوانی ببار خواهد آورد که اساس مالکیت

بقیه پاورقی از صفحه قبل

و اراضی مستحده مذکور در فوق که از طرف اشخاص تقاضای ثبت شده و تا تاریخ ۴۲۷۱۳ (موضوع تصویب نامه شماره ۴۱۷۲۰ - ۴۲۷۱۳) ملک بنام آنها در دفتر املاک به ثبت رسیده و یا حکم قطعی مالکیت بنفع اشخاص صادر شده باشد از مقررات این ماده مستثنی است .

تبصره ۱ - حدود اراضی مستحده در مورد سواحل دریای خزر تا یکصد و پنجاه سانتیمتر ارتفاع از سطح آب دریا در آخرین نقطه مد خواهد بود و در مورد سایر منابع مذکور در ماده یک حدود اراضی مستحده محدود است که بنا به پیشنهاد وزارت کشاورزی و تصویب هیات وزیران تعیین میشود .

تبصره ۲ - وزارت کشاورزی مکلف است در مورد اراضی مستحده ساحلی دریای خزر حداکثر ظرف شش ماه و در مورد سایر منابع مذکور در ماده یک ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون حدود اراضی مستحده را با نصب علائم مشخص نماید .

تبصره ۳ - جنگلها و مراتع و اراضی جنگلی و بیشه های طبیعی واقع در محدوده اراضی مستحده ساحلی مشمول مقررات این قانون نبوده و در مورد آنها طبق قانون ملی شدن جنگلها و مراتع و آئین نامه مربوط عمل خواهد شد .

ماده ۲ - اراضی مستحده ساحلی باستثناء حریم که تا تاریخ تصویب این قانون در آنها عمران شده و مشمول مستثنیات ماده یک این قانون نیست بر اساس قیمتی که از طرف کمیسیون مندرج در تبصره ۴ این ماده تعیین میگردد از طرف دولت بصاحبان اعیان فروخته خواهد شد .

تبصره ۱ - در صورتیکه در ضرب الاجلی که از طرف وزارت کشاورزی تعیین میشود صاحبان اعیانی حاضر بخريد عرصه نشوند موظفند سالیانه ده درصد بهای اراضی مزبور را بعنوان حق الارض بدولت بپردازند و در صورت استنکاف طبق مقررات وصول مالیاتها با آنها رفتار خواهد شد .

تبصره ۲ - منظور از عمران ، احداث ساختمان و ایجاد باغ میوه یا باغ چای و قلمستان و انجام عملیات زراعی است . باغ میوه و قلمستان همانست که در قانون اصلاحی بقیه پاورقی در صفحه بعد

را در بعضی از شهرستانها که مجاور رودخانه های بزرگ است متزلزل میسازد .

باتوجه بیشتر بمفاد ماده ۲ و تبصره های مربوط و باضافه کردن کلمه معمولی بدنبال حداکثر طغیان رفع توهم فوق را مینماید و میتوان استنباط کرد که مقنن منظورش از ذکر حداکثر طغیان معمولی همان طغیانهای بهاره معمولی است که اندازه گیری طغیان از داغ آب و آمار هیدولوژی معلوم

بقیه پاورقی از صفحه قبل

قانون اصلاحات ارضی تعریف شده و باغ چای بمحلی اطلاق میشود که تعداد بوته های چای در هر هکتار کمتر از یک هزار عدد نباشد و منظور از انجام عملیات زراعی کاشت و برداشت محصولات کشاورزی طبق عرف محل میباشد .

تبصره ۳ - محوطه ساختمانها تا ده برابر مساحت زیر بنا مشمول مقررات این ماده است .
تبصره ۴ - قیمت ارضی را کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشاورزی - آبادانی و مسکن کشور با توجه بنحوه ارزیابی که در آئین نامه اجرائی این قانون تصریح میشود تعیین خواهد نمود تشخیص عمران بعهده وزارت کشاورزی است و در صورت بروز اختلاف بین اشخاص و وزارت کشاورزی کمیسیون مزبور با توجه به تعاریفیکه در این قانون شده رسیدگی و نظر خواهد داد نظراین کمیسیون قطعی و لازم الاجرا است .
ماده ۳ - حریم دریای خزر شصت متر از آخرین نقطه مد خواهد بود این حریم قابل تملک خصوصی نیست و مشمول ماده ۲۴ قانون مدنی است و لو آنکه متصرفین این قبیل ارضی اسناد مالکیت در دست داشته باشند ولی استفاده از حریم مزبور برای ایجاد تأسیسات بندری و گمرکی و نظامی و تأسیسات شرکت سهامی شیلات و سایر تأسیسات ضروری دولتی که جنبه اختصاصی نداشته و مورد استفاده عموم قرار بگیرد طبق آئین نامه اجرائی این قانون مجاز میباشد .

تبصره - حریم خلیج فارس و دریای عمان که بهر حال از آخرین نقطه مد کمتر از شصت متر نیست به پیشنهاد وزارت کشاورزی و تصویب هیئت وزیران تعیین و اعلام خواهد شد .

ماده ۴ - نسبت باراضی مستحده دریای خزر پس از وضع ۶۰ متر حریم ماده ۳ و همچنین بقیه ارضی مذکور در ماده ۲ که بموجب این قانون بنام دولت ثبت میرسد و یا قبلاً ثبت رسیده و از طرف دولت بکسی واگذار نشده باشد بر تیب ذیل عمل میشود .
۱ - ارضی مستحده ای که در محدوده شهرها قرار دارند بشهرداری محل واگذار میشود و شهرداریها حق انتقال و فروش ارضی مذکور را بهیچ صورت و عنوان ندارند ولی میتوانند با انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی بمنظور تأسیس دریابار (پلاژ) و تفریحگاه های عمومی باجاره واگذار و درآمد حاصله را بمصرف عمران بقیه پاورقی در صفحه بعد

میشود و اگر حداکثر طغیان آب را طغیانهای اتفاقی و استثنائی سی ساله یا هزار ساله تصور نمائیم امکان قلع و قمع کردن ساختمانها و اعیانها در تمام عرض و طول چنین بستری غیرمقدور است و بعلاوه تملك دولت در این زمینها امکانپذیر نمیشود. بنابراین گرچه در ابتدای تبصره ۱ بعد از جمله حداکثر طغیان ذکر معمولی نشده است لکن چون در اصل ماده حداکثر طغیان

بقیه پاورقی از صفحه قبل

شهر برسانند.

۲ - اراضی مستحدهایکه خارج از محدوده شهرها باقی میماند با رعایت تقدم بشرح زیر در اختیار مؤسسات دولتی و سازمان جلب سیاحان و پیش‌آهنگی و مؤسسات خیریه از قبیل جمعیت خیریه فرح پهلوی و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و بنیاد پهلوی و جمعیت شیروخورشید سرخ ایران و نظائر آنها گذارده میشود مؤسسات دولتی منحصرأ باید از اراضی مزبور برای ایجاد تأسیسات ضروری استفاده نمایند و حق واگذاری بکارمندان یا ایجاد پلاژ و تفریحگاه و امثال آن را ندارند.

سازمان جلب سیاحان میتواند در اراضی مزبور تأسیساتی که ضروری بداند احداث و یا با تصویب هیئت وزیران و انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به ایجاد چنین تأسیساتی بنماید در مورد مؤسسات خیریه میزان زمین واگذاری متناسب با تأسیساتی است که باید ایجاد شود.

۳ - بقیه اراضی مستحده طبق قانون و مقررات فروش اموال دولت فروخته خواهد شد مالکانیکه اراضی مستحده بین اراضی آنها و دریا قرار گرفته ظرف یکماه از تاریخ اخطار کتبی وزارت کشاورزی در صورت تساوی شرایط حق تقدم در خرید دارند.

تبصره - مؤسسات مندرج در بند ۲ این ماده مکلفند ظرف سه سال از تاریخ واگذاری تأسیسات مناسب در اراضی مستحده بوجود آورند در غیراینصورت با تصویب هیئت وزیران کلیه یا قسمتهای زائد بر احتیاج این مؤسسات مسترد و طبق بند ۳ این ماده بفروش خواهد رسید.

در مورد اراضی که قبل از تاریخ تصویب این قانون واگذار شده است چنانچه تأسیسات موردنظر حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در آنها بوجود نیاید طبق بند ۱ و ۳ این ماده با آنها رفتار خواهد شد.

ماده ۵ - دولت مکلف است از نزدیکترین جاده اصلی بدریا راههای فرعی عبور و مرور تا حریم دریای خزر درمحلنهای مناسب ایجاد نماید. فاصله این راههای فرعی از یکدیگر نباید از شش کیلومتر بیشتر و عرض آنها از نه متر کمتر باشد در صورتیکه برای احداث راههای مزبور استفاده از اراضی ملکی اشخاص ضرورت داشته باشد و یا احتیاج بتخریب ساختمان یا تصرف قسمتی از باغات یا اراضی مزروعی پیدا شود دولت میتواند طبق مقررات مربوط به ایجاد راهها اقدام نماید.

بقیه پاورقی در صفحه بعد

معمولی قید شده است لذا با توجه به قید مذکور رفع ابهام میشود و نظر قانونگذار را میتوان استنباط نمود که طغیان معمولی است نه طغیانهای اتفاقی و استثنائی مخصوصاً متصدیان امور هم باید رعایت این نکته را بنمایند تا بستر واقعی رودخانه بملکیت دولت درآید و بتدریج باید این بسترها با تهیه مشخصات و کاداستر و نقشه‌های لازم هر رودخانه مشخص گردد تا اشخاص مبادرت به کار ساختمانی در این نوع بسترها نمایند و در نتیجه ساختمان آنها منجر بقلع و قمع نشود و ضرر غیرقابل جبرانی را تحمل نمایند و اگر بعداً مقتضی شود که موادی از این قانون را اصلاح یا تکمیل یا تفسیر نمایند شایسته است که کلمه حداکثر حذف شود و یا لااقل بدنبال طغیان کلمه «معمولی» در همه جا اضافه گردد. شاید این اشکال برای اشخاصیکه مقیم تهران بوده و هستند چندان موضوعیت نداشته باشد زیرا که فقط در بعضی از جرائم خرید و فروش اراضی مسیل را خوانده یا شنیده یا در جریان معامله قرار گرفته‌اند در صورتیکه تا تاریخ تصویب این قانون اساساً بحث طغیان و عنوان حداکثر و طغیان معمولی و یا غیر معمولی نبوده و چنین رودخانه‌هایی هم در شهر تهران وجود نداشته است. اما اشخاصیکه در مسیر این سیلابها قرار میگیرند و یا در مسیر رودخانه‌های بزرگ مثل سفیدرود و کارون و

بقیه پاورقی از صفحه قبل

ماده ۶ - کلیه نقل و انتقالات و اقداماتی که برای ثبت اراضی مستحده ساحلی بعمل میآید باید با ذکر ابعاد و مساحت باشد.

ماده ۷ - سی (۳۰) درصد از وجوه حاصل از اجرای مقررات این قانون برای ایجاد تاسیسات عمومی در یابار (پلاژ) در اختیار شهرداری محل گذارده میشود و پنجاه درصد در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار خواهد گرفت تا بمصرف ایجاد راههای مناسب بین جاده اصلی و دریا بار و پرداخت بهای تاسیسات واقع در مسیر جاده موضوع ماده ۵ برساند و بقیه بمنظور احداث پارکهای جنگلی در اختیار وزارت کشاورزی قرار خواهد گرفت.

تبصره - دولت مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون اعتبار لازم بمنظور نقشه برداری و نصب علائم و تعیین حدود اراضی مستحده ساحلی شمال را در اختیار وزارت کشاورزی قرار دهد.

ماده ۸ - آیین‌نامه اجرائی این قانون حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب وسیله وزارت کشاورزی تهیه و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۹ - دولت مامور اجرای این قانون است.

رودخانه ارس بوده‌اند بخوبی میدانند چه ضرری این کلمه حداکثر بر آنها وارد و چه تزلزلی در مالکیت آنان فراهم میسازد و شاید هزاران نفر در اثر اجرای این ماده به‌استناد کلمه « حداکثر » و بدون توجه به‌قید کلمه « معمولی » بعد از طغیان‌های استثنائی و فوق‌العاده بی‌خانمان گردند و حال آنکه نظر دولت و قانون‌گذار این نبوده است که حداکثر طغیان‌های اتفاقی و استثنائی شاخص حدود بستر باشد .

همانطوریکه اشاره شد علت تزلزل و ناراحتی ساکنین اطراف بستر رودخانه‌ها و انهار اجرای مفاد تبصره ۲ این ماده است که وزارت آب و برق در صورتیکه اعیانی احداثی آنها را مزاحم تشخیص دهد اعیانی‌هایی که در این بسترها بدون اجازه مقامات صلاحیت‌دار ایجاد شده است پس از اعلام و دادن مهلت مخصوص قلع و قمع خواهد کرد . در صورتیکه ایجاد اعیانی با اجازه مقامات صالحه باشد فقط خسارت اعیانی را می‌پردازد . در اینجا شاید سؤال شود که منظور از مقامات صلاحیت‌دار چه مقاماتی است .

در گذشته بنگاه مستقل آبیاری برای ایجاد آبدنك و آسیاب به‌بعضی از مالکین اطراف رودخانه اجازه احداث اعیانی میداد و یا شهرداری‌ها از نظر احتیاجات یا حفظ زیبایی شهر به بعضی از مؤسسات اجازه احداث اعیانی میدادند و یا آنکه در اثر مرور زمان و ثبت رساندن عرصه و اعیان در بستر رودخانه اشخاص سند مالکیت دریافت می‌داشتند جمعاً اینگونه اجازات را اجازه مقام صلاحیت‌دار میتوان دانست و باید منظور مقنن هم از ذکر مقامات صلاحیت‌دار همین مقامات باشد مثلاً امروزه در بستر بعضی رودخانه‌ها در تابستان و یا پاییز عده‌کثیری از کشاورزان بکارکشت و زرع مشغول میشوند طبیعی است در موقعیکه وزارت آب و برق بخواهد رفع مزاحمت نماید در صورت وجود زرع و ریشه باید خسارات این اشخاص را باعتبار حق تملك که در اثر مرور زمان پیدا کرده‌اند و بقاعده‌الزرع للزارع بابت اعیانی بدهد و از بابت اراضی بیشتر در هیچیک از موارد وجهی نخواهد پرداخت زیرا بستر رودخانه طبق قانون مدنی و طبق قانون شهرداری و طبق این قانون از روزگاران نخست از اموال عمومی شناخته شده و متعلق بعموم است و پرداخت خسارت بابت عرصه خلاف قانون خواهد بود و کیفیت پرداخت

خسارت بترتیب مقرر در ماده ۵۰ قانون آب است که قبلا این ماده از نظر خواننده عزیز گذشته است .

بخش دوم - حقابه و اجازه مصرف

ماده ۳

(حقا به عبارتست از حق مصرف آبی که در دفاتر جزء جمع یا اسناد مالکیت یا حکم دادگاه یا مدارک قانونی دیگر قبل از تصویب این قانون بفتح مالك آن تعیین شده باشد .)

کلمه حقابه که از حق و آب ترکیب شده است و بصورت لغت ملمعی درآمده که کلمه فارسی آن بهر آبه است که در جلد دوم کتاب اینگونه لغات و اصطلاحات بقدر لزوم تعریف شده اند .

اشخاصی که در کنار و اطراف رودخانه ساکن بوده اند در طول زمان از آب رودخانه برای کار کشاورزی و رفع نیازمندیهای مربوط بکشاورزی و خانگی استفاده میکردند و در تاریخی که مالیات بر اراضی مزروعی در وزارت دارائی فعلی که وزارت مالیه سابق باشد معمول شد برای تحصیل زمینه تعیین عایدی نسبت بمیزان کشت و درآمد دفاتری تنظیم نمودند و میزان آبی را که هر کس از رودخانه برداشت مینمود بواحد مخصوص محل مثل سنگ ، جام ، فنجان و غیره در دفاتر درج و قید میکردند و این دفاتر را دفاتر جزء جمع نامیدند و اداره خالصه وزارت دارائی سابق بوضع رودخانهها رسیدگی میکرد و از بابت امر حفاظت و مدیریت از هراستفاده کننده آب رودخانه مبلغی دریافت مینمود و رقم دریافتی را بمیزان آب مصرفی در دفاتر جزء جمع درج میکردند .

یکی از اسنادی که میزان حقابه مالکین و شاربین در آن درج شده است طومارهایی است که بدستور سلاطین و حکمرانان وقت تنظیم میگردد اکثر این طومارها در اثر اختلافات زیاد شاربین تنظیم شده است تا مشاجره و استفاده مقدم و مؤخر که مورد نزاع افراد بوده رفع شود و از روی همین طومارها بتدریج دفاتر جزء جمع تنظیم گردید . ظاهراً اصول طومارها در اداره بیوتات سلطنتی بایگانی است و برای نمونه فتوکی کوچکی از طومار

رودخانه کرج که بدستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر و بخط میرزا آقاخان صدراعظم و بوسیله موسی مرآت‌الممالک ترسیم و تهیه شده است و بمهر میرزا تقی‌خان امیرکبیر ممهور گردیده ذیلاً از نظر خواننده عزیز میگذرانند . پس از تشکیل ثبت اسناد و املاک کشور که برای برقراری ضوابط قاطع و رسمی نسبت بمالکیت افراد در املاک و اراضی و استحکام معاملات و روابط مالی و حقوقی افراد در مورد اسناد وسیله مؤثری تشخیص داده شده بود صاحبان املاک در تقاضاهائی که برای ثبت املاک خود و بدست آوردن اسناد مالکیت باداره ثبت تسلیم نمودند ضمن تقاضاهای خود راجع بملک به میزانهای مختلفی نیز حق استفاده از آب رودخانه را بنام حقاچه یا حق الشرب به ثبت رسانده و اسناد مالکیتی باقید مقداری حقاچه بمیل خود بدست آوردند و حتی برای شرب باغات خود نیز با دادن سرباز بتحصیل حقاچه دست یافتند . در آنموقع یعنی بیست و پنجسال قبل اینجانب با سمت و عنوان یکی از مدیران بنگاه مستقل آبیاری با هم‌فکری سایر همکاران باین نکته توجه کردیم که برقراری حق استفاده از آب رودخانه بکیفیت مذکور منطبق با مصلحت و اصول نیست و باید ضابطه‌ای منطقی و صحیح برای این موضوع در نظر گرفته شود .

چه آنکه اصولاً آب رودخانه متعلق بعموم است و این حق عمومی باید با وضع مقررات عادلانه‌ای مورد استفاده افراد واقع شود که بحق افراد دیگر تعدی و تجاوزی صورت نگیرد و با مسئله انحصار از طرف اشخاص راه بهره‌مندی آینده افراد دیگر مسدود نشود باین جهت شرحی باداره ثبت کل نوشته و تذکر داده شد که از تعیین حقاچه در اسناد مالکیت بصرف تقاضا و میل متقاضیان که غالباً موجب تضییع حق دیگران است خودداری نمایند و نظم و ترتیبی را که با واقعیت و عدالت توأم باشد در نظر بگیرند و بالجمله در تعیین مقدار حقاچه مورد تقاضای افراد شایسته است که نظر مقامات صلاحیت‌داری ملاک عمل قرارگیرد .

متأسفانه باین تذکر در آنموقع توجه شایسته‌ای نشد و فقط مقرر شد که در اسناد مالکیت بجای تعیین حقاچه بمقیاس (سنگ و سهم و جام و غیره) بمیزان معمول و عرف محل اکتفا کنند و البته این ضابطه علاوه بر آنکه خود

موجب اختلاف در تشخیص عرف محل است منظور اصلی راکه بآن اشاره شد تامین نموده است و نتیجه این سبک و روش درباب میزان حقابه و درج وقید انطباق عرف و معمول محل در اسناد مالکیت از زیاده روی اکثر متقاضیان و تجاوز بحقوق سایر افراد جلوگیری نمود .

نتیجه آنکه با توجه بکل میزان حقابه های مذکور و اسناد مالکیت رودخانه کرج و مقایسه آن بامقدار کل بده آب رودخانه یا مخزن سد مشاهده میشود که مقدار کل حقابه های مذکور بر مقدار آب موجود یعنی بده آب رودخانه و مخزن فزونی دارد و این افزایش بدو جهت حاصل گردید اول همان رویه قبول تقاضاهای متقاضیان بدون در نظر گرفتن واقعیات و حقوق دیگران و دوم افزایش سطح کشت و توسعه مزارع و باغات .

باتوجه بمراتب مذکور است که تهیه کنندگان طرح قانون آب در مقام چاره جوئی رفع این اشکالات برآمده و برای تعدیل و برقراری نظم صحیحی در تعیین میزان مصارف مربوط بوضع ماده ۵ و تشکیل هیئت های سه نفری و پنج نفری پرداخته و انجام این منظور مهم را به رسیدگی های مقرر در ماده ۵ و ۶ و ۷ و ۸ بهیئت های مذکور محول نموده اند .

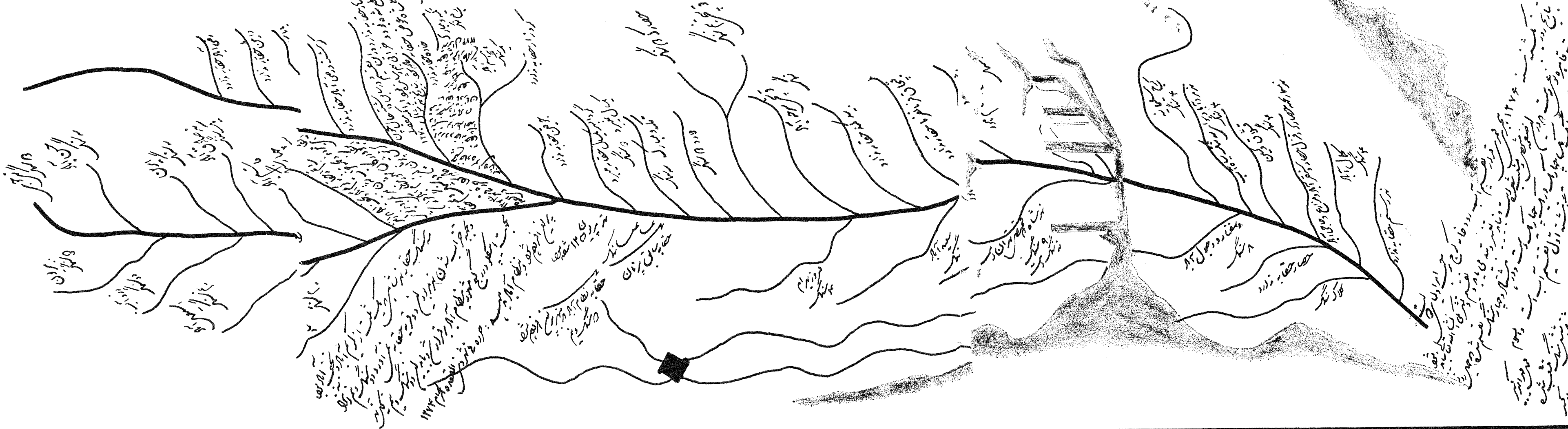
توضیحاتی در مبحث مصرف

ماده ۴

(اجازه مصرف حتی است که بمنظور استفاده مفید و معتول از آب با رعایت مکررات پیش بینی شده در این قانون از طریق صدور پروانه باشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار میشود .)

در این قانون دونوع حق برای استفاده اشخاص حقیقی یا حقوقی در نظر گرفته شده است یکی حقابه که در شرح ماده ۳ گفته شد و دیگری اجازه مصرف آب .

در گذشته یعنی قبل از تصویب این قانون آنهایکه طبق دفاتر جزء جمع ویا اسناد مالکیت و یا احکام دادگاهها ویا دفاتر رسمی ادارات و مؤسسات مربوط اجازه استفاده از آب را بعنوان حقابه داشتند در این قانون هم این حق برای آنها تأیید شده است .



نهر زینابخان در دهانه خود از شمال به جنوب جاریست و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 این نهر از قزوین میگذرد و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.

نهر غار از شمال به جنوب جاریست و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 این نهر از قزوین میگذرد و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.

نهر قزوین از شمال به جنوب جاریست و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 این نهر از قزوین میگذرد و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.

نهر قزوین از شمال به جنوب جاریست و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 این نهر از قزوین میگذرد و در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.
 در دهانه خود به دریای کاسپین میریزد.

اما عده‌ای هم بودند که باین عنوان حقی نداشتند ولی املاک و نیازمندی‌هایی داشتند که از آب مازاد رودخانه و یا مخازن آن و یا مخازن سدها استفاده میکردند و از مقامات صلاحیت‌دار و مسئول اجازه مصرف آب می‌گرفتند بدین توضیح که طبق قرارداد اعم از رسمی یا غیررسمی برای مصارف خود یا موسساتشان آب می‌خریدند و سالها با تجدید قرارداد مستمراً از آب مخازن اعم از رودخانه یاسد استفاده مینمودند و اراضی یا کارخانجات خود را با آن آب مشروب میکردند و در واقع از طریق خرید آب مصارف خود را تأمین مینمودند و در بعضی از موارد باین نوع اجازه‌ها هم حق‌الشراب میگفتند و چون در اثر استفاده ممتد ذیحق در مطالبه و استمرار آن بودند از اینرو در این ماده این حق بعنوان اجازه مصرف شناخته شده است منتها چون در این قانون مخصوص و در بعضی از موادش بالصراحه جنبه اقتصادی مصرف موردنظر بوده است از اینرو تمام اجازه‌ها و تأییدات باید مبتنی بر مصرف اقتصادی باشد بهمین دلیل متعاقب هر کلمه پروانه مصرف صفت مفید قید شده است تا مصرف‌کننده بخوبی بداند که باید مصرفش اقتصادی باشد .

این دو نوع حق که یکی حقابه باشد و دیگر اجازه مصرف بموجب این ماده و بعضی دیگر از این مواد که بعداً بشرح آن مبادرت مینماید باید بصورت پروانه مصرف مفید و یا پروانه مصرف مفید و معقول درآید .

غرض از اصرار مقنن در تبدیل این دو نوع با اجازه مصرف یا به پروانه مصرف اینست که در موقعی که آب در ناحیه‌ای ملی اعلام شد بعنوان حق خصوصی برداشته شود و بعلاوه سهمیه‌ایکه وزارت آب و برق برای اشخاص تحت عنوان پروانه مصرف قائل میشود جایگزین حقابه مندرج در سند مالکیت و یا اسناد دیگر و اجازه مصرف گردد . شاید لازم بتوضیح نباشد که گفته شود که شخصیت حقیقی مذکور در ماده فوق یا در سایر مواد همان اشخاص و یا افراد و شخصیت حقوقی مؤسسات و شرکتها و ادارات و یا وزارتخانه‌ها میباشند .

تبدیل حقا به پروانه مصرف

ماده ۵

(در رودخانه‌هاییکه مجموع حتابه مصرف کنندگان بیش از میزان واقعی و عادی رودخانه‌ها باشد و حتابه‌های موجود بمصرف مفید نرسد وزارت آب و برق میتواند درهر ناحیه تا تاریخ اعلام اجرای قانون ملی شدن آب بوسیله هیئت‌های سه نفری و پنج‌نفری طبق مواد ۷ و ۸ این قانون با توجه بمدارک موجود ومیزان آب رودخانه و کیفیت تقسیم ومصرف ومعمول محل در تعیین میزان حتابه بمصرف کنندگان تجدیدنظر کند و نظریه هیئت‌های مزبور پس از قطعیت بوسیله وزارت آب و برق بمورد اجرا گذارده میشود .)

همانطوریکه در شرح ماده ۳ اشاره کردیم در اثر مرور زمان و صدور اسناد مالکیت و نیاز روزافزون افراد و استفاده کنندگان به آب سطحی روز بروز میزان مصرف از آب رودخانه اضافه میگردد بطوریکه امروز مدعیان حق با داشتن اسناد مالکیت و یا اسناد رسمی بیش از ظرفیت آبد رودخانه و در بعضی از رودخانه‌ها بیش از مخزن سد و آبد رودخانه خواهان حقا به و اجازه مصرف هستند که طبعاً در اثر اجرای این ماده خواستار پروانه مصرف مفید میباشند .

برای اینکه اشخاص بحق واقعی خود برسند بعضی از متصدیان در مقام تهیه کاداسترو مشخصات میباشند که باتعیین نام هر مالک و میزان مالکیت آنان و نوع کشت وانواع بهره برداری و میزان استفاده از آب رودخانه یا منبع آب و نقشه برداری جامع از این املاک با در نظر گرفتن چگونگی و کیفیت مصرف و معمول و عرف محل میزان حقا به واقعی هر یک از مالکین را بوسیله هیئت‌های مخصوصی که مقرر شده است معین کنند و بآنها پروانه مصرف بدهند .

تا از این طریق رفع تجاوز و اشتباهکاری گذشته بشود و آب رودخانه و یا مخازن آن بتناسب سطح کشت و نیازمندی مصرف کنندگان تقسیم و توزیع گردد و برای آخرین دفعه بیک سلسله مطالبات و ادعاهای واهی خاتمه داده شود و زمینه را هم برای ملی کردن آب در آن ناحیه فراهم سازد .

این کار در بعضی از کشورهای توسعه یافته هم سابقه دارد یعنی کشورهای که باصول مالکیت پای بند میباشند و برای تثبیت و استقرار مالکیت افراد موسساتی را ایجاد مینمایند .

در آن کشورها هم افراد زرنگ و موقع شناس بودند که در اثر بی اطلاعی مقامات دولتی بیش از میزان واقعی درخواست ثبت حق ادعائی خود را نمودند و مقامات مربوط هم نسنجیده این ادعاها را بعنوان حق تأیید نمودند .

اما در موقعیکه دولت تأسیساتی در آن رودخانه برقرار کرد و خواست که آب مازاد رودخانه را بفروش رساند مواجه با این اشکال شد که طبق اسناد دولتی ادعای مالکین بیش از میزان آبد و مخزن رودخانه و سد میباشد از اینجهت ب فکر تعدیل این حقوق ادعائی افتاد و تقریباً مشابه مفاد این ماده اقدام و نتیجه مثبتی بدست آوردند امیدوار است که وزارت آب و برق هم در موقع اجرای این ماده و مواد ۷ و ۸ این قانون نتیجه گیری صحیحی بکنند که توزیع عادلانه آب صورت پذیرد .

تشریفات تبدیل حقا به پروانه مصرف مفید

ماده ۶

(از تاریخ اعلام اجرای ملی شدن آب در هر ناحیه و منطقه وزارت آب و برق مکلف است طبق ماده ۷ این قانون با تعیین هیئتهای سه نفری پروانه مصرف مفید با قید حجم آب قابل تحویل برای امور کشاورزی یا صنعتی یا مصارف شهری و سایر مصارف مذکور در این قانون برای دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان صادر کند و پس از صدور پروانه مصرف مفید حقا به های موضوع ماده ۳ منتهی است .

تبصره - اجرای مواد ۵ و ۶ این قانون در مورد تبدیل حقا به به پروانه مصرف مفید و صدور پروانه مصرف ایجاد حق برای تغییر مال الاجاره یا قیمت املاکی که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به اشخاص واگذار شده یا خواهد شد نخواهد کرد .)

بموجب این ماده تاریخ تبدیل حقا به پروانه مصرف مفید در هر ناحیه و منطقه پس از اعلام ملی شدن آب می باشد .

در این ماده همانطوریکه در فوق هم اشاره شد قانون دو نوع از استفاده کنندگان و متقاضیان را صاحب حق شناخته است یکی صاحبان حقا به دیگری مصرف کنندگانی که با اجازه مقامات صلاحیت دار مجاز بمصرف آب میباشند خواه مصرف برای کشاورزی یا صنعتی و خواه برای امور خانگی باشد .

بنابراین در نتیجه اجرای این ماده حقوق حقا به دارها و مالکین حق الشرب به پروانه مصرف مفید تبدیل و تثبیت میگردد و از آن تاریخ عنوان حقا به دفتر املاک و دفاتر جزء جمع و اسناد مالکیت و احکام حذف خواهد شد .

چون در این ماده مخصوصاً ذکر مفید متعاقب کلمه پروانه آمده است باید باین امر توجه داشت که در پروانه مصرف مفید بدو نکته که ذیلا درج میگردد دقت بیشتری شود .

۱- حجم آب قابل تحویل

۲- نوع مصرف

در مورد حجم آب قابل تحویل همانطوریکه در مقدمه یادآور شدیم احتمال داده میشود که در گذشته اشخاص برخلاف واقع و یا بر اساس اشتباهکاری در حین عملیات ثبتی و یا ترافیعی توانسته باشند چندین سنگ حقا به اضافه برحق واقعی بدست آورند . از اینرو مقرر شده است که هیئت سه نفری که طبق ماده ۸ متشکل از سه کارشناس منتخب وزارتین آب و برق و کشاورزی میباشد بمجموع دبی (بده) آب رودخانه و میزان سطح کشت و صاحبان حقوق و مصرف کنندگان آب توجه نماید و یکایک حقوق سابقه را تبدیل به پروانه مصرف مفید کند .

بنابراین احتمال داده میشود که رقم حجم آبی که کمیسیون مذکور تعیین میکند همان رقمی باشد که در اسناد مالکیت یا اسناد رسمی گذشته درج گردیده است . و بعلاوه طبق دلالت ماده ۵۳ این رقم که احتمال داده میشود از واحدهای محلی اتخاذ شده باشد مثل سنگ یا فنجان یا جام یا

سهم تماماً پس از تبدیل به پروانه مصرف مفید بواحدهای سیستم متريك تبدیل خواهد شد و برای اینکه بعداً مشکلاتی ایجاد ننماید حق براینست که در پروانه مصرف مخصوصاً قید گردد مثلاً دو سنگ یا بیست لیتر آب درنایه تا از هرگونه ادعائی جلوگیری شود تا بتدریج کشاورزان هم بواحدهای جدید آشنا شوند .

موضوع دوم که کاملاً حائز اهمیت است موضوع نوع مصرف است زیرا نوع مصرف کیفیت استفاده اش متفاوت است مثلاً مصرف صنعتی کیفیت استفاده اش با مصرف کشاورزی و دامداری و خانگی اختلاف دارد .

و چون کیفیت مصرف کاملاً متفاوت است باید در پروانه مصرف علاوه بر ذکر رقم میزان آب مورد مصرف نوع مصرف هم قید شود تا در نوبت بندی و در مواقع کم آبی کاملاً اقدمیت مصرف مراعات شود .

مطلب قابل توجه دیگری که از تبصره ماده ۶ استنباط میگردد اینست که پروانه بر دو نوع است یکی پروانه مصرف و دیگری پروانه مصرف مفید .

پروانه مصرف را میشود از تاریخ تصویب قانون بهره‌کسیکه استفاده از منابع آب میکند و تحصیل اجازه مینماید داد لکن پروانه مصرف مفید فقط ناظر بتاريخ اعلام ملی شدن آب در هر ناحیه و منطقه است .

بنابراین در پروانه‌هاییکه در این ایام یعنی قبل از اعلام ملی کردن آب در هر ناحیه و منطقه صادر میشود باید فقط نوشته شود پروانه مصرف. ولی پس از آنکه در آن ناحیه و یا منطقه آب ملی شد همین پروانه‌های مصرف با توجه بعواملی که در امر ملی کردن ملحوظ میگردد که تحقیقاً یکی از آن عوامل مصرف مفید میباشد باید تبدیل به پروانه مصرف مفید گردد .

با این توضیح دانسته شد که پروانه مصرف با پروانه مصرف مفید یکی نیست بلکه پروانه مصرف به پروانه‌هایی میگویند که بموجب این قانون بعنوان جواز مصرف داده میشود و پروانه مصرف مفید آنست که اولاً بعد از اعلام ملی شدن آب در هر منطقه صادر میشود ثانیاً در نتیجه رسیدگی هیئت سه نفری مذکور در مواد ۷ و ۸ با توجه بحقوق سابق و ضوابط مقرر در این قانون اعطا شود .

چنانکه مفاد و صراحت عبارات ماده ۱۰ این قانون مؤید تفسیر و توضیح فوق است طبق ماده ۱۰ استفاده از منابع مذکور در ماده ۱ این قانون موکول بتحصیل پروانه مصرف است بعلاوه اجرای تشریفات صدور پروانه مصرف مفید تابع مقررات آئین نامه مخصوص قرار گرفته - یعنی قانون برای حفظ سیره جاریه و تشویق و ترویج زراعت پروانه مصرف را عاری از تشریفات قرار داده اما پروانه مصرف مفید را که يك ابداع اساسی است تابع آئین نامه و بررسی هیئت سه نفری و مقررات مخصوص دانسته است .

با این توضیح بخوبی استنباط میشود که پس از چندی پروانه مصرف هم باید تبدیل به پروانه مصرف مفید گردد زیرا بعد از اعلام ملی شدن آب معقول نیست که مصرف غیر مفید باشد .

در نتیجه تبدیل حقا به مصرف مفید ممکن است مالکین یا مستاجرین تحت عنوان نقصان یا زیادی آب برای تقویم ملك یا بروفق اجاره ادعائی کنند و حقی برای خود قائل شوند در اینخصوص تبصره ماده ۶ مقرر داشته :

(اجرای مواد ۵ و ۶ این قانون در مورد تبدیل حقا به پروانه مصرف مفید و صدور پروانه مصرف ایجاد حق برای تغییر مال الاجاره یا قیمت املاکی که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی واگذار شده یا خواهد شد نخواهد کرد) .

یعنی بعد از اجرای مواد ۶۲ و ۶۳ قانون ملی شدن آب قاعده فوق مراعات میشود بدیهی است با تغییر میزان آب در مقدار تولید تغییرات زیاد ایجاد میشود و رعایت حقوق ناشی از آن تغییرات باید در اصلاحات بعدی آن قانون پیش بینی شود .

وظائف و اختیارات هیئت های سه نفری و پنج نفری

ماده ۷

(وزارت آب و برق موظف است بمنظور تعیین میزان مصرف مفید آب برای امور کشاورزی یا صنعتی یا مصارف شهری از منابع کشور برای اشخاص حقیقی یا حقوقی که در گذشته حقا به داشته اند و تبدیل آن به اجازه مصرف مفید هیئت های سه نفری در هر ناحیه یا منطقه تعیین کند .

این هیئت‌ها طبق آئین‌نامه‌ای که از طرف وزارت آب و برق و وزارت کشاورزی تدوین می‌شود بر اساس اطلاعات لازم نسبت به مقدار آب موجود و میزان سطح کشت و محل مصرف و انشعاب و کیفیت مصرف آب و معمول و عرف محل و سایر عوامل رسیدگی خواهد کرد و پروانه مصرف طبق نظر این هیئت صادر خواهد شد معترض برای هیئت سه نفری اعتراض خود را بوزارت آب و برق تسلیم می‌کند تا در صورت موافقت وزارت آب و برق بهیئت پنج‌نفری ارجاع شود رأی هیئت پنج‌نفری قطعی و لازم‌الاجرا است .

در این ماده وظائف و اختیارات هیئت‌های سه نفری مشخص شده است بطور کلی این هیئت وقتی میتواند حقا به را تبدیل به پروانه مصرف مفید کند که نسبت آب موجود در رودخانه یا هر منبع آب دیگر و میزان سطح کشت متقاضی و محل مصرف او و محل انشعاب و کیفیت مصرف آب و معمول و عرف محل و سایر عواملی که مؤثر در رسیدگی است معلوم شده باشد یعنی قبلاً تحقیقات کافی بعمل آورد و اطمینان حاصل کند سپس بصدور پروانه مصرف مفید اقدام نماید . وضع مقررات مزبور مبتنی بر اختیارات وسیع بمنظور جلوگیری از لغزشها و اشتباهات سابقه و ایجاد نظم نوین است .

با این همه احتیاط و دقت باز هم پیش‌بینی شده که هرگاه اعتراضی واصل شود که طبق تشخیص وزارت آب و برق قابل توجه باشد پرونده کار بهیئت پنج نفری ماده ۸ فرستاده میشود و رأی هیئت پنج نفری قطعی است .

تنها اشکالی که بر این ماده وارد است و در واقع نحوه رسیدگی و انجام تشریفات از طریق عادی خارج شده است این میباشد که پذیرفتن اعتراض بنظر هیئت سه نفری موکول بقبول وزارت آب و برق شده است و حال آنکه اصولاً اعتراض بآراء اولیه که امکاناً خالی از نقص نیست باید بدون هیچ بازرسی و کنترلی پذیرفته شود .

مطلب قابل تذکر دیگری که در این ماده میباشد تعیین انواع مصرف است و برای اولین دفعه است که در قوانین مربوط انواع مصارف از قبیل شهری و کشاورزی و صنعتی قید شده است .

آنهایکه در اینگونه امور صلاحیت اظهار نظر دارند بخوبی میدانند که مصارف کشاورزی هم اعم از امور کشت و دما داری و دامپروری و اقسام آن میباشد و امور صنعتی هم بهمین نسبت شامل کلیه امور معدنی و صنعتی

و کارخانجات میشود و مصارف شهری هم با تعریفی که در باب مصرف مفید نمودیم بکلیه امور عمرانی شهری مثل شستشوی شهر و مصرف شرب باغات و پارکها و خانه‌ها و حمام و استخرهای شنا و آنچه مربوط بنظافت و بهداشت امور شهری است اطلاق میشود.

در ماده ۷ برای انتخاب و وظائف و اختیارات هیئت‌های سه نفری و پنج نفری تهیه آئین‌نامه‌ای که مصوب هیئت وزیران باشد لازم شمرده شده و این آئین‌نامه تهیه و تصویب و ذیلاً برای استحضار خوانندگان عزیز درج میگردد.

نسبت بائین‌نامه مذکور نقایصی از حیث مسکوت گذاشتن قواعد ابلاغ و جهات دیگر بنظر میرسد که ممکن است عملاً مشکلاتی ایجاد نماید و چون هدف مابحث آئین‌نامه نیست و تفسیر یا اصلاح آئین‌نامه‌ها چندان مشکل نمیشود از این بحث خودداری میشود.

آئین‌نامه هیئت‌های سه نفری و پنج نفری

آئین‌نامه تشکیل هیئت‌های سه نفری و پنج نفری و وظائف آنها که در اجرای مواد ۵ و ۶ و ۷ و ۸ قانون آب و نحوه ملی شدن آن در تاریخ ۴۹/۱۱/۳ تصویب هیئت وزیران رسیده ذیلاً درج میگردد:

ماده ۱ - هیئت‌های سه نفری مرکب خواهند بود از دو نفر کارشناس با انتخاب وزارت آب و برق و یک نفر کارشناس با انتخاب وزارت کشاورزی.

ماده ۲ - هیئت‌های پنج نفری عبارتند از دادستان استانی که منطقه آبریز در آن قرار گرفته و مدیر عامل سازمان آب منطقه‌ای و در صورت نبودن سازمان آب منطقه‌ای نماینده وزارت آب و برق و مدیر کل یا رئیس کل اصلاحات ارضی استان یا فرمانداری کل و مدیر کل یا رئیس کل کشاورزی استان یا فرمانداری کل و یک نفر کارشناس با انتخاب وزیر آب و برق.

در صورتیکه منطقه آبریز شامل چند استان یا فرمانداری کل باشد انتخاب دادستان یا مقامات مذکور در این ماده با وزرای مربوط خواهد بود.

ماده ۳ - اعضاء هیئت‌های سه نفری و نماینده و کارشناس وزارت

آب و برق در هیئت‌های پنج نفری برای مدت سه سال از طرف وزارتخانه های مربوط مامور میگردند و تمدید ماموریت آنها پس از انقضای سه سال بلامانع است .

ماده ۴ - وظائف مربوط به دبیرخانه هیئت‌های سه نفری و پنج نفری را سازمانهای آب منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری انجام خواهند داد .

ماده ۵ - در صورت فوت یا استعفا یا تغییر شغل یا برکناری اعضای انتخابی هیئت‌های سه نفری و پنج نفری جانشین آنان برای بقیه مدت ماموریت هیئت تعیین خواهد شد .

ماده ۶ - عدم حضور اعضای انتخابی هیئت‌ها در سه جلسه متوالی بدون عذر موجه در حکم استعفا خواهد بود .

ماده ۷ - هیئت‌های سه نفری و پنج نفری بلافاصله پس از تعیین اعضاء باید تشکیل و ازین خود یکنفر را بعنوان رئیس و یکنفر را بعنوان منشی انتخاب کنند .

ماده ۸ - جلسات هیئت‌های سه نفری لااقل باید هفته‌ای یکبار تشکیل و بکلیه موارد مطروحه بترتیب وصول رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند . تشکیل جلسات هیئت‌های پنج نفری منوط به ارجاع کار از طرف وزارت آب و برق و بر حسب احتیاج خواهد بود .

ماده ۹ - محل تشکیل جلسات هیئت‌ها در شرکت‌های آب منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری نواحی خواهد بود .

ماده ۱۰ - هیئت‌های سه نفری و پنج نفری مکلفند خلاصه کلیه مذاکرات و تصمیمات متخذه در جلسات خود را در دفتر مخصوصی که برای این منظور تهیه میشود درج و امضاء و ضبط کنند و رونوشتی از صورتجلسات را برای اطلاع شرکت‌های آب منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری مربوط ارسال دارند .

ماده ۱۱ - وزارت آب و برق و شرکت‌های آب منطقه‌ای موظفند کلیه اطلاعات و مدارك مربوط به منابع آب و آمار رودخانه‌ها و آبهای زیرزمینی و هیدرولوژی و حقایق‌ها و میزان سطح کشت و مقادیر و کیفیت آب‌های قابل مصرف و محل انشعاب آنها و اوضاع و احوال مربوط بهر يك از شارین و

بطور کلی کلیه اطلاعات موردنیاز برای اخذ تصمیم را تهیه و در اختیار هیئت‌ها قرار دهند .

ماده ۱۲ - تصمیمات هیئت‌ها با توجه بکلیه جهات و جوانب و رسیدگی بامر و در صورت ضرورت بازدید از محل باکثرت آرا اتخاذ خواهد شد . اقلیت باید نظر خودرا مستدلاً در صورت جلسه قید و امضاء نمایند .

ماده ۱۳ - آنقسمت از خلاصه تصمیمات متخذه که مربوط به حقوق افراد باشد برای اطلاع به آنان ابلاغ خواهد شد . علاوه براین آراء صادره ازطرف هیئت‌ها باید بوسیله شرکتهای آب منطقه‌ای ویا ادارات کل آبیاری درتابلوی اعلانات شرکتهای یا ادارات کل مذکور نصب ویک نسخه دیگر آن بهبخشداری ویا انجمن ده ارسال شود تا بهرطریقی که مقتضی بدانند باطلاع اهالی محل برسانند .

ماده ۱۴ - آراء هیئت های سه نفری از تاریخ ابلاغ تاسی روز قابل اعتراض است ودرصورت موافقت وزارت آب و برق مراتب برای رسیدگی واطهارنظر قطعی به هیئت پنج نفری ارسال خواهد شد . این اعتراض ممکن است ازطرف متقاضی ویا اشخاص ثالث بعمل آید .

ماده ۱۵ - آراء هیئت های سه نفری درصورت عدم اعتراض قابل اجرا است ودرصورت اعتراض و موافقت وزارت آب و برق باارجاع آذ به هیئت پنج نفری تا صدور نظریه هیئت پنج نفری قابل اجرا نخواهد بود .

ماده ۱۶ - معترضین به آراء هیئت‌های سه نفری باید موارد اعتراض خودرا کتباً باتوضیحات و مدارك كافی ظرف مدت مقرر در ماده ۱۴ فوق مستقیماً یا از طریق شرکت آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری مربوط بوزارت آب و برق تسلیم نمایند .

ماده ۱۷ - پس از وصول رونوشت اعتراض فوق شرکت آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری مربوط سوابق واطلاعات و مدارك و رأی هیئت سه نفری را برای رسیدگی به وزارت آب و برق ارسال خواهد داشت و وزارت مذکور پس از بررسی آنها بنحومقتضی درمورد قبول وارجاع آن، به هیئت پنج نفری یارد آن اتخاذ تصمیم بعمل خواهد آورد .

ماده ۱۸ - وزارت آب و برق در صورت موافقت - اعتراضات به آراء هیئت های سه نفری را به هیئت های پنج نفری ارجاع میکند ورأی هیئت پنج نفری قطعی و لازم الاجرا است .

ماده ۱۹ - آراء قطعی هیئت های سه نفری و پنج نفری باید در دفتر مخصوصی بنام دفتر ثبت مصارف آب باقید تاریخ رأی - حجم آب - مورد و محل مصرف - دارنده یا مصرف کننده حقا به درج و امضاء شود و نباید در مندرجات آن دخل و تصرفی بعمل آید .

ماده ۲۰ - شرکتهای آب منطقه ای یا ادارات کل آبیاری مکلفند براساس آراء قطعی صادره از طرف هیئت های سه نفری و پنج نفری پروانه مصرف مفید را باقید حجم آب قابل تحویل برای امور کشاورزی یا صنعتی یا مصارف شهری یا سایر مصارف طبق آئین نامه صدور پروانه مصرف بنام دارنده یا دارندگان حقا به یا مصرف کننده یا مصرف کنندگان صادر کنند .

ماده ۲۱ - موارد رسیدگی هیئت های سه نفری و پنج نفری بشرح زیر میباشد :

الف - تجدید نظر در میزان حقا به مصرف کنندگان با توجه بمدارک موجود و میزان آب رودخانه و کیفیت تقسیم و مصرف و معمول محل (در مواردیکه مجموع حقا به مصرف کنندگان بیش از میزان واقعی و عادی آب رودخانه ها باشد و حقا به های موجود بمصرف مفید نرسد) .

ب - تعیین میزان مصرف مفید آب برای امور کشاورزی یا صنعتی یا مصارف شهری از منابع آب کشور برای اشخاص حقیقی یا حقوقی که در گذشته حقا به داشته اند بمنظور تبدیل آن به اجازه مصرف مفید .

پ - رسیدگی و اظهار نظر درباره لغو پروانه مصرف آب موضوع ماده ۱۴ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و تبصره مربوط .

ت - رسیدگی و اظهار نظر در مورد اعتراض اشخاص ثالث بتوسط هیئت پنج نفری .

ماده ۲۲ - بمنظور اجرای ماده ۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و همچنین قبل از اعلام اجرای ملی شدن آب در هر ناحیه و منطقه وزارت آب

و برق هیئت های سه نفری و پنج نفری را بشرح مندرج در مواد ۲۰۱ این آئین نامه تشکیل میدهد .

ماده ۲۳ - تشکیل هیئت های سه نفری و پنج نفری ضمن آگهی مربوط به اعلام اجرای ملی شدن آب و قبول درخواست صدور پروانه طبق فرمهای مندرج در آئین نامه صدور پروانه مصرف باطلاع عموم خواهد رسید .

ماده ۲۴ - نحوه اخذ درخواست و تکمیل سوابق و جمع آوری و کسب اطلاعات و رسیدگی بدرخواستهای پروانه مصرف و رعایت حق تقدم و اظهار نظر در مورد آنها بشرح مندرج در آئین نامه پروانه مصرف خواهد بود .
ماده ۲۵ - پرونده های تکمیل شده که متضمن اظهار نظر شرکت آب منطقه ای یا اداره کل آبیاری مربوط خواهد بود برای تعیین یا تجدید نظر در حقا به متقاضیان بترتیبی که آماده میشوند و بتدریج طبق برنامه و ترتیب معینی که بین شرکت آب منطقه ای یا اداره کل آبیاری و هیئت سه نفری توافق خواهد شد به هیئت سه نفری ارجاع میگردد .

ماده ۲۶ - پرونده های ارجاعی به هیئت سه نفری بترتیب شماره گذاری و در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد و بترتیب ثبت در هیئت سه نفری مطرح خواهد گردید .

ماده ۲۷ - هیئت سه نفری با توجه بسوابق و در صورت لزوم با اخذ اطلاعات و توضیحات اضافی و خصوصاً در نظر گرفتن مقدار آب موجود - میزان سطح کشت - محل مصرف و انشعاب - کیفیت مصرف آب - رویه معمول و عرف محل و سایر عوامل و در صورت ضرورت پس از بازدید از محل میزان حقا به دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان را تعیین و در صورتیکه مجموع حقا به های مصرف کنندگان بیش از میزان واقعی و عادی آب باشد و یا حقا به های موجود بمصارف مفید نرسد در میزان حقا به مصرف کنندگان تجدید نظر و نتیجه را اعلام خواهد کرد .

ماده ۲۸ - هیئت پنج نفری با توجه بسوابق امر و در صورت لزوم با کسب اطلاعات و اخذ توضیحات لازم و در نظر گرفتن عوامل مورد نظر هیئت سه نفری مراتب را مورد رسیدگی قرار داده و رأی قطعی خود را صادر و اعلام خواهد کرد .

ماده ۲۹ - در تعیین میزان حقا به مصارف مختلف کشاورزی - صنعتی یا شهری اولویت‌های مربوط بشرح و ترتیب مندرج در آئین‌نامه پروانه مصرف خواهد بود .

ماده ۳۰ - در صورت عدم مراجعه دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان در مدت تعیین شده در آگهی مربوط باید بر اساس اطلاعات و مدارك محاسباتی که از طرف شرکت‌های آب منطقه‌ای یا اداره های کل آبیاری در اختیار هیئت قراردادده میشود مراتب رارسیدگی و حقا به مربوط را تعیین و اعلام دارند .
این آراء نیز طبق آراء مندرج در ماده ۱۴ فوق ظرف سی روز قابل اعتراض است .

کسانی که بعنوان هیئت‌های سه نفری و پنج نفری انتخاب میشوند

ماده ۸

(اعضاء هیئت‌های سه نفری مرکب خواهند بود از دونفر کارشناس بان‌تخاب وزارت آب و برق و يك نفر کارشناس بان‌تخاب وزارت کشاورزی و اعضاء هیئت‌های پنج‌نفری عبارتند از دادستان استانی که منطقه آبریز در آن قرار گرفته و مدیرعامل سازمان آب منطقه‌ای و در صورت نبودن سازمان آب منطقه‌ای نماینده وزارت آب و برق و مدیرکل یا رئیس کل اصلاحات ارضی استان یا فرمانداریکل و مدیرکل یا رئیس کل کشاورزی استان یا فرمانداری کل و یک نفر کارشناس بان‌تخاب وزیر آب و برق در صورتی که منطقه آبریز شامل چند استان یا فرمانداریکل باشد انتخاب دادستان یا مقامات مذکور در این ماده با وزیر مربوط خواهد بود .

تبصره - مدت مأموریت و نحوه رسیدگی هیئت‌های سه نفری و پنج نفری و نحوه اجرای تصمیمات هیئت‌های مذکور در موارد و ضوابط ارجاع بتجدیدنظر بهیئت پنج‌نفری و مدت اعتراض بتصمیم هیئت‌های سه نفری طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت آب و برق و وزارت کشاورزی بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

بطوریکه ملاحظه میشود طبق ماده ۸ اعضاء هیئت سه نفری از سه کارشناس تشکیل میگردد که این کارشناسان دونفرشان بوسیله وزارت آب و برق و یک نفر از آنان بوسیله وزارت کشاورزی انتخاب میشوند . کیفیت انتخاب میرساند که باید یکی از کارشناسان مهندس کشاورزی باشد یا آنکه در امر کشاورزی و آبیاری تخصص داشته باشد تا با ضوابطی که قانون و آئین‌نامه مربوط تعیین کرده است بتواند حقا به صاحب ملکی را تبدیل به پروانه مصرف

مفید نماید بدین توضیح که اطلاعات آن کارشناس باید در حدودی باشد که میزان آب برای هر نوع محصول را در یک هکتار و یا در میزان کمتر بحدیکه مفید باشد بداند و تحقیقاً چنین دانائی و بصیرتی برای هر کارمند وزارت کشاورزی حاصل نمیگردد مگر آنکه غیر از اطلاعات و تحصیلات اولیه دارای تجربه کافی در این امر باشد و دو کارشناس وزارت آب و برق هم باید یکی از آنها کسی باشد که در قسمت آب شناسی اطلاعات و تجربیات کافی و وافی داشته و دیگری کسی که با اصول قضائی و رسیدگی باینگونه امور آشنائی کامل و یا لااقل سابقه و تجربه داشته باشد که کیفیت رسیدگی بیک امر قضائی و اظهار نظر را بخوبی بداند . تصمیمی که این هیئت سه نفری اتخاذ مینمایند باید منطبق با ضوابط مقرر باشد تا در نتیجه عدم دقت و بصیرت هیچیک از شاربین ذیحق رودخانه بی حق شناخته نشوند و لو آنکه سطح کشت ها تقلیل پیدا نماید و در واقع بجام عدل در توزیع آب اقدام و در اجازه صدور پروانه مصرف اظهار نظر نمایند . چون این احتمال داده میشود که اکثر احکام صادره از ناحیه این هیئت سه نفری بدون اعتراض بماند بنابراین دقت بیشتری باید در تصمیم متخذه مراعات گردد که حقی تضییع نگردد و زراعت و محصولی روی عدم توجه و دقت خشک نشود .

هیئتهای پنج نفری عبارتند از :

- ۱ - دادستان
 - ۲ - مدیر عامل سازمان آب منطقه ای یا نماینده وزارت آب و برق .
 - ۳ - مدیر کل یارئیس کل اصلاحات ارضی استان یا فرماندار یکل .
 - ۴ - مدیر کل یارئیس کل کشاورزی استان یا فرماندار یکل .
 - ۵ - یک نفر کارشناس با انتخاب وزیر آب و برق .
- در باب تعاریف و اصطلاحات در جلد دوم کتاب حقوق آب گفتیم که حوزه منطقه آبریز چیست بنابراین با علم باینکه حوزه منطقه آبریز چه میباشد دادستان استان که مربوط بحوزه منطقه آبریز است معلوم خواهد شد مثلاً دادستان استان خوزستان یا دادستان استان اصفهان و امثال آن .
- با اینوصف قانونگذار برای رفع هرگونه ابهام توضیحی در پایان

ماده راجع بدادستان استان یا فرمانداریکل داده است که اگر حوزه منطقه آبریز شامل چند استان یا فرمانداریکل باشد انتخاب دادستان و یا مقامات مذکور باوزرای مربوط میباشد .

زیرا احتمال اختلاف داده میشود که کدام يك از دادستانهای استان و فرمانداریها که در حوزه منطقه آبریز قرار گرفته‌اند باید دراین امر انتخاب شوند لذا اگر این اختلاف حاصل شد انتخاب این دادستان استان یا فرمانداریکل یا استاندار باشخص وزیر وزارت مربوط است .

بنابراین درمواردیکه وزارت آب و برق اعتراض برای هیئت سه نفری را قبول میکند این اعتراض باید بهیئت پنج نفری موصوف ارجاع گردد و نظر این هیئت درهرحال قاطع میباشد وقابل هیچگونه اعتراضی نخواهدبود .

نکته قابل توجهی که درتبصره ماده ۸ میباشد اینست که مقنن برای قبول اعتراض برای سه نفری معتقدبه تعیین ضوابط میباشد که آن ضوابط را مقرر داشته که درآئین نامه مخصوص معین کنند . درواقع خواسته است که نظر وزارت آب و برق را که يك تصمیم یکجانبه است بصورت قانونی واصولی تبدیل نماید یعنی وزارت آب و برق را ملزم نموده است که ضوابطی را که میخواهد باستناد آن ضوابط تجدیدنظر و اعتراض را بپذیرد موارد آنرا قبلا در آئین نامه مشخص کند که همه معترضین بدانند و تشریفات رسیدگی کاملاً معین باشد تاحقی از کسی تضییع نگردد و هرکسی که قصد اعتراض دارد آشنا بمقررات باشد . متأسفانه در آئین نامه رسیدگی و وظایف هیئتهای سه نفری و پنج نفری هم ضوابطی برای رد یا قبول اعتراض رعایت نشده است وبهمان رد وقبول اعتراض که دراصل ماده ۷ نوشته شده است قناعت نموده‌اند و درواقع میتوان گفت اینهم یکی دیگر ازتقائص آئین نامه مذکور است که تحقیقاً باید از نظر رعایت ضوابط مذکور در تبصره ماده ۸ مقررات خاصی در آئین نامه بدین منظور رعایت مینمودند وطبعاً اگر چنین نظری را رعایت نمایند عملاً وزارت آب و برق در رد اعتراض مواجه بامشکلات زیادی میشود واحتمالاً تبعیضی رخ خواهد داد وتبعیض هم در قضاوت و حقوق افراد از بزرگترین لطمات باجرای عدالت است .

بخش سوم - صدور پروانه مصرف

ماده ۹

(از تاریخ تصویب این قانون صدور پروانه مصرف مفید آب منحصرآ با وزارت آب و برق خواهد بود و صدور اسناد رسمی راجع بقتابه ممنوع است .

تبصره - وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی کماکان نسبت به تنظیم اسناد مربوط اقدام ولی در هر سند شرط زیر را قید خواهد کرد .

حقتابه مندرج در این سند طبق مفاد و مقررات قانون آب ونحوه ملی شدن آن در موقع خود به پروانه مصرف تبدیل میشود بدون اینکه از این بابت عنوان ادعائی قابل قبول باشد) .

در این ماده مجدداً مطلبی را که در مواد دیگر اشاره نموده تاحدی از نظر تاکید تکرار کرده است و باین یادآوری خواسته است که بعداً اداره ثبت اسناد از ذکر کلمه حقتابه و یا میزان آن و یا از ذکر حقتابه طبق عرف و معمول محل در اسناد مالکیت خودداری نماید و این کار را بعهده وزارت آب و برق بگذارد. زیرا مواد ۶۹۵ و ۶۹۷ و ۸۰۷ تقریباً از نظر تعدیل میزان حقتابه و درج در اسناد رسمی است و برای اینکه این امر مجدداً تجدیدنگردد و باز مشکلاتی را ایجاد ننماید و نیاز بقانون دیگر نباشد در این ماده بصراحت قید شده است که اداره ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی حق ذکر حقتابه و یا آنچه را که در گذشته در اسناد قید مینمودند ندارند و در صورت الزام میتوانند عبارت بین الهالین را که در ذیل تبصره این ماده میباشد درج نمایند .

برای اینکه از این موضوع جلوگیری نمایند مقنن مجدداً تصریح کرده است که از تاریخ تصویب این قانون صدور پروانه مصرف مفید آب هم با وزارت آب و برق است و هیچ مقام دیگری ولو مقامات قضائی نباید در این موضوع اظهار نظر نمایند .

تصریح باین حصر و قید صرفاً برای عدم ذکر حقتابه در يك سلسله اسناد رسمی است که تحقیقاً تا تاریخ ملی شدن آب بمناسبت و نوع معاملاتی که صورت میگیرد ، میباشد و باین امر قانونی حکم ابطال آن نوع اسناد را فقط در مورد میزان حقتابه باین صراحت داده است که اگر احتمالاً در اسنادی

پس از تصویب این قانون راجع بحقابه قیدی شده باشد از درجه اعتبار ساقط گردد .

منتها در مورد اسنادی که وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی سابق و وزارت تعاون و امور روستاهای فعلی در مورد واگذاری اراضی صادر میکند اجازه داده شده است موضوع حقابه را با قید (طبق مفاد و مقررات قانون آب و نحوه ملی شدن آن که در موقع خود به پروانه مصرف تبدیل میگردد) ذکر نمایند بنا براتب حصرو قید حقابه صرفاً برای اجرای قانون است کما اینکه در ماده ۱۰ هم این نظر بصراحت تأیید شده است .

چون در تاریخ ۱۱/۹/۵۰ قانون عمران و نوسازی روستاها و انحلال وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی و تعیین تکلیف موسسات وابسته آن بتصویب مجلسین رسیده مطالبی دائر بتغییر نام وزارتخانه و تنظیم شبکه های درجه ۳ و ۴ آبیاری در مناطق شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستائی منظور شده است که دانستن آن از نظر خواننده عزیز ضروری است از اینجهت بنقل و درج قسمت اول ماده ۱ در این قسمت اقدام و بند ۶ و ماده ۷ آن که مربوط بشبکه درجه ۳ و ۴ میباشد در ذیل ماده ۱۹ نوشته خواهد شد .

(ماده ۱ : از تاریخ تصویب این قانون وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی منحل و کلیه تشکیلات سازمانی و کارکنان و وسائل و دارائی و اعتبارات آن بوزارت تعاون و امور روستاها منتقل و انجام وظایف مشروحه زیر باین وزارت محول میشود .)

ماده ۱۰

(استفاده از منابع آب مذکور در ماده ۱ این قانون موقوف به تحصیل پروانه مصرف است .)

بنابراین از تاریخ تصویب قانون هرگونه استفاده از منابع سطحی و زیرزمینی باید به موجب پروانه مصرف باشد و لذا همانطور که قبلاً اشاره شده قید حقابه و یا استفاده از آب طبق معمول و عرف محل ملغی خواهد بود . و ضمناً تا تاریخ ملی شدن آب در هر ناحیه و منطقه اجازه استفاده از منابع طبیعی آب هم باین کیفیت داده شده است .

درواقع اجازه ها و محدودیتهای مذکور کلا قانونی است و هیچ امری در کار آب و آبیاری بدلخواه متصدیان امور صورت نخواهد گرفت مگر در مواردیکه قانون دخالت بعنوان کدخدا منشی را اجازه داده باشد .

در ماده ۹ بدنبال پروانه مصرف کلمه مفید اضافه شده است در صورتیکه در بادی امر این احتمال داده میشود که باید نوشته شود پروانه مصرف با آنکه در ماده ۱۰ اجازه صدور پروانه مصرف را از منابع مذکور در ماده ۱ داده است و با آنکه حقایق و حقوق استفاده کنندگان مجاز از آب و همچنین کسانی که طبق ماده ۱۰ موفق باخذ پروانه مصرف شده و میشوند باید پروانه مصرف طی تشریفاتى به پروانه مصرف مفید تبدیل گردد .

بنابراتب شبهه در بین نیست که اجازه صدور پروانه مصرف از تاریخ تصویب قانون است و صدور پروانه مصرف مفید پس از انتشار آگهی ملی شدن آب در منطقه و ناحیه میباشد منتها بعضی از این پروانهها با تصویب هیئت های سه نفری و پنج نفری صادر میشود و گاهی بمناسبت اینکه حوزه منطقه آبریز ملی اعلام شده متصدیان امور رأساً پروانه مصرف مفید صادر مینمایند .

کیفیت صدور پروانه مصرف

ماده ۱۱

(وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای تابع پس از کسب اطلاعات و رسیدگی بدرخواست مربوط بمصرف آب و صدور پروانه و اخذ تعهد لازم پروانه مصرف آب را با رعایت حق تقدم براساس آئین نامه ای که به پیشنهاد وزارت آب و برق و وزارت کشاورزی تدوین و هیئت وزیران تصویب مینمایند صادر میکند) .

پس از تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن بموجب ماده ۱۰ هر کس در حدود مقررات موضوعه میتواند درخواست پروانه نماید و در این ماده این اجازه بالصراحه بوزارت آب و برق و سازمانها و شرکتهای تابعه داده شده است که در قبال درخواست متقاضی اطلاعات لازم کسب کنند و سپس رسیدگی بدرخواست مصرف کننده آب نمایند و در صورتیکه تعهدی باید اخذ گردد گرفته شود و بارعایت حق تقدم (البته بین درخواست کنندگان با توجه با ولویت مصرف) براساس مقرراتیکه در قانون و در آئین نامه ای که بانظر وزارتین آب

و برق و کشاورزی تهیه و بتصویب هیئت وزیران رسیده پروانه مصرف را صادر نمایند . بنابراین سازمانها و شرکتهای تابعه وزارت آب و برق هم در صدور پروانه مصرف بموجب این ماده مجازند منتها طبق این ماده و ماده ۱۲ این قانون در آئین نامه مربوط باید مقرراتی پیش بینی شود که رعایت آن مقررات الزامی است زیرا ماده ۱۲ قانون میگوید :

ماده ۱۲

(آئین نامه مربوط بدرخواست مصرف آب و صدور پروانه استفاده منابع آب مذکور در ماده ۱ این قانون باید حاوی مقررات و شروط و تعهدات لازم باشد و ضمناً در پروانه مصرف آب تاریخ شروع و اتمام تاسیسات آبیاری اختصاصی و تاریخ استفاده از آن باید قید گردد) .

در آئین نامه ای که در تاریخ ۳/۱۰/۴۹ تصویب هیئت وزیران رسیده است و ذیلاً از نظر استحضار خوانندگان گرامی درج میشود بجای پروانه مصرف پروانه مقدماتی ذکر شده است بهر صورت آنچه باید در این امر توضیح داده شود در آئین نامه ۲۲ ماده ای بصورت مقررات توضیح داده شده است و در مورد اخذ تعهدات لازم که باعتبار مقتضیات خاص اقلیم و کیفیت مصرف و نوع مصرف متفاوت است در فرمهایی که تهیه شده نکات قابل توجه منظور شده است .

آئین نامه صدور پروانه مصرف که در تاریخ ۱۲/۱۰/۴۹
بشماره تصویب نامه ۴۳۷۰۸ در جلسه هیئت وزیران تصویب
و ابلاغ شده است

ماده ۱ - پروانه مصرف آب بردو نوع است :

الف - پروانه مقدماتی مصرف

ب - پروانه مصرف مفید

ماده ۲ - پروانه مقدماتی مصرف قبل از صدور آگهی ملی شدن آب بکلیه دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان از آبهای مذکور در ماده ۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن در نقاطی که صدور پروانه مقدماتی مصرف از طرف

وزارت آب و برق ضروری تشخیص داده شود براساس سابقه و حقوق ثابت و مکتسبه صادر میگردد .

ماده ۳ - پروانه مصرف مفید پس از صدور آگهی ملی شدن آب طبق مفاد مواد ۱۶ و ۱۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن براساس آراء هیات های سه نفری و پنج نفری و ضوابط مندرج در قانون مذکور و این آئین نامه صادر میگردد .

ماده ۴ - پروانه های مصرف برای آب قابل تحویل برای امور کشاورزی یا صنعتی یا مصارف مذکور در قانون آب و نحوه ملی شدن آن با رعایت حق تقدم باید با توجه با اولویت مصارف زیر تعیین و صادر شود :

الف - آب مشروب

ب - آب باغهای موجود در تاریخ صدور این تصویب نامه

ج - آب زراعتی و دامپروری

د - آب مصارف صنعتی

ه - سایر مصارف

در مواردی که اجرای برنامه های عمرانی و طرحهای اقتصادی ایجاب کند وزارت آب و برق میتواند با جلب نظر وزارت کشاورزی یا وزارت اقتصاد یا سایر مراجع مربوط در مورد تغییر اولویت مصارف کشاورزی - صنعتی و معدنی - دامپروری یا تفریحی تصمیم لازم اتخاذ کند .

ماده ۵ - پروانه های مصرف باید با قید نکات زیر صادر شود :

الف - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و سمت و اقامت گاه

دارنده حقا به یا مصرف کننده .

ب - نام منبع آب و محل آن .

ج - محل انشعاب و محل مصرف و مشخصات کلی با ذکر شماره

مدارک رسمی .

د - نوع مصرف اصلی و در صورت نیاز برای مصارف فرعی دیگر

نوع سایر مصارف با تعیین میزان هر یک از آنها .

ه - حجم کلی آب قابل مصرف و حداکثر بده قابل استفاده .
و - تاریخ شروع و اتمام تاسیسات آبیاری اختصاصی و تاریخ استفاده
از آن .
ز - سایر شروط و تعهدات مندرج در مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ قانون آب
و نحوه ملی شدن آن .

فصل دوم

نحوه صدور پروانه های مصرف

ماده ۶ - وزارت آب و برق برای اطلاع کلیه دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان و اقدام آنان برای اخذ پروانه های مصرف مقدماتی و مفید آگهی های لازم برای هر منطقه در سه نوبت - هر نوبت بفاصله ۱۵ روز منتشر خواهد کرد . آگهی مزبور درجراید کثیرالانتشار و جراید محلی باید منتشر شود و در دهستانها و نقاط دوردست بوسائل ممکن محلی مفاد آگهی باید با اطلاع اهالی برسد .

ماده ۷ - در آگهی مذکور باید مرجع صادره کننده پروانه - محل و نشانی تسلیم تقاضا - مهلت اخذ و تسلیم تقاضا - مدارك لازم که باید بضمیمه تقاضا ارائه شود اثرات عدم مراجعه و عدم اخذ پروانه مصرف و سایر نکات لازم درج گردد .

ماده ۸ - پروانه های مصرف حسب مورد از طرف سازمان آب منطقه ای یا سازمان آب و برق منطقه ای یا ادارات کل آبیاری صادر خواهد شد .

ماده ۹ - دارندگان حقا به یا مصرف کنندگان باید پس از صدور آگهی در مهلت مقرر در آن بمرجع مندرج در آگهی مراجعه و تقاضای خود را طبق فرمهایی که بتصویب وزارت آب و برق میرسد و از طرف مراجع مندرج در آگهی در اختیار آنان قرار داده میشود تکمیل و تسلیم دارند .

کلیه اطلاعات مربوط بکیفیت مصرف و سابقه بهره برداری و میزان و محل منبع آب و آب مورد احتیاج و مشخصات محل مصرف و تاسیسات و مدارك

حق استفاده و مصرف مورد تقاضا و سمت قانونی متقاضی و غیره باید ضمن تسلیم درخواست ارائه شود .

ماده ۱۰ - در موارد مصارف صنعتی یا معدنی یا تفریحی درخواست کنندگان باید طرح و مشخصات تأسیسات مربوط را با ارائه طرحهای توجیهی فنی و بهداشتی و اقتصادی که حسب مورد باید به تأیید وزارت اقتصاد و وزارت بهداشتی و وزارت آب و برق رسیده باشد به ضمیمه درخواست تسلیم دارند .
ماده ۱۱ - درخواستهای دریافتی بترتیب شماره گذاری و در دفتر مخصوص ثبت و بترتیب ثبت از طرف مراجع صدور پروانه بوسایل مقتضی با جلب نظر کارشناس یا کسب اطلاعات از طریق ممکن دیگر مورد رسیدگی قرار میگیرد . این رسیدگی باید با توجه بمراتب زیر انجام پذیرد :

۱ - مقدار آب موجود و قابل مصرف .

۲ - کیفیت تقسیم .

۳ - میزان سطح کشت .

۴ - محل مصرف و انشعاب .

۵ - کیفیت مصرف آب .

۶ - تعداد روزهای سال که احتیاج به آب است .

۷ - عرف و معمول محل .

۸ - سابقه عمل سنواتی .

۹ - میزان حقا به و مدارك موجود .

۱۰ - اوضاع و احوال مربوط بهريك از شاربین .

۱۱ - مفاد مواد ۱۶ و ۱۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن .

ماده ۱۲ - نتایج کلیه رسیدگیها و نظریه مرجع صدور پروانه ها باید ضمن خلاصه پرونده و گزارش که طبق دستورالعمل وزارت آب و برق تنظیم خواهد شد با پرونده مربوط برای بررسی و اتخاذ تصمیم و صدور رأی لازم از طرف سازمانها یا ادارات آبیاری وابسته بوزارت آب و برق به هیات سه نفری مربوط ارسال گردد .

ماده ۱۳ - هیات های سه نفری طبق مفاد آئین نامه مربوط به تشکیل هیات های سه نفری و پنج نفری و یا مراجعه بکلیه سوابق و توجه بکلیه اطلاعات

و نتایج رسیدگیها و پرونده و سوابق امر و در صورت ضرورت تحقیقات و رسیدگی لازم و معاینه محلی و همچنین مفاد مواد ۱۶ و ۱۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مبادرت به صدور رأی خواهد کرد .

ماده ۱۴ - ترتیب رسیدگی بدرخواست ها و پرونده ها و صدور رأی هیات سه نفری و اعتراض بآن و صدور آراء هیات پنج نفری و ابلاغ آراء بشرح مندرج در آئین نامه تشکیل هیئتهای سه نفری و پنج نفری میباشد .

ماده ۱۵ - وزارت آب و برق یا شرکت های آب منطقه ای یا ادارات کل آبیاری مربوطه طبق آراء صادره از طرف هیات های سه نفری و پنج نفری بشرح مندرج در ماده ۲۰ آئین نامه تشکیل هیئتهای سه نفری و پنج نفری اقدام بصدور پروانه مقدماتی مصرف یا پروانه مصرف مفید طبق فرم مصوب وزارت آب و برق خواهند کرد .

ماده ۱۶ - پروانه مقدماتی مصرف یا پروانه مصرف مفید باید بامضای وزیر آب و برق و یا متصدیان سازمانهای وابسته بوزارت آب و برق که بموجب حکم وزارتی اختیار خواهند داشت صادر شود .

ماده ۱۷ - پروانه های مقدماتی مصرف و مصرف مفید باید با ذکر مشخصات در دفتر مخصوص که طبق فرم مصوب وزارت آب و برق تهیه خواهد گردید ثبت شود .

فصل سوم

متفرقه

ماده ۱۸ - در مورد آبهای آشامیدنی که بوسیله شهرداریها یا مؤسسات عام المنفعه تامین میگردد پرونده انشعاب مشترکین با سوابق دیگر که حاکی از اشتراك مصرف کننده باشد بمنزله پروانه مصرف بوده و برای اینگونه مصارف اخذ پروانه جداگانه الزامی نیست .

ماده ۱۹ - اشخاصی که بدون عذر موجه پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۶ این آئین نامه در مدت مقرر برای اخذ پروانه مصرف بمراجع مربوط

مراجعه نکنند و پروانه مصرف نگیرند و یا تقاضای آنان مورد قبول واقع نگردد حق استفاده و مصرف از آبرا نخواهند داشت .

ماده ۲۰ - وزارت آب و برق و شرکتهای آب منطقه‌ای و ادارات کل آبیاری وابسته بآن تسهیلات ممکن را برای تحویل آب بصاحبان پروانه های مصرف مفید بمیزان مندرج در پروانه مربوط بعمل خواهد آورد و اگر در خشکسالی امکان تحویل میزان مقرر مقدور نباشد طبق مفاد قانون آب ونحوه ملی شدن آن نسبت به جیره بندی آب اقدام خواهد کرد .

جیره بندی آب در خشکسالی یعنی تعدیل و تجدید نظر بطور موقت در میزان مصارف مقرر در پروانه های مصرف باید با جلب نظر و موافقت هیات سه نفری انجام شود و در این صورت وزارت آب و برق یاسازمان آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری مربوط پس از بررسی اوضاع واحوال واتخاذ تصمیم و ارائه راه حل مناسب مراتب را برای صدور ورأی لازم به هیات سه نفری اعلام خواهد کرد .

ماده ۲۱ - در صورت تخلف از مراتب مندرج در پروانه مصرف آب یا انتقال پروانه مصرف بدیگری بدون کسب اجازه از وزارت آب و برق علاوه بر مجازاتهای مندرج در ماده ۶۰ قانون آب ونحوه ملی شدن آن وزارت آب و برق یاسازمان آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری اقدامات لازم در مورد تنظیم وتوزیع آب بر اساس پروانه های صادره بعمل خواهد آورد .

ماده ۲۲ - مامورین ژاندارمری وشهربانی وپلیس آب مکلفند دستور صادره از طرف وزارت آب و برق وشرکتهای آب منطقه‌ای را که در حدود مقررات قانون صادر شده بمورد اجرا گذارند .

محدودیت مصرف آب

ماده ۱۳

(هیچکس حق ندارد آبی را که اجازه مصرف آنرا دارد بمصرفی بجز آنچه که در پروانه قید شده است برساند وهمچنین حق انتقال پروانه صادر را بدیگری نخواهد داشت مگر با اجازه وزارت آب و برق .)

قبل از تصویب این قانون حق استفاده از آب رابرای مصارف مختلف بکار می بردند . همین اندازه کافی بود که کسی حقی از آب رودخانه یا منبع دیگری

داشته باشد بنابراین بملازمه مالکیت و استقلاللی که در امر مالکیت احتساب می نمود از این حق برای هر نوع کاری که مایل بود استفاده میکرد مثلا در یک سال در امور کشاورزی استفاده مینمود و در سال بعد بعلت مسافرتی که برای او پیش می آمد بدیگری واگذار میکرد یا بعلت آیش بندی اراضی یا آزاد گذاردن زمین حق استفاده از آب را بدیگری در قبال دریافت ارزش آن واگذار مینمود. و اگر اراضی جدیدی را آباد میکرد از این آب در آن اراضی استفاده مینمود و اراضی سابق را بعلت اینکه نیروی کافی ندارد رها میکرد و آب را در اراضی که بتازگی در صدد عمران آن بود مصرف مینمود و یا آنکه در اثر ایجاد تاسیساتی مثل تأسیس سردخانه های بزرگ و یا تأسیس کارخانه بمصرف میرساند این رویه تنها در کشور ما معمول نبوده است بلکه در بسیاری از ممالک راقیه دنیا که اصول مالکیت با کیفیت مخصوص پابرجا میباشد بهمین طریق رفتار میکنند یا میکردند.

پس از آنکه ارزش آب روز بروز در اثر فزونی مصرف و کاهش موجودی محسوس گردید مصارف مشخص شد و برای مصارف بتدریج مقرراتی وضع شد تا نظام کشاورزی و یا صنعتی و یا شهری مستقر بماند در کشور ما هم بعلم مذکور در قانون آب مقرراتی را پیش بینی نمودند که هر کس در هر روز نتواند نظام اقتصادی آن اقلیم را مختل کند بدین منظور مقنن پیش بینی نمود که در پروانه مصرف نوع مصرف قید شود تا هیچکس حق نداشته باشد بدلیخواه خود مصرف را تغییر دهد و یا آنکه این حق را بدیگری واگذار نماید و زمین و یا کارخانه و یا شهر را بدون آب بگذارد.

البته احتمال داده میشود که در بعضی موارد مصرف کننده آب بمشکلاتی مثل شوری زمین و نامرغوبی آن وعدم امکان استفاده مفید از آب در زمین مواجه گردد و مجبور شود که هدف اقتصادی خود را عوض نماید از اینجهت میتواند مطالب را بوزارت آب و برق اطلاع دهد و وزارت آب و برق هم پس از تحقیقات میتواند اجازه مصرف آب را نسبت بزمین دیگر و یا بمصرف دیگر تعیین کند.

و اگر مصرف کننده قصد کناره گیری از حرفه سابق را دارد مثلا قصد ندارد که کشاورز باشد و میخواهد در امر تجارت سرمایه گذاری کند از اینرو

میتواند با اجازه وزارت آب و برق زمین را با آب بدیگری واگذار کند و به تنهایی در این مورد نمیتواند آب را بفروشد زیرا در ماده ۱۴ صریحاً قید شده که آب متعلق بزمین و مواردی باید باشد که پروانه مصرف برای آن صادر شده است.

ماده ۱۴

(پروانه مصرف آب مختص بزمین و مواردی است که برای آن صادر شده است مگر آنکه تصمیم دیگری وسیله دولت در منطقه اتخاذ شود و یا بهرعلتی مسلم شود که مصرف مفید و اقتصادی نیست در این صورت وزارت آب و برق مراتب را با ذکر علل و ارائه دستورهای فنی بمصرف کننده اعلام میدارد. هرگاه در مدت سه سال از تاریخ اخطار مزبور مصرف کننده بدستورهای وزارت آب و برق عمل ننماید پروانه مصرف آب لغو خواهد شد.

تبصره - در صورت اعتراض به تصمیم وزارت آب و برق مرجع رسیدگی هیئت سه نفری مندرج در ماده ۷ این قانون است)

حال اگر دولت بخواهد در یک منطقه نظر عمرانی اتخاذ نماید میتواند اصل تعلق آب بزمین را باستناد این ماده تغییر دهد. مثلاً اگر دولت در امر کشت و صنعت که فعلاً در منطقه خوزستان شروع کرده و تاحدی هم بشمر قابل توجهی رسیده است بخواهد قسمتهای دیگر این منطقه و یانواحی و مناطق دیگر کشور را با انعقاد قرارداد طبق قانون تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیرسدها بکار صنعتی و یابکار کشاورزی یا تماماً اختصاص دهد طبیعی است خواه ناخواه تعلق آب بزمین در بعضی از قسمتها عملی نخواهد شد زیرا دولت طبق برنامه های تفصیلی و یا پروژه های مصوب بحکم و اختیار قانونی میخواهد با شرکاء داخلی و یا خارجی در آن ناحیه اقدام عمرانی نماید.

در ثانی همانطوریکه یادآور شد گاهگاهی تشخیص داده میشود که مصرف آب در یک زمین مخصوصی مصرف مفید و اقتصادی نیست طبیعی است در این موارد هم وزارت آب و برق میتواند با ذکر علت و راهنمایی های فنی مصرف کننده آب را متوجه بنواقص کار خود و برنامه دولت نماید.

در مواردیکه مصرف کننده مصرفش اقتصادی نیست در ظرف سه سال میتواند با راهنمایی های فنی وزارت آب و برق عمل نماید و مصرفش را در واقع مفید کند در صورتیکه سه سال از اخطار اولیه بگذرد و مصرف کننده بدنبال

تعویض مصرف نرود پروانه مصرف آب لغو میشود و مصرف کننده میتواند اگر اعتراض بعمل وزارت آب و برق دارد بهیئت سه نفری که در ماده ۷ پیش بینی شده است مراجعه کند تا با اعتراضات رسیدگی نمایند.

چون در ماده ۱۴ استناد بماده ۷ برای رسیدگی با اعتراض معترض نموده است بنابراین بحکم مفاد ماده ۷ در صورت رد اعتراض خوانده میتواند بهیئت پنج نفری واخواهی نماید. منتها همانطوریکه قبلاً متذکر گردید و آئین نامه رسیدگی و وظائف هیئتهای سه نفری و پنج نفری مقرر داشته است قبلاً اعتراض به رأی هیئت سه نفری باید بنظر وزارت آب و برق برسد در صورت تجویز موضوع بهیئت پنج نفری ارجاع میشود والا نظر هیئت سه نفری قاطع خواهد بود.

نکته شایسته ذکر این است که پروانه مصرف مفید به حکم مفاد ماده ۱۴ قابل ابطال است و چون اصولاً پروانه مصرف مفید پس از انتشار آگهی ملی شدن آب در هر منطقه یا ناحیه صادر میگردد بنابراین اجرای این حکم بعد از ملی شدن آب عملی خواهد بود.

بخش چهارم - شرایط استفاده و نحوه مصرف آب

ماده ۱۵

(دارندگان پروانه مصرف ملزم هستند که از اتلاف و مصرف غیر مفید آب اجتناب ورزیده و مجاری اختصاصی مورد استفاده خود را بنحوی که این منظور را تامین کند احداث و نگهداری کنند).

قانون آب و نحوه ملی شدن آن اساسش بر پایه اقتصادی گذاشته شده است بطوریکه در اکثر مواد این اصل را ملاحظه مینمائید زیرا نزولات جوی تقریباً طبق آمار هیدرولوژی با مختصر کم و زیاد ثابت است و آنچه روز افزون است مصرف میباشد بنابراین ما از نظر اینکه مقدار موجودی آب را بین نیازمندان واقعی توزیع نمائیم موظفیم که در تقسیم آب رعایت جنبه اقتصادی را بکنیم مثلاً سیستم غرقه آبی که قبلاً بسیار متداول بوده است و

روز بروز کاهش میابد از روشهایی بود که اتلاف آب بیش از ثمره آن روش بوده است مگر درکار کشت برنج .

بعلاوه اصولاً عدۀ متوجه این مطلب نیستند که آب زائد برای نبات مفید نیست کما اینکه در مزایای روش های بارانی گفته اند که آب را بمیزان لازم بریشه نبات میرساند .

از طرفی خود مصرف کنندگان بعلت اینکه در گذشته آب مباح بوده و از این بابت وجهی نمی پرداختند رعایت صرفه را نمینمودند و حتی حاضر نمیشدند که نهر اختصاصی خودشان را بسازند .

دیده شده است که مصرف کننده از يك نهر طبیعی روباز در چندین کیلومتر آب را میبرد تا بزمین اختصاصی برای مشروب کردن محصول خود برساند و آئیکه در محل انشعاب برداشت میکند از آبی که در مزرعه بمصرف میرساند بیست برابر و یا حداقل ۱۹ برابر بیشتر بوده و مقداری از آب مورد نیاز بهدر میورد برای اینکه مصرف کننده حاضر نیست لاقط مجرای اختصاصی آب مورد استفاده خود را از مواد غیر قابل نفوذ بسازد . صرفنظر از اینکه مقادیری از آب در مجرای روباز تبخیر میشود و حقاً و انصافاً این روش استفاده از آب موجب اتلاف آب و مانع استفاده دیگران میشود ، عدالت و مصلحت جامعه حکم میکند که مصرف کنندگان را ملزم به تبعیت مفاد قانون نمایند .

برای جلوگیری از اتلاف آب در حین انتقال بطور کلی میتوان آب را از طریق لوله و یا کانال و جوی از محلی به محل دیگر منتقل نمود . در حین انتقال آب بوسیله کانال و یا جوی مقدار زیادی از آب تلف میشود و در نتیجه باعث کاهش آب موجود میگردد . نقصان آب در کانالها بیشتر بعلت نفوذ آب بدیواره و کف کانال و یا بعلت تبخیر میباشد . برای جلوگیری از تبخیر روشهای علمی که از نظر اقتصادی نیز باصرفه باشند هنوز معمول نشده است بعلاوه این نقصان آب در مقایسه هدر دادن ناشی از نفوذ آب بخاك ناچیز میباشد .

بمنظور جلوگیری از نفوذ آب به کف و دیواره ها میتوان کانالها را به روشهای مختلف و با استفاده از مواد گوناگون پوشش نمود . این روشها

بطور کلی عبارتند از :

۱ - سیمانی کردن کانالها

۲ - پوشش قیر اندود

۳ - پوشش پلاستیکی (ورقه های پلی اتیلین یا وینیل)

۴ - پوشش سنگی

۵ - پوشش آجری با لایه سیمانی

علاوه بر پوشش کانالها - موارد دیگری نیز بایستی در مورد سیستم آبیاری مزرعه رعایت شوند که به اختصار در زیر به آنها اشاره میشود .
۱ - در محلهائی که کانال آبرسانی به دو یا چند جهت تقسیم میشود لازمست يك حوضچه تقسیم آب مجهز به دریچه احداث نمود تا بتوان آب را کاملاً کنترل کرد .

۲ - در محلهائی که آب از داخل کانال بمزرعه وارد میشود لازمست دریچه احداث نمود و یا اینکه از سیفونهای آبیاری برای این منظور استفاده کرد .

۳ - مرزهایی که بین نوارها و یا کرتهای آبیاری احداث میشوند بایستی مقاومت کافی نسبت به فشار آب رداشته باشند . معمولاً ارتفاعی در حدود ۲۰ سانتیمتر برای این منظور کفایت میکند .

۴ - برای جلوگیری از فرسایش کانالها لازمست کانالها را حتی المقدور و بصورت مستقیم احداث نمود .

۵ - در صورتیکه شیب کانالها زیاد باشد - بایستی با احداث موانعی در مسیر آب از سرعت آن کاست تا فرسایش ایجاد نشود .

در ممالک بزرگ خاصه در ایالات متحده آمریکا دیده میشود که آب رادر سر دهنه یعنی در محل انشعاب بمصرف کننده تحویل میدهند خواه این آب در بین راه تلف شود خواه بمحل مورد نظر برسد . بعداً متوجه شدند که بعضی از کشاورزان بعلت درآمد شایان باین اصل اقتصادی و کمبود آب توجه نمیکنند سپس مجبور شدند که محدودیتهائی برای این کار قائل شوند و عنوان مصرف مفید را مطرح نمایند و بتدریج هرکس که در ساختمان مجرای

راهنمای پوشش کانالها

ملاحظات	تکات منفی	مزایا	نوع پوشش
برای احداث آن از مخلوط زبر استفاده شود ۴ سنگ ریز : شن ۳ : ۱ سیمان قطر دیوارها ۵-۷ سانتیمتر برای کانالهای کوچک و ۱۰-۱۲ برای کانالهای بزرگ	- مخارج اولیه آن نسبتاً زیاد است - دوام آن زیاد نیست - ممکن است علف هرز در آن بروید	مخارج نگهداری کم است مشکل علف هرز وجود ندارد مدت زیادی دوام دارد	بتونی
قبل از پوشش با اسفالت لازمت کف و دیوارهای کانال را با مواد شیمیائی ضد عفونی نمود تا از رشد علف هرز جلوگیری شود .	- مخارج کارگری زیاد است - سرعت عمل کم است - سنگهای مناسب ممکن است در دسترس نباشد	در مقایسه با پوشش بتونی مخارج کمتری دارد مانند پوشش بتونی با این تفاوت که مقاومت نسبت به فرسایش بیشتر است	قیراندود
ورقه پلاستیکی را با خاک پیویشاید و ضمناً کف و دیوارهای کانال را قبل از جاگذاری ورقه پلاستیکی با مواد شیمیائی ضد عفونی نمایند تا از رشد علف جلوگیری شود .	- نسبتاً کم دوام - ممکن است علف هرز در آن بروید	مخارج کم است سرعت عمل زیاد است	مواد پلاستیکی
ماده چسبنده باستی حداقل ۳۰ درصد بتونیت داشته باشد و برای هر متر مربع لازمت یک پوند بتونیت استفاده کرد .	- دوام کم - رشد علف در کانال - فرسایش کانال	مخارج کمتر از سایر روشها	نمکهای سدیم و یا استفاده از مواد رسی

اختصاصی اقدام نمیکرد و مقدار قابل توجهی از آب را در بین راه تلف می‌کرد مصرفش را غیر مفید دانسته و پروانه‌اش را باطل مینمودند .

بنابراین وزارت آب و برق هم بنوبه خود موظف است از این خود خواهیها و اجحافی که بعضی از مصرف‌کنندگان آب معمول میدارند جلوگیری نماید و بهمین جهت مقنن در این ماده بالصراحه قید کرده است که دارندگان پروانه مصرف ملزم هستند که از اتلاف و مصرف غیر مفید آب اجتناب ورزند و مجاری اختصاصی مورد استفاده خود را بنحویکه این منظور را تأمین کند احداث و نگهداری کنند . صحیح است که در این ماده کیفری برای متخلف وضع نشده است ولی از تلفیق این ماده با ماده ۱۴ که میگوید مصرف اگر مفید و اقتصادی نباشد پروانه لغو میگردد میتوان بکلیه مصرف‌کنندگانی که مجاری اختصاصی آنها موجب اتلاف آب میگردد اخطار نمود که در تعمیر آن اقدام نمایند و در صورتیکه در ظرف سه سال بتعمیر مجری مبادرت نمودند پروانه مصرف آنها را لغو نماید .

البته چون اجرای ماده ۱۴ موکول ببعد از اعلام ملی شدن آب میباشد طبیعی است اجرای مفاد ماده ۱۵ هم ببعد از انتشار آگهی ملی شدن آب در هر ناحیه و هر منطقه موکول میگردد .

مصرف مفید چیست

ماده ۱۶

(مصرف مفید مصرفی است که تحت شرایط زمان و مکان (با توجه باحتیاجات مصرف‌کننده و احتیاجات عمومی و امکانات) طبق مقررات این قانون تعیین خواهد شد . مصرف مفید با تغییر روشهای علمی و فنی قابل تجدیدنظر است .)

مادرباب مصرف مفید و مصرف معقول مطالبی بتفصیل گفته‌ایم اما قانون در این ماده هم مصرف را به تبع زمان و مکان قابل تغییر دانسته است . عوامل دوگانه زمان و مکان در مصرف مفید آب بسیار حائز اهمیت است زیرا چنانکه گفتیم وقتی مبادرت بصدور پروانه مصرف مفید میشود که هیئتهای سه نفری و پنج نفری اطلاعات کافی در کیفیت مصرف و میزان مورد نیاز و عوامل عدیده دیگر که در مواد سابق الذکر اشعار گردید بدست آورده

باشند در آنصورت پروانه مصرف مفید صادر میگردد اما این پروانه که باین کیفیت صادر میشود ممکن است در خطه خوزستان و یا در اقلیم گیلان راجع بیک محصول واحد و در یک قطعه زمین مشابه متفاوت باشد زیرا اگر محصول پنبه و یا چغندر قند در خوزستان هر هکتاری هیجده هزار مترمکعب آب میرسد در گیلان این رقم بنصف خواهد رسید و یا اگر محصولی در یک منطقه یا یک ناحیه در فصل بهار کشت شود همان محصول در منطقه و یا ناحیه دیگر بععل تأخیر بارندگی و عوامل دیگر در زمان دیگر کشت شود میزاناً متفاوت خواهد بود. بنابراین مصرف آب در هر هکتار برای هر نوع محصولی متفاوت بوده و زمان و مکان در میزان آب مصرفی مؤثر خواهد بود و طبعاً مصرف مفید آنچنان مصرفی خواهد بود که تحت شرایط زمان و مکان قابل تغییر است. منتها عوامل دیگر را هم باید در این امر رعایت کرد و آن احتیاجات مصرف کننده و نیاز عمومی و امکانات است که در هر صورت و در هر حال عوامل اخیرالذکر باید در هر موردی رعایت گردد.

برای تحقق بخشیدن بچنین شرایطی که تابع عوامل زمان و مکان باشد باید قبلاً در امور کشاورزی با جلب نظر وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و در امور صنعتی با جلب نظر صاحبان صنایع یا اطاق صنایع و معادن یا وزارت اقتصاد و در امور شهری با جلب نظر وزارت کشور یا مؤسسات تابعه این وزارت اقدام نمود و مقررات خاصی هم برای آن وضع نمود تا هر مصرف کننده بداند که چه میزان آب برای چه محصولی مصرف مفید خواهد بود و برای هر نوع از محصولات فنی و صنعتی چه میزان آب باید مصرف کرد. همانطور که در باب آلودگی آب این مطلب عنوان گردید. طبیعی است اگر در اثر مطالعات علمی و فنی و پیدایش روش های نوین تغییری در میزان مصرفی آب در هر یک از مواد حاصل گردد طبعاً میزان مصرف مفید هم تغییر میکند و باید براساس همان مقررات جدید بمصرف کنندگان اعلام گردد.

برای اینکه موضوع مصرف مفید و معقول بهتر و بیشتر توضیح داده شود با استفاده از مطالعات اداره خاکشناسی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و با تعریف اجمالی بذکر چند مثال عملی زیر باعتبار کشت دوران رشد و نمو کامل گیاه و گردش زراعی و مطالعات و اصول فنی مبادرت مینماید.

مصرف مفید و معقول آب بمقدار آبی اطلاق میشود که برای کشت و رشد و نمو کامل يك گیاه طبق اصول فنی بطور منطقی کافی باشد. مثلاً اگر در منطقه یا ناحیه‌ای با شرایط خاص اقلیمی و براساس اصول فنی و باروش معین آبیاری برای رشد و نمو کامل يك هکتار چغندر قند ۱۲ هزار مترمکعب آب لازم باشد مصرف بیش از این میزان منطقی نبوده و مصرف غیر مفید است.

اگر در يك منطقه یا ناحیه‌ای با شرایط خاص اقلیمی برای حداکثر استفاده معقول از آب و خاک يك برنامه کشت توصیه و تجویز شده باشد یا برای يك مزرعه بزرگ يك گردش زراعی خاص (Rotation) طبق اصول فنی تشخیص و تعلیم داده شده باشد حداکثر استفاده از آب و خاک باید برای انواع نباتات ذکر شده در آن برنامه کشت یا گردش زراعی اعمال شود در غیر این صورت اگر برای زراعت دیگری خارج از انواع زراعت‌های تعیین شده در برنامه کشت و یا گردش زراعی مربوط آب مصرف شود اگر چه مقداری طبق میزان توصیه شده مصرف مفید باشد ولی چون رعایت منطقی گردش زراعی با برنامه کشت نشده است، مصرف آن معقول نخواهد بود و این نوع مصرف را هم مشمول تعریف مصرف مفید و معقول وزارت کشاورزی و منابع طبیعی نمیداند.

زیرا عدم رعایت گردش زراعی در برنامه کشت و کار و کشت متوالی يك نوع زراعت در سال‌های متمادی در يك زمین موجب عدم تعادل در ترکیب شیمیائی و فیزیکی خاک و در عین حال عدم امکان استفاده از انواع مواد مغذی موجود در خاک میگردد و در نتیجه مواجهه با مسائلی از قبیل حمله آفات و کمبود مواد لازم میگردد. بنابراین مصرف مفید آب حداقل مقدار مصرف آب برای هر نبات است که طبق مطالعات فنی برای رشد و نمو و بشمر رسیدن آن گیاه در يك دوره زراعی در شرایط اقلیمی خاص و با استفاده از روش‌های آبیاری صحیح کافی باشد.

مثلاً اگر يك گردش زراعی چهار ساله در يك مزرعه بزرگ تجویز شده باشد باین ترتیب که ابتدا پنبه و پس از آن گندم و پس از آن جو و بعداً نباتات علوفه‌ای از قبیل سوژا کشت شود مصرف آب در این زمین با توجه بمطالعات و بررسی‌های فنی مصرف مفید و معقول محسوب میشود لکن اگر در همین زمین پس از کشت پنبه مجدداً در سال بعد هم پنبه کشت شود مصرف آب برای پنبه در سال دوم مصرف مفید و

منطقی محسوب نمیگردد زیرا این امر را وزارت کشاورزی و منابع طبیعی خلاف سیاست کشاورزی کشور میداند والا از نظر مصرف - مصرف مفید و معقول است اگرچه از نظر کمیت آب مصرفی شامل مصرف مفید باشد .

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی بر این تعریف و توصیف مصرف مفید و معقول سیاست کشاورزی کشور را هم قصد دارد دخالت دهد مثلاً اگر سیاست کشاورزی بر این باشد که در اراضی لنجان اصفهان برنج کاشته شود و کسی برنج کاشت مصرف آب آن نوع کشت مصرف مفید و معقول محسوب نمیشود اگرچه از نظر کمیت و کیفیت آب شامل تعریف جامع مصرف مفید و معقول باشد .

اگر از نظر مصلحت فنی و بسبب جلوگیری از اشاعه آفات در منطقه ای از خراسان کشت متوالی چغندر قند در یک زمین ممنوع شود و کشاورزان این ممنوعیت را نادیده گرفته و باز در همان زمین بکشت چغندر مبادرت نمایند مصرف آب برای این نوع کشت در این زمین در عین حالیکه ممکنست از نظر مقدار مصرف آب صحیح باشد ولی از نظر سیاست وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ظاهراً مفید نمیباشد یا اگر بسبب وجود آفت خطرناکی مانند کرم سرخ در یک منطقه کشت خاصی مانند پنبه ممنوع گردد در صورتیکه زارعین این ممنوعیت را نادیده گرفته و باز بکشت پنبه در آن منطقه اقدام نمایند مصرف آب برای پنبه در آن منطقه در سالهای ممنوعیت مصرف مفید و معقول نخواهد بود زیرا از نظر فنی مسلم است که کشت پنبه در آن منطقه موجب اشاعه آفت خطرناکی برای تمام پنبه کاری کشور میشود و این کار تحقیقاً اقدام معقولی نخواهد بود .

این نظر سیاست کشاورزی که در واقع عنوان جدیدی در امر مدیریت کشاورزی است اگر توأم با مبانی فنی شود باعتبار مفاد ماده ۱۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن در امر مصرف مفید و معقول ملحوظ خواهد بود . زیرا در ماده ۱۷ کیفیت اقلیمی یکی از عوامل مورد مطالعه وزارت کشاورزی قرار داده شده است که باستناد همین کیفیت اقلیمی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی میتواند سیاست کشاورزی را در امر مصرف مفید و معقول آب بوزارت آب و برق اعلام نماید و وزارت آب و برق مکلف است که میزان اجازه مصرف

آب را در هر ناحیه باتوجه بنوع محصول نوع خاک و کیفیت اقلیمی تعیین و اعلام نماید .

درفانون آب چون دربادی امر همه امور متوجه بامر کشاورزی میباشد مقنن در ماده ۱۷ این نکته را بخوبی تشریح کرده است .

تعیین میزان آب برای هر محصول

ماده ۱۷

(وزارت آب و برق مکلف است باتوجه باطلاعاتیکه وزارت کشاورزی در مورد مصرف آب هر یک از محصولات کشاورزی در اختیار وزارت آب و برق قرار میدهد تدریجاً میزان اجازه مصرف آب را در هر ناحیه باتوجه بنوع محصول نوع خاک ، کیفیت اقلیمی تعیین واعلام دارد)

باید بعواملی که در گذشته یادآور شدیم عوامل دیگری را هم در امر کشاورزی افزود همانطوریکه در این ماده عامل نوع خاک و محصول و سرزمین و اقلیم از عوامل مؤثر در میزان مصرف آب در هر یک از محصولات است باید این ضابطه را وزارت کشاورزی و منابع طبیعی در اختیار وزارت آب و برق بگذارد تا بتدریج مصرف مفید هر یک از محصولات در هر ناحیه و منطقه در فصول مختلف سال نسبت بمحصولات صیفی و شتوی معین گردد.

طبیعی است در صورت ممارست در اجرا و رعایت این مراتب ممکن است که میزان آب مصرف مفید با استفاده از روشهای نوین فنی و علمی کاهش یابد و بتوان از مابه التفاوت این صرفه جوئی اراضی دیگری را برفع مصرف کننده مشروب نمود .

در یکی از کشورهاییکه بتازگی استقلال پیدانموده است دیدم که هر محصولی را از نظر آبیاری ریشه بقدر لازم در لابراتوار آزمایش مینمایند و دوبرابر میزان آبی که میتواند ریشه گیاهی را آبیاری نماید باتقریب بیشتری از نظر اتلاف برای آن محصول در هکتار و در خاک مخصوص که قبلاً مورد آزمایش قرار گرفته آب تعیین مینمایند و میگویند در این صورت است که آب به مصرف مفید میرسد و عملاً هم از این روش استفاده های شایانی در امور کشاورزی و صنعتی کرده اند بطوریکه امروزه هر کشاورز متخصصی میداند

درچه زمینی باید چه محصولی بکارد وچه میزان آب تحصیل وبمصرف برساند تافلان مبلغ درآمد داشته باشد .

بخش پنجم - آبهای مصرف نشده

ماده ۱۸

(وزارت آب وبرق درهرمنطقه پس از رسیدگی های لازم برای آبهای مشروح در زیر پروانه صادر میکند .

- ۱ - آبهایی که بدون استفاده مانده باشد .
- ۲ - آبهاییکه بر اثر احداث تاسیسات آبیاری وسدسازی وزهکشی بوسیله سرمایه گذاری دولتی بدست آمده ومیآید .
- ۳ - آبهای زائد از مصرف که بدریاچه ها ودریاها وانهار میریزند .
- ۴ - آبهای حاصل ازفاضل آنها .
- ۵ - آبهای زائد از سهمیه شهری .
- ۶ - آبهاییکه از تاریخ صدور پروانه تا سه سال بوسیله دارنده پروانه یا جانشین اوبمصرف نرسیده باشد .

۷ - آبهاییکه پروانه استفاده از آن بعلل قانونی لغوشده باشد .

۸ - آبهاییکه بر اثر زلزله یا سایر عوامل طبیعی درمنطقه ای ظاهر میشود .

چون دراین قانون جنبه های قضائی زیاد دیده میشود مقنن متصدیان امور را وادار به رسیدگی نموده است .

کلمه رسیدگی درعرف قضائی کلمه جامعی است که متصدیان امور را ملزم میسازد که بادقت کامل جوانب امر را بررسی نمایند وباستناد دلائل محکمه پسند اتخاذ نظر نمایند تارسیدگی تحقق یافته باشد وچون شایسته است درامر آب دقت وتوجه زیادی اعمال گردد تا از عدم دقت ترضیع حقی نشود لذا مرتباً دراکثر مواد قانون آب کلمه رسیدگی مقرر شده است .

واضح است که اصولاً ترضیع حق امر بسیار ناگواری است ولی ترضیع بعضی از حقوق اثر ناگوارتر وزیان بخش تری دارند که زیان ترضیع حق در مسئله آب درامور زندگی و کشاورزی و صنعتی از آنجمله است از اینرو شایسته است در مورد هرگونه تصمیمی که در اینگونه حقوق گرفته میشود توجه بیشتری مصروف گردد .

دراین ماده همانطوریکه قانون مدنی این نوع آبهارا مباح وجائز-

المصرف دانسته است مقرر شده آبهای که مالک خاص ندارند دولت بنمایندگی مردم تصرف و تملك نماید و بین صاحبان تقاضا برطبق مقررات مقرر توزیع نماید .

۱ - یکی از آبهای قابل تملك آب بدون استفاده است یعنی علاوه برآنکه مالک خاص ندارد مصرفی هم برای آن نیست و طبیعی است چنین آبی را میتوان تملك و استفاده و بهره برداری نمود مثل بسیاری از دریاچه های سطحی و زیرزمینی که احتمالاً سالیان دراز است که آب آن مخازن بدون مصرف و استفاده مانده است .

شاید این تصور پیش آید که بعضی از این نوع آبها و دریاچه ها آب شور دارد و قابل استفاده و بهره برداری در امر خانگی یا صنعتی و یا کشاورزی نمیباشد . البته از اینگونه آبها میتوان در مواقع لازم استفاده کرد و باروشهای تصفیه جدید که معمول است شوری آنها را گرفت و آبی که شور نباشد بمصرف شرب خانگی یا مصارف دیگر رساند آنچه محط نظر است استفاده از این آبها است البته بکیفیتی که دولت بتواند استفاده کند و بمصرفی که به نفع اقتصاد جامعه است برساند .

۲ - آبهاییکه بر اثر احداث تاسیسات و سدسازی و زهکشی بدست میآید از آبهای است که دولت میتواند با سرمایه گذاری و ایجاد تاسیسات تملك نماید .

این آب همان آب مخازن سدها میباشد که مازاد بردبی (بده) عادی رودخانه بقیه متعلق بدولت است و معمولاً بده عادی در رودخانه جاری است زیرا صاحبان حقوقی هستند که مستمراً از بده عادی رودخانه استفاده میکنند و برای مایحتاج زائد خود از محل مخزن سد خریداری مینمایند همانطوریکه قبل از ایجاد تاسیسات از محل طغیانهای زائد خریداری میکردند منتها پس از ایجاد تاسیسات اطمینان و اعتماد بیشتری بتأمین آب مورد نیاز خواهند داشت و میتوانند سطح کشت خودشان را تثبیت نمایند و هر ساله باتقویت خاک از طریق کود های شیمیائی و حیوانی تمام اراضی خود را باعتبار همین تاسیسات آبیاری کنند .

ایجاد تاسیسات آبیاری و ساختمان سدهای بیشمار و کانالهای آب

اعتماد بیشتری بطبقه کشاورز درکار کشاورزی میدهد و این تنها کشاورز نیست که بااعتماد وایمان راسخ بکار و حرفه خود مبادرت می‌ورزد بلکه عموم طبقات فعال این کشور ازتاریخی که این تاسیسات بوجود آمده دگرگونی خاصی پیدا کرده‌اند وروز بروز برثروت وفعالیت آنها بامید فردای بهترافزوده شده و میشود .

روشنائی شهرها وجنبش دیگهای بخار کارخانجات وسرسبزبودن مناطق بیشمار وصنعتی وکشاورزی شدن کشور بیشتر مرهون همین تاسیسات آبیاری است که هم از انرژی آب درامر روشنائی و برق استفاده میشود وهم درامر کشاورزی ونباتات ودامپروری .

۳ - آبهای زاید ازمصرف که بدریاچه هاودریاها وانهار میریزند . چون هنوز در مرحله اول وآغازتاسیسات آبیاری هستیم هنوزبرخی از رودخانه ها مهار نشده‌است درمنطقه سد سفیدرود (فرح‌پهلوی) مقداری از طغیان بهاره‌تأچندی قبل بهبحرخرمیریخت طبیعی است بتدریج باساختن کانال فومن وسدطالقان واحتمالا باایجاد تاسیسات دیگر ازاین مقدار اتلاف آب کاسته میشود واین‌گونه آبها هستند که منطبق باشق ۳ ماده ۱۸ میاشد و یاآبی که مثلا دررودخانه کن درفصل بهار پیدا میشود وهمین نوع سیلاب ها که بعلت عدم وجود تاسیسات امکان استفاده از آنها فعلا نیست باید بتدریج مهار گردد واز آنها درامور مختلف استفاده گردد .

۴ - آبهای حاصل از فاضل آبها - اصولا استفاده از فاضل آب امروزه بین علما و دانشمندان زمین‌شناس و آب‌شناس موضوع قابل توجهی شده است وسمینار هائی در گوشه وکنار دنیا بمنظور استفاده از فاضل آبها وصحی بودن آن تشکیل میشود .

درشهرهائیکه آگوی شهری وجود دارد وفاضلاب بوسیله آگو بخارج شهر منتقل میشود درخارج شهر مقداری از آن بصورت کود درمیآید و آب آنهم بمصرف کشاورزی میرسد ولی در شهر تهران فعلا آگو برای فاضل آب وجود ندارد وكشش اراضی ماسه‌ای فعلا کار آگورا مینماید .

درپائین شهر تهران میتوان با حفر چاههای زیاد این فاضلابها را بخارج از زیر زمین هدایت ودرمنابع وکانالهای بزرگی که پیش‌بینی میشود ذخیره

یاجاری ساخت تادرامر کشاورزی مورد استفاده قرارگیرد کمااینکه چنین پروژه‌ای موجود است که می‌خواهند ازفاضلاب شهر تهران در انتهای جنوبی شهر تهران بوسیله حفرچاه وپمپاژ وهدایت آن بورامین درکار کشاورزی استفاده نمایند . اکثر علماء معتقد باستفاده ازفاضلاب درشرب خانگی نیستند زیرا معتقدند زدن مجدد مواد شیمیائی باین آب از نظر بهداشتی صحیح نیست ولی برای استفاده درامر کشاورزی بسیار مفید میباشد .

عده‌ای دیگر از علماء معتقدند که این آب در هر حال دارای املاحی است که این املاح ممکنست با انتقال به نباتات مجدداً منتقل بانسان شود و در دو سه نژاد دیگر اثرات نامطلوب بیار آورد .

بهرحال این عقیده چندان طرفداری ندارد و معتقدین باین عقیده چندان زیاد نیستند ودرهرحال عده کثیری از علماء ودانشمندان معتقدند که این آب بکار کشاورزی خواهد خورد وبسیارهم مفید است .

۵- آبهای زائد از سهمیه شهری - دراستانهائی که آبها برای مصارف مخصوص درجه بندی وتقسیم میشود این احتمال پیش میآید که میزانی که اختصاص بشهر داده‌اند زائد از مصرف شهری باشد مثلاً همین ایام آب شهر گرگان که بمصرف خانگی میرسد غالباً بمصرف کشاورزی میرسانند و شخصاً این وضع را مشاهده کردم منتها بعضی‌ها معتقد بودند که این کار خلاف مقررات است ولی مقامات مسئول بعنوان اینکه زائد از مصرف شهر است وپنبه فلان شخص احتیاج بآب دارد آب را به او میفروختند .

بنابراین ممکن است درایامی که تمام آبها مهار میشوند وشبکه لوله کشی دراکثر شهرها تعمیم یابد وشهر از نظر مصارف آب مازادی داشته باشد دراینمورد قانوناً مجاز بفروش آب یا انتقال آن بمصرف دیگری میباشد وبه این جهة این امر مهم وحساس درقانون پیش بینی شده است .

۶- آبهاییکه تاسه سال بوسیله دارنده پروانه بمصرف نرسد - دراین ماده مقنن خواسته است مرور زمانی برای پروانه مصرف تعیین کند بدین معنی که هر دارنده پروانه مصرفی اگر از اجازه‌ای که باو برای مصرف از آب رودخانه یاهرمنبعی دیگر داده‌اند درظرف سه سال استفاده و بهره برداری نکند پروانه او لغو میشود .

نکته قابل توجه اینست که آیا لغو پروانه خود بخود خواهد شد یعنی پس از انقضاء سه سال و عدم استفاده از پروانه یا با تحقیقات مامورین اداره آب منطقه یا وزارت آب و برق و بایک اخطار مسئولین امر پروانه لغو میگردد یا آنکه مراجع قضائی باید در لغو این پروانه و رسیدگی بمقدمات و تحقق امر اظهار نظر بر لغو پروانه نمایند .

بطوریکه قبلاً در شرح ماده ۱۴ ملاحظه فرمودید هرگاه در مدت سه سال از تاریخ اخطار وزارت آب و برق مصرف کننده بدستور های وزارت آب و برق راجع به پروانه عمل ننماید پروانه مصرف آب لغو خواهد شد بنابراین بند ۶ ماده ۱۸ قانون در واقع متمم ماده ۱۴ میباشد .

یعنی در هر دو حال صرف نظر از مهلت موجود اگر سه سال پروانه بدون مصرف بماند و یا بمصرف برسد ولی مفید نباشد با اخطار وزارت آب و برق پروانه لغو خواهد شد .

و نیازی نیست که این امور بمراجع قضائی محول گردد ولی يك نکته قابل ذکر است و آن امر رسیدگی است که راجع باین کلمه رسیدگی و حالات و موقعیت هائی که ایجاب رسیدگی مینماید باید بسیار دقیق باشند و کاملاً موضوع را از هر جهت رسیدگی نمایند تا حق اذیحقی بدون علت تضییع نگردد و بایک گزارش مأمور محل که احتمالاً ممکن است ضابطه دادگستری هم باشد نباید پروانه را لغو کرده و یا ذیحقی را بدون حق ساخت بلکه باید علاوه بر آنکه گزارشها خالی از غرض باشد اظهار نظرکننده خودش اعتماد بصحت گزارش داشته باشد و مجال دفاع بکسیکه میخواهد از او حقی را بگیرد بدهد تا دفاع لازم نسبت بگزارش مأمور بعمل آمده باشد و صرفاً روی گزارش مأمور و قبل از احراز صحت گزارش دستور لغو پروانه را صادر ننمایند .

۷ - آبهائیکه پروانه استفاده از آن بعلل قانونی لغو شده باشد . همانطوریکه در ماده ۱۴ و شق ۶ ماده ۱۸ قانون یادآور شده است در نتیجه اعمال قانون و رسیدگی احتمالاً تعدادی از پروانه ها لغو میشود . بنابراین برای اینکه این آب بلا استفاده نماند وزارت آب و برق میتواند از آن استفاده کرده و پروانه مصرف را بنام متقاضی دیگری صادر نماید . چون در قسمت پروانه مصرف گفته شد که پس از توجه بامکانات و

اخذ تعهدات و منظور داشتن شروط و رسیدگی های لازم پروانه مصرف صادر میگردد بنابراین در اینجا بنام هرکسی که میخواهند پروانه صادر کنند و این آیینیه قبلا مورد پروانه دیگری بوده است بنام شخص دیگری صادر نمایند باید رعایت مقررات مربوط را بنمایند .

در این مورد احتمال دارد که صاحب پروانه اولیه خود را مهیای پذیرش اجرای مفاد پروانه بنماید و درخواست صدور پروانه مصرف کند . تصور میکنم با اطلاقی که در این بند از نظر استفاده شده است وزارت آب و برق میتواند بنام مالك اولیه در صورت اقتضاء و دلایل موجه پروانه مصرف را صادر نماید . در این صورت هم قانون اجرا شده است و هم صاحب حتی به رعایت و عمل بمقررات مصوب تسلیم شده است و زیانی را تحمل نخواهد کرد .

۸ آبهاییکه بر اثر زلزله یا سایر عوامل طبیعی در منطقه ای ظاهر میشوند . مفاد این بند کاملاً روشن است و نیاز بتوضیحی ندارد زیرا هرکس در عمر خود و یا در تاریخ زندگی پدران خود شنیده و یا دیده است که در اثر حوادث ارضی و دگرگونیهای طبیعی منطقه یا ناحیه ای از آب زیرزمینی سرشار میشود و یا چشمه هائی در جوانب و اطراف خود ملاحظه مینماید این آب در هر حال چون مالك خاص ندارد بحکم این بند از قانون متعلق بدولت میباشد و وزارت آب و برق بنمایندهای دولت میتواند رأساً یا بوسیله اشخاص دیگر آنرا مورد استفاده قرار دهد البته اگر اشخاص بخواهند از این منابع استفاده نمایند باید پروانه مصرف بگیرند و این پروانه را هم وزارت آب و برق با رعایت مقرراتی که وضع گردیده است بمتقاضیان خواهد داد .

تصمیماتی که نسبت به اجرای مفاد ماده ۱۸ لازم است بوسیله وزارت آب و برق اتخاذ میگردد و برای مقام دیگری حق مداخله ملحوظ نشده است .

فصل دوم

وظائف و اختیارات

ماده ۱۹

(وزارت آب و برق موظف است بمنظور تأمین آب مورد نیاز کشور از طرق زیر اقدام مقتضی بعمل آورد .)

الف - مهار کردن سیلابها و ذخیره نمودن آب رودخانهها در مخازن سطحی وزیرزمینی .

- ب - تنظیم و توزیع آب با ایجاد شبکه‌های آبیاری و لوله‌کشی .
- ج - استخراج و استفاده مفید از آبهای زیرزمینی و معدنی .
- د - شیرین کردن آب شور در مناطق لازم .
- ه - جلوگیری از شور شدن آبهای شیرین .
- و - بارور کردن ابرها .
- ز - نظارت بر کیفیت و کمیت مصارف آب و بررسی کلیه منابع آبهای کشور .
- ح - ایجاد تاسیسات آبیاری و تاسیس شرکتها و سازمانهای آبیاری و هیئتهای اجرائی و کمیته‌های حفاظت آب در نواحی و مناطق مختلف .
- ط - نظارت بر آبها بطور مستقیم یا غیرمستقیم و جیره‌بندی آب در خشکسالی .
- ی - انجام سایر اموریکه موجب حسن اجرای این قانون باشد .

اختیارات و وظائف وزارت آب و برق طبق ماده فوق بسیار وسیع و شاید کم نظیر باشد . کم نظیر گفته شد چون کمتر کشوری در دنیا پیدا میشود که يك واحد عمرانی بهر نام و بهر عنوان این اندازه اختیار داشته باشد و وظائفش باین اندازه وسیع باشد باآنکه تمام جزئیات امر در شقوق دهگانه این ماده قید شده است با این وصف اضافه مینماید که انجام سایر اموریکه موجب حسن اجرای این قانون باشد از لوازم و مقدمات اختیارات مذکور است بدین معنی که يك سلسله اختیارات و وظائف که لزومی بذکر

آن نبوده بعهدہ وزارت آب و برق گذاشته شده تا بعداً با توجه بمدلول ماده ۶۶ که میگوید « آئین نامہ های مربوط بامور اجرائی سایر مواد در صورت لزوم به پیشنهاد وزارت آب و برق بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید » تمام مقدمات و فروع اختیارات و وظائف را بصورت آئین نامہ تهیه و بتصویب هیئت وزیران برساند و در صورتیکہ ہر یک از افراد و اشخاص ذریبٹ از این مقررات تخلف و یا مسامحہ نمایند طبق بند ۶ ماده ۶۰ بہ پرداخت دوہزار تا پنجہزار ریال یا از ۲ ماہ تا ۶ ماہ حبس تادیبی یا بہر دو مجازات بر حسب مورد محکوم شوند و برای اینکہ خوانندہ گرامی بمفاد بند ۶ ماده ۶۰ توجہ فرماید عیناً درج میگردد .

۶ - ہرکس از مقررات مندرجہ در پروانہ مصرف آب تخلف کند یا بدون اجازہ وزارت آب و برق پروانہ خود را بدیگری منتقل سازد یا از مقررات موضوعہ وزارت آب و برق در اجرای مواد فصل دوم این قانون تخلف کند ، بمجازات مقرر در صدر مادہ کہ قبلاً ذکر شد محکوم میگردد (با تذکر باینکہ مادہ ۱۹ کہ در اطراف آن بحث میکنیم جزء فصل دوم این قانون میباشد .)

بنا براتب معلوم شد کہ اختیارات وزارت آب و برق بیش از حدی است کہ در بادی امر تصور میرود لکن بہمین نسبت کہ اختیارات این وزارتخانہ زیاد است و وظائف او سنگین و گاہگاہی در وضع فعلی با عدم آمادگی وسایل غیرمقدور است کما اینکہ وقتی بہ بند ۱۹ مادہ ۱۹ توجہ میشود ملاحظہ میفرمائید تا چہ حد وظایف و تکالیف ہم متقابلاً سنگین است . درست است کہ بررسی کلیہ آبہای کشور با تجربیاتی کہ وزارت آب و برق و بنگاہ مستقل آبیاری سابق بدست آورده موضوع زیاد مشکلی نیست مضافاً براینکہ انصافاً پیشرفتهای قابل توجہی ہم بدست آمده است ولی نظارت بر کیفیت و کمیت مصارف آب از کارہای بسیار دشوار است چہ از نظر سازمان پرسنلی و چہ از نظر وسائل کار و چہ از نظر مداخلہ در امور عادی و غیر عادی زندگی مردم . بنابراین دخالت در مصارف آب یعنی دخالت در زندگی و حیات مردم حقاً کار دشواری است و این نظارت ہم از نظر فنی گاہگاہی با توجہ بمیزان کمبود آب لازم و ضروری تشخیص میشود کہ در ہر صورت کار آسانی نیست

یعنی همانطور که باین وزارتخانه اختیارات زیادی داده شده بهمان نسبت تکالیف سنگینی هم بآن ارجاع گردیده است .

نسبت به بعضی از شقوق ماده ۱۹ بعلت و وضوح، شرح و وصف لازم نیست و شاید عامه مردم تا این تاریخ با کارهایی که وزارت آب و برق در کار سدسازی و مهار نمودن سیلابها و ذخیره کردن آبها و ایجاد تأسیسات آبیاری و تشکیل شرکتها و سازمانهای آبیاری مثل سد کرج (امیرکبیر) و استخراج و استفاده مفید از آبهای زیرزمینی مثل پروژه دشت قزوین اطلاع کامل دارند در اینجا قبل از اینکه وارد یکا یک مباحث فوق الذکر گردیم بد نیست بقسمت دیگر اختیارات وزارت تعاون و امور روستاها که کاملاً مربوط باین قسمت و تا حدی مربوط بوظائف وزارت آب و برق میباشد و در شرح ماده ۹ هم اشاره نمودیم توجه کنیم .

بند ۶ - عمران و نوسازی روستاها و احداث شبکههای درجه سوم و چهارم آبیاری در منطقه عمل شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستائی که قانون تعاونی کردن تولید و یکپارچه کردن اراضی در منطقه عمل آنها اجرا میشود باتوجه بمواد ۶ و ۷ این قانون .

ماده ۷ - مسئولیت احداث شبکههای درجه ۳ و ۴ آبیاری در منطقه عمل شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستائی کشور در مناطقی که وزارت آب و برق طرحهای توسعه منابع آب را اجرا میکند از وظایف وزارت آب و برق بوده و در مواردیکه با تأیید وزرای تعاون و امور روستاها و آب و برق احداث این شبکهها با استفاده از اعتبار و وقت کمتری با اقدام شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستائی که قانون یک پارچه کردن اراضی و تعاونی کردن تولید در منطقه عمل آنها اجرا شده است امکان پذیر باشد شرکتهای نامبرده براساس قرارداد های منعقد شده با وزارت آب و برق و با نظارت مسئولین امر در وزارت نامبرده و استفاده از اعتبارات مربوط نسبت بتأسیس شبکه های درجه ۳ و ۴ آبیاری در منطقه عمل مربوط بخود اقدام لازم را انجام خواهند داد .

تنظیم و توزیع آب با ایجاد شبکههای آبیاری و لوله کشی

در شهر تهران این امر بوسیله سازمان آب منطقه ای تهران صورت گرفته است

و سازمان مزبور بوظیفه قانونی خود از تاریخ تاسیس کاملاً توجه داشته و دارد لکن نسبت به بعضی از وظائف فنی که تابحال در اشل مملکتی اقدامی از طرف سازمان مذکور نشده است مثل شیرین کردن آب شور و یا جلوگیری از شور شدن آب شیرین و یا بارور کردن ابرها و جیره بندی آب در خشکسالی و خوانندگان گرامی احتمالاً آشنا با این وظائف و تکالیف نمیباشند ، از اینرو نسبت بهریک از این شقوق مختصر توضیحی که در شأن يك کتاب حقوقی است داده میشود .

واما شقوقی که لازم بشرح است :

- | | | | | | |
|---------------------------------------|------------------|---|-------------------|---|-----------------------------|
| الف | بارور کردن ابرها | ب | شیرین کردن آب شور | ج | جلوگیری از شور شدن آب شیرین |
| د هیئتهای اجرائی و کمیته‌های حفاظت آب | | | | | |

واخيراً توسعه بیشتری بمناسبت قبول وظائفی از قبیل باور کردن ابرها و شیرین کردن آب شور و جلوگیری از شور شدن آب شیرین یافته است که چون در اشل مملکتی هنوز عملی نشده است لازم است که نسبت بیکایك آنها توضیحات بیشتری داده شود .

الف - بارور کردن ابرها

بخار یا ذرات بسیار كوچك آب در هوا در اثر سرما متراکم و اشباع میشود و ابر را تشکیل میدهد و چون ذرات ریز آب بعلت اینکه تقریباً یکصدم میلیمتر قطر دارد موجب میشود که ذرات حالت کلوئیدی بخود گرفته و در جو معلق بمانند مثل ذرات ژله که در آب معلق میماند برای اینکه ابر بیارد باید شرایط فیزیکی خاصی در ابر بوجود آورد تا ذرات آن درشت و در واقع بحدی و به وزنی برسد که سقوط نماید .

بعضی از ابرها که نمیارند نیاز بتحریک دارد تا بیارد برای اینکه

این نوع ابرها آماده بارش شود از عواملی که بطور طبیعی موجب بارندگی ابر میگردد باید استفاده نمود در بیست سال قبل برای اولین بار از انیدرید کربنیک استفاده میکردند و بعد از آن از یدور نقره که بلورهای آن شباهت زیادی ببلورهای یخ دارد استفاده میشد در حال حاضر یدور نقره مؤثرترین و رایجترین ماده برای تحریک ابر بمنظور باریدن میباشد .

طریقه بارورساختن ابر و طرز رساندن یدور نقره بابر

بدواً مشخصات ابرهای منطقه مورد نظر را برای باروری از طرف ماهواره‌های مخصوص و ایستگاههای هواشناسی بدست می‌آورند سپس در صورت مساعد بودن ابر برای باروری بداخل و روی ابرها پرواز و بارها کردن مواد منفجره مخصوص و انفجار آنها در داخل توده‌های ابر و با پاشیدن محلول یدور نقره عملیات بارور کردن را انجام میدهند . برای رساندن یدور نقره بابر میتوان با استفاده از مولدهای زمینی و سوزاندن آن بوسیله استون Aceton استفاده کرد و دود حاصل را بابر رساند و بلورهائی که از یدور نقره بدست می‌آید در آن پخش کرد . گاهی مولدی را در زیر بال هواپیما و یا بالنها تعیبه و یدور نقره را همراه با ماده منفجره در سطح مورد نظر در داخل ابر منفجر می‌نمایند و یدور نقره را بابر می‌رسانند در نتیجه هسته‌های منجمده در داخل ابر موجب میشود که قطرات آب‌هائی را که تقریباً پنج درجه زیر صفر است باطراف خود جمع کند و عمل باریدن حاصل گردد . در صورتیکه ابر از نوع ابرهائی باشد که در دامنه کوهها تشکیل میشود نتیجه آن با موفقیت بیشتری توأم خواهد بود تلقیح یا رسانیدن مواد هسته‌زا (یدور نقره - یخ خشک - آب) باید برای مدت زیادی ادامه یابد تا نتیجه لازم اخذ گردد .

منطقه عملیات

هر نوع برنامه اجرایی باید با دقت و با توجه بشرایط اقلیمی وجوی و سیستم‌های جوی که باران تولید میکند با انتخاب باصرفه‌ترین راه عمل طرح‌ریزی گردد بسیار اتفاق افتاده است که نوع طرح و برنامه مناسب بشرایط

محل نبوده و نتیجه معکوس داده است آزمایش و اندازه گیری های فیزیکی و استفاده از رادار هواشناسی برای مطالعه بارانهائی که از ابر مورد باروری بدست میآید امری است لازم و ضروری . از مطالعاتی که در این زمینه در کشورهای متحده امریکا بعمل آمده افزایش بارندگی در حدود ۱۰ تا ۳۳ در صد پیش بینی گردیده و در بعضی از موارد افزایش بارندگی بیش از این بدست آمده است .

بارور کردن ابرها و افزایش میزان بارندگی در حوضه بعضی از رودخانه ها مانند رودخانه کرج - شاهرود و جاجرود و دامنه های جنوبی جبال البرز مورد نظر و استفاده شرکت سازمان آب منطقه ای تهران واقع شده و هدف اصلی سازمان آب تهران بکار بردن آخرین و جدیدترین تکنیک باروری ابرها برای افزایش بارندگی در حوضه رودخانه ها می باشد .

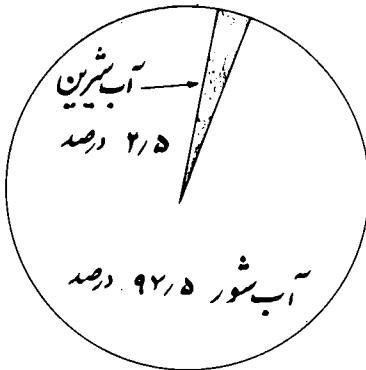
ب - شیرین کردن آب شور

تبدیل آب شور بآب شیرین از نظر اقتصادی و نیاز عمومی در این زمان که کمبود آب احساس میشود دارای اهمیت فراوانی میباشد .

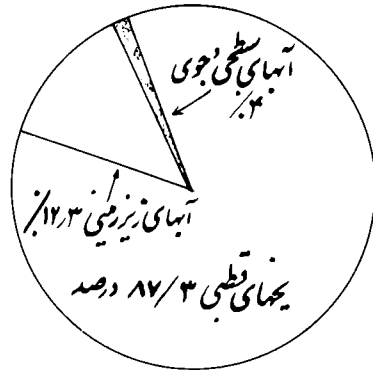
در انگلستان يك سوم آب رودخانه Jersey پس از شیرین کردن بمصرف میرسد و در واقع بعلت نیاز عمومی روزانه $1/5$ میلیون گالن آب شور را تبدیل بآب شیرین مینمایند . لکن هزینه سنگین این امر با آنکه ثمره آن فوق العاده قابل توجه است زیاد میباشد در بعضی مواقع هزینه این کار کمتر از ساختمان يك سد و یا يك دریاچه مصنوعی نیست .

در غرب فلوریدا (آمریکا) آب آشامیدنی شهر Key که در حدود ده میلیون لیتر در روز میباشد از دریا با روش تقطیر تهیه میشود و دستگاههای تقطیر در سال ۱۹۶۷ مورد استفاده واقع شد . اخیراً این روش توسعه یافته و تا ۶۰۰ میلیون لیتر در روز آب قابل شرب از دریا برای مصرف اهالی و صنایع تهیه میکند .

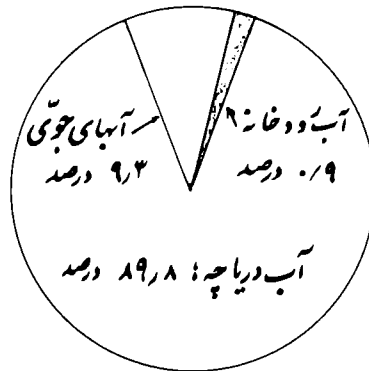
همانطوریکه گفته شد چون امر تبدیل آب شور بشیرین مستلزم صرف هزینه سنگین است اخیراً از حرارت اضافی کارخانه های مولد برق برای شیرین کردن آب شور استفاده مینمایند این روش از نظر تقلیل هزینه



حجم کل آبهای کره زمین
۳۲۶,۰۰۰,۰۰۰ میل کعب



آب شیرین
۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ میل کعب



حجم آبهای سطحی دجوی
۳۳,۴۰۰ میل کعب

یک درصد کل مقدار آب کره زمین برای ریت کفیه سکنه کره زمین کافی میباشد

تهیه آب شیرین بهترین طریق است (گرچه کارخانجات مولد برق تعدادش زیاد نیست) .

موضوع شیرین کردن آبهای شور دارای سابقه‌ای طولانی است و در طول تاریخ زندگی بشر بانحاء مختلف بآن توجه گردیده و در طی قرون متمادی روش‌ها و طرحهای مختلفی در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است اما میتوان گفت که از نیمه قرن بیستم با استفاده از روش تقطیر - الکترودیالیز و سایر روشهای مدرن مسئله شیرین کردن آبهای شور جنبه جدی‌تر و اساسی‌تری بخود گرفته است و امروز در نقاط مختلف دنیا مانند امریکا - شوروی - اسرائیل - کویت - عربستان دستگاههای عظیم تولید آب شیرین مورد استفاده و بهره‌برداری میباشد .

بطوریکه از آمار آبهای کره زمین برمیآید نسبت آبهای شور بآبهای شیرین $97/5$ به $2/5$ میباشد قسمت اعظم آبهای شیرین نیز بصورت یخچال های قطبی دور از دسترس بشر قرار دارد و بقیه بصورت آبهای رودخانه‌ها - آب دریاچه‌های شیرین - آبهای جوی و آبهای زیرزمینی میباشد . باتوجه به چنین آماري است که میتوان دریافت که چه محدودیت شدیدی درمورد آب شیرین وجود دارد . آنچه که سبب بفرنج‌تر شدن مسئله میشود پدید آمدن مصارف جدید است که از ویژگی‌های دنیای صنعتی کنونی میباشد و بدین واسطه است که این محدودیت روزبروز افزایش میابد . بطوریکه از يك آمارگیری که در ایالات متحده آمریکا انجام شده برمیآید سرعت ازدیاد مصرف آب در آن کشور سرسام‌آور است .

از این جهت است که بشر برای رفع مشکل کم‌آبی باید چاره‌ای بیاندیشد و در این راه مهمترین اقدام همانا شیرین کردن آبهای شوری است که بفرآوانی در کره زمین وجود دارد . اما تبدیل آب شور به آب شیرین خود امریست که مشکلات زیادی دربر دارد . مثلا چون آب شور دریاها دارای میزان $3/5$ درصد نمک میباشد لذا تبدیل آن بآب شیرین متضمن مخارج هنگفتی است که از نظر مصرف کشاورزی بسیار گران تمام خواهد شد . بعلاوه مسئله انرژی نیز مشکل اساسی است بطوریکه برای تهیه يك متر مکعب آب شیرین در حدود يك کیلووات انرژی مصرف میگردد .

با وجود تمام مشکلاتی که در این مورد وجود دارد بعضی از کشور های پیشرفته تأسیسات عظیمی بوجود آورده و از این ره گذر به پیشرفتهای قابل توجهی نیزتوفیق یافته اند . از جمله در ایالات متحده آمریکا تأسیساتی به هزینه ۳۰۰ میلیون دلار بوجود آمده که با استفاده از انرژی اتمی آب شور را به آب شیرین تبدیل میکند و قیمت هزار گالن آبی که از این طریق شیرین میشود ۱۵ ریال میباشد . همچنین در سایر نقاط دنیا در آسیا - افریقا - آمریکای لاتین - اتحاد شوروی و ایران نیزکارخانجاتی با ظرفیت زیاد بهمین منظور تأسیس گردیده ویا در دست اقدام است .

در ایران مسئله شیرین کردن آبهای شور با توجه به میزان کم بارندگی - در سالهای اخیر مورد نظر و مطالعه قرار گرفته است زیرا این مسئله نقش اساسی در برنامه های اقتصادی کشور بعهدہ دارد . آنچه که از نظر کشاورزی در کشور ما حائز اهمیت میباشد آب است زیرا عامل دیگر یعنی زمین بحدکافی در دسترس میباشد . با شیرین کردن آبهای شور به نحوی که بهای آن برای مصارف کشاورزی مناسب باشد تا چند دهه دیگر میتوان نیمی از زمین های قابل کشت را مورد بهره برداری قرارداد .

در اینجا بواسطه آنکه در این زمینه کشورهای مختلف از روش های متفاوتی استفاده میکنند به نام برخی از روش های مهم اشاره میگردد . این روش ها عبارتند از : تقطیر - الکترو دیالیز - اسمز - تبادل های ایونی و روش های بیولوژیکی .

بد نیست از نظر تاریخچه تبدیل آب شور بشیرین باین توضیح توجه نمائید . اولین استفاده عملی از آب شور مقارن باکشف نیروی بخار و ساختن کشتی های بخار بوده است که در این مورد لزوم آب شیرین برای دستگاه های بخار احساس گردیده از اینرو دستگاه های کوچکی بهمین منظور در کشتی ها تعبیه میکردند و بعداً واحدهای ثابتی برای تبدیل در مناطق و نواحی مخصوص که احتیاج مبرم بآب شیرین داشتند بوجود آوردند و مدتها این دستگاهها که در محدوده کوچک بکار برده میشد و بهیچوجه از نظر اقتصادی بودن هم بروش تبدیل توجهی ننمیدوند بعد از جنگ دوم جهانی بعلت نیاز روزافزون بآب شیرین و پیدایش مصارف صنعتی و کشاورزی و

شهری خاصه در نقاطیکه منابع آب شیرین آن محدود بود مورد توجه قرار گرفت و سرمایه‌گزاریهای بزرگی در اجرای این هدف بکار افتاد و مطالعات و تحقیقات با ارزشی در اینمدت بعمل آمد و دستگاہهای بزرگی درمرکزى مثل نیویورک بکار برده شده است که از آب رودخانه هودسن که فوق‌العاده هم آلوده است استفاده کنند واز نظر اقتصادی هم بعلت بزرگی واحد تبدیل خیلی منطقی است و چون بتدریج توجه باین امر بعلت توسعه فوق‌العاده صنعت زیاد گردید واحدهای بزرگی با نیروی الکتریکی بااستفاده از نیروی هسته‌ای ایجاد شده است که در بسیاری از نقاط دنیا از نظر تبدیل آب شور بآب شیرین مورد استفاده مییاشد این کار در جزیره خارک فعلا عملی میشود .

ج - جلوگیری از شور شدن آب شیرین

ضمن شیرین کردن آب شور وزارت آب و برق بموجب اختیاری که طبق ماده ۱۹ قانون آب ونحوه ملی شدن آن دارد باید از شور شدن آب شیرین هم جلوگیری نماید ازاینجهت ضمن موافقتنامه‌ای که دولت شاهنشاهی ایران بادولت ایالات متحده آمریکای شمالی برای افزایش منابع قابل استفاده آب در ایران بموجب ماده واحده زیر منعقد نموده است باین دو امر مهم توجه مخصوص شده است .

ماده واحده

موافقتنامه پیوست راجع به بررسی درباره منابع آب ایران منعقدہ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات متحده آمریکای شمالی تصویب وبدولت اجازه مبادله آن داده میشود این موافقتنامه شامل هشت ماده مییاشد که مقدمه آن برای اطلاع درج میگردد .

بمنظور بررسی منابع آب وچگونگی تامین نیازمندیهای آب کشور ایران و بررسی امکان شیرین کردن آبهای شور بمنظور افزایش آب شیرین و بمنظور ادامه تحقیقات دامنه‌داری درباره شیرین کردن آب شور دولتین ایران وآمریکا اعلام میدارند که برای بکار بستن روشهای شیرین کردن آب شور بمنظور تخفیف کم‌آبی اطلاعات فنی و آمار لازم برای این منظور را در هر دو

کشور از طریق برنامه‌های مشترک بین‌المللی توسعه خواهند داد. و چون دولت ایران مایل است مطالعاتی که تا بحال درباره منابع آب و نیازمندیهای کشور بآب انجام وبموقع اجرا گذاشته شده تکمیل شود طرفین موافقت مینمایند:

۱- هر دو دولت مشترکاً بررسی یا بررسیهای تحلیلی منابع آب و نیاز بآب را در مناطقی از مملکت ایران متقبل خواهند شد و کلیه اطلاعات موجود زمین‌شناسی و هیدرولوژی را تجدیدنظر کرده و توصیه‌هایی برای افزایش آب قابل استفاده کشاورزی صنعتی و شرب شهرستانها بوسائل زیر تنظیم خواهند کرد.

الف - جلوگیری از شور شدن منابع آب کوهپایه‌های جنوبی منطقه شمال خلیج فارس و بحر عمان و کناره‌های کویر مرکزی ایران.

ب - فنون شیرین کردن آبهای شور.

ج - ایجاد باران از ابرهای موجود.

د - روش‌های دیگر: این بررسی یا بررسیها ممکن است شامل بهره‌برداری از سرمایه‌گذاریهای مشترک واستفاده از تسهیلات ملی بمنظور انجام تحقیقات باشد ولی ممکن است محدود به امور مزبور نباشد.

۲- انجام بررسی (یا بررسیهای) تأمین برق مورد نیاز در مناطق مورد نظر با توجه خاص به نتایج اقتصادی ناشی از استفاده از تأسیسات مزدوج آب و برق.

۳- دولت ایالات متحده امریکا يك گروه فنی برای سرپرستی بررسی یا بررسیها مجاناً در اختیار میگذارد و دولت ایران خدمات و تسهیلات لازم و آمار و اطلاعات مورد احتیاج برای منظور فوق را تأمین خواهد کرد.

۴- دولت ایران بعدهای از کارشناسان خود مأموریت خواهد داد که با گروه متخصصین آمریکائی کار نموده بنحوی که درباره فنون جدید مذکور در ماده يك اطلاعات عملی بدست آورند.

۵- هر يك از دو دولت دفتر مخصوصی از تشکیلات خود را برای قبول مسئولیت اصلی اجرای تعهدات خود که ناشی از موافقتنامه حاضر است تعیین خواهد کرد.

۶- آمار و اطلاعات و روش‌های فنی‌ایکه از بررسی یا بررسیهای مذکور بدست می‌آید میتواند مورد استفاده هر دو دولت بهرمنظوریکه بخواهند قرار گیرد .

۷- گزارشهاییکه شامل نتایج بررسیها و پیشنهادهای مقتضی خواهد بود وسیله متخصصین تهیه میشود . این گزارشها در دو نسخه اصلی تهیه خواهد شد و رسماً بهرئیک از دولتین بمنظور تصویب تقدیم خواهد گردید . این گزارش پس از تصویب نهائی هر دو دولت ممکن است بهرشکلی که بخواهند مورد استفاده آنان قرار گیرد .

۸- این قرارداد پس از تدارکات لازم توسط دفاتر مخصوص که در ماده ۵ ذکر شده عملی خواهد گردید . این تدارکات ضمن سایر امور شامل موارد زیر میباشد .

الف - تعیین منطقه یا مناطقی که باید مطالعه شود .

ب - تقسیم وتفکیک مخارج مطالعات مشترك .

ج - حدود دقیق مطالعات خاص مورد بحث وعواملی که برحسب آن گروههای کارشناس باید وظایف خودرا انجام دهند .

د - استفاده و بکار گماشتن اشخاص و مؤسسات صلاحیتدار خصوصی .

ح - جدول برنامه کار .

و - روش یا روشهایی که برای انتشار مطالب خاص حاصل از بررسیها باید مراعات شود .

ز - هرگونه جزئیات دیگر که برای اجرای مفاد این موافقتنامه ضروری تشخیص داده شود .

د - وظائف هیئت‌های اجرایی و کمیته‌های حفاظت آب

بموجب قانون بنگاه مستقل آبیاری هیئت‌هایی بنام هیئت مالکین رودخانه بوسیله شاریین و حقایبه‌داران انتخاب میشوند که تحت نظر بنگاه مستقل آبیاری بوظائفی که در آئین‌نامه مربوط تعیین گردیده بود عمل مینمودند .

این هیئت‌ها علاوه بر وظائف عادی غالباً در اثر طغیان رودخانه‌ها بیک سلسله اقدامات احتیاطی که در واقع جلوگیری از اتلاف آب بوده مبادرت مینمودند و با وجودیکه حقا به‌را از حقا به بران سالیا نه دریافت مینمودند در حفاظت رودخانه و مجاری نهرها و جلوگیری از مداخلات غیرقانونی اشخاص با وسائل ناقصی که داشتند اقداماتی مینمودند و چون این هیئت‌ها برگزیده خود مردم بودند طبعاً اگر قدرت قانونی و اطلاعات کافی و لازم هم داشتند بهتر از این میتوانستند عمل نمایند. بهر صورت در قانون آب و نحوه ملی شدن آن این منظور بطور اعم با توجه بتشکیل هیئت‌های اجرائی و کمیته‌های حفاظت آب تأمین شده است و در تبصره ۵ ماده ۵۳ تا تاریخ ملی شدن آب وظیفه مقرر در ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری بعهدہ وزارت آب و برق گذاشته شده است چنانچه میگوید:

(تبصره ۵ - وظائف مقرر در ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری تا اجرای قانون ملی شدن آب در هر ناحیه و هر منطقه رأساً بوسیله وزارت آب و برق یا شرکتهای و سازمانهای تابع انجام خواهد شد و عواید حاصله صرفاً صرف اداره و مرمت تأسیسات آبیاری حوزه مربوطه خواهد گردید).

هدف هیئت‌های اجرائی و کمیته‌های حفاظت آب حفظ و نگاهداری و بهره برداری و اصلاح و بهبود فیزیکی و بیولوژیکی منابع طبیعی در بخش‌های مختلف حتی روستاها بطور وسیع میباشد و بطور خلاصه هدف این سازمانها معمولاً حداکثر بهره برداری از منابع آب میباشد چه در بخش کشاورزی و چه در سایر بخشهای اقتصادی و باید در حفظ و حراست منابع آب در امر پاکی و بهره برداری و استفاده ثمربخش و مداوم از آنها بطوری اقدام نمایند که ایجاد اعتماد و اطمینان کند.

این نوع هیئت‌ها و کمیته‌ها در غالب ممالک توسعه یافته معمول است و حتی سازمان خواربار جهانی باین نوع مؤسسات کشور های عضو کمکهای فنی و احتمالاً مالی قابل توجهی مینماید. بهر حال این نوع هیئت‌ها و کمیته‌های اجرائی میتوانند بر حسب اختیاراتی که بآنها داده میشود کم و بیش

در موارد زیر از نظر حفظ و حراست آب نظارت و دخالت و برنامه‌ریزی نمایند .

- ۱- کنترل و حفظ کیفیت آب و ارتباط آن با آبیاری و مسائل شوری و همچنین استفاده از آب و خاک و توسعه مصرف .
- ۲- کنترل و حفظ حوزه منطقه آبریز و جلوگیری از شور شدن خاک و آبهای زیرزمینی و مطالعه علمی در مورد آلودگی آب و تغییراتی که در اثر ساختمان سدها و دریاچه‌های مصنوعی در محیط ایجاد میشود .
- ۳- خطرات و زیانهای آلودگی آب و تخلیه فاضلابها (جامد و مایع) و بررسی آلودگی آب و منابع آب و بهداشت آن و کنترل و جلوگیری از آلودگی آب و اندازه‌گیری آلودگی چه از نظر باکتریولوژیکی و چه از نظر شیمیائی .

ضابطین دادگستری

ماده ۲۰

(گزارش کارکنان وزارت آب و برق و مؤسسات تابع و کارکنان وزارت کشاورزی و وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی (بنام معرفی وزیر کشاورزی و وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی) که بموجب ابلاغ مخصوص وزیر آب و برق برای اجرای وظائف مندرج در این قانون انتخاب و بدادسراها معرفی شده باشند ملاک تعقیب متخلفین است و در حکم گزارش ضابطین دادگستری خواهد بود و تعقیب متخلفین طبق بند ب ماده ۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری بعمل خواهد آمد) .

برای اینکه خواننده عزیز کاملاً بمفاد این ماده توجه داشته باشد بند ب ماده ۵۹ قانون دادرسی کیفری را عیناً درج میکند .

بند ب ماده ۵۹ آئین دادرسی کیفری

(هرگاه متهمی در جنحه مشهود دستگیر شده باشد فوراً او را با صورت مجلس‌های تنظیم شده توسط مامورین نظمیه (شهربانی) یا امنیه (ژاندارمری) نزد محکمه بدایت (دادگاه شهرستان) باید ببرند مدعی‌العموم (دادستان) از او تحقیقات لازمه بعمل آورده و لدی‌الاقضاء او را بدون ادعانامه (کیفرخواست) کتبی و بلافاصله در جلسه برای محکمه (دادگاه) حاضر خواهد کرد .

هرگاه محکمه جنبه تعطیل باشد مدعی العموم میتواند امر دهد که متهم را در توقیفگاه نگاه دارند و مکلف است در اولین جلسه بعد متهم را در محکمه حاضر کرده برعلیه او کتباً و شفاهاً اقامه دعوی کند. هرگاه نزدیکترین جلسه محکمه نتواند زودتر از ۲۴ ساعت منعقد گردد مدعی العموم باید برای اخذ تأمین کافی از متهم موافق ماده ۱۲۹ بمستنطق رجوع کند در صورت لزوم ممکن است جلسه فوق العاده محکمه را تشکیل داده محکمه جنبه نسبت باینگونه متهمین همیشه خارج از نوبت باید رسیدگی نماید در این موارد مدعی العموم میتواند امر بدهد که بشهود قضیه شفاهاً اطلاع داده شود در محکمه حاضر شوند در صورت عدم حضور مدعی العموم میتواند از محکمه تقاضای جلب شهود را بنماید محکمه مکلف است بمتهم اخطار نماید که او حق دارد برای تدارک دفاع خود استمهال بکند چنانچه متهم از این حق استفاده کند باو لااقل سه روز مهلت خواهد داد این اخطار محکمه و جواب متهم باید در حکم (دادنامه) محکمه قید شود و عدم اخطار موجب نقض در دیوانعالی تمیز (دیوانعالی کشور) و مسئولیت انتظامی حاکم محکمه خواهد بود و نیز چنانچه محکمه در ضمن رسیدگی در جلسه اول محتاج بتحقیقاتی بشود میتواند رسیدگی را یکی از نزدیکترین جلسات خود محول بدارد و لدی الاقتضا متهم را با قید کفیل یا مطلقاً مستخلص خواهد کرد هرگاه متهم تبرئه شود فوراً آزاد خواهد شد ولو اینکه از حکم محکمه استیناف (دادنامه دادگاه استان) داده شود.

چون در بند ب ماده ۵۹ اشاره بماده ۱۲۹ نموده است برای مزید اطلاع خوانندگان بدرج عین این ماده هم مبادرت مینماید.

(۱۳۹۵) آئین دادرسی کیفری - برای جلوگیری از فرار یا پنهان

شدن متهم بازپرس میتواند یکی از قرارهای ذیل را صادر نماید.

- ۱- التزام عدم خروج از حوزه قضائی باقول شرف.
- ۲- التزام عدم خروج باتعیین وجه التزام تا حکم محکمه و اجرای

حکم.

۳- اخذ کفیل در صورتیکه متهم تقاضا نماید بجای کفیل وجه نقد یا

مال منقول بدهد بازپرس مکلف بقبول آنست.

۴- اخذ وثیقه (وثیقه اعم است از وجه نقد و مال منقول و یا غیرمنقول) .

۵- توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ مکرر .
تبصره - در مواردیکه خروج متهم باید با اجازه بازپرس یا دادستان باشد در صورت عدم موافقت آنها متهم میتواند بدادگاه شهرستان شکایت کند و هرگاه دادگاه تقاضای متهم را موجه دید میتواند اجازه خروج بدهد) .
چون در این ماده اشاره بماده ۱۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری شده است عیناً درج میگردد . ضمناً اضافه میکند که چون برای اشخاصی که در امور آب طبق قانون آب ضابط دادگستری میشوند دانستن این مواد و مواد فصل دوم آئین دادرسی کیفری که مربوط به معاونین دادستان میباشد ضروری است از این لحاظ اصرار بدرج این مواد داشته و تذکر فراگرفتن این مواد برای ضابطین مذکور را لازم میداند .

(ماده ۱۳۰ مکرر- در موارد ذیل توقیف متهم جایز است :

۱- در جنایات مطلقاً .

۲- در امور جنحه وقتی متهم ولگرد بوده کفیل یا وثیقه ندهد .

۳- در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلایل جرم شده و یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و یا مطلعین واقع گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند و همچنین در موقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم باشد و بطریق دیگر نتوان از آن جلوگیری نمود) .

بسیاری از صاحب نظران با این رویه که هر وزارتخانه بنا بر مقتضیاتی از قوه مقننه چنین حقی را برای خود تحصیل کند و بتواند ضابط دادگستری انتخاب نماید مخالفند و میگویند مقتضی نیست که هر وزارتخانه دارای ضابطین دادگستری باشد زیرا اصولاً تشخیص صلاحیت قضائی و اعطای آن در هر درجه که باشد با قوه قضائیه و تابع شرایط و مقررات خاص تشکیلات دادگستری است و اگر به صاحبمنصبان پلیس و رؤساء بریگارد ژاندارم عنوان ضابط دادگستری داده شده بدین جهت است که تحصیل و مطالعه در اصول و وظائف تعقیب و کشف جرائم جز رشته‌های تحصیلی آنان است و لا اقل بوظائف

مقدماتی تعقیب کیفری متهمین واقف میباشند .

ولی اعطای عنوان ضابط دادگستری بکارمندان عادی و وزارتخانه ها آنها از طرف مقامات اداری و بدون نظارت و دخالت قوه قضائیه خالی از اشکال نیست و در عمل ممکن است موجب اخذ نتایج مطلوب نباشد چه آنکه تردید نمیتوان داشت که انجام کار قضائی مانند کار مهندسی یا هر حرفه فنی نیاز باطلاعات و تجربیات مخصوص دارد و تا شخصی در فن قضائی کار نکرده و اطلاعات لازم را فرا نگرفته باشد ولو آنکه در رشته قضائی تحصیلاتی هم داشته باشد نمیتواند بطور باید و شاید ضابط دادگستری باشد مضافاً بر اینکه این ضابطین باید دادستان هر شهرستان باشند زیرا قانوناً ضابط دادگستری معاون دادستان است .

قاعدتاً اینگونه اختیارات باید بانظر وزارت دادگستری گرفته شود و مامورینی که بسمت ضابط دادگستری معرفی میشوند باید تعلیمات لازم را به بینند تا هرکس را در هر مقام بدون داشتن اطلاعات لازم باین سمت انتخاب نمایند .

همانطوریکه قبلاً گفته شد فصل دوم آئین دادرسی کیفری تکالیف ضابطین دادگستری را معلوم نموده است بطوریکه ماده ۱۹ قانون مزبور میگوید :

(ضابطین عدلیه عبارتند از مامورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف جنحه و جنایات) و یا اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید . ضابطین مذکور به ترتیب زیر تقسیم میشوند :

۱ - مدعی عمومی و ابتدائی و معاونین او .

۲ - مسطنتق .

۳ - کمیسرها ی پلیس و قائم مقام آنان .

۴ - صاحبان مناصب و روساء بریگارد ژاندارم .

مدعی عمومی رئیس ضابطین عدلیه محسوب است ولی ماموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزائی است حدود و وظائف هر کدام از مامورین مذکور بطوری است که در این باب مقرر است کلیه ضابطین دادگستری

مكلفند دستور مقامات قضائی را انجام داده و اجرا نمایند متخلفین از طرف دادستان در دادگاه شهرستان تعقیب و به انفصال موقت از یکماه تا ششماه از خدمت دولت محروم خواهند شد و حکم دادگاه شهرستان قطعی است .

بطوریکه از منطوق ماده فوق برمیآید و از مطالعه سایر مواد آئین دادرسی کیفری استنباط میگردد وظیفه ضابط دادگستری که معاون دادستان شهرستان میباشد وظیفه خطیری است که در اجرای عدالت نقش عمده دارد . حق بر این است که در برنامه آموزشی وزارت دادگستری برای این طبقه از کارمندان هم دوره آموزشی قائل شوند مشروط بر آنکه وزارت دادگستری قادر بانجام چنین امری از نظر مالی و از نظر مدیریت صحیح باشد والا هر یک از وزارتخانه های مسئول باید این دوره آموزشی را ولو کوتاه مدت باشد داشته باشند .

گرچه نگارنده را عقیده بر این است که امروز نه تنها آموزش در این امور لازم است بلکه آموزش در هر طبقه از طبقات کارمندان ضروری است . یک فارغ التحصیل دانشگاهی هر چه سطح معلومات او بالا باشد آماده برای انجام امور از نظر عملی و تجربی نیست و باید ضمن کار یک سلسله امور آموزشی اشتغال داشته باشد تا بتدریج آماده کار گردد و تنها در وزارت دادگستری است که فارغ التحصیلان دانشکده حقوق مدتی باید بکار آموزشی اشتغال داشته باشند تا پس از کسب اختیارات لازم قادر بانجام کار قضائی مستقل باشند و همین کار در باره و کلاء دادگستری هم صورت می پذیرد امروز در تمام بخش خصوصی خارجی از وجود این فارغ التحصیلان دانشگاهی استفاده میشود منتها با کسب آموزش مخصوص در مدت یکسال یا دو سال والا هیچ جای دنیا معمول نیست که یک تحصیل کرده دانشگاهی را مستقیماً بکار بامسئولیت به گمارند .

همانطوریکه در علم پزشکی برای اخذ تخصص مدتها یک پزشک عمومی باید نزد متخصص استاژ بدهد تا تجربه کافی بیاموزد در امور فنی دیگر هم باید همین رویه متداول گردد البته این تذکر ملازمه با این ندارد که بی پاداش و حقوق این قبیل کارمندان بکار تجربی و آموزشی اشتغال ورزند بلکه باید معادل تحصیلات و درجات علمی حقوق و مقرری بآنها پرداخت شود

منتها تفویض مشاغل بامسئولیت موکول بدیدن کلاس آموزشی و داشتن تجربه کافی باشد .

وزارت آب و برق طبق ماده ۲۰ قانون آب دارای ضابطین متعددی است و ظاهراً یک طرح قانونی بانظر وزارت دادگستری تهیه شده که یکایک این ضابطین را بدادستانهای حوزه مربوط معرفی کنند و دوره آموزش کوتاهی را از نظر آشنائی آنان بوظائف محوله طی کنند . منتها در این ماده باعتبار اینکه وظائف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و اصلاحات ارضی سابق و تعاون و امور روستاهای فعلی در امر آبیاری تاحدی باوظائف وزارت آب و برق نزدیک و احتمالاً قابل خلط و مزج است در این ماده تعیین ضابطین دادگستری به منظور تعقیب متخلفین از مقررات قانون آب را بموجب ابلاغ مخصوص وزیر آب و برق مقرر داشته تاحدود مسئولیت هر یک معلوم باشد و هر یک جداگانه اقدام نمایند .

پلیس مسلح آب

ماده ۲۱

(وزارت آب و برق میتواند در نواحی و مناطقی که لازم بداند برای استقرار نظم و اجرای این قانون سازمان پلیس مسلح آب ایجاد کند وظائف پلیس مسلح آب که در اجرای این قانون دارای اختیارات ضابطین دادگستری میباشد طبق آئین نامه ای که به پیشنهاد وزارت آب و برق بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید تعیین میشود)
علاوه بر آنکه طبق ماده ۲۱ بشرحی که گذشت وزارت آب و برق بتعداد کافی دارای ضابط دادگستری است بموجب این ماده میتواند از نظر استقرار نظم و اجرای قانون سازمان پلیس مسلح آب را ایجاد کند منتها این افراد ضمن آنکه دارای وظائف ضابطین دادگستری هستند برای استقرار نظم و اجرای قانون انتخاب شده اند . از تلفیق مواد ۲۰ و ۲۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بخوبی استنباط میشود که پلیس آب نماینده ضابط دادگستری مثل پاسبان یا ژاندارم نیست بلکه مسئولیت آنها در ردیف مسئولیت کمیسر های پلیس و قائم مقام آنان و یا صاحب منصبان ژاندارم میباشد . در این ماده اشاره به تنظیم آئین نامه شده است که وظائف و اختیارات پلیس مسلح آب در آن بطور روشن معین گردد . این آئین نامه در تاریخ ۱۹/۴/۵۰ در جلسه هیئت وزیران بتصویب رسیده که عیناً برای استحضار خواننده عزیز درج میگردد :

آئین نامه پلیس مسلح آب و وظایف آن

ماده ۱) وزارت آب و برق میتواند در هر منطقه که مقتضی بداند پلیس مسلح آب تأسیس نماید. روسای پلیس مسلح آب مناطق به پیشنهاد مدیرعامل سازمان آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری محل و تصویب وزیر آب و برق از بین افسران شاغل یا بازنشسته نیروهای مسلح شاهنشاهی بارعایت مقررات مربوط منصوب خواهند شد.

ماده ۲) رؤسای پلیس نواحی و مناطق در اجرای وظائف قانونی خود تحت نظر مدیران عامل شرکتها یا سازمانها یا ادارات کل آبیاری انجام وظیفه نموده و گزارش اقدامات خود را به مدیر عامل میدهند و در برابر آنها مسئول خواهند بود.

ماده ۳) وزارت آب و برق برای تشکیل پلیس مسلح آب مناطق از بین افراد داوطلب واجد شرایط عده لازم را با مسابقه انتخاب می نماید. داوطلبان پس از اخذ تعلیمات لازم (یادآوری نظامی - فنی - اداری و حقوقی) طبق برنامه‌ای که وزارت آب و برق تنظیم خواهد کرد در اختیار شرکتها و سازمانهای آب منطقه‌ای و یا ادارات کل آبیاری قرار خواهند گرفت.

ماده ۴) پرداخت حقوق و مزایای افسران و افراد و درجه داران پلیس مسلح آب که در اختیار سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای گذارده می شوند با شرکتها و سازمانهای مذکور است.

ماده ۵) بکارآموزان در دوره اخذ تعلیمات ماهانه مبلغ سه هزار ریال کمک هزینه تحصیلی پرداخت میشود. کلیه هزینه‌های مربوط به آموزش کارآموزان در دوره اخذ تعلیمات و همچنین هزینه تحصیلی آنان متناسباً از اعتبار شرکتها و سازمانهای مربوط تامین و پرداخت خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه کارآموزان از نگهبانان واجد شرایط سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای باشند کمک هزینه دوره کارآموزی بآنان پرداخت نمی‌شود - ولی حقوق و مزایای خود را از محل مربوط دریافت خواهند نمود و چنانچه پس از اتمام کارآموزی حقوق آنان کمتر از حقوق دریافتی قبلی باشد همان حقوق و مزایای سابق خود را دریافت خواهند کرد.

ماده ۶) شرایط استخدام : داوطلبان خدمت در پلیس مسلح آب باید دارای شرایط زیر باشند .

۱- تابعیت ایران ۲- عدم محکومیت به بزه‌هایی که مستلزم محرومیت از حق استخدام دولتی باشند . ۳- عدم اعتیاد به استعمال مواد مخدر و الکل ۴- داشتن صحت کامل مزاج و بنیه قوی و حداقل ۱۷۰ سانتیمتر قد و نداشتن نقص عضو ۵- دارا بودن برگه خاتمه خدمت زیرپرچم یا خدمت سپاهی ۶- نداشتن بیش از ۲۵ سال سن ۷- داشتن کارنامه قبولی سوم متوسطه (داوطلبان واجد درجات تحصیلی بالاتر حق تقدم خواهند داشت) ۸- سپردن تعهد و تضمین قابل قبول وزارت آب و برق برای مدت پنجسال خدمت دائم در پلیس مسلح آب مناطق و قبول انجام ماموریت در هر نقطه از کشور .

تبصره - وزارت آب و برق میتواند آن‌عده از نگهبانان را که در تاریخ تصویب این آئین‌نامه در سازمانها و شرکتهای تابع وزارت مذکور اشتغال به خدمت دارند و مدت خدمت آنها از دو سال متجاوز است به شرط داشتن حداقل گواهینامه ششم ابتدائی به خدمت پلیس مسلح آب بگمارد این قبیل افراد از شرط محدودیت سن معاف میباشند .

ماده ۷) بجز آنچه که در این آئین‌نامه پیش‌بینی شده سایر مقررات استخدامی افراد پلیس مسلح آب تابع مقررات قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی خواهد بود .

ماده ۸) پلیس مسلح آب از افراد و درجه‌داران ثابت و افسران مامور تشکیل و افراد و درجه داران پلیس مسلح آب بشرح زیر میباشند :

پاسبان سوم - پاسبان دوم - پاسبان یکم - سرپاسبان سوم - سرپاسبان دوم - سرپاسبان یکم - استوار دوم - استوار یکم .

تبصره - در مورد ماده ۱۹ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی و سایر موارد مربوط با استخدام و ترفیع و اضافه حقوق و اخراج و بازنشستگی مدیرعامل سازمان یا شرکت آب منطقه‌ای و یار رئیس اداره کل آبیاری قائم مقامات مندرج در قانون مزبور خواهد بود .

ماده ۹) کمیسیون تحقیق مقرر در ماده ۱۱۸ قانون نیروهای مسلح شاهنشاهی در مورد پلیس مسلح آب از سه نفر اشخاص زیر تشکیل میشود :

۱ - یکی از معاونین شرکت یا سازمان با انتخاب مدیر عامل یا معاون اداره کل آبیاری منطقه .

۲ - رئیس پلیس مسلح منطقه .

۳ - رئیس کارگزینی سازمان یا شرکت آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری منطقه .

ماده ۱۰) افراد پلیس مسلح آب دارای لباس متحدالشکل پلیس و علامت مخصوص وزارت آب و برق خواهند بود .

ماده ۱۱) پلیس مسلح آب در حدود مقررات قانون آب و نحوه ملی شدن آن دارای اختیارات ضابطین دادگستری میباشد و اهم وظائف آن بشرح زیر است :

۱ - اجرای آن قسمت از انتظامات مربوط به امور آب در شرکتها و سازمانهای آب منطقه‌ای و ادارات کل آبیاری که بآنان واگذار میشود .

۲ - حراست و مراقبت از اموال و تأسیسات کلیه سازمانها و شرکتها و ادارات آبیاری تابع وزارت آب و برق و جلوگیری از تجاوز اشخاص بآنها در حوزه مأموریت خود .

۳ - حفظ و نگهداری آلات و آثار جرم با تنظیم صورتمجلس و تحویل آنها به مراجع قضائی .

۴ - جلوگیری از تجاوز و اقدام به خلع ید متجاوزین از اراضی در حدود مقررات تبصره ۲ ماده ۵۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن .

۵ - ابلاغ هرگونه اخطاریه و اعلامیه‌های سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای همچنین همکاری در ابلاغ و اجرای آراء صادره از مراجع قضائی مربوط به شرکتها و سازمانهای آب منطقه‌ای و ادارات کل آبیاری و هیأت‌های سه نفری و پنج نفری .

۶ - جلوگیری از تجاوز اشخاص به بستر و حریم رودخانه‌ها و دریاها و دریاچه‌ها و جلوگیری از احداث تأسیسات فاقد پروانه صادره از وزارت آب و برق در سواحل دریاها و دریاچه‌ها و سایر موارد مندرج در مواد ۱ و ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و همچنین ممانعت از تجاوز اشخاص به ساختمانها و تأسیسات و جاده‌ها و حریم آنها مربوط به امور آب که از طرف

وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای تابع وزارت آب و برق احداث گردیده است .

۷- جلوگیری از آلودگی آب بارعایت ماده ۵۸ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و آئین نامه مربوطه .

۸- حفظ و حراست کلیه تأسیسات مربوط به نیروی برق آبی و پستهای فشار قوی و خطوط انتقال در محل تأسیسات سد .

ماده ۱۲) افراد و درجه داران پلیس مسلح آب درمورد جرائم مشهود مذکور در قانون آب و نحوه ملی شدن آن و این آئین نامه باید شخص متجاوز یا متخلف را حین تجاوز یا تخلف جلب و با تنظیم صورتمجلس و پرونده متشکله مستقیماً یا بوسیله ژاندارمری به مراجع قضائی اعزام و مراتب را فوراً بارعایت سلسله مراتب سازمان یا شرکت مربوط گزارش دهند .

درمورد جرائم غیر مشهود در صورتیکه به مرتکب دسترسی نباشد پلیس مسلح آب تحقیقات مقدماتی را بعمل آورده و با جمع آوری دلایل پرونده امر را برای تعقیب از طریق سازمان یا شرکت آب منطقه ای یا ناحیه ای یا ادارات کل آبیاری مربوطه به دادسرای محل ارسال خواهد داشت .

ماده ۱۳) در مواردیکه در اجرای قانون آب و نحوه ملی شدن آن همکاری واحدهای انتظامی لازم گردد وزارت آب و برق و سازمانها و شرکتهای و ادارات کل آبیاری وابسته به وزارت مذکور میتوانند مستقیماً از واحدهای مربوط درخواست کمک و همکاری نمایند .

پلیس مسلح آب نیز میتواند در موارد ضروری مساعدت و همکاری سازمانهای انتظامی رامستقیماً در انجام وظائف خودخواستار شود . ژاندارمری کل کشور و شهربانی کل کشور در این مورد همکاری لازم بعمل خواهند آورد .

ماده ۱۴) افراد و درجه داران پلیس مسلح آب مانند افراد و درجه داران نیروی مسلح شاهنشاهی موظف به حفظ کلیه سلاح و مهمات خود بوده و در صورت قصور در حفظ آنها با تنظیم پرونده رسیدگی و تعیین مجازات به مراجع صلاحیتدار قضائی تسلیم خواهند شد .

ماده ۱۵) افراد و درجه داران پلیس مسلح آب باید مانند افراد سازمانهای انتظامی رعایت اصول و مقررات انضباطی را در هر مورد بنمایند



سد شند

واز لحاظ انضباطی تابع آئین نامه های انضباطی مربوط به افراد و درجه داران شهربانی کل کشور خواهند بود .

ماده ۱۶) موارد استعمال اسلحه برابر مقررات مورد عمل در سازمان های انتظامی خواهد بود .

ماده ۱۷) وزارت آب و برق اسلحه و مهمات مورد نیاز را از وزارت جنگ درخواست مینماید و وزارت جنگ اسلحه و مهمات مذکور را برابر مقررات مربوط تحویل پلیس مسلح آب خواهد داد .

ماده ۱۸) بمنظور تمرکز و هماهنگی فعالیتهای پلیس مسلح آب مناطق مختلف و هدایت آنان در مسائل عمومی و کلی دفتری در تشکیلات مرکزی وزارت آب و برق پیش بینی خواهد شد .

تشکیل شرکت

ماده ۲۲

(وزارت آب و برق میتواند سازمانها و شرکتهای آب منطقه ای را که بصورت شرکتهای بازرگانی اداره میشود رأساً یا با مشارکت سازمانهای دیگر دولتی یا شرکتهایی که با سرمایه دولت تشکیل شده اند ایجاد کند اساسنامه این شرکتها به پیشنهاد وزارت آب و برق تصویب کمیسیونهای آب و برق و دارائی و استخدام مجلسین خواهد رسید و شرکتهای مذکور از پرداخت حق الثبت و تمیر معاف خواهند بود .
وزارت آب و برق میتواند از این اختیارات برای تغییر وضع سازمانهای موجود خود بصورت شرکتهای بازرگانی استفاده کند .

تبصره وزارت آب و برق برای اجرای این وظائف و همچنین تعیین حوزه های آب ریز مناطق و نواحی و تشریح تعاریف و اصطلاحات و عناوین مذکور در این قانون آئین نامه های لازم را تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا میگذارد)

بطوریکه مفاد ماده ۲۲ دلالت دارد اختیاراتی بوزارت آب و برق داده شده تا مقداری از کارهای اجرائی خود را از طریق سازمانها - شرکتهای بازرگانی عملی نماید و ضمناً باین شرکتها هم اختیاراتی داده شده است که علاوه بر آنکه امور مالی را بنحو بازرگانی عمل میکند تسهیلاتی هم در تصمیمات و اجرائیات فراهم سازد تا گرفتار مقررات پیچیده امور مالی نگردد و بتواند متخصصین و کارکنان ورزیده و مجربی را برای اجرای هدف خود استخدام نماید .

باز بموجب همین قانون بوزارت آب و برق اختیار داده شده است که بتواند این نوع شرکتها را رأساً و یا با سرمایه سازمان دیگر دولتی یا با سرمایه دولت و بخش خصوصی تشکیل دهد .

اساسنامه این نوع شرکت ها که صددرصد دولتی و یا ۵۰ درصد دولتی است باید بکمیسیونهای آب و برق و دارائی و استخدام مجلسین برای تصویب فرستاده شود . ضمناً باز بموجب همین ماده بوزارت آب و برق اختیار داده شده است که سازمانهای موجود بصورت شرکتهای بازرگانی عمل نمایند .

زیرا در آنموقع برای سازمانهای دولتی هم مقرراتی مشابه مقررات ادارات دولتی در نظر گرفته بودند که بعداً بنابه نظریات و مقتضیاتی انصراف حاصل کردند .

بهمین جهت وزارت آب و برق هم طبق همین رویه سازمانهای آب و برق خوزستان و آب و برق سفیدرود و آب و برق اصفهان و آب و برق فارس و آب و برق آذربایجان و آب تهران و برق تهران را بشرکتهای بازرگانی تبدیل نمود و اساسنامه آنها را به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین رساند .

بهرحال در این تاریخ این سازمانها بصورت شرکت درآمدہ‌اند و وظائف و اختیاراتشان در حدود مقرراتی است که کمیسیونهای مذکور تصویب کرده‌اند و ضمناً وزارت آب و برق با توجه باختیاراتی که در بدو تشکیل از طرف مجلسین بدست آورده و با اجازدهای که در این ماده قانون تحصیل شده بتشکیل شرکتهای دیگری نیز مبادرت نموده و بعداً اساسنامه بعضی از آنها را کمیسیونهای مجلسین تصویب نموده‌اند مانند شرکت حسابرسی و شرکت تهیه و تدارک لوازم برق (بنام شرکت ساتکاب) . جمعاً وزارت آب و برق طبق اطلاعی که بدست آمده تا کنون زائد بر بیست و پنج شرکت تأسیس کرده که امور آب و برق را در سراسر کشور و برنامه های مصوب دستگاه ستادی را بموقع اجرا میگذارند گوآنکه نظارت بر این دستگاهها باید تکمیل شود عملاً ثمره کار این شرکتها قابل توجه است . شرکتهائی که تا کنون وزارت آب و برق با استفاده از این ماده تأسیس نموده است بقرار زیر است :

- ۱ - شرکت آب و برق خوزستان
 - ۲ - شرکت آب و برق آذربایجان
 - ۳ - شرکت آب و برق شمال (گیلان و مازندران)
 - ۴ - شرکت آب منطقه‌ای فارس
 - ۵ - شرکت آب منطقه‌ای اصفهان
 - ۶ - شرکت آب منطقه‌ای سیستان
 - ۷ - سازمان آب کرمانشاهان
 - ۸ - سازمان آب خراسان
 - ۹ - سازمان آب کرمان
 - ۱۰ - شرکت آب منطقه‌ای تهران
 - ۱۱ - شرکت برق منطقه‌ای تهران
 - ۱۲ - شرکت برق منطقه‌ای گیلان
 - ۱۳ - شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان
 - ۱۴ - شرکت برق منطقه‌ای فارس
 - ۱۵ - شرکت برق منطقه‌ای اصفهان
 - ۱۶ - شرکت برق منطقه‌ای کرمان (جنوب شرقی)
 - ۱۷ - شرکت برق منطقه‌ای مازندران
 - ۱۸ - شرکت برق منطقه‌ای خراسان
 - ۱۹ - شرکت حسابرسی
 - ۲۰ - شرکت ساتکاب (ساخت و تهیه کالای برق)
 - ۲۱ - شرکت سایبر (ساختمان تأسیسات سد و آبیاری)
 - ۲۲ - شرکت خدمات مهندسی آب و برق (مه‌اب)
 - ۲۳ - شرکت جیرفت .
 - ۲۴ - شرکت رفاه کارمندان وزارت آب و برق
 - ۲۵ - شرکت کشت و صنعت
- برای نمونه اساسنامه یکی از شرکتهای آب منطقه‌ای و یکی از شرکتهای برق منطقه‌ای را ذیلا درج مینماید :

اساسنامه شرکت آب منطقه‌ای ...

فصل اول - کلیات

ماده ۱ - با اختیارات حاصل از ماده ۳ قانون تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۶/۱۲/۴۲ و ماده ۲ قانون تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیر سدها مصوب ۳۰/۲/۴۷ شرکت سهامی بنام شرکت سهامی مطابق مقررات این اساسنامه تشکیل میگردد .

ماده ۲ - از تاریخ تصویب این اساسنامه سازمان بصورت شرکت سهامی درآمده و در این اساسنامه اختصاراً شرکت نامیده میشود .

ماده ۳ - مرکز اصلی شرکت شهر است و شرکت میتواند با شرکتهای دیگر مشارکت نماید و شعب یا نمایندگی‌هایی برای اجرای عملیات خود در نقاط دیگر تأسیس نماید .

ماده ۴ - نوع شرکت - شرکت سهامی و مدت آن نامحدود است .

فصل دوم - وظایف و اختیارات

ماده ۵ - قانون آب و نحوه ملی شدن آن و قانون برق ایران و سایر قوانین موضوعه و آئین‌نامه‌های مصوب مربوط از طرف شرکت لازم‌الرعایه است .

ماده ۶ - شرکت میتواند بمنظور ایجاد و توسعه و تکمیل مؤسسات صنعتی و کشاورزی و عمرانی با تصویب مجمع عمومی و در حدود مقررات این اساسنامه اقدام بتأسیس شرکتهای فرعی نماید و یا در سایر مؤسسات و شرکتهای مشارکت و سرمایه‌گذاری کند .

ماده ۷ - شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و برطبق اصول بازرگانی اداره میشود .

ماده ۸ - شرکت میتواند قرارداد خرید خدمات با مؤسسات خارجی را با تصویب مجمع عمومی امضاء نماید .

فصل سوم - سرمایه

ماده ۹ - سرمایه شرکت عبارتست از مبلغ یکصد میلیون ریال که به یکصد سهم یک میلیون ریالی تقسیم میشود .

تبصره ۱ - کلیه اموال منقول و غیر منقول اعم از تأسیسات و دارائی نقدی و غیر نقدی و مطالبات و دیون سازمان سابق آب منطقه‌ای از طرف شرکت حسابرسی وزارت آب و برق تعیین و جزء دارائی شرکت منظور خواهد شد .

تبصره ۲ - سرمایه شرکت منعلق بدولت بوده و نمایندگی سهام دولت در شرکت با وزیر آب و برق است .

ماده ۱۰ - شرکت میتواند با تصویب مجمع عمومی سرمایه خود را افزایش دهد .

ماده ۱۱ - سود ویژه پس از کسریکده هم بعنوان اندوخته احتیاط بمصرف توسعه تأسیسات میرسد .

ماده ۱۲ - در صورتیکه اندوخته احتیاط به بیش از یکدهم سرمایه شرکت برسد اضافه بریکدهم مزبور را نیز میتوان با تصویب مجمع عمومی، برای توسعه و تکمیل تأسیسات شرکت بمصرف رسانید .

فصل چهارم - ارکان شرکت

ماده ۱۳ - شرکت دارای ارکان زیر است :

الف - مجمع عمومی

ب - هیئت مدیره و مدیر عامل

ج - بازرس

ماده ۱۴ - مجمع عمومی مرکب است از سه نفر که عبارتند از وزیر آب و برق یا قائم مقام او و دو نفر از معاونین وزارت آب و برق باتتخاب وزیر .
ماده ۱۵ - مجمع عمومی بر دو نوع است .

الف - مجمع عمومی عادی

ب - مجمع عمومی فوق العاده

ماده ۱۶ - جلسات مجمع عمومی عادی سالی یکبار در سه ماهه اول هر سال تشکیل میشود تا موضوع مندرج در دستور مجمع پایان نیافته است جلسات آن ادامه خواهد داشت و ممکن است بار دیگر حداکثر تا پایان آذر ماه منحصرأ برای تصویب بودجه سال بعد تشکیل گردد .

ماده ۱۷ - وظایف مجمع عمومی عادی بشرح ذیل است .
الف - رسیدگی و اظهار نظر نسبت بگزارش عملیات سالانه و تصویب
ترازنامه .

ب - تصویب خطمشی و برنامه عملیات آتی شرکت .
ج - انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل .
د - انتخاب بازرس قانونی شرکت .
ه - تصویب آئین نامه های مالی .
و - تصویب آئین نامه های استخدامی و سازمانی شرکت بارعایت
مقررات مربوط .

ز - اتخاذ تصمیم نسبت به سایر موضوعاتی که در دستور مجمع
گذاشته شده است .

ح - تصویب بودجه .

ماده ۱۸ - مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده برای اتخاذ تصمیم
نسبت بهر موضوعی بنا بدعوت مدیر عامل و یا به تقاضای کتبی بازرس یا نماینده
صاحبان سهام با ذکر علت تشکیل میگردد . دستور جلسه مجمع مذکور همان
است که در دعوتنامه ذکر شده است .

ماده ۱۹ - دعوتنامه مربوط به تشکیل مجمع عمومی با ذکر تاریخ و
محل تشکیل آن و دستور جلسه و علت تشکیل مجمع باید لااقل ده روز قبل
از تشکیل آن کتباً از طرف مدیر عامل برای نماینده صاحبان سهام ارسال شود .
ماده ۲۰ - هیأت مدیره شرکت مرکب از سه نفر عضو اصلی و دو نفر
عضو علی البدل خواهد بود اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره از طرف
مجمع عمومی انتخاب میشوند .

ماده ۲۱ - مدت تصدی اعضای هیأت مدیره سه سال خواهد بود و
تا موقعی که تجدید انتخاب بعمل نیامده در سمت خود باقی میباشند و انتخاب
مجدد آنان بلامانع است .

ماده ۲۲ - تغییر اعضای هیئت مدیره یا هر یک از آنان قبل از خاتمه
دوره تصدی و انتخاب جانشین آنان برای بقیه مدت با مجمع عمومی است .
ماده ۲۳ - مجمع عمومی از بین اعضای هیأت مدیره یکی از افراد

مطلع در امر مدیریت مربوط بشرکت را بعنوان مدیر عامل و ریاست هیأت مدیره انتخاب مینماید .

ماده ۲۴ - جلسات هیأت مدیره با حضور مدیر عامل و دو نفر اعضای هیأت مدیره در محل شرکت و در صورت اقتضا هر محل دیگری که رئیس هیأت مدیره تعیین نماید تشکیل میشود و تصمیمات هیأت مدیره با کثرت آراء اتخاذ میگردد هیأت مدیره دارای دفتری خواهد بود که تمام تصمیمات متخذه در آن ثبت و بامضای مدیر عامل و لاقبل یکی از اعضای هیأت مدیره حاضر در جلسه میرسد .

تبصره - در صورت غیبت یکی از اعضای اصلی هیأت مدیره یکی از اعضای علی‌البدل بدعوت رئیس هیأت مدیره در جلسه هیأت مدیره شرکت کرده و رأی خواهد داد در غیاب رئیس هیأت مدیره یکی از اعضای اصلی هیأت مدیره بقاء مقامی او وظایف محوله را در حدود اختیارات تفویضی انجام خواهد داد .

ماده ۲۵ - میزان حقوق و مزایای مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره و بازرس از طرف مجمع عمومی تعیین میگردد هر يك از اعضای هیئت مدیره وظیفه دیگری را در شرکت که از طرف مدیر عامل به او محول میشود بدون دریافت حقوق اضافی باید انجام دهد .

تبصره - در صورتیکه عضو هیئت مدیره و بازرس از اعضای شاغل و موظف وزارت آب و برق و یا مؤسسات تابع آن وزارت باشد حقوقی از بابت عضویت هیئت مدیره و بازرسی باو پرداخت نخواهد شد .

ماده ۲۶ - مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره (اعم از اصلی یا علی‌البدل) باید تمام وقت در اختیار شرکت باشند و نمیتوانند هیچ نوع شغل موظف و غیر موظف دیگری داشته باشند مگر آنکه مشمول تبصره ماده ۲۵ باشند .

ماده ۲۷ - هر يك از اعضای هیئت مدیره که در سال سه جلسه متوالی و یا پنج جلسه متناوب بدون عذر موجه در جلسات حاضر نشود مستعفی شناخته خواهد شد تشخیص موجه یا غیر موجه بودن عذر با رئیس هیئت مدیره است .

ماده ۲۸ - در صورت فوت و یا استعفا و یا فقدان صلاحیت یا تغییر هر يك از اعضای هیئت مدیره بجهتی از جهات جانشین وی برای بقیه مدت

با تصویب مجمع عمومی تعیین خواهد شد .
ماده ۲۹ - جلسه هیئت مدیره لااقل ماهی یکبار بدعوت مدیر عامل تشکیل خواهد شد .

ماده ۳۰ - اداره جلسات هیأت مدیره با مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره و اجرای تصمیمات و مصوبات مجمع عمومی از وظایف هیأت مدیره است .
ماده ۳۱ - مسئولیت اداره کلیه امور شرکت اعم از اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و استخدامی و مدیریت امور کارکنان و تشکیلات و معاملات و مخارج شرکت بمنظور حسن جریان امور و حفظ اموال و وجوه شرکت و نظارت لازم در امور اداری و مالی و فنی شرکتهای فرعی و شعب و نمایندگی و سایر مؤسسات مربوط با مدیر عامل است .

ماده ۳۲ - مدیر عامل بر کلیه واحدهای تابعه شرکت ریاست داشته و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات و مؤسسات و اشخاص و دادگاهها و سایر مراجع قضائی و اداری و حق انتخاب وکیل خواهد داشت و همچنین با تصویب مجمع عمومی میتواند دعاوی را بدآوری با حق سازش ارجاع کند و داور اختصاصی تعیین و نسبت به داور مشترك تراضی نماید .

ماده ۳۳ - مدیر عامل در حدود مقررات و آئین‌نامه های مصوب شرکت روشهای اجرایی را تعیین و ابلاغ مینماید .

ماده ۳۴ - مدیر عامل میتواند هر قسمت از اختیارات و وظائف خود را بهریک از اعضاء هیأت مدیره و رؤسای واحدهای شرکت به تشخیص و مسئولیت خود تفویض نماید .

ماده ۳۵ - مدیر عامل بودجه سالانه و تشکیلات کلی و ترازنامه و برنامه عملیات شرکت را بارعایت مقررات مربوط تهیه و پس از تأیید هیأت مدیره برای تصویب تقدیم مجمع عمومی مینماید .

ماده ۳۶ - مدیر عامل آئین‌نامه استخدامی و مالی و سازمانی و بهره‌برداری و اداری شرکت را تنظیم و پس از تأیید هیأت مدیره برای تصویب تقدیم مجمع عمومی مینماید .

ماده ۳۷ - کلیه چکها و اسناد و اوراق مالی و تعهدات و قراردادهای باید بامضای مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره برسد . مکاتبات اداری

با امضاء مدیر عامل و یا کسانی که از طرف مدیر عامل حق امضاء دارند صادر میگردد .

ماده ۳۸ - مدیر عامل موظف است يك نسخه از ترازنامه شرکت را حداقل چهل روز قبل از تشکیل مجمع عمومی بمنظور رسیدگی و اظهار نظر برای بازرس شرکت ارسال دارد .

ماده ۳۹ - شرکت دارای يك نفر بازرس خواهد بود که از طرف مجمع عمومی برای مدت یکسال انتخاب خواهد شد مدت مأموریت بازرس پس از تصویب ترازنامه در مجمع عمومی خاتمه خواهد یافت و مجمع در این جلسه بازرس را برای عملیات دوره بعد انتخاب خواهد کرد . تجدید انتخاب بازرس قبلی بلامانع است .

ماده ۴۰ - وظایف بازرس بقرار ذیل است .

الف - رسیدگی به ترازنامه و حساب درآمد و هزینه شرکت با اشتراك مساعی حسابرسان وزارت آب و برق .

ب - مطالعه گزارش سالانه هیئت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن و تسلیم به هیئت مدیره برای تصویب مجمع عمومی .

ج - شرکت در جلسات مجمع عمومی بدون حق رأی .

بازرس در اجرای وظایف خود حق مراجعه به کلیه دفاتر و پرونده های محاسباتی و اسناد خرج و پیمانه های شرکت را خواهد داشت هرگاه تخلف یا بی ترتیبی و یا اشتباهاتی مشاهده نماید به مدیر عامل گزارش میدهد .

ماده ۴۱ - اقدامات بازرس در اجرای وظایف خود نباید مانع جریان کارهای شرکت گردد .

ماده ۴۲ - بازرس حق مداخله در امور جاری شرکت را نداشته و وظایف او محدود است بآنچه بموجب این اساسنامه مقرر گردیده است .

ماده ۴۳ - سال مالی شرکت از اول فروردین هر سال آغاز و در پایان اسفند همان سال خاتمه می پذیرد مگر سال اول که شروع آن از تاریخ تصویب و اجرای این اساسنامه و پایان آن در اسفند سال بعد خواهد بود .

ماده ۴۴ - شرکت از نظر مقررات مالی و اداری تابع مقررات این اساسنامه و آئین نامه های مربوط بوده و در کلیه موضوعاتی که در این

اساسنامه پیش بینی نشده است طبق قوانین و مقررات مربوط به سازمان سابق و قانون تجارت عمل خواهد نمود .

ماده ۴۵ - شرکت مکلف است حداکثر ظرف ششماه آئین نامه های لازم را تهیه و برای تصویب بمقامات مربوط تسلیم دارد . تا موقعیکه این آئین نامه ها بتصویب نرسیده مقررات قبلی سازمان بقوت خود باقی است .

ماده ۴۶ - تغییرات لازم در اساسنامه شرکت وانحلال آن بنا به پیشنهاد مجمع عمومی با تصویب هیئت وزیران و کمیسیونهای آب و برق و دارائی و استخدام مجلسین خواهد بود .

اساسنامه شرکت سهامی برق منطقه ای

فصل اول - کلیات

- ماده ۱ - نام شرکت - شرکت سهامی برق منطقه ای
- ماده ۲ - مرکز اصلی شرکت شهر میباشد .
- ماده ۳ - نوع شرکت سهامی است .
- ماده ۴ - موضوع و هدف شرکت - تولید نیروی برق و انتقال و توزیع و خرید و فروش آن بطور عمده و جزئی در منطقه برای نیل باین هدف شرکت با رعایت مقررات قانون وزارت آب و برق مجاز با اقدامات زیر در منطقه عمل خود خواهد بود .
- الف - اقدام و اشتراك مساعی با سایر مؤسسات برق بمنظور تمرکز امور مربوط بمطالعه و تولید و انتقال و توزیع نیرو و تشویق بافزایش مصرف و تهیه و اجرای طرحهای مربوط به تولید و انتقال و توزیع برق .
- اصلاح ماده چهارم اساسنامه شرکتهای برق منطقه ای فوق که شامل متن اصلاحی ماده چهارم و بند الف آن میباشد و در تاریخ ۱۷ آذر ماه ۱۳۴۴ شمسی بتصویب کمیسیون آب و برق مجلس شورایملی رسیده به استناد ماده ۳ قانون تأسیس وزارت آب و برق قابل اجرا میباشد .
- ماده ۵ - مدت شرکت نامحدود است .
- ماده ۶ - شرکت میتواند در هر موقع و هر محل که هیئت مدیره مصلحت بداند شعبه دایر کند .

فصل دوم - سرمایه

- ماده ۷ - سرمایه شرکت کلا نقدی است و معادل مبلغ يك ميليون ريال میباشد که به یکصد سهم با نام ده هزار ریالی تقسیم میشود .
- ماده ۸ - شرکت میتواند بنا به تشخیص خود وبمنظور ایجاد و توسعه و تکمیل مؤسسات برق و مؤسسات برق ناحیه‌ای در مؤسسات مزبور از طریق مشارکت که شرایط آن بتصویب مجمع عمومی خواهد رسید سرمایه‌گذاری نماید .
- ماده ۹ - سرمایه شرکت از محل اعتبارات عمرانی و مشارکت مؤسسات و شرکتهاییکه اکثریت سرمایه آن متعلق بدولت یا شهرداری‌هاست به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی قابل افزایش خواهد بود .

فصل سوم - ارکان شرکت

- ماده ۱۰ - ارکان شرکت عبارتست از :
- الف - مجمع عمومی صاحبان سهام .
 - ب - هیئت مدیره .
 - ج - مدیر عامل .
 - د - بازرس .

مجمع عمومی

- ماده ۱۱ - مجمع عمومی حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه هر سال تشکیل خواهد شد .
- ماده ۱۲ - وظایف مجمع عمومی بشرح زیر است :
- الف - رسیدگی و اظهارنظر نسبت بگزارش عملیات سالانه شرکت .
 - ب - تصویب بودجه و ترازنامه شرکت .
 - ج - تصویب خط مشی وبرنامه عملیات آتی شرکت .
 - د - انتخاب اعضای هیئت مدیره ومدیر عامل شرکت .
 - ه - انتخاب بازرس .

و - اتخاذ تصمیم درباره نحوه تقسیم سود ویژه .
ز - تصویب آئین نامه های استخدامی و مالی و تشکیلات شرکت .
ح - اتخاذ تصمیم نسبت بسایر موضوعاتی که در دستور مجمع گذارده شده است .

ماده ۱۳ - مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام برای اتخاذ تصمیم نسبت بهر موضوعی بنا بدعوت مدیر عامل و یا بتقاضای کتبی بازرس یا صاحبان يك پنجم سهام شرکت با ذکر علت تشکیل میگردد .

ماده ۱۴ - نمایندگی سهام وزارت آب و برق در مجامع عمومی باوزیر آب و برق یا نماینده او خواهد بود .

ماده ۱۵ - مجامع عمومی صاحبان سهام در مرکز اصلی شرکت یا در محلی که در دعوتنامه قید گردد تشکیل میشود .

ماده ۱۶ - دعوتنامه مربوط بتشکیل هر يك از مجامع عمومی اعم از عادی یا فوق العاده با ذکر تاریخ و محل تشکیل آن و موضوع علت تشکیل مجمع باید حداکثر تا ده روز قبل از تاریخ تشکیل آن کتباً برای هر يك از صاحبان سهام ارسال شود .

ماده ۱۷ - در مجامع عمومی شرکت صاحب هر يك سهم دارای يك رأی خواهد بود .

هیئت مدیره

ماده ۱۸ - هیئت مدیره شرکت مرکب از سه نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل خواهد بود که از طرف مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب میشوند و تا موقعیکه تجدید انتخاب بعمل نیامده در مقام خود باقی خواهند بود . اداره امور شرکت بعهده هیئت مدیره خواهد بود و یکی از اعضای هیئت مدیره بتعیین مجمع عمومی بسمت رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل انتخاب میشود .

مجمع عمومی می تواند عندالاقضا مدیر عامل را از اشخاص خارج از هیئت مدیره انتخاب نماید .

ماده ۱۹ - هر يك از اعضای هیئت مدیره باید حداقل صاحب ده سهم

از سهام شرکت باشد سهام مزبور برای مدت مدیریت اعضاء غیر قابل انتقال بوده و بصندوق شرکت سپرده خواهد شد .

ماده ۲۰ - جلسات هیئت مدیره با حضور سه نفر از مدیران در محل شرکت یا عندالاجتضاء در وزارت آب و برق تشکیل میشود و تصمیمات باکثرت آراء حاضر اتخاذ میگردد .

تبصره - هیئت مدیره دارای دفتری خواهد بود که تمام تصمیمات باید در آن ثبت و بامضای رئیس و یکی از اعضای هیئت مدیره برسد .

ماده ۲۱ - میزان حقوق مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره از طرف مجمع عمومی تعیین میگردد و ممکن است بهر یک از اعضای هیئت مدیره وظیفه دیگری در شرکت بدون پرداخت حقوقی اضافی از طرف رئیس هیئت مدیره تفویض شود .

ماده ۲۲ - هیئت مدیره دارای کلیه اختیارات لازم برای تأمین مقاصد و هدفهای شرکت و انجام عملیات و اقدامات مقرر در ماده ۴ این اساسنامه میباشد .

تبصره ۱ - ارجاع دعاوی و اختلافات شرکت بداورى و انتخاب داور و سازش منوط بتصویب مجمع عمومی است .

تبصره ۲ - هیئت مدیره میتواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را بمدير عامل تفویض نماید . مدیر عامل اختیار دارد در امور محاکماتی و برای حل و فصل و طرح دعاوی اعم از کیفری و حقوقی و کیل با حق توکیل غیر انتخاب نماید .

مدیرعامل

ماده ۲۳ - مدیر عامل امور مالی و فنی و اداری شرکت را اداره خواهد نمود و خاصه دارای وظایف زیر میباشد :

الف - اجرای آئین نامه استخدامی شرکت .

ب - تهیه و تنظیم بودجه سالانه و ترازنامه و تقدیم آن بمجمع عمومی پس از تأیید هیئت مدیره .

ج - تنظیم و تهیه برنامه عملیات شرکت و تقدیم آن به مجمع عمومی پس از تأیید هیئت مدیره .

د - دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی طبق مقررات این اساسنامه .

ماده ۲۴ - کلیه اسناد و اوراق مالی و تعهدات باید بامضای مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها برسد مکاتبات غیر مالی با امضای مدیر عامل یا نماینده او خواهد بود .

ماده ۲۵ - مدیر عامل موظف است يك نسخه از ترازنامه شرکت را حداقل بیست‌روز قبل از تشکیل مجمع عمومی بمنظور رسیدگی و اظهار نظر بازرس شرکت ارسال دارد .

ماده ۲۶ - مدیر عامل آئین نامه های استخدامی و مالی و همچنین تشکیلات شرکت را تهیه و پس از تأیید هیئت مدیره برای تصویب به مجمع عمومی تقدیم خواهد کرد .

بازرس

ماده ۲۷ - شرکت دارای يك بازرس خواهد بود که از طرف مجمع عمومی برای مدت یکسال انتخاب میشود . اختیارات و وظایف بازرس طبق قانون تجارت میباشد و حق الزحمه او از طرف مجمع عمومی تعیین خواهد گردید .

فصل چهارم - سهام شرکت

ماده ۲۸ - سهام شرکت بامضای اعضای هیئت مدیره صادر خواهد شد .

ماده ۲۹ - انتقال سهام شرکت باید در دفاتر شرکت و در برگ سهام ثبت شده و بامضای صاحب سهم یا نماینده قانونی او برسد - شرکت فقط کسانی را که سهام بنام آنها در دفتر شرکت به ثبت رسیده صاحب سهم شناخته و برای حضور در مجمع عمومی دعوت مینماید .

فصل پنجم - ترتیب تقسیم سود

ماده ۳۰ - سود ویژه پس از کسر یک بیستم بعنوان سرمایه احتیاطی بین صاحبان سهام تقسیم میشود و ممکن با تصویب مجمع عمومی به حساب ازدیاد سرمایه منظور گردد .

ماده ۳۱ - در صورتیکه سرمایه احتیاطی به بیش از یکدهم سرمایه شرکت برسد اضافه بر یک دهم مزبور را میتوان با تصویب مجمع عمومی برای توسعه و تکمیل تأسیسات شرکت بمصرف رسانید .

فصل ششم - سال مالی

ماده ۳۲ - سال مالی شرکت از اول فروردین هر سال آغاز و در پایان اسفند همان سال خاتمه میپذیرد .

فصل هفتم - تغییرات اساسنامه

ماده ۳۳ - تغییرات لازم در اساسنامه شرکت بنا به پیشنهاد مجمع عمومی با تصویب هیئت وزیران و کمیسیون مربوطه مجلسین خواهد بود و هر گاه ظرف دو ماه بعد از تقدیم تصویبنامه هیئت وزیران مبنی بر تغییرات اساسنامه بمجلسین تصمیم کمیسیونهای مجلسین اعلام نگردد تصویب هیئت وزیران بطور آزمایش قابل اجرا خواهد بود .

تبصره ماده ۲۲ همان تبصره است که در جلد دوم بطور مشروح طی سه فصل نکات قابل ذکر آن گفته شده است و تصور نمیکنم با آن توضیحات نیازی به تجدید مطلب باشد .

فصل سوم

آبهای زیر زمینی

ماده ۲۳

(استفاده از منابع آبهای زیرزمینی با استثنای موارد مذکور در ماده ۲۵ این قانون از طریق حفر هر نوع چاه و قنات در هر نقطه از کشور با اجازه و موافقت وزارت آب و برق باید انجام شود و وزارت مذکور با توجه بخصوصیات هیدروژئولوژی (شناسائی طبقات زمین و آبهای زیرزمینی) منطقه و مטרرات پیش‌بینی شده در این قانون نسبت بصور پروانه حفر اقدام میکند.

تبصره ۱ - برای استفاده از چاه و سایر تاسیسات استخراج آبهای زیرزمینی که قبل از تاریخ تصویب این قانون ایجاد شده است تحصیل پروانه مصرف طبق این قانون الزامی است ترتیب انتشار آگهی برای اطلاع عموم و صدور پروانه و مرجع صدور پروانه و سایر شروط و تعهدات طبق مטרرات مصوب وزارت آب و برق که با رعایت ماده ۱۴ تعیین میشود خواهد بود.

تبصره ۲ - جاهائیکه از تاریخ ۱۴/۷/۴۲ با توجه بتوانین و مטרرات طبق تشخیص وزارت آب و برق در مناطقی که از طرف وزارت آب و برق ممنوع یا محدود اعلام و آگهی شده و همچنین طبق این قانون غیرمجاز و بدون پروانه حفر شود بدون پرداخت هیچگونه خسارت بتشخیص وزارت آب و برق مورد استفاده آبیاری قرارداده یا باحضور نماینده دادستان محل مسدود خواهد شد.

چون در متن ماده ۲۳ اشاره بماده ۲۵ شده است بهتر است این ماده هم قبل از آنکه بشرح و توصیف مفاد آن پردازد عیناً درج شود.

(ماده ۲۵ - احداث چاه در هر محل و استفاده از آب آن برای مصرف خانگی و شرب و بهداشتی و باغچه تا ظرفیت آبدهی ۲۵ متر مکعب در شبانه روز مجاز است و احتیاج بصور پروانه حفر ندارد وزارت آب و برق در موارد لازم میتواند از این نوع چاهها بمنظور بررسی آبهای منطقه و جمع‌آوری آمار و مصرف آن بازرسی کند.

تبصره - در صورتیکه حفر این قبیل چاهها موجب کاهش یا خشکانیدن آب

چاه و یاقنات مجاز مجاور گردد وزارت آب و برق میتواند در صورت عدم توافق مالکین بشکایت شاکمی رسیدگی و در صورت احراز این موضوع چاه جدید را مسدود و یا از حفر و بهره برداری آن جلوگیری کند .

بموجب ماده ۲۳ هر کس در هر نقطه کشور که بخواهد بحفر چاه یاقنات مبادرت نماید باید قبلاً از وزارت آب و برق تحصیل اجازه نماید و وزارت آب و برق هم باتوجه بخصوصیات و شناسائی طبقات زمین و آبهای زیرزمینی بطوریکه معارض باحق دیگری نباشد بدرخواست کننده در حدود مقررات اجازه حفر چاه یاقنات خواهد داد .

کسانیکه قبل از تاریخ تصویب این قانون بحفر چاه و یاسایر تأسیسات استخراج آب زیرزمینی مبادرت نموده و از آبهای زیرزمینی استفاده میکنند وزارت آب و برق ملزم است که این حق مکتسب را برای آنها بشناسد منتها باید مقدمتاً در هر منطقه یا ناحیه آگهی لازم را منتشر کند و پس از انتشار آگهی شروط و تعهداتی را که لازم میدانند اخذ و پروانه مصرف برای آنها صادر نماید .

طبیعی است این احتمال داده میشود که باز بمیزان دلخواه متقاضی ممکن است پروانه مصرف صادر نشده باشد و یا آنکه متصدی صدور پروانه در کار مصرف کننده دقت لازم نکرده باشد در این صورت اجازه داده میشود که متقاضی مصرف بهیئت سه نفری بعنوان شکایت و اعتراض بمیزان آب مقرر در پروانه مراجعه نماید همانطوریکه در ماده ۱۴ قانون بموقع خود تشریح و توصیف شد .

با آنکه مدتی از تصویب قانون مزبور میگذرد هنوز این آگهی صادر نشده است و عملاً مشکلاتی از حیث تشخیص چاههای مجاز و غیر مجاز بوجود آورده است . علت عدم صدور آگهی طبق اطلاعاتی که بدست آمده آنست که بموجب آئین نامه مخصوص که بعداً درج میگردد فرم هائی مخصوص برای این کار منظور شده است که چاپ و توزیع آن مستلزم هزینه سنگینی است که بلحاظ تأمین اعتبار تا این تاریخ معوق مانده است و احتمال میرود که بزودی رفع این نقیصه شود و هر کسی که در گذشته چاه یاقناتی داشته است بتواند پروانه مصرف آنرا بدست آورد

تادرموقع مقتضی پروانه مصرف مفید او صادر گردد . قبل از تصویب این قانون - قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیر زمینی کشور مصوب ۴۲۷۱۴ مورد عمل بود که بلاحاظ موقعیت - مقام (درموقع تعطیل مجلس) و تصویب وزیران نفوذ قانونی داشت .

بموجب قانون حفظ و حراست اشخاص میتوانند با رعایت مقررات منظور شده در این قانون تحصیل اجازه برای حفر چاه و قنات نمایند . این نوع چاهها که با اجازه حفر شده است میباید تنفیذ گردد و اگر بدون اجازه باشد طبق تبصره ۲ ماده ۲۳ از طرف وزارت آب و برق بدون پرداخت هیچگونه خسارتی با تصویب هیئت وزیران با حضور نماینده دادستان مسدود میگردد یا وزارتخانه آنرا رأساً مورد استفاده قرار میدهد کما اینکه در دشت قزوین از این نوع چاهها متعدد بود که ظاهراً يك سلسله اقدامات قانونی در آنجا معمول گردید . برای اینکه خواننده عزیز بیشتر توجه بمقاد این ماده و سایر مواد مربوط به آبهای زیرزمینی نماید قانون حفظ و حراست آبهای زیرزمینی را عیناً درج مینماید . ضمناً چون در ماده ۶۵ قانون آب تصریح شده است که این قانون در قسمتی که با قانون آب و نحوه ملی شدن آن مغایر است بلااثر میباشد مطالعه آن لازم بنظر میرسد .

قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی کشور

ماده ۱ - حفظ و حراست منابع و ذخایر آبهای زیرزمینی و نظارت در کلیه امور مربوط به آن بوزارت آب و برق محول میگردد . وزارت نامبرده مکلف است تدریجاً نیروی انسانی و وسائل کار را فراهم سازد تا بتواند با جمع آوری آمار و مشخصات چاهها و قناتها و چشمهها و رودخانه ها و سایر عملیات فنی وضع آبهای زیر زمینی استفاده شده یا نشده هر منطقه را مشخص سازد و راهنمایی های فنی لازم را بعمل آورد .

ماده ۲ - وزارت آب و برق مجاز است در مناطقی که با بررسیهای فنی و علمی معلوم شود که سطح سفره آب زیرزمینی در اثر ازدیاد مصرف یا علل دیگر پائین میرود و یا در مناطقی که طرحهای آبیاری از طرف دولت باید اجرا گردد از تاریخ اجراء طرح برای مدتی با حدود مشخص حفر چاه

عمیق و نیمه عمیق و قنات را ممنوع نماید . وزارت آب و برق چاره جوئیهای لازم نسبت به تقویت منابع آبهای زیرزمینی معمول خواهد داشت .

ماده ۳ - در مناطقی که وزارت آب و برق مقتضی بداند میتواند با اعلام قبلی حفرچاه عمیق و نیمه عمیق و قنات را موقوف به تحصیل اجازه نماید .

تبصره - در مناطقی که حفرچاه محتاج به تحصیل پروانه میشود حفر چاه در محل مسکونی یا باغچه برای مصرف شرب و درختکاری بشرط آنکه بهره برداری در شبانه روز از صدمتر مکعب بیشتر نباشد احتیاج به کسب اجازه ندارد ولی باید قبل از اقدام به حفرچاه مراتب را کتبا بوزارت آب و برق اطلاع دهند .

ماده ۴ - وزارت آب و برق موظف است بنا به تقاضای درخواست کننده بمنظور راهنمایی های فنی متخصصین خود را بمحل اعزام و امکان حفر چاه یا قنات را از لحاظ فنی مورد بررسی قرار داده و راهنمایی کند و پنجاه درصد هزینه کارشناسی بعهده متقاضی خواهد بود شرکتهای تعاونی روستائی از پرداخت حق کارشناسی معافند .

ماده ۵ - از تاریخ اجرای این قانون اشخاص یا شرکتهای سازمانهائی که حرفه آنها حفاری است و با وسائل موتوری اقدام بحفرچاه عمیق و نیمه عمیق و قنات میکنند باید پروانه ای از وزارت آب و برق تحصیل نمایند و بدون داشتن پروانه افراد یا شرکتهای سازمانه مجاز به انجام عملیات حفاری با وسائل موتوری نخواهند بود .

اشخاص و افرادی که پروانه دریافت داشته اند موظفند کلیه شرایط مندرج در پروانه مربوط به چاهها و یا قنات هائی را که حفر مینمایند رعایت نمایند و در صورت تخلف پروانه آنان برای مرتبه اول بمدت شش ماه و در صورت تکرار برای همیشه از طرف وزارت آب و برق لغو میشود . پروانه حفاری از طرف وزارت آب و برق مجاناً صادر خواهد شد .

ماده ۶ - برای جلوگیری از اتلاف آب زیرزمینی خصوصاً در فصولی که احتیاج به بهره برداری از آب زیرزمینی نباشد مالکین چاههای آرتزین موظفند از طریق نصب شیر و دریچه از تخلیه مداوم آب زیرزمینی خودداری نمایند .

مامورین وزارت آب و برق در صورت عدم رعایت این مواد به مالکین چاهها تذکر میدهند و به آنان اخطار مینمایند که در مهلت مناسب طبق آئین نامه اجرائی این قانون اقدام نمایند .

ماده ۷ - در چاههای آرتزین که از آنها آب زیرزمینی بخودی خود از سطح زمین خارج میشود و در چاههای نیمه آرتزین که در آنها سطح ایست آبی بالاتر از سطح اولیه برخورد با آب است مالکین چاه مکلفند بوسیله پوشش جداری و یا طرز مناسب دیگری به تشخیص وزارت آب و برق از نفوذ آب مخزن تحت فشار در قشرهای خشک جلوگیری نمایند .

ماده ۸ - در مورد مواد ۷ و ۶ اگر به اخطار وزارت آب و برق ترتیب اثر داده نشود خود وزارت آب و برق اقدام میکند و مخارج آن را از طرف میگیرد .

ماده ۹ - وزارت آب و برق مجاز است در هر موردیکه ضروری دانست بهزینه خود وسائل اندازه گیری میزان آب ده و کنترل سطح سفره آب زیرزمینی در سر هر چاه عمیق یا نیمه عمیق یا آرتزین و یاقنات نصب کند .

ماده ۱۰ - اشخاص و موسسات خصوصی و دولتی طبق آئین نامه اجرائی این قانون موظفند برای جلوگیری از آلوده شدن مخازن آب زیرزمینی احتیاط های بهداشتی لازم را بعمل آورند و تذکرات و راهنمائیهای مامورین وزارت آب و برق را در این زمینه رعایت و عمل نمایند .

ماده ۱۱ - قنات و چاههایی که چهار سال متوالی بایر و بدون آب جاری مانده یا بماند در صورتیکه با اخطار قبلی وزارت آب و برق به مالک یا مالکین و تعیین مهلتی که از یکسال تجاوز نخواهد کرد مالک یا مالکین نسبت به دایر کردن قنات یا بهره برداری از چاه اقدام ننمایند متروکه تشخیص داده شده و احداث چاه یاقنات در حریم آنها با اجازه وزارت آب و برق مجاز خواهد بود .

ماده ۱۲ - در صورت تخلف از مواد ۳ و ۲ این قانون وزارت آب و برق میتواند با مراجعه بمامورین انتظامی محل از ادامه کار جلوگیری نماید و ذینفع نیز میتواند از تعطیل کار بدادگاه شکایت کند .

در مورد مواد این قانون هرگاه وزارت آب و برق تقاضای صدور

دستور موقت نماید ازدادن تامین معاف است و در صورتیکه وزارت آب و برق محکوم به بی‌حقی شود مسئول جبران خسارت وارده بصاحب حق خواهد بود. ماده ۱۳ - هرگاه برای اجرای طرحهای وزارت آب و برق جهت توسعه استفاده از منابع آبهای زیرزمینی و سطحی احتیاج به اراضی اشخاص یا صاحبان موسسات خصوصی باشد بنحو مقرر در ماده ۳ قانون تعیین حریم دریاچه احدثی در پشت سدها مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۴۴ عمل خواهد شد و در صورتیکه در نتیجه اجرای طرح آبی که صاحبان قنوت و چاههای عمیق و نیمه عمیق موتوری یا آرتزین و چشمه و آب جاری سیاه آب داشته‌اند نقصان پیدا کند یا بکلی خشک شود علاوه بر جبران خسارت طبق ماده مذکور وزارت آب و برق مکلف است بقدر نقصان آب که بمصرف شرب اهالی و دام در فصول زراعی بمصرف زراعت میرسیده برای مشروب کردن باغ و بستان و اراضی زراعتی از منبع یا منابع تاسیسات خود آب در اختیار آنان بگذارد و بهای آنرا طبق مقررات و شرایط وزارت آب و برق بدون احتساب سود سرمایه دریافت کند.

تبصره ۱ - وزارت آب و برق مکلف است قبل از شروع به اجرای طرحهای لازم در هر ناحیه مقدار آب قنوت و چاههای عمیق و نیمه عمیق و آرتزین و چشمه سارها و آبهای جاری سیاه آب آن ناحیه را دقیقاً اندازه گیری نموده و اوراق مخصوص تهیه نماید.

تبصره ۲ - حقوق ارتفاقی از وضع مجاری آب بهر صورت که باشد و همچنین کلیه موارد اجرای ماده ۳ قانون تعیین حریم دریاچه احدثی در پشت سدها مانع از اجرای طرحهای وزارت آب و برق و یا طرحهاییکه باتأید وزارت مذکور از طرف موسسات ذیصلاحیت دیگر اجرا میشود نخواهد شد در مورد حقوق ارتفاقی پس از اجرای طرح خسارت صاحبان حقوق به تشخیص کمیسیون مرکب از وزیر آب و برق و دادستان کل کشور و شخص ذیحق یا نمایندگان آنان جبران خواهد شد.

ماده ۱۴ - آئین‌نامه اجرائی این قانون از طرف وزارت آب و برق تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بمورد اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۵ - وزارت آب و برق مأمور اجرای این قانون است.

ممنوعیت محدوده

ماده ۲۴

(وزارت آب و برق مجاز است در مناطقی که با بررسیهای علمی و فنی معلوم شود که سفره آب زیرزمینی در اثر ازدیاد مصرف یا علل دیگر پائین می‌رود همچنین در مناطقی که طرحهای آبیاری جامع و استفاده از آبهای زیرزمینی بمنظور ملی کردن آب در ناحیه‌ای از طرف دولت باید اجرا گردد با حدود جغرافیائی مشخص حفرچاه عمیق یا نیمه عمیق و یا قنات را ممنوع سازد و رفع این ممنوعیت منوط با اجازه مجدد وزارت آب و برق است) .

در قانون حفظ و حراست آبهای زیرزمینی اصل آزادی حفر چاه است مگر آنکه بعداً محدودیت و یا ممنوعیت منطقه یا ناحیه اعلام گردد . لکن در این قانون اراضی سراسر کشور از نظر حفر چاه منطقه یا ناحیه محدوده معرفی شده است بدین معنی که در هیچ منطقه یا ناحیه‌ای نمیشود بدون اجازه حفرچاه یا قنات نمود و تحقیقاً باید جز در موارد ماده ۲۵ که فوقاً درج گردیده حفر هرچاهی با اجازه وزارت آب و برق باشد .

در ماده ۲۴ به وزارت آب و برق اجازه داده شده است که سفره آب زیرزمینی را از نظر فنی و علمی بررسی کند و اگر معلوم شود که در اثر کثرت مصرف یعنی در اثر حفرچاه های زیاد سطح آب زیرزمینی پائین می‌رود یا احتمالاً تهی می‌گردد و یا تغییر رنگ و بو میدهد (که این حالت هم حاکی از کم شدن آب است) حفرچاه را در آن منطقه یا ناحیه ممنوع اعلام کند. طبیعی است در صورتیکه اشخاص با وجود ممنوعیت منطقه یا ناحیه بحفرچاه مبادرت نمایند عمل آنها مشمول مقررات جزائی این قانون میشود علاوه بر آنکه چاه مسدود می‌گردد. اگر در آن منطقه یا ناحیه وزارت آب و برق طرح آبیاری جامعی داشته باشد باید قبلاً آن ناحیه را با حدود جغرافیائی مشخص کند و در نتیجه منطقه را ممنوع اعلام نماید تا بتواند طرح خود را بموقع اجرا بگذارد مثل طرح کشاورزی دشت قزوین . طبیعی است اگر در اثر نزولات جوی و یا پیدایش منبع آب دیگری که بتواند آبهای زیرزمینی را تقویت کند مثل بستن سد طالقان بمنظور سیراب کردن سفره زیرزمینی دشت قزوین در اینصورت وزارت آب و برق میتواند رفع ممنوعیت کند یعنی باشخاص و افرادی که مایل باشند چاهی حفر نمایند اجازه یا پروانه حفر بدهد . برای اینکه خصوصیات

و مشخصات چاه مورد اجازه معلوم باشد قانوناً فرمهای تهیه شده است که درخواست حفرچاه و اجازه حفرچاه و پروانه مصرف مفید روی آن فرما عملی میشود. خصوصیات و مشخصات این نوع فرما در آئین نامه اجرائی فصل سوم قانون آب و نحوه ملی شدن آن شده در پایان فصل سوم یعنی پس از شرح ماده ۳۸ عیناً درج خواهد شد.

چاههای بی پروانه

ماده ۲۵

ماده ۲۵ و تبصره آن پس از درج ماده ۲۴ قبلاً درج گردید و تکرار آن ضروری بنظر نمیرسد منتها در این ماده باید دید که اجازه عملاً درچه مواردی داده میشود. مثلاً اگر ملك کسی بوسیله شبکه آبرسانی و لوله کشی و آب نهر مشروب میشود و بقدر ضرورت میتواند برای مصرف خانگی و شرب بهداشت و باغچه خود استفاده نماید باز هم میتواند بحفر چاه در حدود ماده ۲۵ اقدام نماید یا نه؟ بمقیده اینجانب چون قبلاً از طریق لوله کشی و شبکه آبرسانی آب مورد نیاز او تأمین شده و منظور حاصل گردیده موردی برای اجرای ماده ۲۵ باقی نماند و ظاهراً وزارت آب و برق هم بکسانیکه از لوله کشی آب شهر استفاده مینمایند چنین اجازه ای نمیدهد.

اگرچه متخصصین معتقدند که اصولاً برداشت بیست و پنج متر مکعب در شبانه روز نمیتواند برای چاه یاقنات مجاور زیان آور باشد ولی باینوصف در این ماده تبصره ای اضافه شده است که اگر احتمالاً آب قنات یا چاه مجاز مجاور کاهش یافت و تفاهم بین شاکی و مشتکی عنه حاصل نشد وزارت آب و برق این چاه بیست و پنج متر مکعبی را مسدود سازد البته اگر اطراف يك چاه و يك قنات مجاز چندین چاه بیست و پنج متر مکعبی حفر نمایند احتمال ضرر و زیان فراوان است و حقیقاً تبصره الحاقی بماده ۲۵ از نظر اصل عدم اضرار نظر صائبی است که طراحان و مقنن در قانون آب منظور داشته اند.

مطلبی که در این ماده متعاقب کلمه چاه و قنات اضافه شده است کلمه مجاز است. غرض از ذکر مجاز آنست که اگر چاه یا قنات غیر مجاز در مجاورت آن باشد نه حق شکایت برای مالک آن قائلند و نه بموضوع رسیدگی خواهد شد.

در گذشته گفتیم که چاه یاقنات مجاز چه نوع چاه وقتانی است و کیفیت تحصیل پروانه برای مجاز بودن چه میباشد .

شبهه این ماده در طرح قانونی حفظ و حراست آبهای زیرزمینی هم هست منتها در آن ماده بجای ۲۵ متر مکعب صدمتر مکعب قید شده است .

این اجازه تقریباً در قوانین آب ممالک دیگر هم هست منتها در بعضی از کشورها میزان شرب خانگی تعیین میشود و مخصوصاً در اثر تعریفی که از شرب خانگی و شرب کشاورزی مینمایند بعضی از مصادیق خارج و داخل در حکم کلی میگردد .

شرب خانگی و بهداشت و باغچه در ماده ۲۵ بطور صریح قید شده است معمولاً باغچه به باغی میگویند که حداکثر پانصد متر زمین داشته باشد، بنابراین اگر از این میزان تجاوز کند باغچه نخواهد بود . در قوانین ممالک دیگر رقم مساحت باغچه که بتواند از این آب استفاده کند معین است و گاهگاهی امور بهداشتی را تعریف و مشخص میسازند تا میزان مصرف آب مورد نیاز معلوم گردد ولی چون در این ماده مقدار کل آب قید شده یعنی تا ۲۵ متر مکعب را مجاز دانسته بنابراین نیازی بتعریف و تعیین مقادیر مصرف از بابت هر یک از ارقام حوائج خانگی مذکور نیست .

تقسیم هزینه تاسیسات بنسبت سهام

ماده ۳۶

(تا زمان اجرای ملی شدن آب در هر ناحیه یا منطقه حق هر یک از صاحبان اراضی از چاه یا قنات مشاع و مشترک متناسب با سهامی است که برای حفر چاه یا قنات واحداث تاسیسات پرداخته یا توافق کرده اند و در صورت کمبود یا ازدیاد آب ، آب موجود بنسبت سهامشان تقسیم یا نوبت بندی خواهد شد .)

مفاد ماده ۳۶ قانون آب مطلب تازه ای نیست بلکه این مفهوم در قوانین مدنی و قنوت هم دیده میشود منتها مطلبی که در این ماده قابل توجه است تاریخ قبل از اعلام ملی شدن آب است که از نظر تأیید مطالبی که در شرح ماده اول گفته شد تکرار میگردد و آن نکات اینست که تاریخ اعلام ملی شدن آب بانجام تشریفاتی صورت میگیرد که آن تشریفات در مواد ۵۱ ، ۶۲ و ۶۳ بخوبی منعکس شده است .

پس از انتشار آگهی ملی شدن آب در هر ناحیه یا منطقه دیگر مجالی برای تملك شخص واقامه دعوی و رعایت سهام و رعایت هزینه بنسبت سهام مورد پیدا نمیکند زیرا تمام این نوع تاسیسات بحکم ماده ۵۱ قانون آب متعلق بدولت خواهد بود و وزارت آب و برق که نماینده دولت در این امر است خود مبادرت بتعمیر و حفظ و صیانت اینگونه چاهها مینماید ولی چون تاریخ ملی شدن آب در این قانون بانجام مقدماتی صورت میگردد و احتمالاً انجام تشریفات در بعضی از نواحی و مناطق مدتی طول خواهد کشید از اینرو مقرراتی در این قانون برای قبل و بعد از ملی شدن وضع گردیده است تا صاحبان حق و مباشرین عمران باغ و ملك بلا تکلیف نباشند و بدانند چه مسئولیتی در قبال چه وظایف و تکالیفی دارا هستند .

بالجمله مفاد این ماده اینست که هر کس بمقدار سهمی که از یک چاه دارد بهمان مقدار حق استفاده از آن چاه یا قنات را دارد و این نوع احکام خاصه در موضوع کم آبی بخوبی قابلیت اجرا پیدا میکند بطوریکه اگر آب چاه یا قنات بجهت ارضی یا سماوی کم شود آب چاه یا قنات بنسبت سهام بین صاحبان سهام توزیع میگردد و هیچکس را حق بیشتر از میزان سهم مقرر نیست، ولو آنکه کافی برای آبیاری اراضی زیر کشت یا مصرف خانگی نباشد .

آلوده ساختن آب چاه

ماده ۴۷

(دارندگان پروانه چاه مسئول جلوگیری از آلودگی آب داخل چاه هستند و موظفند طبق مقررات بهداشتی عمل کنند) .

علی القاعده امروز چاهی نیست که پروانه یعنی اجازه نداشته باشد خواه این چاه قبل از تصویب این قانون حفر شده باشد و خواه بعد از این قانون . بنابراین این حکم کلی برای تمام چاههای موجود کشور قابل اجرا است . این دستور قانونی منطبق بادستور مذهبی اسلام است زیرا در فقه و احکام اسلام اصل طهارت و پاکیزگی درهمه شئون منظور و مقرر است .

علاوه بر ماده فوق تبصره ۵ ماده ۶۰ این قانون هم بالصراحه میگوید (هر کس عمداً آب رودخانه و انهار عمومی وجویبارها و مخازن و منابع و قنوت

وچاهها را با اضافه کردن مواد خارجی بنحو مندرج در ماده ۵۶ این قانون آلوده کند در مواردی که منابع آب بعنوان منبع آب آشامیدنی بکار میرود مرتکب بموجب سایر قوانین مربوط نیز مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت) بنابراین نه تنها آلودگی آب ممنوع است بلکه مستحق جزای کیفری است و اصولاً در قوانین جزائی قصد و عمد یکی از ارکان متشکله جرم است .

این تبصره ناظر باعمال عمدی است یعنی اگر کسی متعمداً اقدام به آلوده ساختن آب نماید . لکن ماده ۲۷ ناظر باعمال غیر عمد است که بدون تعیین مجازات میباشد و اخلاق و قانون افراد را موظف بر رعایت امور بهداشتی نموده اند و تنها جزائی که میتوان برای این نوع اشخاص قائل شد جلوگیری از استفاده آب آلوده میباشد .

افراد از آب فروشی منع شده اند

ماده ۲۸

(دارندگان پروانه های صادره پس از اعلام ملی شدن آب در هر منطقه بهیچ عنوان مجاز بآب فروشی نیستند مگر آنکه پروانه بنام شرکت تعاونی روستائی و یا شرکت سهامی زراعی صادر شده باشد که در اینصورت مجازند باعضاء شرکت بفروشند . تبصره - در مورد چاههاییکه قبل از تصویب این قانون بطور مجاز احداث شده اند و ظرفیت استخراج آب این قبیل چاهها بیش از میزان مصرف مفید صاحبان پروانه باشد و مازاد آنها با ارائه شواهد و قرائن قبل از تصویب این قانون برای امور کشاورزی و صنعتی یا شهری مصرف مفید داشته است برای مصرف کنندگان آب مازاد با توجه بمقررات مربوط پروانه جداگانه صادر خواهد شد و نرخ آب با رعایت هزینه های جاری و استهلاکی طبق معیارهای وزارت آب و برق با احتساب بهره تا ۸ درصد نسبت ب سرمایه از طرف مصرف کننده بصاحب چاه پرداخت میشود در صورتیکه مصرف کنندگان از پرداخت منظم بهای آب خودداری کنند طبق ماده ۵۳ این قانون با آنان رفتار خواهد شد) .

قانون گزار بعد از اعلام ملی شدن آب - آب فروشی افراد را ممنوع کرده است . این حکم کاملاً حکم صحیحی است که بهیچوجه قابل خدشه و ایراد نمیشد زیرا در صورتیکه در یک منطقه یا ناحیه آب ملی شود عنوان مالکیت طبعاً منتفی میگردد و قانوناً کسی در آن منطقه یا ناحیه مالک آبی

نیست که حق فروش داشته باشد و این تنها وظیفه وزارت آب و برق یا مؤسسات تابع آن میباشد که بنماید دولت این سرمایه ملی را بین نیازمندان بقدر نیاز بارعایت مصرف مفید و معقول توزیع نمایند. اما چون باز تا تاریخ ملی شدن احتمالاً مدتی دریک منطقه و ناحیه خاص اجرای قانون طول میکشد و باید مقرراتی در آن منطقه باشد که از اینجهت مشکلی پیش نیاید لذا همان رویه سابق تأیید شده و مقرر گردید مالکان چاه میتوانند قبل از اعلام ملی شدن بآب فروشی مازاد احتیاج خود اقدام نمایند که هم مالک چاه از حقوق مكتسبه محروم نگردد و هم کسانی که باعتبار آب چنین چاهی مبادرت بایجاد تأسیسات عمرانی نموده اند متضرر نگردند.

اما مطلبی که در تبصره ماده مذکور قابل توجه دقیق است و تا این تاریخ چنین سابقه قانونی نداشته ایم اینست که اشخاصی که بمرور زمان با خرید آب تأسیساتی ایجاد نموده اند بموجب حکم این ماده اعتماد و اطمینان حاصل میکنند که استمرار کار عمرانی آنها تأمین است و هیچ کس بهیچ عنوان نمیتواند از طریق قطع آب فعالیت اقتصادی او را تهدید نماید. بکرات قبل از وضع این قانون اتفاق می افتاد که اشخاص باعتبار خرید آب چاه یا قنات از همسایه مورد اعتماد خود سرمایه گزاری قابل توجهی مبادرت مینمودند. همین که بساط کار او رونقی پیدا میکرد مالک چاه یا قنات یا بمنظور گران کردن قیمت آب و یا عوامل دیگر اخلاقی در قطع آب بدون هیچگونه مسئولیتی اقدام مینمود و در واقع سرمایه گزار و همسایه مجاور خود را که روزی با اعتماد او چنین اقدامی کرده است با اصطلاح بخاک سیاه می نشانند تا در نتیجه این عمل او را وادار بفروش ملك یا گران تر کردن قیمت آب یا اعمال نظر شخصی کند. از اینجهت در این تبصره این نکته دقیق رعایت شده است که هر کس که از چاه یا قناتی بعنوان خریدار آب استفاده میکند و تأسیسات عمرانی و صنعتی برقرار میسازد حق داشته باشد که مستمراً از این چاه و قنات استفاده کند و وزارت آب و برق هم حاضر است به چنین اشخاصی بنسبت استفاده از آب چاه و قنات پروانه مصرف بدهد منتها مالک چاه باید نرخ آب را بمعیار هائی که وزارت آب و برق در ماده ۵۰ قانون تعیین کرده با اضافه ۸ درصد سود سرمایه تعیین و از مصرف کننده بعنوان پول آب دریافت کند و اگر تعلل در پرداخت نمود

طبق مفاد ماده ۵۳ وصول خواهد کرد .

در ذیل تبصره ماده ۲۸ اشاره بماده ۵۳ شده است برای اینکه خواننده گرامی توجه باستدلال فوق کند مقدمه ماده ۵۳ ذیلا نقل میشود .

(وزارت آب و برق موظف است در مناطقی که طرحهای عمرانی یا قانون ملی شدن آب بمرحله اجرا درآمده است نرخ متوسط تمام شده را برحسب متر مکعب بتدریج درهر ناحیه یا حوزه آبریز برای کلیه مصرف کنندگان پنجسال یکبار باتوجه بهزینة های جاری شامل مدیریت و نگهداری و تعمیر و بهره برداری و هزینه استهلاک و بهره سرمایه باتوجه باستهلاک تعیین و اعلام دارد وهمچنین تدریجاً نرخ آب مصارف کشاورزی را برای محصول واحد در تمام کشور یکسان تعیین و وصول کند .)

برای تعیین نرخ آب بطوریکه ازمقدمه ماده ۵۳ استنباط میشود باید بعوامل و هزینه های زیر توجه کرد .

۱- مدیریت ۲- نگهداری ۳- نگهداری و تعمیر ۴- بهره برداری ۵- هزینه استهلاک ۶- بهره سرمایه .

معدل مجموع هزینه های این ارقام ششگانه پایه و اساس نرخ آب خواهد بود منتها در این ماده بخصوص تصریح شده است که تعیین واحد آب بارعایت اصول سیستم متریک میباشد وهریک متر مکعب که شامل هزار لیتر است واحد آب فروشی خواهد بود واز تاریخ اجرای این قانون واحد های دیگر مثل سنگ ، جام ، فنجان ، سهم ازین خواهد رفت و میزان آب بارقام سیستم متریک تعیین خواهد شد .

اما این سؤال پیش میآید که در بعضی از رودخانه ها اقدامات عمرانی که شامل این شش عامل هزینه ای باشد صورت نگرفته است یعنی سدسازی بعمل نیامده ویا بیایان نرسیده است . بنابراین بجای شش عامل مذکور چهار عامل یا لااقل سه عامل در تعیین هزینه و واحد آب بها منظور میگردد .

در امر بهره سرمایه جای هیچگونه گفتگوی زائد نیست زیرا تبصره ۲ ماده ۵۳ همین قانون میگوید (میزان بهره سرمایه که در نرخ آب باید احتساب شود در مورد مصارف کشاورزی باتوجه بوضع اجتماعی و اقتصادی در هر منطقه ای که وزارت آب و برق تشخیص میدهد حداکثر ده سال اول

بهره‌برداری در نرخ منظور نمیشود و پس از دوره معافیت بنابه پیشنهاد وزارت آب و برق از طرف هیئت وزیران تعیین میشود).

پس با توجه بمفاد تبصره مذکور عوامل شش‌گانه در ده سال اول ایجاد تأسیسات به پنج عامل تبدیل میشود و این بهترین راه تشویق کشاورزان و باغداران است. البته در ممالک دیگر هم سود سهم آبیاری کشاورزی نسبت بسهام دیگر امور صنعتی کمتر است ولی نه باین اندازه که صد درصد معافیت دهساله داشته باشند ضمناً بهره سرمایه هم در تبصره ۴ ماده ۵۳ حداقل ممکن تعیین گردیده است و این نکته میرساند که در همه جا این قانون رعایت حال کشاورزان را نموده است.

در هر حال مطلب اساسی ماده ۲۸ این بود که اگر کسی سرمایه‌گزاری نموده و چاهی به‌بده بیش از مورد نیاز حفر کرده باشد، اولاً تا قبل از ملی‌شدن میتواند آب مازاد را بمالکین مجاور بمقاصد و بمصارف اقتصادی مختلف اعم از شهری و صنعتی و کشاورزی بفروشد در ثانی این آب را نمیتواند تا تاریخ ملی‌شدن قطع نماید. ثالثاً اگر مالک بخواهد موجبات ناراحتی شاربین را فراهم سازد بحکم این قانون حقوق مکتسبه آنها محفوظ است و حتی میتواند بآنها پروانه مصرف بدهد و نرخ آب را اگر توافق نکردند بموجب ضوابط معین در ماده ۵۳ معین کند و اگر پرداخت بکیفیت مقرر در تبصره های ۷۶ و ۵۳ وصول نماید.

در خاتمه اضافه مینماید که این مقررات وقتی رعایت میگردد که صاحب چاه بیش از مصرف مفید خود مازاد آبی داشته باشد و ظاهر امر نشان میدهد که مالک پس از تأمین آب املاک مجاور بعداً نمیتواند بعنوان توسعه تشکیلات خود از مشروب نمودن شاربین سابق جلوگیری نماید و اگر چنین کاری بخواهد بکند و حفر چاه مجاز باشد باید اجازه حفر چاه دیگری را برای توسعه و عمران سایر اراضی بایر و موات و کم‌آب خود درخواست کند. زیرا همانطوریکه بکرات یادآور شد بحقوق مکتسبه افراد که بهر کیفیت قانونی بدست آمده نباید لطمه وارد ساخت.

رعایت نکات فنی و اقتصادی در امر حفر چاه

ماده ۴۹

(وزارت آب و برق موظف است بنا بر تقاضای درخواست کننده حفر چاه یا قنات و بمنظور راهنمایی فنی و علمی متخصصین خود را بمحل اعزام و امکان حفر چاه یا قنات را از لحاظ فنی و اقتصادی مورد بررسی قرار داده و راهنمایی کند و پنجاه درصد هزینه کارشناسی بعهدہ متقاضی خواهد بود .

تبصره - شرکتهای تعاونی روستائی و شرکتهای سهامی زراعی بجای ۵۰٪ فقط ۴۰٪ هزینه کارشناسی پرداخت خواهند کرد) .

این نوع راهنمایی فنی و اقتصادی در قانون بنگاه مستقل آبیاری و هم چنین در قانون حفظ و حراست آبهای زیرزمینی اشارتاً موجود بود منتها در این ماده شرح بیشتری صراحة بروظائف متخصصین اضافه شده است و آن توجیه و راهنمایی فنی و اقتصادی است .

اکثراً افرادی هستند که بدون توجه به نتیجه اقتصادی کار یا راهنمایی های غلط این و آن بحفر چاه مبادرت مینمایند و موتور پمپ بسیار بزرگ را برای آبکشی خیلی کم بکار می برند و در نتیجه علاوه بر تحمل هزینه فوق العاده تاسیسات و مخارج ماهیانه از نظر سوخت یا مدیریت یا نگهداری عوائد کمی بدست می آورند که در نتیجه بهیچوجه نمیتوان معتقد با اقتصادی بودن طرح شد و در واقع با تحمل زحمات و هزینه سنگین کار غیر معقولی را آغاز کرده اند، مضافاً بر اینکه قبل از تهیه پمپ و لوله های بی درز در ایران مبالغی ارز هم بابت خرید وسایل کار از کشور خارج میشد برای جلوگیری از این کار های بی مطالعه در این ماده حفر چاه و استحصال از آن را منوط بر رعایت فنی و اقتصادی بودن امر کرده اند . ای بسا در اثر مطالعات غیر کافی در نقاط غیر مؤثر بحفر چاه مبادرت میکردند ولی پس از حفر مقدار زیادی آب نمیرسیدند و اگر میرسیدند بمقدار کافی آب نبوده . اغلب اشخاص نمیدانند برای يك هکتار چقدر آب لازم است و علاوه بر تمام این مقدمات نمیدانند چه میخواهند کشت کنند یا چه هدف اقتصادی دارند بلکه صرفاً دربدو امر علاقه بحفر چاه دارند بعداً بتدریج برنامه های دیگر را باوجود امکانات و ارشاد این و آن و فرضیات تنظیم مینمایند . مضافاً بر اینکه حفر چاه در اراضی این حق را در صورت موجه بودن برنامه اقتصادی از او میگیرد . یعنی باعتبار اقدمیت حفر برای متقاضی بعدی

تا اندازه‌ای محدودیت پیدا می‌شود و گاهگاهی این محدودیت بقدری است که برای دیگران و باعتبار اعلام ممنوعیت محدوده حفرچاه را غیر ممکن می‌سازد. بنابراین باید طرح حفرچاه از نظر اقتصادی و فنی بررسی شود تا در صورت وجود امکانات راهنمایی صحیح گردد. این کار مقدمه هزینه‌ای دارد که نصف آنرا وزارت آب و برق از نظر ارشاد فنی تقبل می‌کند و در مورد شرکت‌های زراعی و تعاونی روستائی تقریباً ۸۰ درصد آن هزینه را قبول می‌کند چون در این زمان علاقهٔ بتشکیل این نوع شرکتها پیدا شده طبعاً این گونه مساعدتها هم جایز است. و اگر واقعاً شرکت‌های تعاونی روستائی یا زراعی مقدماتش خوب فراهم شود و صاحبان سهام ایمان باین کار پیدا کنند و مجریان مزاحم حقوق مردم نباشند و صمیمانه همکاری کنند خود یکی از هدفهای عالی برنامه های عمرانی کشور است.

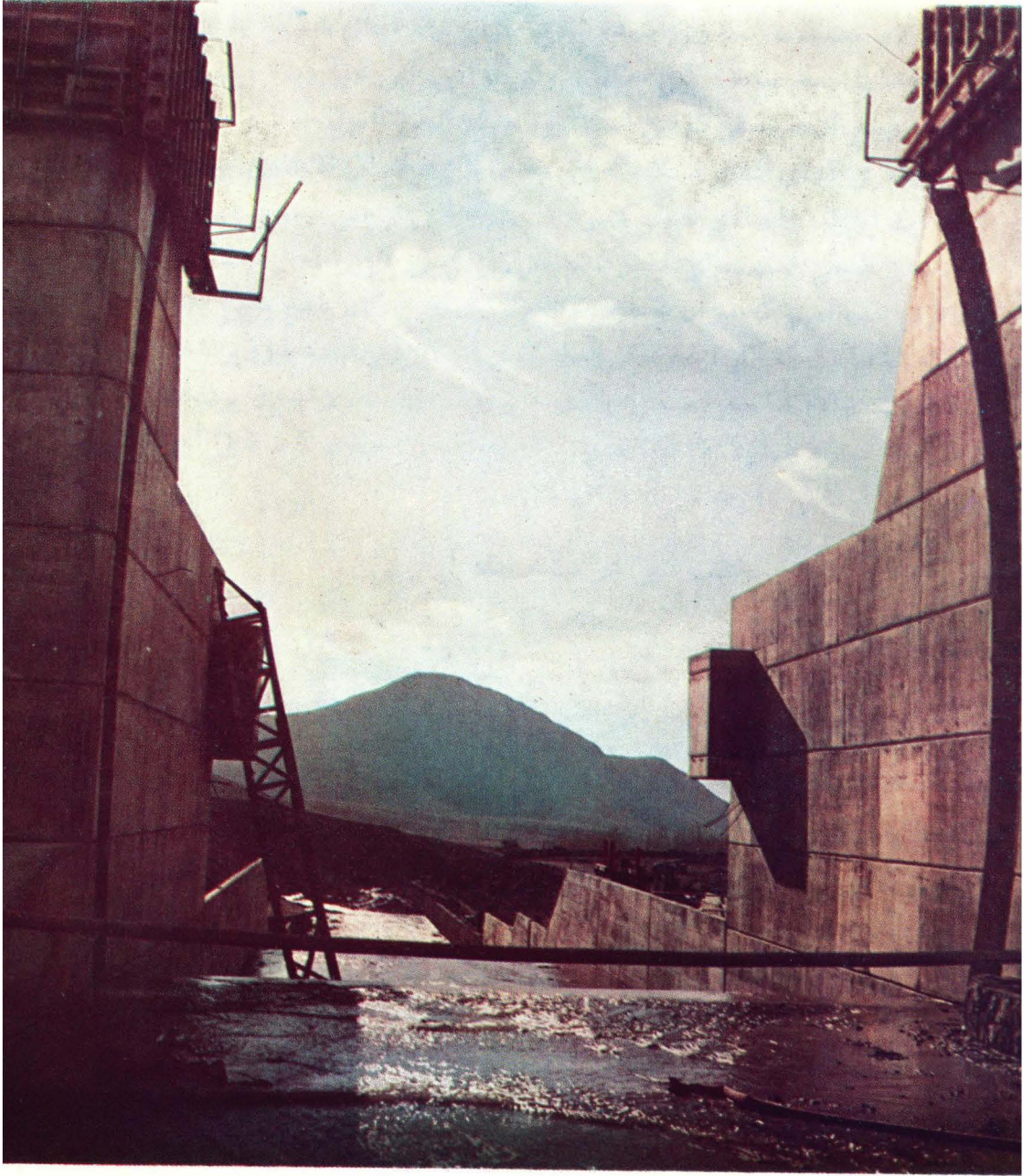
تفکیک آب مخلوط با املاح معدنی از آب شیرین

ماده ۳۰

(در مواردیکه آب شور و یا آب مخلوط با املاح معدنی غیر قابل مصرف با آب شیرین مخلوط شود وزارت آب و برق میتواند مجرای آب شور یا مخلوط با املاح را مسدود کند و در صورتیکه این کار از لحاظ فنی امکان پذیر نباشد چاه یا مجرا را بدون پرداخت خسارت عندالاقضاء مسدود یا منهدم سازد) .

بعضی از رودخانه هارا شنیده‌اید که بنام رودخانه شور یا تلخ رود شهرت پیدا کرده‌اند ولی تمامی آب اینگونه رودخانه ها شور یا تلخ نیست بلکه آب شور یا تلخ از یکی از نقاط بستر رودخانه با آب شیرین اضافه میشود و در نتیجه آب آن رودخانه را شور یا تلخ می‌سازد بطوریکه نه بکار زراعت می‌خورد و نه قابل پرورش ماهی است و نه در موارد دیگر میتوان از آن استفاده کرد .

این کار یعنی به‌دردادن مقدار قابل توجهی از آب شیرین و خاصه در کشور های کم آب ضایعه جبران ناپذیری است بهمین مناسبت در اکثر مواد قانون آب این نکته رعایت شده است که حتی الامکان از شور کردن آب شیرین و اتلاف آن جلوگیری بعمل آید . و در اینجا بحکم قانون وزارت آب و برق میتواند مجاری آب شور یا تلخ یا مجاری آبیکه دارای املاح نامناسبی برای



سد زیاران

کشت و صنعت است مسدود یا منهدم سازد و از این راه آبهای شیرین را از تلخ و شور شدن حفظ نماید. این حکم در اکثر قوانین آبی دنیا دیده میشود و فلسفه وضع آن هم خیلی روشن است زیرا هدف اصلی قانون حفظ و حراست و نگهداری آبهای کشور میباشد که این مقدمه لازمه يك امر اقتصادی است که بارعایت این امر اقتصادی طبعاً بکمبود آب کمک قابل توجهی مینماید.

طبیعی است برای مخلوط نشدن این چنین آبی تمام رعایت های قانونی شده است که میزان خسارت وارده در حداقل امکان باشد بدین لحاظ گفته شده است که اگر از لحاظ فنی جلوگیری امکان پذیر نباشد بدون پرداخت خسارت عندالاقضاء مجرا مسدود یا منهدم میشود. و از عبارت بدون پرداخت خسارت معلوم میشود که این حکم از تاریخ تصویب قانون آب قابل اجرا میباشد و ارتباطی بتاریخ ملی شدن آب ندارد.

نصب شیر در دهنه چاه آرتزین

ماده ۳۱

(برای جلوگیری از اتلاف آب زیرزمینی خصوصاً در فصولی از سال که احتیاج به بهره برداری از آب زیر زمینی نباشد دارندگان پروانه چاههای آرتزین موظفند از طریق نصب شیر و دریچه از تخلیه دائم آب زیرزمینی جلوگیری کنند).
در غالب چاههای آرتزین که بصورت آرتزین باقی میماند یعنی در هر حال سطح منبع اولیه بالاتر از سطح زمین چاه میباشد قانون پیش بینی کرده است که در زمستان یعنی در ۱۹۰ روز از سال برای اینکه چنین آب شیرینی تلف نشود دهنه چاه را بانصب شیر و دریچه به بندند و از تخلیه دائم چاه جلوگیری نمایند.

در واقع در اینجا قانون گزار از نظر رعایت اقتصاد و جلوگیری از اتلاف آب خواسته است در مدت مدیدی از سال که آب مصرف خارجی ندارد از زیر زمین خارج نشود و بهدر نرود از این جهت تکلیف کرده است که دهنه چاه را با شیر به بندند البته شاید در بادی امر برای عده ای این فکر پیش آید که در اثر بستن دهانه چاه آب فروکش نماید و چاه از حال آرتزینی خارج شود در صورتیکه اگر لوله چاه مشبك نباشد و منبع اولیه هم بحال خود باقی باشد یعنی بلازمه ظروف مرتبطه بالاتر از سطح زمین و دهانه چاه باشد هر وقت که

شیر را بازکنند آب فوران خواهد زد یعنی چاه از حال آرتزین خارج نمیشود مگر چاهی باشد که دارای این خصوصیات فنی نباشد که خواه ناخواه پس از مدت خیلی فورانش کاهش می‌یابد و بقول معروف نیم آرتزین میشود و بعداً بصورت چاه عمیق درمی‌آید که در اینصورت نیاز به پمپ دارد و پس از مدت کوتاهی از صورت چاه آرتزین بچاه عمیق تبدیل میگردد .

ماده ۳۳

(در چاههای آرتزین که از آنها آب زیرزمینی بخودی خود از سطح زمین خارج میشود و در چاههای نیمه آرتزین که در آنها سطح ایست آبی بالاتر از سطح اولیه برخورد آب است دارندگان پروانه چاه مکلفند بوسیله پوشش جداری و یا طرز مناسب دیگری بتشخیص وزارت آب و برق از نفوذ آب مخزن تحت فشار در قشرهای دیگر جلوگیری کنند) .

در این ماده بطور اختصار تعریفی از چاه آرتزین و چاه نیمه آرتزین شده است که برای رفع ابهام بتوضیح بیشتری مبادرت مینماید .

چاه آرتزین همانطوریکه در فصل تعریف لغات و اصطلاحات تشریح شد چاهی است که آب درون چاه از دهانه چاه فوران میکند و برای استخراج آب بهیچوجه نیازی بنصب موتور پمپ نیست و منبع آب اینگونه چاهها تحت فشار میباشد که طبق خاصیت ظروف مرتبطه آب از دهانه چاه تا معادل سطح آب منبع اولیه که تحت فشار است فوران مینماید و اما چاه نیم آرتزین چاهی است که ممکن است در بدو حفاری آب از دهانه چاه فوران نماید ولی پس از مدتی جهش آب کاهش یافته و در سطح مخصوصی که بنام سطح ایست آبی است متوقف میگردد این سطح ایست آبی تحقیقاً بالاتر از سطح آبی میباشد که قبل از حفار چاه آب قرار گرفته بود منتها در اثر حفر چاه سطح آب تا میزانی معادل سطح آب منبع تحت فشار بالا می‌آید ولی خود منبع اولیه بالاتر از سطح دهانه چاه نیست بدینجهت فوران آنها بالاتر از دهانه چاه نمیشد این سطح ثانوی را سطح ایست آبی میخوانند همانطوریکه در لغت نامه هم توصیف شد

اما تفاوتی که چاههای معمولی با چاه آرتزین دارند اینست که در چاههای معمولی آب از اراضی مجاور بوسیله شبکه‌های جدار لوله وارد لوله آب میشود ولی در چاه آرتزین اگر لوله‌های جدار مشبك باشند آب درون

لوله وارد شبکه جدار میشود و باعث فرسایش و شستشوی اراضی اطراف لوله میگردد و موجبات فرو ریختگی چاه را فراهم میسازد از اینجهت حتی الامکان فقط قسمت آبدۀ چاه که قاعدۀ قسمت انتهائی میباشد لوله مشبك و بقیه را لوله غیر مشبك بکار میبرند و عملاً حفارها يك بند لوله انتهائی چاه را مشبك و بقیه را غیر مشبك بکار میبرند و این توصیه که در قانون بعمل آمده است اولاً از نظر حفظ وضع ساختمانی چاه میباشد در ثانی برای جلوگیری از اتلاف آب است که این امر از هدفهای اولیه قانون آب میباشد . از اینرو در این ماده بالصراحه قید شده است که دارندگان پروانه چاه مکلفند بوسیله پوشش جداری از نفوذ آب مخزن تحت فشار در قشرهای دیگر جلوگیری کنند .

ماده ۳۳

(هر چاه باستثناء چاههای مذکور در ماده ۲۵ باید مجهز بوسائل اندازه گیری سطح آب و میزان آب استخراج شده باشد دارندگان پروانه مکلفند گزارش مقدار آب مصرف شده را طبق معیارها و درخواست وزارت آب و برق بدهند .
تبصره - وزارت آب و برق مجاز است در موارد لازم برای اندازه گیری آب قنوات و وسائل اندازه گیری را بهزینه خود تعبیه نماید . حفظ و نگهداری وسائل مزبور و اندازه گیری بده آب قنات با اداره کنندگان قنات خواهد بود) .

بطور کلی دارندۀ پروانه را قانون موظف نموده است که وسائل اندازه گیری سطح آب و میزان آب استخراج شده را داشته باشد بطوریکه بازرسان و آمارگیران بمحض ملاحظه کنتور بفهمند اولاً چه مقدار آب در عرض يك ماه مثلاً مصرف شده در ثانی آب در چه سطحی است .

زیرا سطح آب بسیاری از چاهها در اثر بهره برداری زیاد بتدریج افت میکند و از میزان افت میشود بخوبی فهمید که سطح آب آن ناحیه چه اندازه پائین رفته است تا تدابیر لازمی که برای جلوگیری از سقوط آب و تهی شدن چاه معمول است اعمال نمایند .

مثلاً در دشت قزوین بعلت همین اندازه گیریها میفهمند در چه نواحی سطح آب سقوط کرده و علت تغییر طعم و رنگ و بوی آب بچه دلیل است . و چون با این علائم بخوبی میدانند که علت اصلی کم شدن مخزن آب زیرزمینی است ، از اینرو از آبکشی عمومی جلوگیری مینمایند و اجازه نمیدهند که

در آن ناحیه تمام چاهها با حداکثر قدرت آبکشی کنند و یا لاقبل نوبت بندی مینمایند تا امکان استفاده از چاهها برای مدت کم آبی مقدور باشد و همانطوری که در بند ۶ ماده ۶۰ قانون آب مقرر شده است هیچکس حق تخلف از مقررات مندرج در پروانه مصرف آب را ندارد و اگر تخلف نماید مستوجب مجازات مقرر در ماده ۶۰ می باشد .

اکثراً در این نواحی برای استفاده از چاههای آب بعلت غنی بودن سفره آب زیرزمینی مقررات خاصی وضع میکنند که تمامی چاهها حق آبکشی در ۲۴ ساعت شبانه روز نداشته باشند بلکه با تقسیم چاهها عده ای را موظف میدارند که در يك ساعت مخصوصی از شبانه روز کارکنند تا همه چاهها و پمپها در تمام مدت ۲۴ ساعت کار نکنند و امکان استفاده را بر همه محدود نسازند یا در نتیجه بعلت تهی شدن منبع آب زیرزمینی طعم آب عوض نشود . چون رعایت این اصل از نظر اجرای قانون آب حائز اهمیت است از اینرو برای آبهای قنات هم دستگاه اندازه گیری قائل شده اند . منتها چون صاحبان قنات معتقدند و دستگاه اندازه گیری هم چنان گران نیست این وظیفه را خود وزارت آب و برق متعهد میشود که در موارد لازم دستگاه اندازه گیری را نصب نماید ولی قانون حفظ وصیانت این دستگاه را جزء وظائف صاحبان قنات دانسته است .

ماده ۳۴

(اشخاص حقیقی و حقوقی که حرفه آنها حفاری است و با وسائل موتوری اقدام بحفر چاه یا قنات میکنند باید پروانه حفاری از وزارت آب و برق تحصیل کنند و بدون داشتن پروانه حفاری مجاز با اقدام حفاری با وسائل موتوری نخواهند بود . اشخاص مذکور موظفند کلیه شروط مندرج در پروانه حفاری را رعایت کنند و در صورت تخلف پروانه حفاری آنها لغو خواهد شد و اگر بدون پروانه حفاری اقدام بحفر چاه کنند اشخاص حقیقی و در مورد شرکتها و سازمانها مدیران عامل شرکتها و یا سازمانها نیز بمجازات مقرر در ماده ۶۰ این قانون محکوم خواهند شد و بعلاوه وزارت آب و برق میتواند دستگاه حفاری را مجاناً بسود دولت ضبط کند) . همانطوریکه هر مالکی بخواهد در زمین خود بحفر چاه اقدام کند پروانه حفر لازم دارد همانطور هم حفار که با وسائل موتوری کار میکند باید پروانه حفاری داشته باشد و صلاحیتش از طرف وزارت آب و برق تأیید شده

باشد البته در آئین نامه ای که بموجب ماده ۳۹ این فصل تنظیم و بعداً در این مجلد چاپ میشود مقرراتی که باید یک حفار و یک سازمان حفاری رعایت کند کاملاً ذکر شده است و لازم‌الرعايه میباشد .

از اینکه در قانون قید شده است که حفارانی که با وسائل موتوری بحفر چاه اقدام میکنند - منظور استثناء کردن جماعت مقنن میباشد که با دست بکار حفر می‌پردازند - زیرا میزان آبی که با دستگاه موتوری و گذاشتن لوله در زمین میتوان بدست آورد با وسائل حفاری دستی بوسیله مقنی‌ها عملی نیست و بعلاوه اکثر مقنی‌ها بکار چاه در حدود ۲۵ متر مکعب اشتغال دارند که آنهم نیازی با اجازه و اخذ پروانه ندارد از این جهت قانون‌گذار این طبقه از پیشه‌وران را از اخذ پروانه معاف نموده و مجازاتی را هم در اثر اقدام بحفر برای آنان قائل نشده است در صورتیکه به همین نصاب باشد . شاید با توضیحی که در صفحات قبل راجع باشخاص حقیقی و حقوقی داده شد دیگر نیازی بتجدید تشریح این دو اصطلاح حقوقی نباشد ولی بهر صورت در تعیین مجازات بطور وضوح در قانون قید شده است که در مورد شخص حقیقی مجازات ناظر به شخص معینی میباشد و در مورد شرکتهای حفاری مدیر عامل شرکت مسئولیت این امر را دارد و از نظر قانونی مدیر عامل شخصیت حقوقی دارد که در این مورد بخصوص قانونگذار او را قابل تعقیب کیفی دانسته است .

اما مطلبی که در اینجا شاید ذکرش ضروری باشد موضوع ضبط دستگاه حفاری بسود دولت است بعضی از مجریان امر تصور میکنند همانطوریکه جلوگیری از عمل حفاری در صلاحیت مأمورین وزارت آب و برق یا ضابطین و یا پلیس مسلح آب میباشد ضبط دستگاه حفاری که احتمالاً چندین ده هزار ریال ارزش دارد آنهم بدون رسیدگی طبق تشخیص مأمورین وزارت آب و برق عملی است .

در صورتیکه طبق اصول و ضوابط حقوقی اخذ مال از هر کسی بعنوان جریمه باید بحکم دادگاه باشد (ماده ۳۱ ق.م. میگوید - هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمیتوان بیرون کرد مگر بحکم قانون) زیرا احتمال این داده میشود که مأمورین بدون جهت و علت قانونی حفاری را تعقیب کرده باشند

و برای رسیدگی باین امر و احتراز از وقوع اشتباه یا اعمال نظر احتمالی مأمورین لازم است که مرجع صلاحیتداری باین موضوع رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر نماید و تحقیقاً این مرجع دادگاه‌های قضائی کشور خواهند بود. بطوریکه مقدمتاً یادآور شد در پروانه حفار شروط و مقرراتی قید میشود که در صورت تخلف از آن شروط و مقررات در بادی امر پروانه حفار لغو میشود و این لغو پروانه رأساً توسط مأمورین وزارت آب و برق پس از رسیدگی عملی خواهد بود و نظر کمیسیون مربوط قاطعیت دارد و اگر مجدداً بدون آنکه پروانه حفاری داشته باشد اقدام بحفر چاه کند در این حال طبق ماده ۶۰ قانون مجازاتش از دو ماه تا شش ماه حبس و یا از دو هزار ریال تا پنج هزار ریال جریمه بوده و یا بهر دو مجازات محکوم و بعلاوه دستگاه حفاری او هم بنفع دولت ضبط میشود.

بنا بر مراتب فوق این مرحله از رسیدگی و تعیین کیفر قانونی یعنی تعیین مجازات از دو ماه تا شش ماه حبس یا پرداخت غرامت از دو هزار تا پنجهزار ریال و یا هر دو و ضبط دستگاه حفاری بسود دولت بعهدہ مراجع قضائی کشور است و اصولاً باید توجه داشت که مرجع رسیدگی بیاب تخلفات قانون آب در مواردیکه عمل و تخلف جنبه کیفری بخود میگیرد مرجع رسمی، مراجع قضائی و دادرها و دادگاههای شهرستان حوزه قضائی محل وقوع بزه است که می‌باید تخلف را تعقیب نمایند. فقط مأمورین وزارت آب و برق یعنی آنهاییکه ضابط دادگستری هستند یا آنانکه پلیس مسلح آب می‌باشند باید صورت مجلس تخلف از مقررات را تنظیم و بمراجع قضائی تسلیم نمایند و مراجع قضائی طبق اصول و تشریفات مقرر قانونی بموضوع رسیدگی نموده و در حدود بند ب ماده ۵۹ قانون مجازات عمومی برای متخلف تعیین تکلیف مینمایند و در صورت تخلف بزه مرتکب را به کیفر قانونی محکوم می‌سازند.

رعایت اصل لاضرر

ماده ۳۵

(هرگاه در اثر حفر چاه یا قنات جدیدی آب چاه یا قنات مجاور نقصان یابد و یا خشک شود در صورتیکه برای صاحب چاه یا قنات مجاور استفاده از آب چاه یا قنات جدید ممکن باشد مقدار آب سابق او در قبال شرکت در هزینه بهره‌برداری بشخص

وزارت آب و برق از چاه یا قنات جدید تأمین خواهد شد و الا صاحب یا صاحبان چاه یا قنات جدید باید خسارات صاحب یا صاحبان قنات یا چاه را که میزان آن از طرف وزارت آب و برق تعیین میشود بپردازند و در صورت استنکاف از تأدیه خسارت مزبور طبق مقررات قسمت آخر ماده ۳۵ قابل وصول است .

تصره - ملاک تعیین میزان آب یا خسارت معدل پنج سال اخیر مصرف مفید آب قنات یا چاه در دوران بهره‌برداری است و تعداد ساعات بهره‌برداری در سال بر حسب شرایط اقلیمی نقاط مختلف کشور و دوره کشت و آبیاری طبق نظر کارشناس وزارت آب و برق تعیین میشود .

در باب حریم در فصل ۱۱ کتاب اول حقوق آب راجع باصل لاضرر تا حد امکان توضیح داده شد و در موضوع این ماده که یکی از طرق رعایت اصل لاضرر مذکور در ماده ۱۳۸ قانون مدنی و جلوگیری از تضييع حقوق مجاورین است باین کیفیت بیان شده که قبلاً کارشناس رسمی و صاحب اجازه مخصوص با ملاحظه محل و عنایت بسفره آب و رعایت اینکه چاه دوم بچاه اول ضرر نمیرساند با حفر آن موافقت کرده است بعضی معتقدند که حق این است که قدمت چاه اول محترم شناخته شده و از اضرار چاه دوم بچاه اول جلوگیری شود .

نظریه مزبور در متن قانون تأمین شده - باینصورت که هرگاه چاه دوم بچاه اول زیانی یا نقصانی برساند باید جبران شود و طریقه جبران باینصورت پیش‌بینی شده که یا بمیزان نقصان آب چاه اول از آب چاه دوم بزیان دیده داده میشود و یا اگر امکان نداشت باید خسارات چاه اول بر طبق ضوابط این قانون تعیین و تأدیه شود .

این رویه با اصول مواد ۳۲۱ و ۲۲۸ قانون مدنی و ماده ۷۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی نیز انطباق دارد و در حقیقت مجموع نظرات فوق تأمین اصل لاضرر است .

اما معیار و ملاک تعیین ارزش میزان آب و یا خسارت وارده همانست که در تبصره ماده ۳۵ بطور روشن معین شده است .

عملاً هر قنات یا چاهی در تمام دوران سال یعنی ۳۶۵ روز مستمراً کار مفید انجام نمیدهد زیرا اکثرأ دوره زراعت بیش از دو بیست روز در سال نیست بقیه آب چاه یا قنات اگر بکار مصرف خانگی و امور بهداشت نرسد بهدر می‌رود و در چاه هم مورد استفاده قرار نمی‌گیرد . طبیعی است دوران بهره‌برداری

هم باعتبار اقلیم متفاوت است مثلاً دوران صیفی وشتوی در خوزستان با دورا نزرعت صیفی وشتوی در اصفهان یا آذربایجان متفاوت است بنابراین قانون‌گزار از نظراینگه دست کارشناس را در اینمورد بازبگذارد این مطلب را هم در قانون یادآور شده است مثلاً اگر دوران زراعت در خوزستان شش‌ماه هست همان محصول در آذربایجان هشت ماه بدست می‌آید پس خسارتی که بصاحب چاه یا قناتی در اثر کمبود وارد میشود باعتبار دوران حد اکثر استفاده مفید میباشد منتها این خسارت در اقلیم‌ها متفاوت خواهد بود و همین مطلب است که باید مورد توجه کارشناسان در تعیین خسارت واقع شود. البته چاه یا قناتی هم ممکن است باشد که آب آنها در ایام زمستان بمصارف مفید میرسد طبیعی است در این نوع چاه و قنات هم باید دوران مصرف آب را منظور داشت و خسارت را باعتبار تمام دوران مصرف و استفاده مفید منظور و ملحوظ داشت.

برای اینکه بین سالیهای پرآبی و کم‌آبی کارشناس مواجه با تردید در اظهارنظر نشود معدل پنجسال ملاک تشخیص قرار داده شده که رفع همه احتمالات سود و زیان مصرف‌کننده شده باشد.

در قوانین ممالک بزرگ کمتر بحث حریم پیش می‌آید زیرا وقتی کارشناس پس از مذاقه لازم مبادرت بصدور اجازه حفر چاه یا قنات میکند دیگر عنوان حریم و تعارض حریم دو چاه مورد پیدا نمیکند منتها چون در فقه اسلامی رعایت کوچکترین حق صاحبان حقوق مکتسب شده است از اینرو به پیروی قانون مدنی و قانون قنات این حکم دقیقاً در این ماده منظور شده است و شخصاً تصور میکند باوجود این ماده در قانون آب راه حل بسیاری از اختلافات صاحبان چاه و قنات که سالیان دراز در وزارت دادگستری باختلاف عقاید مختلف کارشناسان معطل می‌ماند هرچه زودتر فیصله پذیرد.

اینکه گفته شد در قوانین خارجی (منظور ممالک غیر اسلامی است) کمتر از حریم سخنی بیان رفته و یا حکمی صادر شده برای اینست که کارشناسان مربوط اصولاً در تعیین و توجیه مراتب اقتصادی و فنی رعایت حریم را بنا بر اطلاعاتی که دارند مینمایند و دیگر مقنن لازم ندانسته است که امر مسلم و روشنی در قانون یادآور شود.

بخاطر دارد در دوسه ایالت آمریکا راجع بامر حریم با صاحبان اطلاع و حقوقدانها مذاکره شد آنها هم عقیده داشتند لزومی ندارد که قانون باین امر اشاره کند بلکه خود کارشناس در تعیین محل حفر چاه این نکات را باید رعایت بکند و معمولاً از کارشناسان که سؤال میشد میگفتند در این ایالت چهارصد و هفتاد و پنج متر فاصله دوچاه را در نظر میگیریم و تقریباً به همین نسبت و اندازه در ایالات دیگر آمریکا رعایت حریم را مینمودند .

در بعضی از ایالات آمریکا پس از نقشه برداری از يك منطقه و اتمام مطالعات هیدرولژی با دستگاه ژئوفیزیک و تهیه آمار و اطلاعات کافی در مورد میزان آبهای زیرزمینی مدارك و نقشه ها را بچاپ میرسانند و در دفتر شهر میگذارند که هرکس قصد عمران و آبادی دارد با مراجعه بآنها از اداره مربوط که ظاهراً اداره منابع آبهای ایالات باشد درخواست حفر چاه بنماید . چون میزان آبهای زیرزمینی مشخص است و تعداد چاه هم قبلاً تعیین شده است بنابراین دیگر نیاز بمطالعه امر حریم نیست بلکه با صدور پروانه بنام متقاضی احتمال اضرار هم درین نخواهد بود و مشکلاتی که در کشورهای نظیر ما در امر حریم بوجود میآید پیدا نخواهد شد . البته این رویه اکثراً در زمین های بکر که چاهی حفر نشده باشد صورت میگیرد والا اگر آزادی عمل در حفر چاه باشد و بعد مقرراتی وضع گردد طبعاً مشکلات امروزی ما در امر حریم پیدا خواهد شد که خواه ناخواه يك راه علاج عاقلانه و کم ضرر را باید پیدا کرد که اجرای مفاد ماده ۳۵ بهترین راه حل در این نوع موارد میباشد .

ماده ۳۶

(وزارت آب و برق و موسسات و شرکتهای آبیاری تابع میتوانند آب دنگها و آسیابهایی را که موجب نقصان آب و یا اختلال در امر تقسیم آب میشوند بترتیب مقرر در ماده ۵۰ خریداری کنند) .

راجع بآسیاب و آبدنگ که در مسیر رودخانه ها قرار گرفته و از آب رودخانه استفاده میکنند در گذشته بشرح زیر احکام خاصی وجود داشت : (در ماده ۱۵ قانون اصلاح تأسیس بنگاه مستقل آبیاری و امور مربوط به آبیاری کشور مصوب ۱۳۳۴ر۴۱۱ متعرض بود که بنگاه مستقل آبیاری

میتواند آسیابها و آبدنگهایی را که بوسیله آب انهار عمومی گردش میکنند و موجب نقصان آب و یا اخلال در تقسیم آب میشود بشکایت شاکی خصوصی و بتشخیص بنگاه آبیاری بارعایت ماده ۱۱ قانون خریداری نموده و از بین ببرد).

ماده ۶ قانون اجازه تأسیس بنگاه آبیاری مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۲ باز راجع بآبدنگ و آسیاب میگوید (.... در مواردیکه از آب برای مشروب کردن شهرها یا کارهای غیر زراعتی از قبیل آسیاب و آبدنگ و تولید نیروی برق و غیره استفاده شود بهای آب بتراضی بنگاه آبیاری و مصرف کننده تعیین و وصول خواهد شد).

احکام مذکور در ماده ۱۵ و ماده ۶ قوانین بنگاه آبیاری ناظر به آبدنگ و آسیابها باعتبار اینکه بستر رودخانه را متعلق بمتصرفین دانسته است و آب رودخانه را هم بهمین نسبت بین شاربین و حقا به بران تقسیم مینمود ترتیب خاصی بوده که بمقتضای وضع روز و نوع مالکیت چندان تعارضی نداشت و اگر اختلافی هم حاصل میشد تأسیسات را بنگاه آبیاری خریداری میکرد که اخلال یا نقصانی در وضع آب رودخانه پیش نیارد.

اما در قانون آب و نحوه ملی شدن آن که بستر رودخانه و آب جاری در آن متعلق بعموم است بالضروره این حکم پیش میآید که در صورتیکه آبدنگ و آسیاب محل در امر تقسیم آب و یا موجب نقصان آب شود وزارت آب و برق میتواند رأساً اقدام نموده و طبق ماده ۵۰ همین قانون آسیاب و آبدنگ را خریداری نماید. این حکم چندان اختلافی با ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون بنگاه آبیاری ندارد متناهدر آنجا اجرای این حکم موکول بشکایت شاکی بوده است و در این جا خود وزارت آب و برق یا مؤسسات تابع که اخلال را در امر تقسیم آب یا موجبات کاهش را ملاحظه مینمایند میتوانند تأسیسات را خریداری کنند و قیمت آنرا طبق مفاد ماده ۵۰ قانون تعیین نمایند.

قنات یا چاه متروکه

ماده ۳۷

(قنات یا چاهی که چهارسال متوالی بایر یا بعلت نقصان فاحش آب عملاً مسلوب المنفعه تشخیص شود ومالك یا مالکین آن با اعلام کتبی وزارت آب و برق در

مدتی که از یکسال تجاوز نکند - نسبت بدائر کردن قنات یا چاه اقدام نکنند متروک تشخیص و مجاناً جزء منابع ملی شده محسوب میشود و وزارت آب و برق میتواند چاه یا قنات متروک را رأساً مورد استفاده قرار دهد و یا اجازه بهره‌برداری آنرا بدیگری واگذار نماید و عندالاقضاء اجازه حفر چاه یا قنات در حریم چاه یا قنات متروک صادر نماید) .

غالباً قناتهای متروک موجب سلب استفاده سایر مالکین اراضی مجاور این قناتها میشود زیرا علاوه بر آنکه طبق قانون مدنی حریم این نوع قناتها در زمین سخت ۲۵۰ متر و در زمین سست ۵۰۰ متر بارعایت ضابطه مقرر در ماده ۱۳۶ قانون مدنی مستفاد از اصل لاضرر میباشد اگر قرار باشد تا ابد در اطراف این نوع قناتهای متروکه نتوان اقدامات عمرانی نمود پس از مدتی يك سرزمین معمور تبدیل بیک خرابه و ویرانه غیر مسکونی میگردد کما اینکه اگر بتاریخچه بعضی آبادیها توجه شود همین داستان بروزگار اهالی آن دهکده آمده است و دهکده آبادی بر زمین ویرانی تبدیل شده است .

برای جلوگیری از این نوع ویرانیها و آوارگیهای اهالی مقنن درصدد این امر برآمده است که نظارت تام بر عامل احیاء کننده داشته باشد و این عامل همانا چاهها و قناتهای این نوع روستاها و دهکده ها میباشد . در مورد بعضی از این نوع قناتها و چاهها بعلت تعدد مالک کسی حاضر بصرف هزینه کامل برای احیاء آن نیست و بعضی از آنها هم بعلت اختلاف در امر مالکیت مبادرت بعمران واحیاء آن نمینمایند در نتیجه پس از طی چهارسال با توجه بخشکالی کاملاً مسلوب‌المنفعه میشود و قابل استفاده نیسباید بنابراین برای اینکه این حق بسایر سرمایه‌داران و عاشقان احیاء و عمران آبادیها و اراضی موات و بایر داده شود در قانون اجازه داده شده است که وزارت آب و برق پس از اخطار بمالکین و عدم احیاء و عمران قنات که حداکثر مهلت آن یکسال است حق داشته باشد که اولاً آن قنات یا چاه را تملك کند در ثانی بتواند طبق مقررات همین قانون بدرخواست کنندگان اجازه حفرچاه بدهد ثالثاً بموقع بتواند رأساً از قنات یا چاه متروک استفاده کند یا بدیگری واگذار نماید تا لاروبی و مورد استفاده قرار دهد .

قانون بنگاه آبیاری سابق برای احیاء این نوع قنات مقررات خاصی داشت که امکان احیاء و دائر کردن آن و صرف هزینه لازم و وصول آن عملاً

غیر ممکن بود و بطوریکه اطلاع حاصل شده است مبالغ قابل توجهی بنگاه مستقل آبیاری بر اثر اجرای قانون مزبور از صاحبان قنوات طلبکار شد که اکثرأ بعلل عدیده لاوصول ماند زیرا نه از محصول آنها امکان بهره برداری بود و نه از مایملک سهم و شریک قنات مخروبه . از اینجهت در این قانون این ماده بطور صریح تکلیف این نوع قنوات و چاههایی را که لارویی و تعمیر نمی شوند معلوم کرده است .

رعایت حق الارتفاق

ماده ۳۸

(اگر کسی مالک چاه یا قنات یا مجرای آبی در ملک غیر باشد تصرف چاه یا مجرا فقط از نظر مالکیت قنات یا مجرا و برای عملیات مربوط بقنات و چاه و مجرا خواهد بود و صاحب ملک میتواند در اطراف چاه و مجرا و یا اراضی بین دو چاه تاحریم چاه و مجرا هر تصرفی که بخواهد بکند مشروط بر اینکه تصرفات او موجب ضرر صاحب قنات و چاه و مجرا نشود .

تبصره - تشخیص حریم چاه و قنات و مجرا در هر مورد با وزارت آب و برق است .)

ماده فوق تقریباً همان ماده ۱ قانون قنوات مصوب ۱۳۰۹ ر ۶۶ شمس می باشد که برای اطلاع خواننده عزیز ذیلا مواد ۱ و ۲ آن درج میشود :

(قانون راجع بقنوات : ماده ۱ - اگر کسی مالک چاه قنات یا مجرای آبی در ملک غیر و یا در اراضی مباحه باشد تصرف صاحب چاه یا قنات یا مجری فقط من حیث مالکیت قنات و مجری و برای عملیات مربوط بقنات و مجری خواهد بود و صاحب ملک میتواند در اطراف چاه و مجری یا اراضی واقع بین دو چاه تا حریم چاه و مجری هر تصرفیکه بخواهد بنماید مشروط بر اینکه تصرفات او موجب ضرر صاحب قنات یا مجری نشود و نیز در اراضی مباحه واقع در اطراف چاه یا مجری و یا بین دو چاه اشخاص دیگر میتوانند با رعایت حریم که بموجب قانون مدنی معین است و سایر مقررات مربوط با اراضی مباحه تصرفاتی بنمایند که موجب ضرر صاحبان قنات یا صاحب مجری نباشند .

ماده ۲ - هرگاه کسی مالک چاه قنات یا مجری آبی در ملک غیر باشد

صاحب ملك حق ندارد صاحب مجرى و يا صاحب چاه را از پاك كردن مجرى يا چاه قنات خود ممانعت نمايد اگر چه قنات يا مجرای آب باير باشد . ليكن در صورتيكه چاه قنات يا مجرای آب در داخله شهرها و يا داخله قصبات و يا در ابنیه و يا منازل واقعه در غير شهرها و قصبات و يا در معابر عمومي باشد صاحب ملك يا متصدى آن ميتواند صاحب قنات يا مجرى را بيرداشتن لات و غيره كه از چاه يا مجرى خارج ميشود اجبار كند) .

اگر ماقبول كنيم كه كسى ميتواند قنات داشته باشد يا با اجازه مقامات مسؤل بحفر چاه مبادرت نمايد طبعاً اجازه عبور از ملك ديگران با داده ميشود كه تحصيل اين اراضى طبق مقررات مخصوص امكان پذير است چون اكثر اين چاههاى قنات در موقعى احداث شده كه اراضى باير و بلا معارض بوده است و امروز آن اراضى معمور ميشود اين توهم پيدا ميشود كه صاحبان املاك و باغات بصاحب قنات اجازه براى لاروبى و يا عبور دادن قنات و مجرى قنات از اين اراضى ندهند و حال آنكه قانون مدنى نيز در ماده ۹۷ تكليف اين اشخاص را روشن ساخته است .

(ماده ۹۷ قانون مدنى - هر گاه كسى از قديم در خانه يا ملك ديگرى مجرای آب بملك خود يا حق مرور داشته صاحب خانه يا مالك نميتواند مانع آب بردن يا عبور او از ملك خود شود و همچنين است ساير حقوق از قبيل حق داشتن در وشبكه و ناودان و حق شرب و غيره) .

از اينرو در ماده اول قانون قنات بصاحبان چاه و قنات حق ارتفاق داده شده است و بمقتضای ضرورت امر در قانون فعلى هم اين نظر تأييد شده است منتها چون اراضى موات در اين تاريخ موضوعيت ندارد از ذكر اراضى موات خوددارى شده است .

مسئله قابل توجه تصرفات مالكانه صاحب اراضى در مايملك و اراضى خود ميشود كه تا حدود عدم ضرر بچاه يا قنات ديگرى خالى از اشكال است و معمولاً چاههاى دستى كه در خانه ها حفر ميشود و برداشت از آنها روزانه دوسه متر مكعب بيشتر نميشود هيچگونه زيان و ضررى براى چاه مجاور ندارد و قانون مدنى نيز براى چاه آب در حدود بيست تاسى گز حريم قائل شده است و حريم دو قنات راهم در اراضى سخت ۲۵۰ گز و در اراضى سست

۵۰۰ گز در نظر گرفته‌اند ولی علاوه بر این ضوابط موضوع قابل توجه اصل لاضرر است زیرا آنچه قابل اهمیت میباشد عدم اضرار بغير است ولو فاصله دوچاه یا دو قنات از نصاب مقرر خارج باشد .

در قوانین آب و برق و نفت و راه آهن حریمهایی برای هر يك از موارد قائل شده‌اند که از موضوع بحث ما راجع بحريم آب خارج است .

لکن لازم است که در این مقام یادآور شود که این حریم ها که در سطح زمین منظور میگردد با حریم چاه و قنات متفاوت است زیرا ممکن است در زمینی که چاه و قنات دارد از نظر رعایت حریم و اصل لاضرر حفر چاه و قنات دیگر میسر نباشد ولی نصب دو خط فشار قوی یا عبور راه آهن و یا لوله گاز و نفت قانوناً امکان پذیر است .

تشخیص این نوع حریمها از نظر رعایت اصل لاضرر با کارشناسان رسمی است که انتخاب این کارشناسان طبق مقررات این قانون با وزارت آب و برق میباشد .

اما تعیین حریم مجرا در این ماده اشاره بمجرای قنات است نه مجرای آب رودخانه زیرا در حداکثر بستر طبعاً رعایت حریم شده است .

در اینجا شایسته است آئین نامه مصوب ۳۷۵۷۸ مورخ ۱۳۰۹/۰۹/۵۰ هیئت وزیران راجع بتعیین حریم که باستناد ماده ۶۶ و تبصره ۴ ماده ۵۰ و ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن صادر شده است ذیلا از نظر استحضار خوانندگان درج گردد :

آئین نامه اجرائی مربوط بحريم رودخانه‌ها

مسیلها - انهار طبیعی و شبکه‌های آبیاری

ماده ۱ - تعاریف الف - بستر رودخانه ها و مسیلها و انهار طبیعی آن قسمت از رودخانه مسیل و نهر میباشد که درمواقع حداکثر طغیان معمولی زیر آب قرار میگیرد .

درمورد رودخانه ها - مسیلها و انهارى که دیواره سازی شده قسمت واقع بین دیواره های طرفین بستر محسوب میشود مشروط براینکه بتواند

حداکثر طغیان معمولی را عبور دهد و درمورد محل‌هایی که بعداً دیواره سازی شود قسمت بین دیواره های طرفین نیز بستر محسوب می‌گردد .

ب - حداکثر طغیان معمولی سیلی است که باتناوب آمار و احتمالات ۲۵ ساله و باتوجه به بررسیهای هیدرولوژیکی از طرف وزارت آب و برق محاسبه و تعیین می‌گردد .

پ - حریم : حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه یا مسیل یا انهار طبیعی است که بلافاصله پس از بستر قرارداداشته و حسب مورد فاصله آن از طرفین یا یکطرف بستر از طرف وزارت آب و برق تعیین میشود .

ماده ۲ : درخارج از محدوده شهرها حد بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیلهای براساس تعاریف ماده اول و مفاد این آئین‌نامه از طرف وزارت آب و برق یا سازمانهای آب و برق منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری بنمایندهای از طرف آن وزارت مشخص خواهد شد .

ماده ۳ : در داخل محدوده شهرها و مناطق مسکونی و صنعتی که کناره بستر دیواره‌سازی میشود مقطع بستر حاصله باید قادر بعبور سیلهای ۲۵ ساله باشد . طرح و نقشه‌های مربوطه و حریم آنها بتصویب وزارت آب و برق یا سازمانهای آب و برق منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری برسد .

ماده ۴ : اراضی که بر اثر دیواره سازی موضوع ماده ۳ این آئین‌نامه از بستر و حریم آن باقی میماند کماکان ملك دولت محسوب و برطبق مقررات مربوط بآن عمل خواهد شد .

ماده ۵ : حریم رودخانه ها و مسیلهای و انهار طبیعی موضوع ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن حسب مورد بین ۵ تا ۲۰ متر از یک طرف یا هر دو طرف بستر تعیین می‌گردد .

ماده ۶ : حریم انهار و شبکه های آبیاری موضوع تبصره ۴ ماده ۵۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن حسب مورد باتوجه بظرفیت آنها طبق جدول زیر از طرف وزارت آب و برق یا سازمانهای آب منطقه‌ای یا ادارات کل آبیاری تعیین میشود .

بیش از ۱۵ متر مکعب در ثانیه	۱۰ تا ۱۵ متر
۱۰ تا ۱۵ متر مکعب در ثانیه	۸ تا ۱۲ متر
۵ تا ۱۰ متر مکعب در ثانیه	۶ تا ۱۰ متر
۲ تا ۵ متر مکعب در ثانیه	۴ تا ۸ متر
۱ تا ۲ متر مکعب در ثانیه	۳ تا ۶ متر
۱۰۰ لیتر تا ۱۰۰۰ لیتر	۲ تا ۵ متر
کمتر از ۱۰۰ لیتر	۱ تا ۲ متر

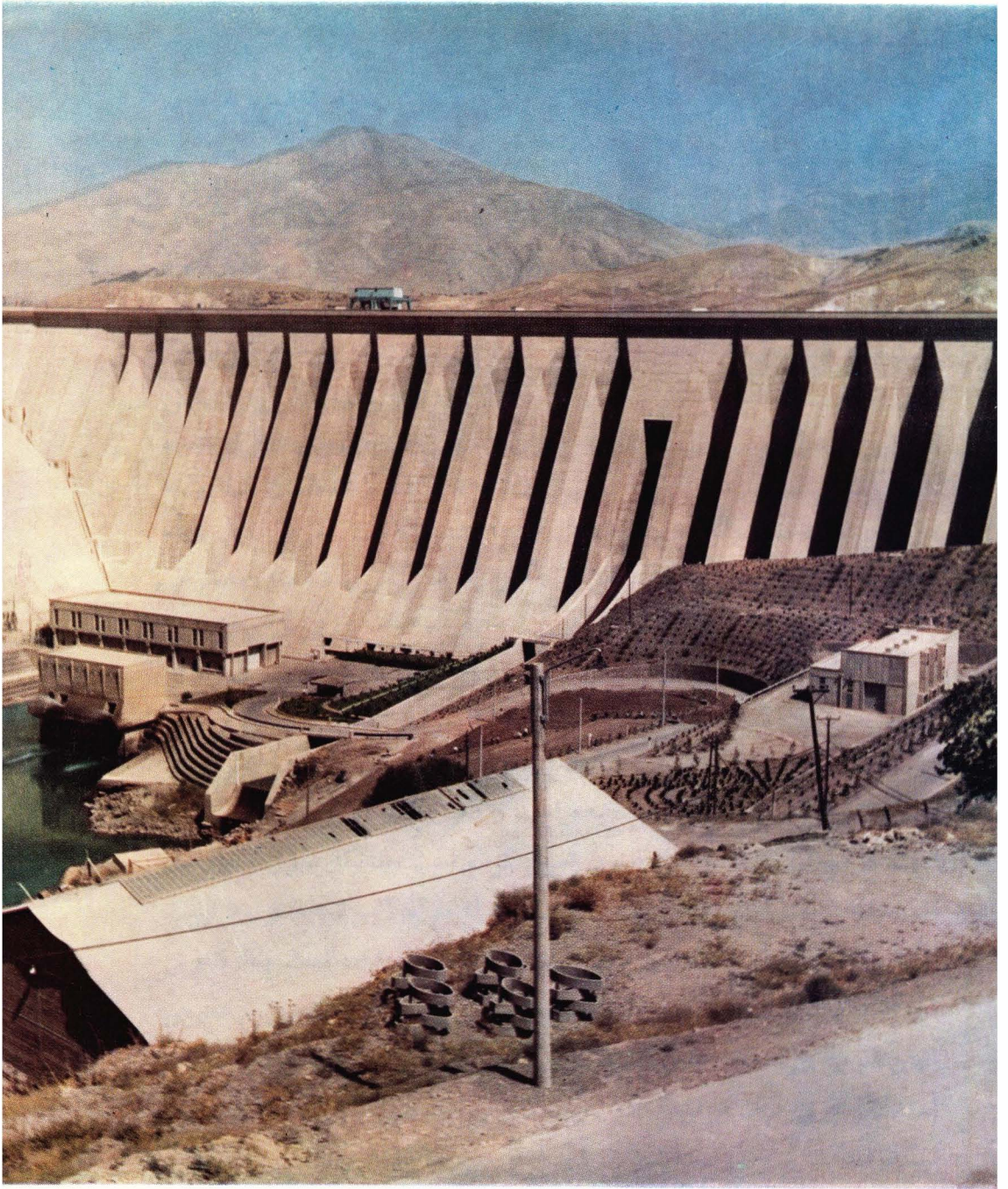
ماده ۷: وزارت آب و برق یا سازمانهای وابسته بآن مکلفاند در هر مورد که بستر یا حریم مذکور در این آئین نامه را تعیین و مشخص مینمایند مراتب را جهت اطلاع عموم آگهی نمایند. اشخاص ذینفع میتوانند ظرف یکماه از تاریخ انتشار آگهی مزبور اعتراض خود را بوزارت آب و برق یا سازمان مربوط تسلیم نمایند در اینصورت موضوع در هیئت مرکب از سه نفر از کارشناسان وزارت آب و برق رسیدگی خواهد شد و نظر هیئت مذکور قطعی خواهد بود.

ماده ۸: جلوگیری از تجاوز به حریم های تعیین شده بوسیله وزارت آب و برق یا سازمانهای آب منطقه ای و ادارات آبیاری مربوط و اجراء تصمیمات صادره در مورد آنها از طرف وزارت آب و برق یا سازمانهای مذکور بمعده پلیس مسلح آب میباشد.

در موارد لزوم مأموران شهربانی و ژاندارمری کل کشور نیز در این مورد همکاری و تشریک مساعی خواهند نمود.

ماده ۹: هرگاه ساختمان شبکه آبیاری و زهکشی مقدم بر ایجاد راههای اصلی و فرعی باشد حریم آنها از طرف وزارت راه باید مراعات گردد بالعکس اگر ساختمان راه مقدم بر شبکه آبیاری و زهکشی باشد حریم آن از طرف وزارت آب و برق مراعات میشود.

تبصره ۱ - در صورتیکه حریم انهار و شبکه آبیاری و زهکشی و



سد فرحناز پهلوی

راههای اصلی و فرعی موجود تداخل نمایند قسمت مورد تداخل بالمنافه تقسیم میشود .

تبصره ۲ - هرگاه وزارت آب و برق یا وزارت راه احتیاج به حریم یکدیگر داشته باشند باتوافق یکدیگر اقدام خواهند نمود .

این آئین نامه بعقیده نویسنده مخالف مفهوم ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن میباشد زیرا در ماده ۲ بطور کلی بسترانهار طبیعی مشخص شده است و در ذیل ماده اشاره بقانون اراضی ساحلی مصوب ۲۵/۵/۴۶ و دریاچه های مخزنی شده است که این دو قانون هردو راجع بحریم ضوابطی را مشخص و معین کرده است . بنابراین اگر در قانون مذکور اشاره بحریم قانونی شده است منظور حریمی است که در قوانین مذکور بآن اشاره شده است. کما اینکه در تبصره ۵۶ ماده واحده بودجه سال ۱۳۴۳ اشاره به تعیین حریم کانال شده است منتها در تبصره ۴ ماده ۵۰ این نوع حریم ها یعنی حریم کانالهای مصنوعی بطور کلی تحت یک آئین نامه دیگر تعیین و تصویب هیئت وزیران میرسد .

اگر بخواهند باستناد حریم قانونی برای انهار طبیعی هم حریمی قائل شوند یعنی علاوه بر حد نهائی بستر مقداری از اراضی مالکین را جزء حریم رودخانه و انهار طبیعی معرفی نمایند این عمل قانونی نیست و در قانون هم اشاره بتعیین حریم انهار طبیعی نشده است و اگر ذکری از حریم قانونی شده است حریمهایی است که قبلاً قانون تعیین کرده است چنانکه بطور اجمال قبلاً اشاره شده است . در هر حال باین توصیف تمام مواد آئین نامه قابل رد نیست بلکه موادی که صرفاً باستناد ماده ۲ تنظیم و تصویب شده است بنظر قانونی نمیآید و این تبصره چنین اجازه ای بوزارت آب و برق برای تعیین حریم عمومی انهار طبیعی و رودخانه ها نداده است و برای اطلاع بیشتر خوانندگان بدنبال استدلال فوق ذیلاً قوانینی که حریم قانونی را معین کرده است از نظر میگذراند .

قانون انجام لوله‌کشی آب وفاضل آب شهر تهران

مصوب ۱۳۳۰ر۳۷

ماده واحده - مدت مسئولیت انجام لوله‌کشی آب تهران که طبق تبصره ۲۲ ماده ۲ قانون بودجه کل کشور مصوب تیرماه ۱۳۲۸ بمديرکل لوله‌کشی واگذار شده بود تا پایان لوله‌کشی آب تهران که منتهای آن آخر اسفند ماه ۱۳۳۲ خواهد بود تمدید میگردد و بمديرکل لوله‌کشی آب اجازه داده میشود فقط در مورد تهیه طرحها و اسناد و مدارك فنی لازم برای لوله‌کشی آب و فاضل آب شهر تهران و نظارت در اجرای طرحهای لوله‌کشی باتوجه بصلاح امر و گرفتن تضمین کتبی ومالی بامضای وزیر کشور بدون مراعات اصول مناقصه اقدام نماید .

نسبت بمقررات خاصی که در تبصره ۲۲ ماده دوم قانون بودجه کل کشور مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای انجام لوله‌کشی آب تهران بتصویب رسیده آن قسمت از ماده ۳۵ قانون تشکیل انجمنهای شهر مصوب ۴ مرداد ۱۳۲۸ که با قانون مزبور مغایرت پیدا میکند در اینمورد تا پایان لوله‌کشی آب وفاضل آب بلااثر خواهد بود .

تبصره - مدیر کل لوله‌کشی ترتیب استملاك اراضی مورد احتیاج لوله‌کشی آب و فاضل آب تهران را با موافقت وزیرکشور و مدیرکل بانک ملی ایران و شهردار تهران خواهد داد . اراضی پس از تصویب این هیئت سه نفری بلافاصله بتصرف اداره لوله‌کشی درخواهد آمد و بهای آن و همچنین خسارات وارده باملاك مردم در نتیجه حفریات و سایر عملیات، ساختمانی لوله‌کشی آب وفاضل آب تهران مطابق مقررات قانون توسعه معابر مصوب اول تیرماه ۱۳۲۰ منتها در مدت سه ماه از تاریخ تصرف تأدیه خواهد شد لیکن آنچه زمین برای مسیر لوله‌کشی آب وحريم آن مطابق تشخیص فنی بتصدیق هیئت سابق‌الذکر لازم است مجاناً و بلاعوض برای لوله‌کشی وفاضل آب تهران مورد حقوق ارتفاقی قرار خواهد گرفت .

قانون راجع بساختمان و بهره برداری سد و تاسیسات لار و لتیان

مصوب ۱۷/۴/۱۳۳۷

ماده ۳ - سازمان آب تهران در اجرای طرح سدهای لار و لتیان و تاسیسات مربوط طبق تبصره ماده واحده قانون انجام لوله کشی و فاضل آب شهر تهران مصوب خرداد ۱۳۳۰ ترتیب استملاک اراضی و استفاده از حقوق ارتفاعی مورد احتیاج را میدهد و همان قوانین و مقررات مربوط بآب و فاضل آب شهر تهران ملاک عمل خواهد بود .

تبصره ۱ - نظارت مالی و تدوین و اجرای آئین نامه های آب بهاء و حق انشعاب بر اساس تبصره ۲۳ ماده ۲ قانون متمم بودجه ۱۳۲۸ خواهد بود .

تبصره ۲ - حقا به مازندران از رودخانه لار بمأخذ حداکثر سال مساعد که مورد استفاده کشاورزی بوده تأمین و کمافی السابق مجاناً در پائین دیوار سد در مجرای رودخانه جاری خواهد بود .

تبصره ۳ - نسبت بوصول افزایش قیمت از اراضی و املاک واقعه در طرفین رودخانه هائی که روی آنها سد احداث میشود و اراضی که در اثر نیاز تاسیسات افزایش بها حاصل میکند طبق بندهای (الف . ب . ج . د . ه) ماده ۱۷ قانون برنامه هفت ساله دوم عمران کشور مصوب اسفند ۱۳۳۴ و آئین نامه های آن عمل خواهد شد و درآمد حاصله از این راه بابت استهلاك سرمایه مصرف شده برای تاسیسات محسوب میگردد .

قانون راجع باصلاح قانون سدهای لار و لتیان

مصوب ۲۸/۱۱/۳۸

ماده واحده - بندهای ۲ و ۱ قانون ساختمان سدهای لار و لتیان مصوب اسفند ۱۳۳۷ لغو میشود و دولت مجاز است برای تأمین سرمایه و اجراء کامل طرح سدهای لار و لتیان و تاسیسات مربوطه با مؤسسات خارجی که صلاحیت فنی و مالی آنها بر اساس مناقضه بین المللی مورد تأیید دولت قرار گیرد قرارداد لازم را منعقد و پس از کسب اجازه از مجلسین نسبت بتحصول اعتبار در اجراء آن

اقدام نماید مفاد قسمت‌های دیگر قانون ۱۲ اسفندماه ۱۳۳۷ بقوت خودباقی است .

تبصره ۱- سازمان آب تهران علاوه بر زمینهای مورد احتیاج سدهای لار و لتیان و تأسیسات مربوطه که طبق ماده ۳ قانون ساختمان سدهای لار و لتیان مصوب تیرماه ۳۷ حق استملاک و تصرف آنها را دارد میتواند با تصویب هیئت وزیران آنچه از اراضی ورقات واقع در اطراف مخازن سدهای لار و لتیان حداکثر تا فاصله ۱۰۰۰ متر (از محیط خارجی مخازن سدها) و همچنین اراضی ورقات واقع در دوطرف مجاری انتقال آب از سدها بمخازن و از مخازن بدیوار تصفیه‌خانه آب سد لتیان بفاصله تا پانصد متر (از هر یک از دو طرف محور مجاری) را که اشخاص حقیقی و یا حقوقی از تاریخ ۱۳۳۶/۱۱/۱۳ بعد از مالکین قبلی انتقال گرفته‌اند و برای حفاظت سدها و مخازن و مجاری و تأسیس باغ عمومی وجنگل لازم میداند تصرف و بهای عادلانه آنها را بمأخذ مندرج در سند انتقال با منظور کردن ۶ درصد بهره در سال پرداخت نماید و در مورد معاملات مذکور که بعد از تاریخ تقدیم این قانون بعمل آید ملاک پرداخت بهای ارزیابی فروردین ۱۳۳۶ (توسط بانک کشاورزی) بدون منظور کردن بهره بوده و بهای مندرج در سند معامله ملاک عمل نخواهد بود .

سازمان آب تهران حدود و نقشه اراضی مشمول این تبصره را تامدت یکسال از تاریخ اجراء این قانون تعیین و آگهی خواهد کرد و پس از آن زمینهاییکه خارج از حدود نقشه مزبور باشد مشمول این قانون نخواهد بود . زمینهای مورد احتیاج باید حداکثر تا مدت سه سال از تاریخ اجراء این قانون خریداری شود و پس از آن مشمول این تبصره نخواهد بود .

تبصره ۲- دولت مکلف است در مورد سدها و تأسیسات مشابه مقرراتی در حدود تبصره یک این قانون در مدت دو ماه تقدیم مجلسین نماید .

تعیین حریم دریاچه احدائی در پشت سدها

مصوب ۳۷/۴۴ر

ماده ۱ - باتوجه بمدلول ماده ۱۳۶ قانون مدنی حریم دریاچه های احدائی در پشت سدها (برروی خطی است موازی بفاصله افقی) یکصد و پنجاه متر از محیط اطراف تر شده مخزن سد بر مبنای حداکثر ارتفاع آب روی سرریز اجازه ایجاد تأسیسات و هرگونه دخل و تصرف در حریم بموجب آئین - نامه ای خواهد بود که بنابه پیشنهاد وزارت آب و برق و تصویب هیئت وزیران تعیین میگردد .

ماده ۲ - در مورد سدهائی که بعد از تصویب این قانون احداث میشود ایجاد مستحدثات در حریم دریاچه سدها همزمان با آگهی وزارت آب و برق درباره احداث سد طبق آئین نامه مذکور در ماده یک خواهد بود و در مورد مستحدثاتی که قبل از آگهی مذکور در فوق در حریم دریاچه سدها ایجاد شده باشد عیناً مانند مستحدثاتی که در مخزن سد قرار گرفته اند رفتار خواهد شد .

ماده ۳ - دولت میتواند در صورت لزوم مستحدثاتی را که در حریم دریاچه سدها قبل از تصویب این قانون ایجاد شده است بشرح زیر خریداری و تصرف نماید .

الف - تعیین بهای مستحدثات از طریق توافق بین وزارت آب و برق و صاحبان مستحدثات مزبور بعمل میآید اگر این توافق حاصل نشود بوسیله کمیسیونی مرکب از وزیر آب و برق، دادستان کل، مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنها با توجه بنظر کارشناسان تعیین خواهد شد ورأی کمیسیون قطعی است حضور مالک یا نماینده او در کمیسیون مزبور بلامانع است .

ب - ملاک تعیین قیمت عبارت از بهای عادلانه مستحدثات مشابه واقع در حوزه عملیات عمرانی در سال قبل از تاریخ تصویب طرح است .

ج - تصرف مستحدثات قبل از پرداخت تمام قیمت مجاز نیست مگر با ضایت فروشنده .

د - در صورتیکه مالک بارعایت بند الف با انتقال ملک و تحویل آن

رضایت ندهد دادستان محل از طرف اوسند انتقال ملك مورد نظر را پس از تودیع تمام قیمت در صندوق ثبت امضاء و در مدت سه ماه بتخلیه قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

ماده ۴ - دولت مامور اجرای این قانون است .

تصویب نامه هیئت وزیران ۴۲۲۶۲-۴۶۷۲۲ راجع به حریم دریاچه احدائی در پشت سدها

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۶۷۲۲ در اجرای ماده ۱ قانون تعیین حریم دریاچه احدائی در پشت سدها و بنابه پیشنهاد وزارت آب و برق آئین نامه زیر را تصویب نمودند .

ماده ۱ - بمنظور حفظ و حراست دریاچه ها و جلوگیری از آلودگی آب دخل و تصرف و احداث هرگونه ساختمان و ایجاد اعیانی در حریم دریاچه پشت سدها مستلزم صدور اجازه کتبی از طرف وزارت آب و برق یا مؤسسات تابعه مجاز وزارت آب و برق خواهد بود .

ماده ۲ - متقاضیان ساختمان در حریم دریاچه باید نقشه های ساختمانی را ضمیمه درخواست خود نموده و از وزارت آب و برق و یا مؤسسات تابعه درخواست صدور اجازه نمایند . این اجازه با رعایت طرح جامع مراکز بیلاقی و تفریحی اطراف دریاچه که توسط وزارت آبادانی و مسکن تهیه و بتصویب شورای عالی شهرسازی خواهد رسید صادر خواهد شد .

ماده ۳ - وزارت آب و برق یا مؤسسات تابعه مجاز با وصول درخواست اجازه ساختمان نقشه های بنا را مورد بررسی قراردادده چنانچه از نظر حفظ و حراست دریاچه و تأسیسات و بهداشت آب بلا مانع باشد بصورت اجازه ساختمان مبادرت مینمایند و در غیر اینصورت درخواست کننده را برای انجام منظور راهنمایی خواهند نمود تا نقشه ساختمانی را با رعایت اصول فنی و بهداشتی اصلاح و تکمیل و مجدداً برای صدور اجازه تسلیم نماید .

ماده ۴ - احداث جنگل - باغ - درختکاری و گلکاری و هرگونه عملیات کشاورزی در حریم دریاچه سدها فقط با استفاده از کود شیمیائی مجاز خواهد بود .

ماده ۵ - درخواست‌کنندگان اجازه احداث جنگل - باغ - درختکاری - چمنکاری و گلکاری و هرگونه عملیات کشاورزی تقاضا نامه خود را با تعهد اینکه فقط از کودشیمیائی استفاده خواهند کرد بمؤسسات مجاز سد تسلیم خواهند نمود .

ماده ۶ - استفاده از حریم دریاچه ها برای ایجاد تأسیسات ورزشی و تفریحات سالم در صورتیکه از طرف وزارت آب و برق از نظر حفظ و حراست دریاچه و عدم آلودگی آب مجاز تشخیص داده شود موکول به صدور اجازه خواهد بود .

ماده ۷ - مؤسسات تابعه وزارت آب و برق رأساً و یا بوسیله مأمورین انتظامی از هرگونه دخل و تصرف در حریم دریاچه ها که ملازمه با داشتن اجازه دارد ممانعت و همچنین در احداث هر نوع ساختمان و اعیانی نظارت خواهند کرد که بدون اجازه و یا برخلاف مدلول اجازه نامه و تعهدی که درباره رعایت اصول فنی و بهداشتی نموده اقدامی ننماید .

ماده ۸ - مأموران انتظامی حسب مورد موظفند در صورت مراجعه وزارت آب و برق یا مؤسسات تابعه آن وزارت در اجرای مقررات این آئین نامه اقدام نمایند .

تبصره ۵۶ بودجه سال ۱۳۴۳

راجع به حریم خارج از محدوده شهرها

تبصره ۵۶ - اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راههای اصلی یا فرعی و یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب قرار میگیرد با رعایت حریم مورد نیاز از طرف صاحبان این اراضی برای این منظور تخصیص داده خواهد شد و در صورتیکه در اراضی مزبور مستحذات و اعیانی وجود داشته باشد که بر اثر احداث تأسیسات فوق الذکر از بین برود و یا خسارتی به آنها وارد شود مؤسسات دولتی مربوط باید خسارات مالک اعیانی را بترتیب مذکور در ماده ۳۳ تصویبنامه برنامه عمرانی سوم کشور جبران نماید بدون اینکه کارهای ساختمانی از جهت خسارت متوقف شود حریم راهها و خطوط و مجاری آب فوق الذکر از طرف هیئت وزیران معین خواهد شد .

حریم انهار اصلی شبکه آبیاری کرج
تصویب نامه هیئت وزیران
۴۴۸-۳۳۴۸-۴۴۹۴

هیئت وزیران در جلسه ۴۴/۴/۹ بنا به پیشنهاد شماره ۱۷۸۵/۴۱۳ مورخ ۴۴/۳/۲۳ وزارت آب و برق و باستناد تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۴۳ تصویب نمودند که عرض حریم برای انهار اصلی شبکه آبیاری کرج از هر طرف شش متر و برای انهار درجه دوم از هر طرف چهار متر و برای انهار درجه سوم که از انهار درجه دوم منشعب و آب را بمصرف کننده میرساند از هر طرف سه متر منظور شود خسارت وارد به مستحذات و اعیانی موجود تا این تاریخ که در حریم انهار قرار گرفته اند در صورت تخریب طبق مقررات مربوط پرداخت خواهد شد .

تصویب نامه هیئت وزیران ۴۸۳۶ - ۴۵۸۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۵/۴/۱ بنا به پیشنهاد شماره ۴۵۰/۱۹۴/۱۹۴ - ۴۵۵۱/۳/۱۶ وزارت آب و برق و باستناد تبصره ۵۶ قانون بودجه سال ۴۳ تصویب نمودند که عرض حریم لوله اصلی آبرسانی لیقوان تبریز نسبت بسطح خارجی لوله مذکور از هر طرف ۵ متر تعیین و منظور شود .

حریم انهار اصلی شبکه آبیاری سد داریوش کبیر
۴۴۴۴-۱۸۱۸-۱۳۴۶

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۶/۹/۱۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۸۹۸۵/۱۰۳۸/۴۵۰ مورخ ۴۶/۸/۳۰ وزارت آب و برق باستناد بند ۸ ماده ۳۹ قانون برنامه عمرانی سوم کشور مصوب ۴۶/۳/۲۱ تصویب نمودند که عرض حریم برای انهار اصلی شبکه آبیاری سد داریوش کبیر از هر طرف شش متر و برای انهار درجه دوم از هر طرف پنج متر و برای انهار درجه سوم که از انهار درجه دوم منشعب و آب را بمصرف کننده میرساند از هر طرف سه متر منظور شود این حریم مشمول حقوق ارتفاقی مجانی است و درموردی

که به تشخیص سازمان آب منطقه‌ای فارس تخریب و قلع مستحذات و اعیانیه‌ای موجود در حریم ضروری تشخیص شود خسارت مربوط طبق مقررات قانون برنامه عمرانی سوم مصوب سال ۴۶ به ذوی‌الحقوق پرداخت خواهد شد

تصویب‌نامه هیئت وزیران

۴۷۱۰۸-۲۹۰۵۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱۰/۴۷ بنا به پیشنهاد شماره ۱۷۱۹۲/۱۰۹۸۸/۳۱۰ - ۴۷/۷/۲۴ وزارت آب و برق باستناد تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون سازمان برق ایران حریم خطوط انتقال و توزیع نیروی برق را در یازده ماده و شش تبصره بشرح زیر تصویب نمودند .

حریم خطوط هوایی انتقال و توزیع نیروی برق

ماده ۱ - تعاریف : تعریف اصطلاحات بکار برده شده در این تصویب‌نامه بشرح زیر میباشد :

الف - محور خط : خطی است فرضی رابط بین مراکز پایه‌ها در طول خطوط هوایی نیروی برق .

ب - مسیر خط : نواری است از زمین در طول خطوط هوایی انتقال و توزیع حاصل از تصویر هادی‌های جانبی خط بر روی زمین .

پ - حریم : ۱ - حریم درجه يك : دو نوار است در طرفین مسیر خط و متصل بآن که عرض هر يك از این دو نوار در سطح افقی در این تصویب‌نامه تعیین شده است .

۲ - حریم درجه دو : دو نوار است در طرفین حریم درجه يك و متصل بآن . فواصل افقی حد خارجی حریم درجه دو از محور خط در هر طرف در این تصویب‌نامه تعیین شده است .

ت - ردیف و لتاژ : ولتاژ اسمی خطوط نیروی برق است .

ث - محدوده شهر : حدودیست که از طرف انجمن شهر یا قائم مقام قانونی آن با تأیید مراجع مندرج در قانون قبل از تاریخ طرح نهائی هر يك از

خطوط نیروی برق برای آن شهر تعیین گردیده است .
تبصره - تاریخ طرح نهائی خطوط نیروی برق از طرف وزارت آب
و برق یا سازمانهای اجرائی آن اعلام میشود .

ج - خطوط هوائی فشار قوی : خطوطی است که دارای ولتاژ یکهزار
ولت و بالاتر میباشد .

چ - خطوط هوائی فشار ضعیف : خطوطی است که دارای ولتاژ کمتر
از یکهزار ولت میباشد .

ماده ۲ - حریم خطوط هوائی فشار قوی نیروی برق در خارج
محدوده شهرها بدو درجه تقسیم و نسبت به ولتاژهای مختلف بشرح زیر
تعیین میشود .

الف - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژ یکهزار
تا بیست هزار ولت برابر سه متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی
حریم درجه دو در هر طرف به فاصله پنج متر از محور خط میباشد .

ب - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژی سه و سه
هزار ولت برابر پنج متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی حریم درجه
دو در هر طرف بفاصله پانزده متر از محور خط میباشد .

پ - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژی شصت و سه
هزار ولت برابر سیزده متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی حریم درجه
دو در هر طرف بفاصله بیست متر از محور خط میباشد .

ت - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژی یکصد و
سی و دو هزار ولت برابر پانزده متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی
حریم درجه دو در هر طرف بفاصله سی متر از محور خط میباشد .

ث - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژی دویست
وسی هزار ولت برابر هفده متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی
حریم درجه دو در هر طرف بفاصله چهل متر از محور خط میباشد .

ج - حریم درجه یک خطوط هوائی نیروی برق ردیف ولتاژی چهارصد
و پانصد هزار ولت برابر بیست متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی
حریم درجه دو در هر طرف بفاصله پنجاه متر از محور خط میباشد .

چ - حریم درجه يك خطوط هوایی نیروی برق ردیف و لتاز هفته‌مدو پنجاه هزار ولت برابر بیست و پنج متر در هر طرف مسیر خط بوده و حد خارجی حریم درجه دو در هر طرف بفاصله شصت متر از محور خط میباشد. تبصره ۱ - در صورتیکه ردیفهای و لتازی در آینده بین ردیفهای و لتاز مذکور در این ماده بوجود آید حریم درجه يك و حریم درجه دو آن متناسب حریم نزدیکترین ردیف و لتاز آن تعیین خواهد شد.

تبصره ۲ - تعیین و تشخیص ردیف و لتاز خطوط نیروی برق با وزارت آب و برق میباشد.

ماده ۳ - در صورتیکه عبور خطوط هوایی فشار قوی نیروی برق در داخل محدوده شهرها بتشخیص وزارت آب و برق لازم باشد واحداث تمام یا قسمتی از آن از نظر رعایت فواصل لازم و سایر جهات فنی و ایمنی بشرح اندازه‌های حریم درجه يك مذکور در ماده ۲ این تصویبنامه در معابر عمومی و حریم اماکن مسکن نباشد و ایجاد خط عرفاً موجب سلب استفاده متعارف از املاک اشخاص شود وزارت آب و برق و مؤسسات تابع طبق ماده ۱۶ قانون برق ایران اقدام خواهند کرد.

تبصره ۱ - در داخل محدوده شهرها فواصلی که برای رعایت ایمنی و سایر جهات فنی خطوط انتقال و توزیع نیروی برق در نظر گرفته میشود میتواند متناسب با فواصل پایه‌ها تا سی درصد کمتر از مقدار مقرر برای حریم درجه يك مذکور در ماده ۲ این تصویبنامه طبق نظر وزارت آب و برق باشد.

تبصره ۲ - در مورد توسعه محدوده شهر در اراضی و املاک واقع در خارج از محدوده‌ای که قبلاً خطوط نیروی برق با استفاده از حق حریم در آن ایجاد شده وزارت آب و برق و مؤسسات و شرکتهای تابعه کماکان از حق حریم درجه يك استفاده مینمایند لیکن اراضی مشمول حریم درجه دو با تقویت خط از حریم خارج میشود.

ماده ۴ - در مسیر و حریم درجه يك اقدام بهرگونه عملیات ساختمانی و ایجاد تأسیسات مسکونی و تأسیسات دامداری یا باغ و درختکاری و انبارداری تا هراتفاق ممنوع میباشد و فقط ایجاد زراعت فصلی و سطحی و حفر چاه و قنات و راهسازی و شبکه آبیاری، مشروط براین که سبب ایجاد

خسارت برای تأسیسات خطوط انتقال نگردد با رعایت ماده ۸ این تصویبنامه
بلامانع خواهد بود .

تبصره - ایجاد شبکه آبیاری و حفر چاه و قنوت و راهسازی در
اطراف پایه‌های خطوط نباید در فاصله‌ای کمتر از سه متر از پی پایه‌ها انجام گیرد.
ماده ۵ - در حریم درجه دو فقط ایجاد تأسیسات ساختمانی اعم از
مسکونی و صنعتی و مخازن سوخت تا هراتفاق ممنوع می‌باشد .

ماده ۶ - در صورتیکه در نتیجه عملیات تعمیراتی و بازرسی خطوط
نیروی برق خسارتی باعیان و مستحذات موجود در ملکی وارد آید ، وزارت
آب و برق و مؤسسات و شرکتهای تابع خسارت مالک اعیانی را جبران
خواهند نمود .

ماده ۷ - در صورتیکه اشخاصی برخلاف مقررات این آئین نامه عملیات
یا تصرفاتی در حریم درجه یک و درجه دو خطوط انتقال و توزیع بنمایند
مکلفند بمحض اعلام مأموران وزارت آب و برق و مؤسسات و شرکتهای تابع
عملیات و تصرفات را متوقف و بهزینه خود در رفع آثار عملیات و تصرفات
اقدام نمایند .

ماده ۸ - برای کلیه عملیاتی که بوسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی
بنظور راهسازی ، کارهای کشاورزی حفر چاه و قنوت ، عبور و حمل
بار و ماشین‌آلات و نظائر آن در مسیر و حریم خطوط نیروی برق انجام
میگیرد باید اصول حفاظتی بمنظور جلوگیری از بروز خطرات جانی و ورود
خسارات مالی رعایت شده و در مورد حفر چاه و قنات و راهسازی قبلا از
مسئولین عملیاتی خطوط نیروی برق راهنمایی لازم خواسته شود و اجازه
کتبی کسب گردد و در هر حال نظر وزارت آب و برق باید ظرف یکماه از
نا.یخ وصول درخواست اعلام شود .

ماده ۹ - حریم کابل های زیرزمینی که در معابر و راهها گذارده
میشود در هر طرف نیم متر از محور کابل و تا ارتفاع دو متر از سطح زمین
خواهد بود . در موردی که کابل با سایر تأسیسات شهری از قبیل لوله‌کشی
آب و فاضل آب و کابل تلفن و نظائر آن تقاطع نماید استانداردهای متداول
شبکه‌های انتقال و توزیع نیروی برق باید رعایت شود .

ماده ۱۰ - رعایت حریم و استانداردهای مصوب خطوط نیروی برق از طرف کلیه سازمانهای دولتی و غیر دولتی الزامی است و در هر مورد که سازمانهای دولتی بخواهند اقدام بایجاد تأسیسات جدید نمایند که با خطوط نیروی برق تقاطع نماید یا در حریم آن واقع شود این عمل با جلب موافقت وزارت آب و برق یا موسسات و شرکتهای تابع آن انجام میگردد. در مواردی که خطوط جدید نیروی برق از روی تأسیسات موجود تلگراف و تلفن و راه و راه آهن عبور مینماید حریم و استاندارد های آن مؤسسات از طرف وزارت آب و برق یا مؤسسات و شرکتهای تابع باید رعایت شود و انجام طرحهای جدید باموافقت قبلی مؤسسات مربوط خواهد بود .

ماده ۱۱ - بمنظور اطلاع صاحبان اراضی و املاک واقع در مسیر خطوط نیروی برق و بالاخص جلب توجه آنان باجرای مفاد مواد ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ قانون برق ایران وزارت آب و برق یا مؤسسات و شرکتهای تابع از طریق نشر آگهی در جراید محل یا الصاق آگهی در تابلو شهرداری ها یا توزیع آن در مسیر خط بطرق ممکن یا پخش آگهی از رادیوهای محلی و یا سایر وسائل مقتضی آغاز اجرای عملیات طرح خط نیروی برق را اعلام خواهند داشت .
بنابراین ملاحظه میفرمائید که حریم قانونی مذکور در تبصره ماده ۳۸ حریمی است که در قوانین و آئین نامه فوق الذکر عنوان گردیده و این حریم ناظر بموارد مذکور در خود قانون است و بهیچ وجه ارتباطی به حریم انهار طبیعی و رودخانه های مذکور در ماده ۲ ندارد .

ماده ۳۹

(آئین نامه اجرائی مواد این فصل توسط وزارت آب و برق پیشنهاد و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده میشود) .
بدنبال شرح مواد فصل سوم قانون آب و بنا بدلالات مفاد ماده ۳۹ قانون آب برای اینکه مقررات موضوعه مربوط بآبهای زیرزمینی بهتر توضیح داده شود آئین نامه پیشنهادی وزارت آب و برق مصوب ۳۰۶۶/۱۴۲/۴۵۰
۱۳۴۸/۶/۱۵ را که تحت عناوین و فصول متعددی تصویب گردیده و تسهیلاتی را که در اجرای قانون با تنظیم فرمهای مخصوصی فراهم میسازد عیناً درج مینماید .

آئین نامه اجرائی فصل سوم قانون آب و نحوه ملی شدن آن

فصل اول

راجع بصدور پروانه حفر چاه و قنات

ماده ۱ - هرکس بخواهد از آبهای زیر زمینی در هر نقطه از کشور بوسیله حفر چاه یا احداث قنات و یا از طریق تعمیق چاههای موجود و یا ادامه پیشکار قنات استفاده کند بااستثنای موارد مذکور در ماده (۲۵) قانون آب و نحوه ملی شدن آن باید تقاضای کتبی خود را طبق فرم شماره ۱ پیوست که حاوی مشخصات متقاضی و خصوصیات و موقعیت ملک و منظور از حفر چاه بانضمام رونوشت مصدق سند مالکیت یا مدارک رسمی تصرف بوزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب و برق وابسته بوزارت آب و برق تسلیم نماید .

ماده ۲ - پس از تسلیم تقاضا مدارک متقاضی از طرف مراجع مذکور در ماده (۱) این آئین نامه مورد رسیدگی واقع و در صورت کامل بودن مدارک به متقاضی راهنمایی علمی و فنی اعلام میشود که هزینه اعزام کارشناسان را برای بازدید محل پرداخت نماید . هزینه کارشناس طبق تعرفه وجدولی است که از طرف وزارت آب و برق براساس حقوق و هزینه سفر و فوق العاده روزانه مأمور تعیین و پنجاه درصد آن از متقاضی وصول میگردد . در مورد تقاضای شرکتهای تعاونی روستائی یا شرکتهای سهامی زراعی بیست درصد هزینه کارشناسی از شرکتهای مذکور وصول خواهد شد .

ماده ۳ - کارشناس ضمن بازدید محل و بررسی وضع زمینی که تقاضای حفر چاه یا قنات در آن شده است محل مناسبی را با نظر مالک و بارعایت حریم قنات و چاههای مجاور و شناسائی طبقات مختلف زمین و استعداد آبدهی و امکان بهره برداری مشخص و با تعیین عمق چاه و آبدهی تقریبی و برآورد هزینه حفر و تجهیز آن گزارش لازم را توأم با کروکی محل با قید مراتب فوق در ۲ نسخه تهیه و طبق فرم شماره ۲ برای اقدام بوزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه ای مربوط تسلیم مینماید تا با توجه به نظریه کارشناس نسبت بصدور پروانه اقدام لازم بعمل آید .

ماده ۴ - در صورتیکه نتیجه کارشناسی از نظر فنی یا اقتصادی منفی

باشد مراتب کتباً به متقاضی اعلام خواهد شد. چنانچه متقاضی به تشخیص کارشناسان معترض باشد میتواند از تاریخ اعلام ظرف بیست روز اعتراض خود را با ذکر دلایل و جهات امر بوزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط تسلیم نماید. این اعتراض برای رسیدگی به هیئت حل اختلاف مقرر در ماده ۲۵ آیین‌نامه ارجاع میگردد.

تبصره - در مواردی که تشخیص قطعی وضع آب زیرزمینی و میزان استعداد آبدهی آن بعللی برای کارشناس ممکن نباشد متقاضی میتواند در صورت موافقت وزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط بهزینه خود اقدام بحفر چاه گمانه (آزمایشی) نماید و وزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط براساس نتایج حاصله از چاه‌گمانه نسبت به رد یا قبول تقاضای متقاضی دستور مقتضی صادر خواهند نمود.

ماده ۵ - پروانه حفر چاه یا قنات یا تعمیق چاه و ادامه پیشکار قنات طبق فرم شماره ۳ پیوست که حاوی مشخصات فنی و محل حفر و شماره و تاریخ است بنام متقاضی صادر میگردد. چنانچه ظرف یکسال از تاریخ صدور پروانه اقدامی بعمل نیاید پروانه صادره از درجه اعتبار ساقط است و تجدید آن منوط به تجدید تشریفات مقرر در این آئیننامه خواهد بود.

تبصره - چنانچه احداث قنات بعلت موجهی مستلزم وقت بیشتری باشد متقاضی میتواند تمدید مدت را خواستار شود در اینصورت پس از تشخیص کارشناس مدت متناسب برای انجام مفاد پروانه تعیین و به متقاضی اعلام خواهدگردید.

ماده ۶ - اعلام ممنوعیت مناطق برای حفر چاه یا قنات یا تعمیق چاه و ادامه پیشکار قنات از طرف وزارت آب و برق بوسیله نشر آگهی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از جراید کثیرالتشهار مرکز و محل باذکر دلیل و مدت و حدود جغرافیائی مشخص در دونوبت بفاصله پانزده روز بعمل میآید و در نقاطی که روزنامه کثیرالتشهار نباشد مراتب وسیله انجمن‌ده یا بخشداری بطریق مقتضی با اطلاع اهالی محل خواهد رسید و تاریخ ممنوعیت منطقه از تاریخ انتشار دومین آگهی منظور میگردد.

ماده ۷ - در مناطق ممنوع با اخذ پروانه از وزارت آب و برق یا

سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط مرمت و ادامه پیشکار قنوت یا پائین بردن کف چاههای عمیق و نیمه عمیق که قبل از آگهی ممنوعیت از آنها بهره‌برداری میشده است تا حد بهره‌برداری سابق بلامانع میباشد .

تبصره ۱ - در مواردیکه قبل از اعلام ممنوعیت پروانه‌ای صادر و مدت اعتبار آن مقتضی نشده باشد صاحب پروانه میتواند برای اجرای مفاد پروانه اقدام و در صورت لزوم برای مرمت و تعمیق بعدی آن از مقررات ماده فوق استفاده نماید .

تبصره ۲ - در مواردیکه آمار کافی برای تعیین بهره‌برداری سابق چاه یا قنات در دست نباشد بهره‌برداری مزبور با توجه بقرائن و امارات و تحقیق از مطلعین و معتمدین محلی وسیله کارشناسان فنی وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط معین میگردد .

ماده ۸ - در صورتیکه صاحبان قنوت متروک و مسلوب‌المنفعه در اثر اخطار موضوع ماده ۳۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و یا بتماایل خود در مقام دائر کردن قنات خود باشند میتوانند با اخذ پروانه از وزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط به حفر چاه عمیق در چاه آبدۀ قنات اقدام نمایند بشرط آنکه حفر چاه مزبور ایجاد حریم اضافی بر حریم قبلی بدون موافقت مالک یا مالکین زمینی که چاه آبدۀ در آن واقع است ننمایند و آب چاه مزبور از مجرای سابق قنات یا باکسب موافقت مالکین زمین از مجرای جدید مورد استفاده صاحبان حق قرارگیرد .

تبصره - نسبت به قنوتی که بعلت نقصان فاحش آب استفاده کافی از آنها بعمل نمیآید صاحبان قنوت در حدود مقررات ماده فوق میتوانند اقدام لازم بعمل آورند .

ماده ۹ - صدور پروانه حفر چاه در مناطق ممنوع برای اجرای طرحهای صنعتی و عمرانی دولت و تأمین آب شهرها و قصبات با توجه به ضرورت و اهمیت مورد به تصویب و تشخیص وزارت آب و برق با توجه به نظریه کارشناس بلامانع است .

ماده ۱۰ - چاههای عمیق مجازی که در مناطق ممنوعه مورد بهره‌برداری میباشند و یا چاههاییکه بموجب پروانه اجازه حفر آنها داده



سد وشمگیر در گرگان

شده اگر در موقع حفر یا بهره‌برداری بنحوی دچار نقص فنی شوند که رفع آن ممکن نبوده و یا مقرون بصرفه نباشد وزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط میتوانند بنا بدرخواست متقاضی و تشخیص کارشناس ورعایت حریم منابع آب مجاور اجازه حفر چاه دیگری را بجای چاه غیر قابل استفاده با همان شرایط و مشخصات سابق در نزدیکترین محل ممکن قبلی چاه صادرکنند. در اینگونه موارد پس از اتمام چاه جدید چاه قبلی بهزینه صاحب چاه وسیله مأمورین مربوط طبق صورتجلسه که بامضای مأمورین و صاحب چاه تنظیم میگردد پرو یا مسدود خواهد شد.

تبصره - بهره‌برداری از چاه جدید بمیزان بهره‌برداری قبلی خواهد بود که با توجه به قرائن و امارات و خصوصیات فنی چاه سابق وسیله کارشناس تشخیص میگردد.

ماده ۱۱ - در صورتیکه مالک قنات یا چاه مجازی از حفر و بهره‌برداری چاه موضوع ماده ۲۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آن در مجاورت قنات یا چاه خود شاکی باشد میتواند با پرداخت هزینه کارشناسی از وزارت آب و برق یا سازمان شرکت آب منطقه‌ای مربوط تقاضای اعزام کارشناس نماید چنانچه کارشناس پس از رسیدگیهای فنی تشخیص دهد که در اثر حفر چاه جدید آب چاه یا قنات مجاز مجاور نقصان فاحش یافته گزارش خود را بمرجع شکایت تسلیم و مراتب از طرف مرجع مذکور بطرفین ابلاغ خواهد شد. در صورتیکه هر یک از طرفین بنظر مزبور معترض باشند میتوانند اعتراض خود را با ذکر جهات و دلایل ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ بمرجع مذکور تسلیم نمایند در اینصورت پرونده به هیئت حل اختلاف مقرر در ماده ۲۵ این آئین‌نامه ارسال میگردد و هیئت آنها را برای توافق و سازش دعوت مینماید چنانچه سازش بین طرفین حاصل نگردد هیئت بموضوع رسیدگی و نظر شایسته اتخاذ خواهد کرد و نظریه مزبور قاطع و قابل اجرا خواهد بود و در صورت سازش مراتب در صورتجلسه قید و یک نسخه از آن بهر یک از طرفین داده میشود و نسخه سوم در مرجع رسیدگی نگهداری خواهد شد.

تبصره - مسدود کردن یا پر نمودن چاههای غیر مجاز بدستور

وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای وسیله ضابطین دادگستری و یا پلیس مسلح آب با حضور نماینده وزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط بهزینه متخلف طبق صورت‌مجلس انجام خواهد شد و در صورتیکه در چاه نصب تلمبه شده باشد قبلاً تلمبه از چاه خارج و بموجب صورت مجلس تحویل صاحب چاه یا نماینده او میگردد .

ماده ۱۲ - چاه موضوع ماده ۲۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آن حداکثر میتواند تا ظرفیت آبدهی ۲۵ متر مکعب در شبانه روز بوده و با تلمبه دستی یا برقی با قدرت متناسب با سطح برخورد آب و لوله آبدهی بقطر داخلی ۴ سانتیمتر برای مصرف شرب و بهداشت و باغچه و مصارف خانگی مورد بهره‌برداری قرارگیرد .

ماده ۱۳ - برای تعمیر و مرمت چاههای متروک و مسلوب‌المنفعه در صورت مشخص بودن مالکین اخطار کتبی از طرف وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط بمالکین ارسال میشود و در صورتیکه مالکین یا نشانی آنها مشخص نباشد مراتب با انتشار آگهی درجراید و یا به ترتیب مقرر در قسمت اخیر ماده ۶ این آئین‌نامه با اطلاع مالکین رسانده میشود که حداکثر ظرف یکسال از تاریخ اخطار یا آخرین مهلت مقرر نسبت به تعمیر و مرمت قنات یا چاه خود اقدام نمایند .

فصل دوم

راجع بکارشناسان

ماده ۱۴ - کارشناسان فنی و اقتصادی که وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای انتخاب و معرفی مینمایند باید از مهندسين و زمین شناسانی باشند که لااقل ۵ سال سابقه تجربی در مورد زمین‌شناسی و آبهای زیرزمینی و کشاورزی داشته باشند .

کارشناس اقتصادی حفر چاه یا قنات مکلف است با توجه بگزارش کارشناسان فنی و مساحت اراضی و سطح کشت مورد نظر و میزان بهره‌برداری و انتفاع ممکن اظهار نظر بنماید .

ماده ۱۵ - کارشناسان فنی و اقتصادی موظفند گزارش و نظریات

مربوط باموری را که بآنان ارجاع میشود با توجه بتمام جهات قضیه و حقیقت بطور مستدل و موجه تهیه نمایند و چنانچه معلوم شود اغراض خصوصی بکار برده شده و حقیقت را کتمان نموده‌اند طبق مقررات مورد تعقیب قرار خواهند گرفت .

ماده ۱۶ - تشخیص اینکه قنات یا چاهی قبل از تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن موجود بوده و مورد بهره‌برداری میباشد یا اینکه قبل از آگهی ممنوعیت حفر و مورد استفاده بوده است و همچنین تشخیص غیر مجاز بودن چاههای موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مذکور و نیز تشخیص متروک و بائر بودن قنات یا چاه بعهدہ کارشناسان فنی وزارت آب و برق و سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای است که در صورت عدم سابقه ثبت در دفاتر ادارات آبیاری با کسب اطلاع از مطلعین و معتمدین محلی و ملاحظه مدارک و سوابق و قرائن و امارات مراتب فوق را مورد رسیدگی قرارداد و نتیجه را بمراجع مذکور در فوق تسلیم نمایند تا در صورت ضرورت مراتب بصاحبان چاهها یا قنات مورد نظر اعلام گردد .

تبصره - در صورتیکه صاحبان اینگونه چاهها و قنات به تشخیص فوق معترض باشند میتوانند طرف بیست روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را با ذکر دلایل و جهات پیوست فتوکی یارونوشت گواهی شده مستندات خود بوزارت آب و برق یا سازمان و شرکت آب منطقه‌ای مربوط تسلیم نمایند تا بلافاصله پرونده امر برای رسیدگی به هیئت حل اختلاف مقرر در ماده ۲۵ این آئین‌نامه ارجاع گردد .

ماده ۱۷ - تشخیص حریم چاه و قنات و مجاری آب و تأثیر متقابل منابع آب مذکور نسبت بهم در هر مورد با وزارت آب و برق است که حریم آنها را با توجه بوضع زمین و آب زیرزمینی و میزان بهره‌برداری مجاز وسیله کارشناسان فنی خود معین نماید .

فصل سوم

راجع به صلاحیت و تکالیف حفاران

ماده ۱۸ - اشخاص حقیقی و حقوقی که طبق ماده ۳۴ قانون آب

حرفه آنها حفاری است مکلفند ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آگهی منتشره از طرف وزارت آب و برق در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز درخواست پروانه نمایند و بدون داشتن پروانه حق حفاری ندارند .

ماده ۱۹ - صدور پروانه حفاری موتوری منوط به تشخیص کمیسیون فنی وزارت آب و برق منتخب از طرف وزیر آب و برق خواهد بود کمیسیون مزبور براساس مدارک و شرایط زیر به تقاضای درخواست کنندگان رسیدگی و در صورت احراز شرائط طبق پیشنهاد کمیسیون پروانه صلاحیت حفاری بنام متقاضی از طرف وزارت آب و برق صادر میگردد .

۱ - در مورد اشخاص حقوقی يك نسخه از روزنامه رسمی حاوی خلاصه تأسیس و مفاد اساسنامه شرکت و گواهی اداره ثبت شرکتها دائر بر موجودیت شرکت در تاریخ تسلیم تقاضا و در مورد اشخاص حقیقی رونوشت شناسنامه و عکس متقاضی .

۲ - داشتن حداقل سه دستگاه ماشین حفاری مجهز با قدرت کافی برای حفر چاههای عمیق که لااقل يك دستگاه آن بتواند تا عمق ۳۰۰ متر حفاری نماید با متعلقات مربوطه و همچنین وسائل آزمایش پمپاژچاه که طبق مدارک مثبت در اختیار متقاضی بوده باشد .

۳ - داشتن تعمیرگاه ثابت و سیار .

۴ - دارا بودن کادر فنی لازم و داشتن تکنیسین حفاری به تناسب ماشین آلات و سیستم بایگانی منظم .

تبصره - پروانه صلاحیت حفاری دارای دوسال اعتبار بوده و تمدید آن منوط به بررسی مجدد طبق تشریفات فوق خواهد بود. پروانه مذکور غیر قابل انتقال بوده و در صورت انحلال یا ورشکستگی شرکت باطل خواهد شد .

ماده ۲۰ - دارندگان پروانه حفاری موتوری موظف بانجام تکالیف

زیر می باشند :

۱ - بدون ملاحظه پروانه حفر چاه و رعایت مدت اعتبار آن اقدام بحفر چاه ننموده و در مورد چاههای موضوع ماده ۲۵ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بدون اطلاع وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکت های آب و برق منطقه ای نباید اقدامی بعمل آورند .

۲ - عملیات حفاری و تجهیز چاه را باید کاملاً مطابق مشخصات مندرج در پروانه انجام دهند .

۳ - پرسشنامه عملیات حفاری را طبق فرم شماره ۴ پیوست که از طرف وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای در مورد حفر چاه بآنها داده میشود باید حداکثر پس از ده روز از خاتمه حفاری تکمیل نموده بوزارت آب و برق یا مراجع مربوط بفرستند .

۴ - در حین حفاری در مواردیکه وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای ضروری بدانند از طبقات مختلف زمین نمونه برداری آب و خاک نموده و نمونه‌ها را بطور جداگانه در ظروف مناسب جمع‌آوری و پس از خاتمه حفاری بوزارت آب و برق یا مراجع مربوطه تسلیم نمایند تا نسبت به تجزیه و شناسائی آن اقدام مقتضی بعمل آید .

۵ - در هر چاهی که حفر مینمایند روزه‌ای بقطر حداقل سه سانتیمتر در لوله جدار تعبیه نمایند بطوریکه اندازه‌گیری سطح آب چاه بوسیله عمق‌یاب ممکن باشد .

۶ - بعد از خاتمه عملیات حفاری باید از چاه آزمایش پمپاژ بعمل آورند ، آزمایش پمپاژ باید با موتور پمپ دارای قدرت کافی در حضور صاحب چاه یا نماینده او و نماینده وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب و برق منطقه‌ای مربوط انجام و نتیجه آزمایش را در جدولی تنظیم و بوزارت آب و برق یا مراجع مربوطه تسلیم نمایند .

۷ - حفاران موظفند تاریخ آزمایش پمپاژ را پانزده روز قبل بصاحب چاه و وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط کتباً اطلاع دهند در صورتیکه وزارت آب و برق یا مراجع مذکور و همچنین صاحب چاه یا نماینده او در وقت مقرر حاضر نشوند پمپاژ را رأساً انجام و گزارش را به مرجع مربوط ارسال دارند .

ماده ۲۱ - شرکتهای و اشخاص حفار موظفند بمحض برخورد بسفره آب آرتزین فوراً مراتب را بوزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط اطلاع داده و عملیات حفاری را برای دریافت دستورالعمل فنی و مهارکردن چاه یا نصب شیر فلکه متوقف سازند .

ماده ۲۲ - ادامه کار شرکتها و اشخاص حفار که قبل از تصویب این آئین نامه از طرف وزارت آب و برق طبق قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی اجازه نامه یکساله یا اجازه موقت بنام آنها صادر شده تا رسیدگی مجدد بوضع آنها براساس مقررات این آئین نامه بلامانع است .

ماده ۲۳ - شرکتها و اشخاص حفار موظفند پروانه صلاحیت حفاری یافتوکی آنرا همواره در دسترس داشته باشند تا در صورت لزوم بمأمورین وزارت آب و برق یا مأمورین سازمانها و شرکتهای تابع وزارت آب و برق ارائه دهند .

ماده ۲۴ - پس از صدور پروانه صلاحیت حفاری برای شرکتها و اشخاص حفار اسامی آنان باقید شماره پروانه از طرف وزارت آب و برق در هر دو سال يك مرتبه برای اطلاع عموم آگهی خواهد شد .

فصل چهارم

هیئت های حل اختلاف و وظایف آنها

ماده ۲۵ - هیئت حل اختلاف در هر يك از شهرستانها بر حسب اجتناج از طرف وزارت آب و برق تشکیل خواهد شد و هر هیئت مرکب از سه نفر بشرح زیر خواهد بود :

۱ - رئیس یا نماینده سازمان یا شرکت آب منطقه ای .

۲ - کارشناس فنی باتنخاب وزارت آب و برق .

۳ - يك نفر عضو مطلع بامور حقوقی باتنخاب وزارت آب و برق .

تبصره - مدت مأموریت اعضاء هیئت دوسال است و تجدید انتخاب آنان بلامانع است . در صورت استعفا یا فوت هر يك از اعضاء جانشین او برای مدت باقی مانده از طرف وزارت آب و برق تعیین خواهد شد .

ماده ۲۶ - اعضاء هیئت حل اختلاف در اولین جلسه يك نفر را از بین خود به ریاست انتخاب مینمایند . تصمیمات هیئت به اکثریت آراء معتبر و قطعی است . رأی هیئت در دو نسخه تنظیم و بامضای اعضاء هیئت میرسد . رأی مزبور در دفتر مخصوص هیئت ثبت و با اشخاص ذینفع ابلاغ میشود . ابلاغ تابع مقررات قانون آئین دادرسی مدنی است .

ماده ۲۷ - تصمیمات هیئت‌ها بوسیله وزارت آب و برق یا سازمانها یا شرکتهای آب منطقه‌ای مربوط بموقع اجراءگذارده میشود و مأمورین شهربانی و ژاندارمری یا پلیس مسلح آب در اجرای تصمیمات هیئت همکاری و تشریک مساعی خواهند نمود .

تبصره - چنانچه شکایتی از عملیات اجرائی بشود هیئت حل اختلاف بموضوع رسیدگی و تصمیمات مقتضی اتخاذ خواهد نمود .

ماده ۲۸ - وظایف هیئت‌های حل اختلاف بشرح زیر است :

الف - رسیدگی بشکایات مربوط به مزاحمت و حریم دو چاه یا دو قنات یا چاه و قنات وانهار و سایر منابع آب نسبت به یکدیگر با توجه بمفاد قانون آب و نحوه ملی شدن آن .

ب - رسیدگی به شکایات واصله نسبت به تشخیص مأمورین فنی وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای در مورد مجاز یا غیر مجاز بودن چاه یا قنات .

ج - رسیدگی بسایر موضوعاتی که در این آئین‌نامه پیش‌بینی شده یا از طرف وزیر آب و برق به هیئت ارجاع میشود .

ماده ۲۹ - اعتراض وشکایاتی که بوزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای آب منطقه‌ای محل تسلیم میشود برای رسیدگی به هیئت حل اختلاف ارجاع میگردد و با رعایت نوبت مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار میگیرد . هیئت حل اختلاف میتواند در مواردی که ضرورت وفوریت رسیدگی ایجاب نماید خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند .

ماده ۳۰ - درمواردیکه هیئت حل اختلاف در محلی تشکیل نیافته باشد بدستور وزارت آب و برق رسیدگی به وظایف فوق با هیئت حل اختلاف نزدیکترین محل خواهد بود .

ماده ۳۱ - هیئت حل اختلاف میتواند در صورت اقتضاء به تحقیق محلی ومعیانه محل وجلب نظر کارشناس یا کارشناسان رسمی اقدام نماید و واگر نظریه کارشناس را ناقص تشخیص دهد ویا اخذ توضیحات از وی را ضروری و مفید بداند کارشناس را احضار و تکمیل نظریه و توضیح لازم را

از او بخواهد و یا تکمیل امر را به کارشناس دیگر محول نماید .
تبصره - هزینه کارشناس رسمی و تهیه وسائل برای تحقیق و معاینه
محلی بعهدہ معترض است .

ماده ۳۲ - هیئت حل اختلاف برای دعوت اشخاص و تشکیل
جلسات بترتیب مقتضی اقدام خواهد نمود . و در اجرای مقررات قانون آب
میتواند برای کشف حقیقت و احقاق حق بهر نحو که مقتضی بداند اطلاعات
لازم را کسب نماید و در هر حال باید طوری عمل شود که تأخیر در اتخاذ
تصمیم موجب تضییع حق و خشک شدن زراعت و باغها نشود و در مواقع
ضروری میتواند تصمیم فوری و موقت اتخاذ نماید تا پس از رسیدگی و
مطالعه تصمیم نهائی اتخاذ گردد . هیئت در رسیدگی بشکایات مقرر در بند
الف از ماده ۲۸ این آئین نامه در صورت تقاضای استفاده کننده از مرور زمان
ملزوم به رعایت مقررات قانون مرور زمان خواهد بود .

ماده ۳۳ - مامورین شهربانی و ژاندارمری حسب مورد دستور
وزارت آب و برق و ادارات و سازمانها و شرکتهای آب منطقه ای تابع وزارت
آب و برق را در اجرای مقررات این آئین نامه بمورد اجرا خواهند گذارد .
گرچه نظر نگارنده از روز نخست در تهیه این کتاب این بود که
ایراداتی که در آئین نامه از نظر قانونی و اصولی و عملی وارد است در باب
جداگانه یادآور شود امید است که این کار در مجلد چهارم عملی گردد
ولی یکی از مواد آئین نامه آبهای زیرزمینی که بسیار واجد اهمیت است
موضوع ماده ۸ است که اجرای آن بعلت وقوع محل آبدۀ و مادر چاه در
ملك غیر بعلت رفت و آمد دائم و احداث موتورخانه و گماشتن مأمور عملاً
مصدیقی خارج از تعریف حق ارتفاع متعارفی که صاحبان قنوات در املاک
غیردارند پیدا میکند و بهترین طریق برای اجرای هدف آنستکه اداره کل
حفاظت منابع آب در اینگونه موارد در مظهر یا هر یک از چاههای قنات که
مشکل فوق را بوجود نیاورد بررسی لازم نموده و اگر مستعد برای حفر چاه
تشخیص شود اجازه حفر چاه دهد .

ضمناً باید توجه داشت که در صورت ممنوعه بودن منطقه اثر قانونی
این تبصره فقط ناظر به قنواتی است که در زمان انتشار ممنوعیت منطقه مورد

بهره‌برداری بوده‌اند و اگر قرار شود بدون محدودیت زمانی میزان بهره‌برداری سابق را ملاک قرار دهیم کلیه قنوت متروک مملکت را شامل شده و این نقض قرض از ممنوعیت قانونی است .

اگر در مناطق ممنوعه قنوت متروکه‌ای باشد و در اثر بارندگی زیاد قنوت متروک قابل استفاده گردد صاحبان قنوت میتوانند آزادانه از آن قنوت استفاده کنند بدون اینکه مغایرتی با موضوع ممنوعیت داشته باشد .
و اگر یکی از مالکین بعلت خشکسالی موفق باخذ پروانه حفرچاه مطابق با مفاد این ماده گردد آنهم احتمالاً در اثر بارندگی زیاد ممکن است بمشکل غیرقابل حلی برخورد نماید .

مثلاً مالکی بموجب پروانه و باستناد همین ماده در یکی از چاههای قنات مبادرت بحفرچاه عمیق نماید و بعداً در اثر بارندگی زیاد قنات بحال دائر درآید و چاه حفر شده طبعاً مانع جریان عادی آب قنات میشود و در نتیجه موجب خرابی چاه و احتمالاً ریزش اراضی اطراف و اضرار بدیگران خواهد شد بنابراین این تبصره باتوجه باین مشکلات قابل اصلاح میباشد .

فرم شماره ۱

درخواست اجازه حفر $\frac{\text{چاه}}{\text{قنات}}$ در منطقه

اینجانب فرزند شناسنامه

صادره از با تسلیم پرسشنامه پیوست و رعایت کامل قوانین

موجود تقاضای حفر حلقه چاه
رشته قنات

در قریه را که بفاصله کیلومتر از

شهر واقع است از طرف خود. یا
مرکز بخش

بنمایندگی از طرف دارم .

محل امضاء متقاضی

تاریخ

نشانی :

تلفن

منزل :

تلفن

محل کار :

این قسمت توسط $\frac{\text{سازمان}}{\text{اداره}}$ تکمیل

خواهد شد .

۱- دستور مسئول منطقه

۲- تاریخ مراجعه متقاضی

۳- نواقص پرونده متقاضی

۴- نام کارشناسان

۵- هزینه کارشناس که باید متقاضی پرداخت کند

۶- هزینه کارشناس طبق فیش بحساب

بانک پرداخت گردیده است .

۷- تاریخ اعزام کارشناسان .

محل امضاء مسئول $\frac{\text{سازمان}}{\text{اداره}}$

ضمیمه ۱ فرم شماره ۱

پرسشنامه درخواست حفر $\frac{\text{چاه}}{\text{قنات}}$

الف - مشخصات درخواست کننده (اشخاص حقیقی)

۱- نام و نام خانوادگی

۲- تاریخ و محل تولد

۳- شماره شناسنامه و محل صدور

۴- نشانی :

منزل : تلفن

محل کار : تلفن

ب - مشخصات درخواست کننده (اشخاص حقوقی)

۱- نام و نوع شرکت

۲- تاریخ و شماره ثبت

۳- نشانی :

مرکز شرکت : تلفن

مشخصات محل حفر $\frac{\text{چاه}}{\text{قنات}}$

۱- نام محل .

۲- بخش

۳- شهرستان

۴- استان

۵- سهلترین راهی که میتوان بمحل حفرچاه رسید ذکر شود

۶- نوع تصرف درخواست کننده :

الف - مالکیت $\frac{\text{مشاع}}{\text{مفروز}}$

ب - اجاره .

ج - واگذاری اراضی (اراضی دولتی - اصلاحات ارضی - موقوفه)

۷- مقدار آب مورد تقاضا مترمکعب در
۸- آب مورد تقاضا بچه مصرفی خواهد رسید
آبیاری شهری صنعتی دامپروری و
دامداری

۹- مقدار زمینی که آبیاری خواهد شد چه مقدار است؟
۱۰- منابع آب موجود در محدوده مورد تقاضا
حقابه از رودخانه - قنات - چشمه - چاه و غیره
۱۱- آیا قبلا برای اراضی فوق تقاضای حفر چاه - شده است یا نه
نام متقاضی را ذکر کنید .
امضاءکننده با اطلاع کامل از قوانین و آئین نامه های موجود درستی
اطلاعات این پرسشنامه را گواهی مینماید .

امضاء متقاضی
تاریخ

ضمیمه ۲ فرم شماره ۱

راهنمایی برای تشکیل پرسشنامه

- ۱- پرسشنامه باید بدون خط خوردگی و باخط خوانا پر شود .
- ۲- مدارك مورد لزوم در بند ۶ پرسشنامه که باید ضمیمه گردد عبارتست از :

الف - در مورد مالکیت

- مشاع : سند مالکیت یا رونوشت آن بانضمام توافق سایر شرکاء .
مفروز : سند مالکیت یا رونوشت مصدق آن .
املاکی که منجر بصدور سند مالکیت نشده : ثبتی یا رونوشت گواهی شده احکام قطعی مراجع قضائی .

چنانچه در سند مالکیت مساحت قید نشده باشد درخواست کننده مکلف است نقشه ثبتی ملك را که بگواهی اداره ثبت کل رسیده باشد و خالی از حدود و ابعاد و مساحت باشد بمقیاس مناسب مقام تهیه و تسلیم نماید .

ب - در مورد اجاره :

رونوشت مصدق اجاره نامه رسمی باقید موافقت مالك مبنی برحرف چاه یا قنات بوسیله مستاجر .

ج - در مورد اراضی واگذاری :

رونوشت مصدق اسناد رسمی واگذاری .

۳- متقاضی مکلف است :

الف - حداکثر تا پنج روز پس از تاریخی که از طرف سازمان اداره

تعیین گردیده برای اخذ نتیجه مراجعه نماید .

ب - مدارك مورد لزوم را حداکثر تا ۱۵ روز پس از تاریخ فوق به

سازمان مربوطه تسلیم و رسید هزینه های مربوطه را نیز ارائه نماید و در اداره

روز و ساعت مقرر بمعیت کارشناس بمحل عزیمت کند در صورت عدم رعایت بند ۳ حق تقدم از متقاضی سلب خواهد شد .

فرم شماره ۲
گزارش کارشناسی

در اجرای حکم شماره مورخ و بموجب
تقاضای شماره اراضی مورد نظر
آقای خانم
از لحاظ امکان حفر چاه قنات یا کفشکنی
بررسی گردید و نتیجه بشرح
زیر است :

۱- موقعیت محل چاه - فاصله
کیلومتر در قسمت
قریه
سطح دریا
بسمت
متر است . شیب عمومی منطقه از سمت
واقع شده و ارتفاع آن از

۲- وضع زمین شناسی و مشخصات حوزه آبریز :
۳- موقعیت چاه قنات نسبت بمنابع آب مجاور :
محل چاه - فاصله
متر از آبدۀ قنات
متر از چاه
واقع شده و با توجه بمشخصات زمین شناسی
منطقه بهره برداری از چاه محدودیت دارد -
در صورتیکه
لیتر از آب چاه برداشت شود ضرری برای منابع آب مجاور و موجود در
محل نخواهد داشت .

۴- مشخصات چاه
الف - عمق برخورد به آب
متر (عمق مادر چاه
قنات
متر)
ب - عمق کلی چاه
ج - قطر لوله جدار
د - هزینه حفر بعمق
اینچ
متر بالوله گذاری جمعاً
ریال
۵- کروکی محل پیوست است .
نقشه

۶- سایر نکاتی که ذکر آن بنظر کارشناس ضروری است .
محل امضاء کارشناس
تاریخ

فرم شماره ۳

سازمان آب منطقه‌ای
شرکت آب منطقه‌ای
اداره کل آبیاری

پروانه حفر چاه - کفشکنی
قنات - ادامه پیشکار

باستناد ماده ۲۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۷/۵/۴۷ به

خانم
آقای
شرکت

شهرت فرزند

دارای شناسنامه شماره
ثبت شده بشماره

صادر از اجازه

شهرستان

داده میشود در اراضی واقع در قریه

هکتار است طبق مشخصات زیر

که بنا باظهار متقاضی بمساحت

اقدام به حلقه چاه - کفشکنی
رشته قنات - ادامه پیشکار بنماید .

مشخصات :

- ۱- عمق چاه
- ۲- قطر لوله جدار اینچ
- ۳- طول لوله مشبك متر از عمق تا عمق متر
- ۴- طول لوله غیر مشبك متر از عمق تا عمق متر
- ۵- محل حفر باید بفاصله متر از قناتها و متر از چاههای مجاور باشد (طبق کروکی پیوست) .
- ۶- گزارش راهنمایی‌های فنی واقتصادی و کروکی محل پیوست است .

- ۷- اعتبار این پروانه حداکثر ۶ ماه از تاریخ صدور است .
- ۸- این پروانه فقط اجازه حفر بوده و دارنده آن بهیچوجه حق بهره‌برداری از قنات چاه را ندارد و پروانه مصرف پس از خاتمه حفاری به درخواست متقاضی طبق مقررات مربوطه جداگانه صادر خواهد شد .

۹- در صورتیکه عدم صحت مدارک متقاضی یا تغییر محل خفرتابث شود این پروانه بی اثر است .

۱۰- این پروانه بشخص متقاضی تسلیم میشود که برابر مفاد آن با هر شرکت حفاری که دارای صلاحیت و اجازه نامه حفاری از وزارت آب و برق باشد با رضایت طرفین قرارداد منعقد کند .

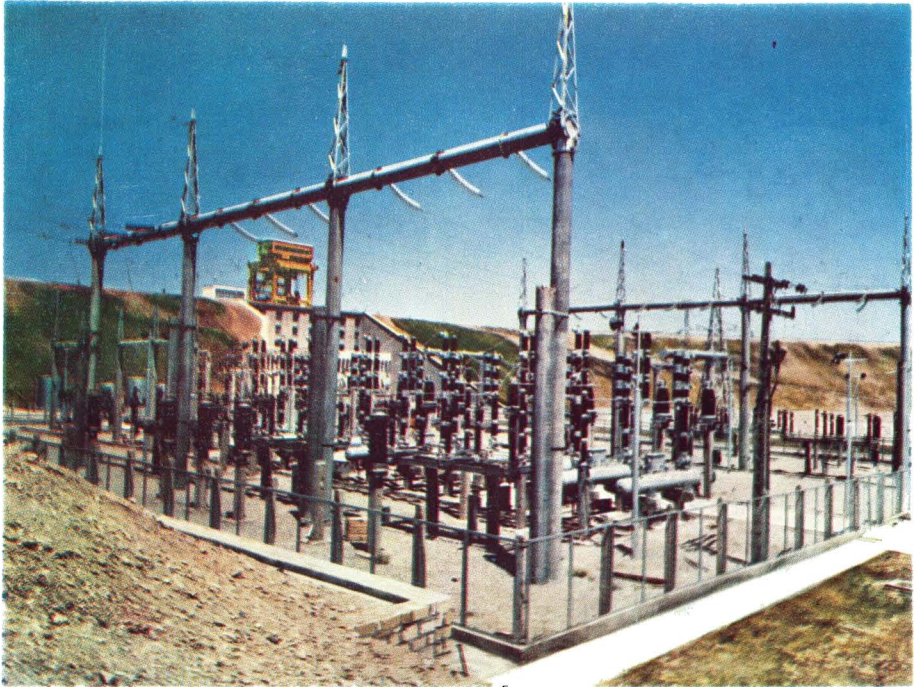
۱۱- متقاضی موظف است طبق ماده ۳۲ قانون آب عمل نماید .

۱۲- این پروانه فقط از نقطه نظر فنی دارای اعتبار رسمی است و

بهیچوجه دلیل مالکیت متقاضی در زمین محل حفر محسوب نمیگردد .

محل امضاء مسئول منطقه

تاریخ



کلیدخانه سد ارس

گزارش حفاری شرکت تاریخ

پروانه حفاری شرکت شماره

نام صاحب چاه	محل چاه	شماره پروانه حفر
تاریخ شروع حفاری	تاریخ خاتمه حفاری	
عمق چاه متر	سطح برخورد آب متر	عمق سطح آب
پس از خاتمه حفاری متر		
نوع حفاری <u>ضربه‌ای</u> دورانی	نوع چاه <u>آرتزین</u> موتوری	چاه آرتزین
بوسیله	مهار شده است .	
قطر چاه اینچ		
قطر لوله جدار از عمق	تا عمق	متر اینچ
و از عمق	متر تا عمق	متر اینچ .
و از عمق	متر تا عمق	متر اینچ
عمق	متر اینچ .	
مشخصات لوله جدار :		
طول لوله مشبك از عمق	تا عمق	متر .
مشخصات شبكه	طول شكاف	میلیمتر
.....	میلیمتر تعداد شكاف در متر لوله عدد .
.....	مشخصات ساختمانی چاه از نظر کراول پاکینگ
.....		
نمونه برداری آب و خاک :		
تعداد نمونه آب	عدد از اعماق	متر، و
تعداد نمونه خاک	عدد از اعماق	متر، و
سایر نکاتی که بنظر حفار ذکر آن ضروری است :		

فصل چهارم

حفاظت و نگهداری تأسیسات مشترك

ماده ۴۰

(کلیه شرکاء در حفاظت و نگهداری چاه - قنات - نهر - جوی و استخر و هر منبع یا مجرای آب مشتركی نسبت سهم مسئولند) .

در قانون مدنی دو ماده موجود است که تقریباً همین مضمون را یادآور میشود منتها در ماده ۴۰ مذکور از نظر جامعیت موضوع با تغییرات تازه تری که با اصطلاحات فنی روزهم منطبق باشد همان مضامین و مفاهیم منعکس شده است ، برای آشنائی بیشتر عین مواد ۱۵۰ و ۱۵۳ قانون مدنی و تبصره ۵ ماده ۵۳ و ۱۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن را درج مینماید .
(ماده ۱۵۰ قانون مدنی - هرگاه چند نفر درکندن مجری یا چاه شریک شوند بنسبت عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالک آب آن میشوند و بهمان نسبت بین آنها تقسیم میشود) .

(ماده ۱۵۳ - هرگاه نهر مشتركی مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هر یک از آنها اختلاف شود حکم بنسب آنها نصیب آنها میشود مگر اینکه دلیلی برزیادتی نصیب بعضی از آنها موجود باشد) . بنابراین با توجه بسوابقی که در این نوع حقوق برای صاحبان آن قانون مدنی قائل شده است قانون آب هم به تبعیت از آن قانون و به پیروی از حقانیت صاحبان حقوق همان وظایف را تأیید نموده و سهامداران را موظف بحفظ و نگهداری موسسات مشترك دانسته است . گرچه در این ماده در صورت

تخلف اشاره بضمانت اجرا نشده است ولی از مجموع مواد قانون خاصه تبصره ۵ ماده ۵۳ میتوان از محل عوائد حاصله در مورد مرمت تاسیسات آبیاری اقدام نمود و طبعاً پس از اعلام ملی شدن آب این وظیفه رسماً بعهده وزارت آب و برق یا مؤسسات تابع خواهد بود که نیازی بشرح وتفصیل بیشتری نیست .

تبصره ۵ ماده ۵۳ بقرار زیر است :

(وظائف مقرر در ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری تا اجرای ملی شدن آب در هر ناحیه و هر منطقه رسماً بوسیله وزارت آب و برق یا شرکتها وسازمانهای تابع انجام خواهد شد و عوائد حاصله صرفاً صرف اداره و مرمت تاسیسات آبیاری حوزه مربوطه خواهد گردید) .

چون احتمالاً مطالعه مفاد ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری از نظر درك موضوع ممکن است مورد نیاز باشد ماده مذکور را هم عیناً در زیر درج مینماید تا از هر جهت مفاد ماده ۴۰ و سوابق امر کاملاً مفهوم گردد .

(ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری - برای حسن جریان تنظیم و تقسیم آبها و نگاهداری سدهای کوچک مخزنها و انهار عمومی و سردهانه آب بند انهار واستخرها بنگاه مستقل آبیاری مجاز است صندوقهای برای تأمین این منظور ایجاد نماید .

کلیه مالکین و حقا به برها موظف خواهند بود بنسبت آبی که از آن استفاده میکنند یا مالک هستند سالیانه مبلغی که بتشخیص بنگاه وتصویب هیئت منتخب مالکین معین خواهد شد بصندوق مزبور پردازند تا تحت نظر هیئت منتخب مالکین بمصرف مرمت سدها و انهار و ساختمان مقسمها و هزینه جاری تقسیم آب و نظایر آن برسد پرداخت هر هزینه از این محل جز برای انجام منظور مذکور در این ماده ممنوع است . عوایدی که از این بابت از مالکین و حقا به برها حاصل میشود صرفاً صرف مرمت منابع آبیاری حوزه مربوط خواهد شد .)

بنابراتب شرکاء در منبع و مجرای مشترك موظف بحفاظت و نگهداری آن میباشند و بنسبت سهمی که دارند در این امر مسئولیت دارند .

هر بالادستی مسئول خسارتی است که از عمل غیر متعارف او پائین دستی وارد میآید

ماده ۴۱

(مصرف کنندگان آب از مجاری و سردهنه مسئول نگاهداری تاسیسات مشترک هستند و هیچکس بدون اجازه وزارت آب و برق حق احداث و تغییر مقطع و مجرای آب و انشعاب جدید را ندارد و هر بالادستی مسئول خسارتی است که از عمل غیر متعارف او به پائین دستی وارد میآید .)

بدنبال ماده ۴۰ در این ماده قید شده است که مبدا مسئولیت مجاری مشترك از کجا آغاز میشود بهمین دلیل بطور صریح قید شده که از سردهنه مجاری ببعده مالکین و یا مصرف کنندگان آب مسئول نگاهداری تاسیسات مشترك میباشند .

چون احتمال داده میشود که هرکس بسیزان سهم خود بتواند نهر مخصوص احداث نماید و یا مقطع مجرای آب را تغییر دهد و انشعاب جدید برقرار سازد از اینرو صریحاً این عمل که نظام اجرائی رودخانه یا مجرا را عملاً مختل میسازد ممنوع شناخته شده است همانطوریکه در قانون مدنی و قانون قنات و قوانین بنگاه مستقل آبیاری و سایر قوانین متذکر شده است در این ماده هم صریحاً قید گردیده که هر بالادستی مسئول خسارتی است که از عمل غیر متعارف او به پائین دستی وارد میشود .

عملاً در بعضی از رودخانهها که دارای انشعابات عدیده است دیده میشود که بالادستی رعایت حق پائین دستی را نمینماید یا در این امر بمقتضای تأمین منفعت بیشتر مسامحه میکند و از این طریق خسارتی به پائین دستی وارد میسازد و یا بخصوص در رودخانههایی که با سیستم خشک بند اداره میشود این خسارت بیشتر وارد میشود زیرا موجودی آب رودخانه برای سیراب نمودن و یا آبیاری کردن ده بالا دست برای مدت معینی بمصرف میرسد و اکثر توجهی باین حقیقت ندارند که دهات پائین دست هم حقی دارند و باید از آب بهره مند شوند . باین مناسبت صریحاً این مسئولیت مدنی در انتهای ماده ۴۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن قید شده است تا حقی ترضیع نگردد .

در ماده ۱۴۹ قانون مدنی مطالبی در حدود قسمت اول ماده ۴۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن درج گردیده است که برای اطلاع خواننده عزیز عیناً نگاشته میشود :

(ماده ۱۴۹ - هرگاه کسی بقصد حیازت میاه مباحه نهر یا مجرائی احداث کند آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد میشود متعلق بصاحب مجری است و بدون اذن او نمیتوان از آن نهری جدا کرد یا زمینی را مشروب نمود) .

طبق مقررات قانون مدنی حق انشعاب در مجرای مشترك یا اختصاصی بشرح مذکور ممنوع بوده است و این ممنوعیت نیز بطور کامل در قانون آب برقرار شده است که پس از اعلام ملی شدن آب اجرا خواهد شد .

رعایت حریم جاده در حفر چاه و قنات

ماده ۴۳

(هیچ نهر و جوی و قنات و چاهی نباید در جاده عمومی و خصوصی و حریم آنها بصورتی باشد که ایجاد خطر و مزاحمت برای عابرین و وسائط نقلیه کند مالک یا مالکین موظفند روی آنرا بنحوی بیوشانند که خطر یا خسارتی برای عابرین و وسائط نقلیه و راه بوجود نیاورد . در صورتیکه مالک یا مالکین از اجرای اخطار کتبی وزارت راه و شهرداری (در شهرها) بمدت یکماه طبق مشخصات فنی وزارتین آب و برق و راه در رفع خطر اقدام نکنند و همچنین در صورت عدم استفاده و یا اعراض و انصراف از بهره برداری بمدت سه سال متوالی با توجه با اخطار کتبی وزارت آب و برق بمالک یا مالکین چنانچه در مدت سه ماه از تاریخ اخطار اقدامی بعمل نیاورد اینگونه مجاری متعلق بدولت خواهد بود .

تبصره - احداث نهر یا جوی و یا چاه و قنات و نظایر آن در راهها و حریم آنها موکول بتحصیل اجازه از وزارتین راه و آب و برق و در معابر شهرها با جلب موافقت شهرداری از وزارت آب و برق خواهد بود . مشخصات فنی مندرج در اجازه نامه لازم الاجرا است .)

مفاد این ماده از قانون از هر جهت تازگی دارد و باتوجه بمشکلاتیکه ایدگونه چاهها و مجاری متروکه در مسیر راه عابرین و وسائط نقلیه فراهم میسازد وجود چنین ضابطه ای ضروری میباشد . اکثراً در جاده های عمومی ملاحظه میشود که چاههای قنات بادخانه های روباز و بعلت متروکه شدن یا خرابی تصادفاً ریختگی پیدا میکنند و این حادثه نه تنها بعابر یا وسائل نقلیه

صدمات و خساراتی وارد میکند بلکه بعضاً در اثر ریزش دهانه چاه قنات را سدود و آب قنات موجبات فرسایش خاکهای اطراف را فراهم مینماید و با عبور وسیله نقلیه سنگین ریزش زیادی پیدا میشود و طبعاً مشکلات بیشتری از نظر جاده و عبور و مسائل نقلیه و عابرین فراهم میگردد که مرمت و تعمیر آن روزها و احتمالاً ماهها بدرازا خواهد کشید و هیچکس در ایجاد این خسارت مسئول شناخته نمیشود. بنابراین بموجب این قانون تکلیفی برای صاحبان چاهها و قنات تعیین شده است که برای جلوگیری از وقوع سانحه‌ای بارعایت حریم روی چاه را پیوشانند و برای دستگاههای دولتی هم مثل وزارت آب و برق و وزارت راه و شهرداریها در داخله شهرها ایجاد وظیفه شده است که در ظرف یکماه بمالکین باتعیین مشخصات فنی اعلام رفع خطر نمایند در صورتیکه مالکین در ظرف سه ماه باینگونه اخطارها که از ناحیه وزارتین راه و آب و برق در معابر عمومی خارج از شهر و باخطار شهرداری در داخله شهر با جلب نظر وزارت آب و برق توجهی نکند میتواند اینگونه مجاری را تصرف نمایند و با پرکردن چاه یا تسطیح مجرا رفع خطر از عابرین و وسائط نقلیه بنمایند. غالباً در خارج شهرها و بین دهات بمقتضای وجود منبع آب کشاورزان مجاری متعددی در طول سالها حفر مینمایند و پس از سلب استفاده یا تغییر منبع آب و مجرا - مجرای سابق را ترك میکنند بدون اینکه در تسطیح آن اقدام نمایند یا تصور کنند که این مجرا ایجاد خسارت و ضرری مینماید. از اینجهت این ماده بامهلت سه ماه بمنظور رفع خطر از مجاری مخروبه یا متروکه با معموره روباز مشروط بر آنکه در داخل حریم باشد وضع شده است.

از تاریخ تصویب این قانون احداث نهر - جوی یا چاه و قنات و نظایر آن در طرق و شوارع و همچنین در حریم آنها موکول بکسب اجازه از مقامات مذکور در متن ماده شده است منتها مشخصات فنی اینگونه تاسیسات باید در پروانه درج گردد و مفاد آنها لازم الاجرا میباشد.

تأمین هزینه تاسیسات مشترک

ماده ۴۳

(هرگاه استفاده کنندگان مشترک نهر یا جوی یا چاه یا قنات و امثال آن حاضر بتأمین هزینه آن نشوند هر یک از شرکاء میتوانند بتصدیق وزارت آب و برق در خصوص لزوم تعمیر و میزان هزینه آن نهر یا جوی یا چاه یا قنات را شخصاً تعمیر و سهم شریک یا شرکاء مستنکف را باضافه ۱۴٪ زبان تاخیر در سال از او مطالبه کنند .

در موارد فوق میزان هزینه تعمیرات و انجام آن باید بگواهی وزارت آب و برق برسد و سهم شریک یا شرکاء مستنکف بر طبق مقررات مربوط با اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا بوسیله اجرای ثبت بتقاضای ذینفع وصول خواهد شد .

تصره - وزارت آب و برق وظایف مربوط با اجرای این ماده را در سطح روستاها بوزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی واگذار خواهد کرد) .

این ماده از قانون راجع بتأمین هزینه تاسیسات مشترک خاصه قنوات است که در واقع عملیترین طریق اجرائی تأمین هزینه آن میباشد متعاقب قوانینی که در گذشته وضع شده و ضمانت اجرائی نداشته است وضع و بتصویب رسیده است برای اینکه خواننده عزیز قبل از شرح و تفصیل این ماده بسوابق امر و چگونگی آن اطلاع حاصل فرمایند عین ماده ۲۱ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری را ذیلا درج مینماید :

(ماده ۲۱ - نسبت بقنوات دائر و مجاری میاه و اراضی مستعد برای احداث قنوات جدید که صاحبان متعدد دارند در مواردیکه دائر کردن یک قنات بائر و یا تنقیه یا ازدیاد آب یک قنات دائر از قبیل کردن چاههای تازه و بغل بر ضرورت پیدا نماید بمحض تقاضای مالک یا مالکین یک دوازدهم آب قنات ، بنگاه آبیاری باید درصد بازجوئی برآمده :

اولا - تشخیص دهد که عملیات مورد تقاضا لازم یا مفید میباشد .

ثانیاً - معین کند که اقدام بان از لحاظ فنی ممکن بوده و مطابق قانون مدنی مزاحم قنوات دیگر نباشد سپس مراتب را بمالکین عمده کتباً یا بوسیله درج آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و الصاق اعلان در محل بخرده مالکین اخطار نماید .

مالکین نامبرده موظف هستند در مدتی که کارشناس تعیین میکند و در هر صورت از دوماه از تاریخ اخطار تجاوز نخواهد کرد نسبت بعمران قنوات

خود اقدام بکارکنند بنگاه آبیاری مجاز است که بلافاصله کار قنوت مزبور را بشرکت یا شرکائی که تقاضا نموده اند واگذار کرده و خود نسبت بکار آن نظارت نماید و سهمی ممتنعین را از اعتبارات آبیاری پردازد و پس از انجام کار طلب خود را بانضمام سود صدی دوازده بعلاوه صدی ده جریمه تاخیر از ممتنعین مطالبه و دریافت دارد. در صورت تخلف برای هر ماه تاخیر صدی یک از مجموع مطالبات نامبرده جریمه تعلق خواهد گرفت و چنانچه تا قبل از بدست آمدن اولین محصول ممتنع حاضر پرداخت دین خود نشود بنگاه مستقل آبیاری مجاز خواهد بود در رأس اولین محصول و محصولات بعدی عین جنس را که بنرخ رسمی تسعیر میشود بابت مجموع طلب خود باضافه هزینه که بآن تعلق میگردد مستقیماً یا بوسیله مقامات صلاحیت دار دریافت دارد.

تقریباً در همین حدود مواد ۱۶ و ۱۷ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری در مورد وصول مطالبات در امر مرمت مجاری و ایجاد بعضی از تاسیسات در رودخانه ها حکایت داشت که تحقیقاً باین کیفیت وصول این نوع مطالبات غیر مقدور بود و عملاً در پایان سال و یا در پایان چندین سال مطالباتی از این قبیل در ستون مطالبات لاوصول درآمده و در نتیجه بضرر دستگاه انتفاعی منظور میگردد.

و اما ماده ۸ قانون قنوت مصوب ۱۳۰۹ از نظر شرکت در هزینه لارویی قنات تشریفات خاص دارد که امروزه بعلت طولانی بودن آن عملی نیست و باز برای اطلاع خواننده عزیز عین ماده ۸ درج میشود:

(ماده ۸ - مفاد ماده ۵۹۴ قانون مدنی در مورد قنوت بایره نیز مجری خواهد بود مشروط بر اینکه شریک یا شرکاء حاضر برای شرکت در مخارج مفید مالک بیش از نصف قنات باشند و در این صورت تعیین قیمت یا مال الاجاره وغیره بسته بنظر محکمه ای است که عنداللزوم بوسیله اهل خبره معین مینماید)

ماده ۵۹۴ قانون مدنی که مورد اشاره ماده ۸ قانون قنوت میباشد باز از نظر اطلاع خواننده گرامی نگاشته میشود.

(هرگاه قنات مشترك یا امثال آن خرابی پیدا کرده و محتاج به تنقیه یا تعمیر شود و یک یا چند نفر از شرکاء بر ضرر شریک یا شرکاء دیگر از شرکت

در تنقيه يا تعمير امتناع نمايند شريك يا شركاء منضرر ميتوانند بحاكم رجوع نمايند در اينصورت اگر ملك قابل تقسيم نباشد حاكم ميتواند براي قلع ماده نزاع و دفع ضرر شريك ممتنع را باقتضای موقع بشركت در تنقيه يا تعمير يا لجاره يا بيع سهم خود اجبار كنند .

بطوريكه از مجموع مواد ۸ قانون قنوات و ۵۹۴ قانون مدني استنباط ميشود معلوم ميگردد كه رسيدگي مراجع قضائي و صدور حكم بر مبنای نظريه خبره و كارشناس كافي براي رفع اشكالات آني قنات و امثال آن كه فوريت ترميم آن ضرورت دارد نيست از اينجهت در قانون سابق بنگاه آبياري سهمي قائل شدند كه درصورت استتكايف صاحبان قنات و انهار رأساً بنگاه مستقل آبياري در تعمير قنات و مرمت انهار و لاروبي وغيره اقدام و هزينههاي لازم را بحساب مالكين پرداخته و از اين بابت خسارت دير كرد و جريمه هم منظور ميداشتند ولي چون راه وصول بسيار مشكل بود واخذ و توقيف محصول هم عملي نبود و بفرض عملي شدن انبار كردن و فروختن طبق مقررات دولتي جز ضرر تبيجه ديگر نداشت پس از مدتي تجربه و تحمل ضرر عملا از اجراي ماده ۲۱ قانون سابق بنگاه آبياري هم خودداري كردند .

تا آنكه قانون آب و نحوه ملي شدن آن مطرح شد و ماده ۴۳ بطور جامع و كافي منظور گرديد اين ماده در واقع تمام مشكلات فني و اقتصادي و عملي و تشريفاتي را از طريق قانوني حل نموده است و صرفاً با تحمل هزينه و گواهي هزينه هاي انجام شده و ارسال آن بداره اجرائيات ثبت در حكم اسناد لازم الاجرا در وصول مطالبات و لوازانقد اموال هم باشد اقدام ميكنند و تحقيقاً ميتوان گفت كه از نظر فني و عملي سريعترين روش و طريق تأمين و تعمير و خرابي قنوات و مجاري همين ماده ۴۳ قانون آب ميباشد . و چون اين قانون در تاريخي طرح و تصويب شد كه وزارت اصلاحات ارضي و تعاون روستائي در مقام تقسيم املاك بنا بر منشور دوازده گانه انقلاب بود اين وظيفه را قانوناً در سطح روستاها بعهده اين وزارتخانه گذاردند و در نتيجه مشكل قنات و لاروبي آن و يامرمت انهار - خاصه انهار مشترك چه در سطح املاك بزرگ در شهرستانها و چه در سطح روستاها بطور كلي باوضع و تصويب اين ماده حل گرديد .

اجازه ورود در ملك ديگرى

مواد ٤٤ و ٤٥

(ماده ٤٤ - برآى كسانيكه پروانه مصرف آب دارند استفاده از اراضى ديگران بمنظور نهركشى وانتقال آب ونگاهدارى تاسيسات مربوط بآن مجاز است و مالك زمين محق بدريافت ارزش زمين وخسارات وارده طبق نرخ عادله است كه قبل ازآغازكار ترتيب پرداخت آن داده شود مشخصات فنى نهر و تاسيسات بايد بانظر وزارت آب وبرق تعيين گردد) .

درماده ٣ قانون قنوت مصوب ١٣٠٩ تقريباً درزمينه احداث نهر ياچاه ياقنات درملك ديگرى باتعبير ديگر وتشريفات ديگرى اجازاتى داده شده است كه برآى اطلاع ذيلا نقل ميگردد .

(ماده ٣ - دراملاك مزروعى مطلقاً ودرباغات دهات وباغات قصبات وباغات خارج ازشهرها مشروط برآينكه عرفاً اطلاق منزل بآنها نتوان كرد هرگاه كسى بخواهد چاه ياستخر يامجراى قناتى احداث نمايد يابراى اصلاح ياتكميل قناتى چاه يامجراى ايجاد كند صاحبان املاك مذكور حق ندارند (مشروط برآينكه رعايت حریم شده باشد) جلوگيرى نمايند ولى بايد قيمت عادله زمين واعيان آن كه چاه واستخر وامجراى جديد درآنجا حفر ميشود قبلاً تأديه گردد وبعلاوه صاحب ملك حق دارد تقاضا كند كه صاحب چاه تعهد نمايد برآى جلوگيرى ازخطرات روى چاه را پيوشاند . هرگاه در موضوع اينكه بازبودن روى چاه برآى صاحب ملك خطراتى دارد ياخير اختلاف باشد محكمه پس از رسيدگى حكم مقتضى صادر خواهد نمود .

درمورد املاك غيرقابل انتقال مثل موقوفات زمينى كه چاه ياستخر يامجراى جديد بايد درآنجا حفر شود در مقابل حق الارض بصاحب قنات يامجراى اجازه حفرچاه ياستخر يامجرى داده ميشود) .

تقريباً مفاد ماده ٤٤ باتعاير واصطلاحى كه درقانون جديد آب و نحوه مى شدن آن عنوان گرديده يكسان است منتها درآين ماده مانند ساير مواد هميشه مشخصات فنى تاسيسات بايد بانظر وزارت آب وبرق رعايت گردد تا از قاعده و نكات فنى و اقتصادى خارج نباشد و در تيجه ايجاد ضرر و زيانى نمايد .

واما مطلبى كه درماده ٣ قانون قنوت متذكر شده است و در ماده

۴۴ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بطور کلی منظور شده است همانا پوشاندن روی چاه است که ماده ۳ قنوت در صورت اختلاف مطلب را بدادگاه ارجاع نموده است ولی ماده ۴۴ قانون آب بطور کلی انجامش را الزامی دانسته و نیازی بدادرسی و واخواهی ندانسته است. بنابراین ملاحظه میشود که ماده ۴۴ از نظر قاطعیت و جامعیت عملی تر از ماده ۳ قانون قنوت مصوب ۱۳۰۹ میباشد.

(ماده ۴۵) - هرگاه آب بران نتوانند در مورد مسیر و یاترز انشعاب آب از مجرای طبیعی با یکدیگر توافق نمایند وزارت آب و برق میتواند با توجه به اینکه به حق دیگری لطمه ای نرسد مسیر یا انشعاب را تعیین کند.)
حال اگر استفاده کنندگان از یک منبع آب نتوانند در تعیین مسیر و یاترز انشعاب آب از مجرای طبیعی با یکدیگر سازش نمایند بحکم ماده ۴۵ وزارت آب و برق میتواند مسیر انشعاب را تعیین کند مشروط باینکه بحق دیگری لطمه ای نرساند و در واقع داوری این نوع امور را بدون اینکه بمراجع قضائی ارجاع گردد همه جا بعهده وزارت آب و برق گذاشته است زیرا لازمه اجرای قوانین آب فوریت اجرائی مفاد آن میباشد در صورتیکه اگر هر یک از این موارد بمراجع قضائی ارجاع شود هرچه دادگاهها فوری و خارج از نوبت رسیدگی نمایند باز در مدت تعطیل یادرمدت رسیدگی ضرر و زیانی احتمالا یکی از طرفین وارد میسازد از اینجهت حتی الامکان سعی شده است که تصمیمات اولیه فوری باشد و فقط در صورت بروز اختلاف اصولی و مالکیتی بمراجع قضائی مراجعه کنند.

حل اختلاف در آبهای سطحی

ماده ۴۶

(در مورد آبهای سطحی حل اختلافات حاصل در امر تقدم یا اولویت و کیفیت و کمیت و همچنین اختلافاتی که موجب تاخیر آبرسانی میشود و تقسیم و مصرف آب در مرحله اول از طریق کدخداهنشی توسط سرآبیاران و میرآبان باید فیصله پذیرد و در صورت ادامه اختلاف مدیر منطقه و یارئیس ناحیه موظف بمداخله و رسیدگی و اظهار نظر است. نظر رئیس ناحیه یا مدیر منطقه موقتاً تا اجرای قانون ملی شدن آب در آن ناحیه قطعی است و مأمورین انتظامی موظف با اجرای آن هستند) .
چون احتمال بروز اختلاف بین آب بران چه قبل از ملی شدن آن

منطقه و چه بعد از آن در هر حال وجود دارد لذا قانون گذار ماده فوق را وضع و مقرر داشته است که هرگونه اختلافی اعم از اولویت یا حق تقدم یا کیفیت یا کمیت یا تقسیم و مصرف آب بین افراد ذینفع بروز نماید این اختلافات در مرحله اول بطریق کدخدامنشی بوسیله سرآیاران و میرآبان فیصله مییابد در صورتیکه بدینوسیله رفع اختلاف مقدور نشود مدیر منطقه یا رئیس ناحیه موظف به مداخله و رسیدگی و اظهار نظر خواهد بود و این نظر قاطع است و مأمورین انتظامی موظف به اجرای آن میباشند .

در مورد این ماده شایسته است که در خصوص دو واژه (حق تقدم) و (اولویت) توضیحاتی در روشن کردن منظور از حق تقدم و اولویت داده شود تا در مرحله عمل و اجرا مأمورین مسئول و افراد ذینفع دوچار اشتباه نشوند . آیا دو واژه (حق تقدم) و (اولویت) عطف تفسیری هستند یعنی منظور از اولویت همان تقدم است ؟ و یا اولویت دارای مفهومی غیر از حق تقدم است .

از نظر لغوی میتوان گفت که تقدم و اولویت مرادف یکدیگرند و اگر بگوئیم که فلان شخص مقدم بردیگری در استفاده از آب مورد اختلاف است برای او اولویت هم قائل شده ایم . لکن از لحاظ اصطلاح ممکن است در مواردی اولویت - حق تقدم را تحت الشعاع قرار داده و اولویت مناط حکم و عمل قرار داده شود .

زیرا حق تقدم در چند فرض متصور میشود : تقدم زمانی - تقدم مکانی - تقدم مصرف .

تقدم زمانی این است که شخص ازیست سال قبل واجد حق استفاده معینی بوده و دیگری که معارض او میباشد جدیداً و فی المثل از سه سال قبل در مقام استفاده برآمده است و این احتیاج و مصرف جدید با توسعه آبادی و کشاورزی بوجود آمده است .

اما قضاوت کدخدامنشی و حل اختلاف در مورد تقسیم و کیفیت و کمیت زیاد مشکل و پیچیده نیست و بهسولت بادر نظر گرفتن امکانات و حقوق ثابت و سابقه میتوان برفع اختلاف توفیق یافت .

مطلبی که در این ماده از نظر تشکیلاتی قابل توجه است موضوع میراب

وسرآبیار است و همچنین عنوان مدیر منطقه ورئیس ناحیه که تحقیقاً در موقعی که وزارت آب و برق بخواد تشکیلاتی بکفیتی که در تبصره ماده ۲۲ منظور شده است ، ایجاد نماید باید دارندگان این عناوین را هم باشرايط ومقررات خاصی انتخاب نماید زیرا این اشخاص هستند که میتوانند بعنوان میانجی به بسیاری از اختلافات خاتمه دهند .

انهار بلااستفاده مترو که تلقی میگردد

ماده ۴۷

(هرنهری که در زمین دیگری جریان داشته در صورتیکه بتشخیص وزارت آب و برق پنجسال خشك وبلااستفاده مانده باشد حق مجرا ازین خواهد رفت) .
چون چنین انهاری با توجه بحقوق مکتسبه اعم از مالکیت ارتفاقی و انتفاعی سبب میشود که مالکین زمین نتوانند هیچگونه اقدامات عمرانی در سراسر زمین خود بنمایند ودرواقع بمالکیت مطلقه صاحب زمین خللی وارد میسازد زیرا وجود چنین انهاری بمنظور استفاده از آن است نه اعراض آن و عدم قدرت صاحب حق براعمال حقوق بهر حال بمدت پنج سال دال بر اعراض از حق خود تلقی میشود و در نتیجه بمالك زمین اجازه میدهد که بحق مالکیت مطلقه خود عمل نماید .

تقدم مکانی این است که شخصی در بالادست سکونت وزراعت دارد و معارض در پائین دست واقع است وبالادستی به استناد تقدم مکانی واصل الاولی فالاولی خود را ذیحق دراستفاده میداند .

تقدم مصرف این است که استفاده شخصی از آب برای مصرف زندگی شخصی و دام اهلی ضرورت حیاتی دارد - این مصرف بر مصرف صنعتی و کشاورزی وتفنی ترجیح دارد ومقدم است .

در چند فرض بالا گاهی ودر مواردی حق تقدم واولویت باهم مرادف است وشخصی ممکن است هم دارای حق تقدم باشد وهم حق اولویت و در مواردی نیز ممکن است کسی حق تقدم زمانی ومکانی هم داشته باشد ولی معارض او باوجود این حق اولویت از لحاظ مصرف داشته باشد .
مثلا کسی که در بالا دست سالها قبل از شخص معارض از آب بقدر

نیاز خود استفاده میکرده و شخص معارض درپائین دست واقع و میخواهد برای مصارف جدید مورد تقاضای خود از آب استفاده نماید - نمیتواند و حق ندارد که از آب مورد نیاز و مصرف بالادستی استفاده کند . مگر برای مصرف ضروری خانگی - و در مورد این مثال هر دو حق تقدم زمانی و مکانی برای بالادستی محفوظ است و برای مصرف کننده پائین دستی فقط حق اولویت که همانا شرب خانگی باشد ملحوظ خواهد بود .

ولی اگر پائین دستی برای شرب خانگی و دامی خود محتاج به آب باشد دراینمورد اولویت مصرف ایجاب مینماید که پائین دستی درحدود این ضرورت بهره مند گردد . در شق اول قاعده الاقدم فالاقدم رعایت میشود و در شق دوم اصل الاولی فالاولی باید مراعات و ملحوظ گردد .

در فرض دیگری ممکن است شخصی که درپائین دست قرارداد از حیث قدمت سکونت و استفاده از آب تقدم زمانی بر بالادستی داشته باشد و شخص معارض جدیداً بعلل مختلف در بالادست به ایجاد آبادی و زراعت اقدام کرده و بخواهد با استفاده از حق تقدم مکانی مزاحم زمانی پائین دستی بشود در چنین موردی چون عمل معارض مخالف حقوق مکتسبه مدنی است - تقدم زمانی ملحوظ میگردد و تقدم مکانی مناط حکم نمیتواند باشد .

اما در همین فرض هم اگر بالادستی برای شرب خانگی خود نیاز به آب داشته باشد بنا به اصل اولویت مصرف حق او در همین حدود ضروری باید رعایت گردد .

باتوضیحات فوق به این نتیجه میرسیم که در رفع اختلاف در مورد حق تقدم و اولویت و مصرف نکات دقیقی باید رعایت شود و قضیه از جهت عرف محلی و سابقه و اوضاع و احوال خاص در هر مورد شایسته توجه دقیق است و شاید بهمین جهات است که قانون گذار فیصله این نوع از اختلافات را به کدخدامنشی و رعایت عدل و انصاف و رسوم و سوابق محلی موکول نموده است .

چون سابقاً بسیاری از موسسات عمرانی چه بنگاه مستقل آبیاری و چه موسسات تابع وزارت آب و برق با چنین مشکلاتی مواجه شده اند وضع و تصویب این ماده را لازم و ضروری دانسته است .

احداث مجرای دیگر

ماده ۴۸

(در مواردیکه انهار مورد استفاده مانع از عملیات عمرانی صاحب زمین گردد صاحب زمین میتواند بجای نهر مذکور مجرای دیگری از نهر باتصویب وزارت آب و برق بصورتیکه سبب تقریب آب و یا موجب اشکال در امر آبیاری نگردد بهزینه خود احداث کند) .

غالباً دیده شده است که عبور مجرائی از ملک دیگری مالک را تقریباً از استفاده کامل از زمین محروم میکند و گاهگاهی زمین را مسلوب المنفعه مینماید مثلاً فرض کنیم کسی زمینی بقطع ۳۰۰ متر مربع داشته باشد و نهر هم مورباً از داخل این زمین رد شده باشد و مالک زمین بخواهد در این زمین تأسیساتی و یا خانه‌ای بسازد طبیعی است با وجود این نهر و با حقوق ارتفاقی که برای صاحب نهر قائل هستیم استفاده کامل برای مالک زمین مقدور نیست در اینجا وزارت آب و برق و مقنن باین فکر افتاده‌اند که مشکل این نوع افراد را بطریقی که طرفین متضرر نشوند حل نمایند و آن طریق اینست که صاحب زمین باتصویب وزارت آب و برق مجری دیگری بجای مجری اولی برای صاحب نهر بسازد تا بتواند از زمین خود طبق معمول و عرف استفاده نماید منتها باز هم در این ماده قید شده است که این مجرای ثانوی را باید صاحب زمین طوری بسازد که اولاً سبب تقریب آب نشود در ثانی در امر آبیاری هم مشکلی فراهم نسازد تا در نتیجه مانع از هرگونه ضرر و زیان نگردد .

خرید سهام اشخاص در شرکت‌های عمرانی دولتی

ماده ۴۹

(وزارت آب و برق مکلف است سهام اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر دولتی در شرکت‌های آبیاری را که قسمتی از سهام آن متعلق بدولت است در ازاء پرداخت مبلغ اسمی هر سهم خریداری نموده و این شرکتها را در سازمان‌ها یا شرکت‌های آب منطقه‌ای ادغام کند صاحبان اینگونه سهام موظف بفروش سهام مربوط بوزارت آب و برق هستند) .

ماده ۷ اصلاحی قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری اجازه تشکیل شرکت‌هایی با سرمایه مردم و بنگاه را برای انجام عملیات عمرانی بشرح مندرج در ماده میدهد .



سد انحرافی نوروزلو

(ماده ۷ - بنگاه مستقل آبیاری مجاز است برای انجام عملیات آبیاری و یا زهکشی هر نقطه شرکتهائی با سرمایه بنگاه و سرمایه مالکین تشکیل دهد ولی چنانچه پس از خاتمه عمل مالکین و یا اشخاص دیگری حاضر باشند که تمام یا قسمتی از سهام دولت را خریداری نمایند بنگاه آبیاری مجاز است طبق آئین نامه ای که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید سهام خود را بمصرف فروش برساند و مبلغ حاصله از فروش سهام را طبق ماده ششم برای امور آبیاری تخصیص دهد در خرید سهام مالکین محل که از آب استفاده میکنند حق تقدم خواهند داشت و همچنین بنگاه مستقل آبیاری میتواند سهام شرکاء دیگر را با رضایت آنها خریداری نماید بهای آب حاصل از تاسیسات آبیاری با توجه بهزینه انجام شده با سود حداکثر ۱۲ درصد بوده و توسط بنگاه آبیاری تعیین و شرکتهای یا اشخاص و یا بنگاهها بهیچوجه حق تجاوز از آن میزان را نخواهند داشت چنانچه شرکت یا اشخاص از مقررات بنگاه مستقل آبیاری تخلف نموده و یا بهاء آب تعیین شده را مراعات نمایند بنگاه آبیاری میتواند بانظر کمیسیونی مرکب از نمایندگان بنگاه مستقل آبیاری نماینده صاحبان سهام و مامور عالیرتبه قضائی محل موضوع تخلف را رسیدگی و رأی کمیسیون نسبت بجرائم قطعی است).

دراثر وجود این ماده و ماده دیگری که در اصل قانون بنگاه مستقل آبیاری بوده این مؤسسه توانست بتشکیل شرکتهای آبیاری مانند شرکت آبیاری میان آب شوشتر - شرکت کوه رنگ - شرکت آب رضائیه - شرکت آب بیرجند - شرکت بهمان - شرکت آب تبریز و شرکتهای دیگر با سرمایه خود و هدایای شاهنشاه آریامهر و بعضاً با سرمایه مردم مبادرت نماید و چون اصولاً موسسات آبیاری کمتر اتفاق میافتد که بتواند سود قابل توجهی بدهد حتی گاهگاهی نمیتواند خود نگاهدار باشد از اینرو عموم این شرکتهاسهامش در بازار آزاد رایج نبود و اساساً کسی هم باین نوع شرکتهای بعلت قلت سود علاقه نشان نمیداد و اگر بعضی افراد خیرخواه و یا صاحب همت درصدد مشارکت بدنبال سرمایه گزاری دولت بر میآمدند آنهاهم قصد انتفاع مادی نداشتند بلکه غرضشان وجود تاسیسات عمرانی در حوزه فعالیتشان بوده است و عدهای هم هدف سیاسی داشتند و بعضاً هم برای رضای خدا و استرضای وجدان

شرکت مینمودند ولی وجود این نوع اشخاص از نظر رعایت قانون بازرگانی مشکلاتی را فراهم میساخت که اکثراً این افراد در مجامع عمومی یا شرکت نمیکردند یا در واقع بعلت ضررهای پی‌درپی از حق خود اعراض مینمودند یا آنکه بعضی‌ها که قصد انتفاع داشتند سهامشان را بهزاران حبله و نیرنگ بدیگری محول مینمودند و گاهگاهی از سوءمدیریت و عدم انتفاع شکایت مینمودند در صورتیکه بهیچوجه حاضر به تکثیر سرمایه و انتخاب اشخاص مجرب نبودند و دولت هم بعلت وجود این اشخاص حاضر بتکثیر سرمایه نبود. زیرا در شرکت‌های سهامی کافی است که یکی از سرمایه‌گذاران قصد همکاری نداشته باشد در تاریخیکه وزارت آب و برق با اختیارات زیر بوجود آمد، و قانون آب تهیه و طرح گردید وزارت آب و برق باین فکر افتاد که شرکت‌های عمرانی خود را توسعه دهد تا بتواند اقدامات اساسی که مستلزم پایه‌گذاری اصول و بهره‌برداری کافی باشد اعمال نماید مانند شرکت سهامی کوهرنگ - شرکت سهامی شوشتر - شرکت سهامی بهبهان. بنابراین ماده ۴۹؛ با آنکه شاید ظاهراً بضرر شرکت‌های سهامی و آزادی کامل در تشکیل شرکت‌های عمرانی است ولی در نتیجه بنفع دستگاه‌های عمرانی و موسسات بزرگ می‌باشد گرچه قبلاً هدف وزارت آب و برق از تشکیل شرکت‌ها مشخص بود از مفاد اختیاراتی که در سال ۱۳۴۳ از مجلسین گرفته است هدف اصلی خود را در زمینه تشکیل شرکت سهامی مشخص نمود و ما عین قانون و اختیارات منبث از آن قانون را ذیلاً درج مینمائیم.

لایحه قانونی راجع بتاسیس وزارت آب و برق

مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۴

ماده ۱ - بمنظور حداکثر استفاده از منابع آب و تأمین برق کافی برای مصارف شهرها و روستاها و نیازمندیهای کشاورزی و صنعتی کشور وزارت آب و برق با تشکیلات لازم برای انجام وظائف اساسی زیر تأسیس میشود:

الف - تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مربوط بتأمین آب و انتقال آن بمرکز عمده مصرف.

ب - اداره تأسیساتی که طبق بند «الف» این ماده ایجاد میشود و بهره‌برداری از آنها .

ج - نظارت بر نحوه استفاده از منابع آب کشور .

د - نظارت بر نحوه جاری ساختن فاضل آب شهرها و واحدهای صنعتی .

ه - تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرحهای تولید و انتقال نیرو بمنظور تاسیس مراکز تولید برق منطقه‌ای و ایجاد شبکه‌های فشار قوی سراسری کشور .

و - اداره تاسیسات برق که طبق بند «ه» این ماده ایجاد میشود و بهره‌برداری از آنها .

ز - نظارت بر نحوه استفاده از نیروی برق .

ماده ۲ - سازمان آب تهران و بنگاه برق تهران و بنگاه مستقل آبیاری و سازمان برق ایران و سایر سازمانهای دولتی که برای احداث و بهره‌برداری از سدها و منابع آب و برق کشور بوجود آمده‌اند طبق اساسنامه و مقررات خاص خود اداره و بهره‌برداری خواهند شد . وظائف و اختیارات وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شهرداری تهران و سازمان برنامه در موسسات مذکور تدریجاً طبق تصویبنامه هیئت وزیران بوزارت آب و برق واگذار خواهد شد .

تغییرات لازم در اساسنامه سازمانهایی که وظائف آنها بوزارت آب و برق واگذار میشود به پیشنهاد وزارت آب و برق و تصویب هیئت وزیران بعمل خواهد آمد .

ماده ۳ - بوزارت آب و برق اجازه داده میشود که در اجرای وظائف موضوع بندهای الف و ب و ه و و ماده يك این قانون موسساتی را که طبق اصول بازرگانی اداره خواهند شد بوجود آورد .

اساسنامه موسسات مزبور از طرف وزارت آب و برق تهیه و به تصویب کمیسیونهای مربوطه مجلسین خواهد رسید .

ماده ۴ - آئین‌نامه‌های اجرایی این قانون توسط وزارت آب و برق تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۵ - دولت مامور اجرای این قانون می باشد .

اختیارات وزارت آب و برق در سال ۱۳۴۳

شماره ۱۰۶۸ - ۴۳۱۳۶

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۳/۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۸۷ - ۴۳/۱/۲۴ وزارت آب و برق و موافقت شماره ۱۸۷۴ - ۴۳/۱/۲۴ وزارت کشاورزی باستناد ماده ۲ قانون تاسیس وزارت آب و برق تصویب نمودند که بنگاه مستقل آبیاری با بودجه مربوطه و با توجه بصورت مجلس مورخ ۴۳/۱/۱۷ تنظیمی بین دو وزارتخانه مذکور منظم باین تصویبنامه به وزارت آب و برق منتقل و کلیه وظایف و اختیارات وزارت کشاورزی و وزیر کشاورزی مندرج در قوانین و مقررات مربوطه به وزارت آب و برق و وزیر آب و برق واگذار بشود .

تصویب نامه هیئت وزیران

شماره ۲۰۴۰ - ۴۳۲۲۹

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۳/۲/۹ بنا به پیشنهاد شماره ۲۰۴ - ۴۳/۲/۶ وزارت آب و برق و موافقت شماره ۱۷۴۴ - ۴۳/۲/۷ وزارت کشور و شهرداری تهران باستناد ماده ۲ قانون تاسیس وزارت آب و برق تصویب نمودند که وظائف و اختیارات وزارت کشور و شهرداری تهران و وزیر کشور و شهردار تهران در سازمان آب تهران بوزارت آب و برق و وزیر آب و برق واگذار شود .

تصویب نامه هیئت وزیران

شماره ۱۸۰۴ - ۴۳۲۲۹

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۳/۲/۹ بنا به پیشنهاد شماره ۲۰۴ - ۴۳/۲/۶ وزارت آب و برق و موافقت شماره ۱۷۴۴ - ۴۳/۲/۷ وزارت کشور و شهرداری تهران باستناد ماده ۲ قانون تاسیس وزارت آب و برق تصویب نمودند که وظایف و اختیارات وزارت کشور و شهرداری تهران

و وزیر کشور و شهردار تهران در بنگاه برق تهران بوزارت آب و برق و وزیر آب و برق واگذار شود .

تصویب نامه هیئت وزیران

شماره ۴۱۴۲ - ۴۳۳۳۶

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۳/۳/۶ بنا به پیشنهاد شماره ۴۴۱ مورخ ۴۳/۳/۶ وزارت آب و برق باستناد قسمت اخیر ماده ۳ قانون تأسیس وزارت آب و برق اساسنامه شماره ۳۰۴۸۳ مورخ ۴۱/۵/۱۸ بنگاه برق تهران را لغو و اساسنامه سازمان برق تهران را بشرح پیوست که مشتمل بر ۸ ماده و ۱۰ تبصره است بجای آن تصویب مینماید .

تصویب نامه هیئت وزیران راجع به لغو اساسنامه سازمان برق تهران

مصوب ۱۳۴۴٫۷٫۲۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۴٫۷٫۲۴ بنا به پیشنهاد شماره ۴۵۰٫۱۳۰٫۹۷۷۲ مورخ ۴۴٫۷٫۱۲ وزارت آب و برق و باستناد قسمت اخیر از ماده ۲ قانون تأسیس وزارت آب و برق تصویب نمودند که بعلت تشکیل شرکت، برق منطقه‌ای تهران اساسنامه سازمان برق تهران مصوب هیئت وزیران بشماره ۴۱۴۲ مورخ ۴۳٫۳٫۶ از این تاریخ لغو و سازمان مزبور منحل و کلیه وظایف و دارائی و تعهدات سازمان مزبور بشرکت برق منطقه‌ای تهران منتقل میگردد .

فصل پنجم

تملك و تصرف اراضی و اعیانیهای

مورد نیاز

ماده ۵۰

(هرگاه برای اجرای طرحهای عمرانی و صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی و تأسیسات اصلی و فرعی مربوطه و استفاده از منابع آبهای سطحی و زیرزمینی احتیاج اراضی و ابنیه و مستحدثات و تأسیسات و سایر حقوق متعلق باشخاص حقیقی یا حقوقی باشد و ضرورت تصرف بتصدیق وزارت آب و برق و مدیرعامل سازمان برنامه رسیده باشد وزارت آب و برق و موسسات و شرکتهای تابع میتوانند اراضی و ابنیه و مستحدثات را بشرح زیر خریداری و تصرف بنمایند و درموارد ضروری و فوری بتصویب وزیر آب و برق انجام تشریفات ارزیابی و پرداخت بهای خرید مانع تصرف و اجرای کار نیست مشروط براینکه قبل از تصرف وضع موجود وسیله کارشناس و نماینده مجری طرح مشخص و صورت مجلس شده باشد .

الف - تعیین بهای اراضی و ابنیه و مستحدثات و تأسیسات و سایر حقوق از طریق توافق بین دستگاههای اجرائی و مالکین آنها بعمل میآید و در صورت عدم توافق هیئت مرکب از وزیر آب و برق و وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مدیرعامل سازمان برنامه دادستان کل مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنها تعیین قیمت خواهند کرد و رأی هیئت قطعی است و در صورتیکه مالک یا مالکین حاضر بامضاء سند واگذاری نشوند پس از سپردن بهاء از طرف وزارت آب و برق بصندوق ثبت محل دادستان شهرستان یا نماینده او سند انتقال را از طرف مالک یا مالکین امضاء خواهد کرد .

ب - ملاک تعیین قیمت اراضی و ابنیه و مستحدثات و تأسیسات و سایر حقوق عبارت از بهای عادلانه مشابه آنها واقع در حوزه عملیات در سال قبل از تاریخ تصویب طرح مقدماتی بدون رعایت تاثیر اجرای عملیات در قیمتتها است که با استفاده از نظر کارشناس یا کارشناسان بعمل میآید .

ج - بهای املاک زروعی و باغات و قلمستانها طبق بند (ب) تعیین و بارعایت

مواد ۵ و ۶ قانون طرز تملك اراضی موردنیاز سد فرحناز پهلوی مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۴۵ بمالك و کشاورزان پرداخت خواهد شد .

تبصره ۱ - تاریخ ۲۸/۳/۱۳۳۷ مذکور در بند (ت) ماده ۵ و جمله (تاریخ تقدیم این لایحه) مندرج در ماده ۶ قانون طرز تملك اراضی موردنیاز سد فرحناز پهلوی به (سال قبل از تصویب طرح مآدماتی) تغییر داده میشود .

تبصره ۲ - در صورتیکه در اثر اجرای طرح خسارتی (بدون لزوم تصرف و خرید) باشخاص وارد آید خسارت براساس مقررات این ماده تعیین و پرداخت خواهد شد .

تبصره ۳ - در مواردیکه خسارت ناشی از نقصان آب باشد و جبران کسری آب امکان پذیر باشد بدون پرداخت خسارت تعهد تحویل کمبود آب بعد مصرف مفید خواهد شد و الا خسارت پرداخت میشود .

تبصره ۴ - اراضی واقع در خارج محدوده شهرها که در مسیر شبکه آبیاری قرار میگیرند بارعبایت حریم مورد نیاز از طرف صاحبان این اراضی بدون تشریفات و مجاناً در اختیار دولت قرار میگیرد در صورتی که در اراضی مزبور مستحذات یا اعیانی وجود داشته باشد و بر اثر اجرای طرح تأسیسات مذکور در فوق از بین برود یا خسارتی بآنها وارد شود مؤسسات دولتی مربوط باید خسارت مالك اعیانی را بترتیب مذکور در این ماده تقویم و پرداخت نماید بدون اینکه کارهای ساختمانی از جهت پرداخت خسارت متوقف شود . حریم انهار و شبکه آبیاری به پیشنهاد وزارت آب و برق بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

تبصره ۵ - در مورد اراضی که در اجرای قوانین اصلاحات ارضی بزارعین واگذار شده مفاد تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹/۱۰/۴۰ رعایت میشود .

تبصره ۶ - وزارت کشاورزی میتواند برای اجرای طرحهای توسعه کشاورزی از اختیارات این ماده و تبصره های مربوط استفاده کند و در چنین مواردی وزیر کشاورزی بجای وزیر آب و برق خواهد بود .

برای اینکه کاملاً بمفاد این ماده توجه شود بهتر است مواد و تبصره های هائی که ضمن قانون بآنها اشاره شده درج گردد تا بعداً بتاریخچه این نوع قوانین و کیفیت و ضرورت وضع آن پردازیم . ماده ۵ و ۶ قانون طرز تقویم و تملك اراضی موردنیاز سد فرحناز پهلوی (لتیان) که در بند ج ماده فوق اشاره شد بشرح زیر است :

ماده ۵ - نحوه پرداخت بهای اراضی زراعتی و باغهای میوه و قلمستان ها و بیدستانها و زمینهای مشجر و دیمزار و بایر و مستحذات بشرح زیر خواهد بود .

الف - در صورتیکه ملك متعلق باشخاصی باشد که در اثر اجرای مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی مالك شده باشند باتوجه به تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاحات ارضی پس از کسر بدهی زارع بابت بهای ملك مازاد بها بآنها پرداخت میشود .

ب - املاکی که در اجاره زارعین است هیئت ارزیابی علاوه بر تعیین بهای زمین برای پرداخت بصاحب آن حق السعی و حقوق زارغانه را تعیین خواهد نمود تا بزارعین ذیحق پرداخت گردد .

پ - حقوق زارعین اعم از حق ریشه - بهای شخم و کودوارزش زحماتی که زارع برای آبادکردن زمین مورد نیاز متحمل شده است برآورد و بزارعین پرداخت و ازبهای تعیین شده جهت مالکین کسر میشود .

ت - در مورد باغهای میوه و قلمستانها و بیدستانهایی که بعد از تاریخ ۲۸/۲/۱۳۳۷ احداث شده اند ارزیابی براساس اراضی مشابه زراعتی بترتیب مقرر در این قانون صورت خواهد گرفت ولی حقوق زارعین بند پ این ماده محاسبه و اضافه بر بهای فوق بزارعین مربوطه پرداخت خواهد شد .

ث - در صورتیکه اعیانی باغهای میوه و قلمستانها و بیدستانها و اراضی مشجر متعلق بزارع باشد و یا مالك وزارع طبق قراردادهای خاصی در اعیانی شریک و سهمیم باشند ارزش اعیانی براساس مقررات این قانون بزارع یا مالك وزارع بمیزان سهم هریك پرداخت خواهد شد .

ج - بهای کلیه ساختمانهای روستائی که طبق ماده ۳۱ قانون اصلاحات ارضی بزارعین تعلق یافته است بآنها پرداخت خواهد شد .

ماده ۶ - در صورتیکه مساحت کل زمین زارع یا باغ میوه و قلمستان و بیدستان و اراضی شهر متعلق بیک مالك در تاریخ تقدیم این لایحه از پنج هکتار بیشتر باشد (باستثنای تقسیم قهری از طریق ارث) ماخذ پرداخت بهای ملك نسبت بمازاد پنج هکتار بقرار زیر خواهد بود .

مازاد بر پنج هکتار تاده هکتار هفتاد و پنج درصد نرخ ارزیابی و ازده هکتار به بالا نسبت بمازاد شصت درصد نرخ ارزیابی مقرر در این قانون است و انتخاب پنج هکتار و ده هکتار اولیه از پرازشترین اراضی مالك بعمل خواهد آمد .

مفاد تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون آب در اصلاح تاریخ مذکور در بند ت ماده پنج و جمله تاریخ تقدیم این لایحه مندرج در ماده ۶ قانون سال قبل از تصویب طرح مقدماتی باید رعایت گردد .

بعضی از مالکین تصور میکنند مقررات فوق با اصول ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ قانون متمم قانون اساسی مغایرت دارد ولی عبارت (مگر بحکم قانون) در متن اصول مذکور و رعایت حقوق جامعه و اصلاحات متناسب با ترقیات و توسعه امور عمرانی و اجرای اصول انقلاب و توجه مقررات مذکور بر اینکه قیمت عادلانه با نظر کارشناس پرداخت شود مجالی برای این تصور باقی نمی‌گذارد .

بعلاوه اقدامات عمرانی برای تاسیسات عمومی که دولت بالضروره مکلف است معمول دارد و بنفع عامه تشخیص میدهد مشروعیت ترجیح حقوق اجتماعی را بر حقوق فردی توجیه مینماید .

آنچه در مقدمه امر بدنبال کیفیت تملك اراضی بمنظور ایجاد تاسیسات عمرانی تصویب شده است ، سوای ماده ۵۰ قانون آب قوانین دیگری است که ذیلا نقل میگردد .

این قوانین باعتبار تاریخ تصویب یکی پس از دیگری درج میگردد تا در نتیجه معلوم شود بچه کیفیت بر اساس چه نیاز عمومی امر مالکیت مطلقه در این نوع اراضی تغییر وضع داده است .

ماده ۴ قانون اجازه امتداد لوله نفت از بیجار خاله الی کنار شهر

رشت مصوب ۲۶ رمضان ۲۹ قمری

ماده ۲ - برادران نوبل برای کشیدن لوله از صاحبان املاک اراضی لازم را بعرض يك ذرع و نیز محل ابنیه چوبی و انباری را که برای اینکار لازم است با اطلاع و تصویب اولیای دولت علیه و رضایت صاحبان اراضی باسند کتبی و امضای طرفین به مهر کارگذاری برای يك مدتی که زیاده از پانزده سال نباشد اجاره خواهند کرد .

ماده ۱۹ قانون شرایط اساسی امتیاز نفت شمال بیک کمپانی معتبر و

مستقل امریکائی مصوب ۲۳ جوزا ۱۳۰۲ شمسی

ماده ۱۹ - هر قدر از اراضی غیر مزروع بایر متعلق بدولت را که مهندسین صاحب امتیاز برای ساختن تاسیسات ولوازم کار و همچنین برای بنای کارخانجات تصفیه وانبار ومخازن لازمه بجهت امتیاز لازم بدانند و برای تاسیسات دولتی طرف احتیاج نباشد از طرف دولت مجاناً بصاحب امتیاز واگذار خواهد شد راجع به اراضی مزروعی ودایره متعلقه بدولت صاحب امتیاز مقدار لازم اراضی مزبوره را بقیمت محل ونرخ معمول خریداری خواهد نمود باستثنای مقداری که برای تاسیسات دولتی لازم است همچنین دولت بصاحب امتیاز حق میدهد که هرگونه اراضی متعلق باشخاصی را که برای مقاصد فوق الذکر لازم بداند بارضایت مالکین وباشرایط مرضی الطرفین خریداری یابرای تمام مدت امتیاز اجاره نماید ودرصورت اختلاف بین مالکین اراضی وصاحب امتیاز دولت مراقبت خواهد داشت که درفروش یااجاره اراضی با رعایت خصوصیات محلی اجحاف نشود بعلاوه حقوق هر یک از اتباع ایران که از چاههای کوچک وچشمه های نفت از تاریخ تصویب امتیاز تحصیل نفت نمایند بهمان مقداریکه از آن تاریخ استفاده مینموده اند از طرف صاحب امتیاز رعایت خواهد شد . مساجد وقبرستان وزیارتگاهها وسایر اماکن متبرکه وکلیه اراضی حول وحوش آنها تافاصله ۲۵۰ متری ازاین حق خارج است مشروط براینکه اراضی که بدلائل فوق محفوظ میماند درهیچ مورد از طرف دولت برای حفر چاه بکارنرود اراضی موقوفه نیز بامساعدت دولت ورعایت مصلحت وقف بطور اجاره بصاحب امتیاز واگذار خواهد شد .

ماده ۴ قانون اعطای امتیاز نفت بشرکت نفت انگلیس وایران مصوب

۷ خرداد ۱۳۱۲

ماده ۴ - الف - هر زمین بایر متعلق بدولت که کمپانی برای عملیات خود درایران لازم بداند وازبرای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً بکمپانی واگذار خواهد شد .

طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل خواهد بود :

هروقت قطعه‌ای از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع شود باید کمپانی يك ياچندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج بارنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت مالیه ارسال بدارد .

دولت در صورتی که اعتراضی نداشته باشد متعهد میشود که در ظرف ۳ ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد .

ب - اراضی دائر متعلق بدولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقی که در جزء قبل مذکور است ازدولت تقاضا خواهد کرد ودولت ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دائر بفروش آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتیکه دولت اعتراض و احتیاجی باراضی مزبور نداشته باشد قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد قیمت مزبور باید عادلانه باشد واز قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده وهمان مصرف را داشته ودر همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید .

ج - در صورتیکه دولت در مقابل تقاضای پیش‌بینی شده در جزوهای **Alinea** الف و ب مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دوماه از تاریخ وصول تقاضای مزبور کمپانی تذکرنامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد وچنانچه بتذکرنامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد گردید .

د - اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق صاحبان اراضی مزبور ویا توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد . در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمیشود .

ه - اماکن مقدسه وابنيه تاريخی ومحل‌هاییکه جنبه تاريخی دارند وهمچنين توابع آنها تادويست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند . و - کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه‌جای دیگر واز هر زمین بائر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک وشن وآهک وسنگ وگچ ومصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده

نماید . مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکور موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارت ذوی الحقوق را بنماید .

مواد ۳ ، ۱۴ و ۱۵ قانون معادن مصوب ۱۶/۱۱/۱۷

ماده ۳ - حق استخراج معادن نفت و مواد نفتی و سنگهای قیمتی از قبیل الماس و زمرد و یاقوت و غیره و فلزات قیمتی از قبیل طلا و نقره و پلاتین و غیره منحصراً بدولت است و حقوق مالکین این معادن بموجب آئین نامه مخصوص باموافقت بین دولت و مالکین معین خواهد شد .

ماده ۱۴ - مالك هر ملكی باید زمین هائی را که از نظر بهره برداری معدن مورد احتیاج ساختمانهای فنی و غیر فنی واحداث جاده و دکویل و سیم های نقله و غیره واقع میشود به بهای عادلانه به بهره برداری بطریق فروش یا اجاره واگذار نماید و میزان آن بتصدیق کارشناسان بر طبق آئین نامه معین میشود .

ماده ۱۵ - دولت میتواند از نظر مصالح عمومی کشور اکتشاف و استخراج قسمتی یا نوعی از معادن را بخود تخصیص دهد در اینصورت باید رعایت حقوق مالك و کسانی که بر طبق این قانون حقی برای آنها در آن معادن شناخته شده باشد عملی شود .

قانون توسعه معابر مصوب اول تیر ماه ۱۳۲۰

ماده ۱ - هرگاه شهرداری ها توسعه یا اصلاح یا احداث برزن - خیابان - میدان - گذر - کوی - انهار یا قنوات را برای تسهیل آمد و شد یا زیبائی شهر و یا برای سایر نیازمندی های شهر لازم بدانند طبق مقررات این قانون رفتار خواهد شد .

تبصره - زمینهای مشجر یا مزروع و یا بیاض اطراف شهر با آنچه در آنها واقع است تا حدودی که مطابق نقشه قطعی شهرداری هر محل داخل در شهر شناخته میشود مشمول مواد این قانون خواهد بود .

نقشه شهرداری برای هر يك از شهرها از حیث وسعت و حدود شهر باید بتصویب هیئت وزیران برسد .

ماده ۲ - شهرداری مکلف است نقشه مشروح میدان یا برزن یا خیابان یا گذریاکوی را تا حدی که طبق ماده یک مورد احتیاج شهر باشد تهیه کرده و مقدار متری که از هر خانه یا مستقل یا زمین مشجر یا مزروع یا بیاض جزء شارع یا میدان خواهد شد تعیین و ارزیابی نموده پس از تصویب انجمن شهرداری و فرمانداری محل بوزارت کشور فرستاده و وزارت کشور در صورت تصویب آنرا برای اجراء بشهررداری می‌فرستد .

شهرداری با تعیین موقع اجراء نقشه که اقلا سه ماه پس از انتشار آگهی یا اخطار کتبی خواهد بود بوسیله آگهی یا اخطار کتبی بمالکین یا نمایندگان قانونی آنها و یامتولیان و متصدیان موقوفه اطلاع میدهد و در موقع ضرورت و فوریت انجمن شهرداری با تصویب وزارت کشور میتواند مدت سه ماه را باقتضای موقع و محل تقلیل دهد .

تبصره - از تاریخ انتشار آگهی مورد بحث مالکین خط توسعه خیابان و گذر و یا احداث میدان میتوانند بر نقشه شهرداری و اخواست نموده و دلائل و اخواست را بوزارت کشور بفرستند .

ماده ۳ - نسبت بانهار یا فنواتی که آب آنها تابحال بمصرف شهر میرسد ، هرگاه مالکین آنها نخواهند یا نتوانند مقدار آب هر نهر یا قنات را بمیزانی که استعداد دارد برسانند شهرداری می‌تواند با تعیین مشخصات کافی نهر یا قنات نام برده را ارزیابی نموده و پس از تصویب انجمن شهرداری و وزارت کشور بوسیله نشر آگهی و اخطار کتبی مالکین یا جانشین قانونی آنها را مطلع سازد که مطابق ماده ۴ آنرا به شهرداری بفروشند .

تبصره - طرز ابلاغ و اخطار کتبی بمالکین و نمایندگان قانونی آنها بوسیله مامورین شهرداری بنحوی است که در قانون آئین دادرسی مدنی مقرر است .

ماده ۴ - شهرداریها می‌توانند هر مقدار ملکی را که بموجب نقشه برای نیازمندیهای نامبرده در ماده یک این قانون لازم بدانند یا هر نهر یا قناتی را که برای تامین آب شهر ضروری شمارند و وزارت کشور نیز تصویب نماید پس از انجام تشریفات مذکور در ماده ۲ بیهای عادلانه خریداری نماید و مالک نیز باید آنرا واگذار کند .

شهرداری مکلف است در صورتیکه بهای مورد معامله را نقداً نپردازد قرار موعده یا قسط بدهد و در هر حال نسبت باراضی و املاک باید حداقل یکسوم از بهاراً نقداً و بقیه را از تاریخ تعیین قیمت قطعی تا یکسال بپردازد و نسبت بانهار و قنوت يك پنجم بهای مورد معامله را نقداً و بقیه را با قسط متساوی - سالیانه در مدت سه سال پرداخت نماید .

هرگاه در تعیین بهای عادلانه بین شهرداری و مالک اختلاف نظر حاصل شود طرفین هر يك يك نفر کارشناس معین مینمایند و اگر بین کارشناس های طرفین توافق حاصل نشود یک نفر کارشناس مشترك با موافقت هر دو طرف یا از راه قرعه در هیئت مذکور در ماه ۱۴ تعیین میشود و رأی اکثریت کارشناسان مناط اعتبار خواهد بود .

تبصره ۱ - مقصود از بهای عادلانه نسبت با املاک بهای زمین بیاض و یا بانضمام بنا و اشجار پیش از آگهی توسعه و خرابی است و در مورد انهار و قنوت ماخذ ارزیابی هائی است که در باره شرب باغات و اراضی زراعتی همان شهر یا مجاور آن معمول و متداول میباشد .

تبصره ۲ - هرگاه مالک در ظرف بیست روز از تاریخ اخطار کتبی شهرداری از تعیین و معرفی کارشناس اختصاصی خود خودداری نماید و یا کارشناس او بدون عذر موجه برای انجام عمل حاضر نشود در اینصورت ارزیابی که قبلاً از طرف شهرداری بعمل آمده و ابلاغ شده قطعی است و شهرداری میتواند بهمان بهاء ملک را خریداری نماید در هر حال خودداری مالک مانع انجام اجرای نقشه شهرداری نخواهد بود .

تبصره ۳ - در صورت نیازمندی بقرعه برای تعیین کارشناس مشترك مراسم قرعه کشی بدرخواست يك یا هر دو طرف در هیئت نامبرده در ماده ۱۴ این قانون بعمل خواهد آمد و هیئت نامبرده از بین سه نفر کارشناسهای رسمی بقرعه کارشناس مشترك را تعیین خواهد نمود .

ماده ۵ - نسبت بموقوفات با اطلاع و نظارت اداره اوقاف شهرداری ملک مورد نیازمندی خود را از متولی یا متصدی موقوفه خریداری خواهد نمود .

ماده ۶ - عمارت مسکونی که صاحبان آن پروانه ساختمان از شهرداری گرفته و ساخته اند هرگاه در نتیجه تصمیم شهرداری بتوسعه یا احداث

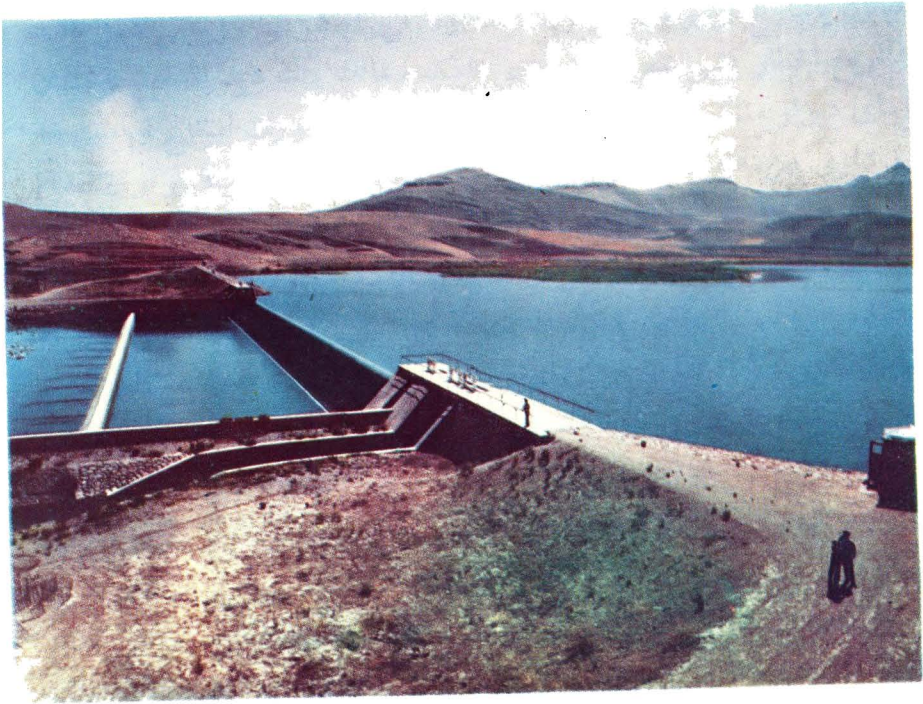
شارع یا میدان تاده سال از تاریخ صدور اجازه خراب کردن آن لازم شود بهای آنرا شهرداری نقداً میپردازد مگر اینکه مالک با قسط رضایت دهد .

ماده ۷ - در صورتیکه از ملک یا موقوفه علاوه بر آنچه جزو گذر یا میدان و سایر نیازمندیهای شهری می شود مقداری باقی بماند که با وضعیت حاضر مورد استفاده و انتفاع نبوده یا قابلیت ساختمان جدید نداشته باشد بتکلیف مالک یا متولی شهرداری باید باقی مانده را بمیزان بهای زمینی که جزو گذر شده خریداری نماید و اگر پاکیزگی و زیبایی خیابان یا گذر ایجاب نماید که جلو آن دیوار کشیده شود مالک مجاور نمیتواند از کشیدن دیوار ممانعت کند .

ماده ۸ - هرگاه بر اثر عملیات شهرداری ملکی مشرف بخیابان یا گذر شود یا ملکی که مشرف بخیابان و گذر بوده بر اثر توسعه مرغوب گردد و در نتیجه این مرغوبیت بیش از صدی ده افزایش بها حاصل کند این افزایش بوسیله کارشناس مطابق ماده ۴ ارزیابی خواهد شد و مالک ملک نامبرده مکلف است یک سوم افزایش حاصله را بشهررداری نقداً و یا بترتیب اقساط بپردازد و در صورت اخیر موعد پرداخت تمام اقساط از تاریخ قطعیت تایکسال نباید تجاوز نماید .

ماده ۹ - هرگاه در نتیجه تغییر و یا اصلاح گذر قسمتی از شارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت متعلق بشهررداری خواهد بود و هرگاه شهرداری بخواهد آن قسمت را بفروشد در خرید آن مالک مجاور که بواسطه موقوف شدن شارع ملک او عقب واقع میشود بر سایرین حق تقدم خواهد داشت و چنانچه این قسمت از زمین که از شارع بودن خارج شده کافی و قابل استفاده برای بنا نباشد مالک مجاور نامبرده مخیر است آنرا ببهای عادلانه از شهرداری خریداری نماید و یا از ملک خود باندازه ای که کافی برای رفع نقص زمین شهرداری باشد ببهای عادلانه بشهررداری بفروشد .

تبصره ۱ - خیابان و شارع مندرج در این ماده اعم است از خیابانهای که در اطراف آن ساختمان شده یا فقط عرض و طرح آن از طرف شهرداری تعیین گردیده باشد و شهرداری بیش از مقداری که برای خیابان یا میدان مورد احتیاج شهر است خریداری نخواهد نمود .



سد انحرافی شاپور اول در رودخانه مهاباد

تبصره ۲ - تعیین بهای عادلانه زمین‌های نامبرده در ماده ۷ بموجب مقررات ماده ۴ این قانون بعمل خواهد آمد و هرگاه مالک مجاور بهای تعیین شده از طرف کارشناس‌ها حاضر بخیرداری نگرديد زمین از راه مزایده فروخته خواهد شد .

ماده ۱۰ - زمین و یابناهای مخروبه واقع در داخل شهر که بطرف خیابان یا شارع و یامیدان دیوار نداشته و منافی با پاکیزگی و زیبائی شهر باشد از تاریخ اخطار کتبی شهرداری منتهی تا یکماه مالک ملک باید اقدام بساختن یابنای دیوار متناسب بادیوارهای مجاور نماید و در صورت امتناع و یا مسامحه شهرداری بهزینه مالک و یا اگر زمین نامبرده موقوفه باشد بهزینه موقوفه اقدام بدیوار سازی نموده و هزینه آنرا با اضافه ده يك دریافت خواهد داشت .

تبصره ۱ - در صورتی که صاحبان اماکن مجاور خیابان دیوارهای مشرف بخیابان را مطابق بانظامات شهرداری تعمیر نمایند شهرداری بوسیله اخطار کتبی یکماه به آنها مهلت خواهد داد و پس از انقضای مدت هرگاه مالکین تعمیر نمایند شهرداری خود اقدام بتعمیر نموده و هزینه آن را بعلاوه ده يك از مالکین دریافت خواهد نمود .

تبصره ۲ - دیوارها و اطاقهای بازار و ابنیه که در شارع و گذر عمومی دچار شکست شده و یا وضعیت خطرناکی داشته باشد شهرداری مکلف است پس از تصدیق فنی مهندس یا معمار رسمی شهرداری به مالکین آن از لحاظ حفظ جان مردم بامهلتی متناسب بارفع خطر اخطار کند که در ظرف آن مهلت اقدام بخرابی و یا در صورت اقتضاء رفع خطر نماید و هرگاه مالک استنکاف نمود شهرداری خود اقدام لازم را بعمل آورده و هزینه آنرا با اضافه ده يك از مالک دریافت خواهد نمود .

ماده ۱۱ - ساختن کف سواره‌روهای معابر از سنگ یا اسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری و ساختمان پیاده‌رو یا کوچه‌هائی که عرض آنها از ۷ متر کمتر و قابلیت پیاده‌روسازی ندارند بامالکین مجاور یا نمایندگان قانونی آنها خواهد بود .

تبصره ۱ - در هر خیابان که شهرداری دست بکار کف‌سازی سواره‌رو بشود ساختمان پیاده‌روهای آن خیابان و همچنین کف‌سازی کوچه‌های متصل

به آن خیابان طبق دستور شهرداری برای مالکین مجاور یا نمایندگان قانونی آنها اجباری است .

تبصره ۲ - مالکین مشمول تبصره ۱ این ماده هرگاه با وجود اخطار کتبی یک ماهه شهرداری نخواهند یا نتوانند اقدام بکف سازی پیاده رو یا کوچه سهمی خود نمایند شهرداری اقدام بکف سازی نموده هزینه آنرا باده یک اضافه از مالکین دریافت خواهد داشت . اشخاص غیر متمکن از پرداخت ده یک اضافه معاف خواهند بود .

برای پرداخت طلب شهرداری چنانچه از طرف مالکین غیر متمکن تقاضای قرار اقساط بشود شهرداری تقاضای آنها را پذیرفته طلب خود را با قسطی که حداکثر از یکسال تجاوز نمی کند دریافت خواهد داشت .

هرگاه نسبت بتشخیص تمکن یا عدم تمکن و همچنین نسبت بمبلغ ومدت اقساط که در هر حال از یکسال بیشتر نخواهد بود بین شهرداری ومالك تراضی نشود هیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ این قانون بشکایت هر طرفیکه مراجعه کرده است رسیدگی نموده و رأی خواهد داد و رأی هیئت قطعی است .

ماده ۱۲ - کسانی که بر اثر اجرای مواد ۱۱ و ۱۰ بشهرداری بدهکار می شوند مکلف هستند بدهی خود را منتهی بیست روز بعد از اخطار شهرداری بپردازند و اشخاص نامبرده هرگونه اعتراضی نسبت به بدهی خود داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند هیئت نامبرده مکلف است بدادخواست شاکی رسیدگی کرده و رای قطعی خود را راجع بمیزان بدهی وموعده پرداخت صادر نموده بطرفین ابلاغ نماید کسی که بموجب رأی هیئت بدهکار شناخته شد مکلف است بدهی خود را بترتیبی که هیئت مقرر داشته بپردازد و در صورت تاخیر صدی سه در ماه باید جریمه بپردازد و چنانچه این دیرکرد از ششماه تجاوز نماید شهرداری میتواند طلب خود را با زیان دیرکرد براساس مقررات اسناد لازم الاجرا مطابق آئین نامه ویژه که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید مستقلا وصول نماید .

ماده ۱۳ - نسبت باختلافاتی که بین شهرداری ومالكین نسبت بکار - های ارزیابی تاکنون حل نشده بنحوزیر عمل میشود اگر مالك یا شهرداری

تا تاریخ اجرای این قانون بدادگاه مراجعه ننموده‌اند مطابق مقررات قانونی رسیدگی میشود و دادگاه بهای زمین را به‌بهای پیش از توسعه و خرابی تعیین نموده و حق تصرف و مرغوبیت را که در اثر اقدامات شهرداری حاصل شده بدون احتیاج بتقدیم دادخواست جداگانه بصرف درخواست شهرداری مطابق مقررات این قانون رسیدگی نموده مورد حکم قرار میدهد اگر تا تاریخ اجرای این قانون شهرداری یا صاحبان زمین هنوز بدادگاه مراجعه نکرده‌اند مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد .

ماده ۱۴ - مرجع حل اختلافاتی که ممکن است در اجرای مقررات این قانون بین شهرداری و اشخاص حاصل شود هیئت سه نفری خواهد بود مرکب از یک نفر نماینده انجمن شهرداری که برای مخفی از طرف انجمن انتخاب میشود یک نفر دادرس از طرف وزارت دادگستری و یک نفر از طرف وزارت کشور و رأی هیئت نامبرده باکثرت قاطع و غیر قابل واخواهی خواهد بود .

تبصره - ترتیب حضور کارمندان هیئت و انتخاب جانشین آنها در صورت غیبت یا استعفاء و همچنین طرز تشکیل و رسیدگی هیئت بوسیله آئین نامه معین خواهد شد .

ماده ۱۵ - آئین نامه های وابسته باین قانون پس از تصویب هیئت - وزیران بموقع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۱۶ - وزارت کشور و وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میباشند .

ماده ۱۷ - این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود و قانون توسعه معابر مصوب آبان ماه ۱۳۱۲ لغو میگردد .

ماده ۵ لایحه قانونی بر نامه دوم

هرگاه برای اجرای عملیات عمرانی و نیازمندیهای عمومی احتیاج به استملاك اراضی (اعم از دائر و بائر) و ابنیه و تأسیسات پیدا شود بطریق زیر عمل خواهد شد .

الف - تشخیص عملیات عمرانی و نیازمندیهای عمومی (مگر در مواردی که قانون مشخص نموده یا خواهد نمود) و حدود اراضی مورد

استملاك و قيمت بوسيله هيئتي مركب از دادستان كل - وزير كشور - مدير كل ثبت يا نمايندگان آنها بر مبنای نظر كارشناسان فني بعمل خواهد آمد و رأی قطعی است .

ب - بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات مورد استملاك اعم از اینكه متعلق بدولت یا اشخاص باشد بطریق زیر تعیین خواهد شد .

۱ - ملك تعیین قيمت بهای عادلۀ اراضی و ابنیه و تأسیسات مشابه واقع در حوزه عملیات در سال قبل از اعلام شروع عملیات بدون در نظر گرفتن منظور از استملاك و تأثیر اجرای عملیات عمرانی در قیمتها خواهد بود .

۲ - در مورد استملاك اراضی و ابنیه و تأسیسات غیر دولتی پنج در صد علاوه بر قيمت عادلانه بمالك پرداخت خواهد شد هر گاه مالك در محل ساكن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد دیگر بقیمت عادلۀ افزوده خواهد شد و هر گاه ممرعاشه او منحصر به درآمد آن ملك باشد ده درصد قيمت عادلانه نیز از این بابت به او پرداخت خواهد گردید .

بصره - در مورد رعایا و خوش نشینان دهات ده درصد بهای ملك استملاك شده بعنوان حق كوچ بوسيله شورای محلی بین آنها سرانه تقسیم خواهد شد .

۳ - در صورتیكه تاریخ تصرف با تاریخ اعلام استملاك ملك بیش از يكسال فاصله داشته باشد نسبت به هر سال فاصله پنج درصد قيمت عادلانه افزوده خواهد شد مشروط بر اینكه جمعاً از قيمت عادلۀ روز تجاوز ننماید . فاصله ایكه كمتر از شش ماه تمام یا بیش از آن باشد در حكم يكسال خواهد بود .
ج - تصرف اراضی و ابنیه قبل از پرداخت تمام قيمت مجاز نیست مگر با تراضی فروشنده .

د - در صورتیكه مالك با انتقال ملك و تحویل آن رضایت ندهد دادستان محل بنمایندهگی از طرف او سند انتقال ملك مورد نظر را پس از تودیع تمام قيمت به صندوق ثبت امضاء و در مدت سه ماه بتخلیه قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

ه - آئين نامه طرز اجرای این ماده بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

ماده ۲ لایحه قانونی واگذاری بعضی مزایای قانونی شرکت سهامی

نفت ایران مصوب ۳۰ مهر ۳۱

ماده ۲ - اراضی متعلق بدولت که جهت عملیات شرکت لازم باشد مجاناً و بلاعوض شرکت واگذار میشود اراضی متعلق باشخاصی که مورد احتیاج شرکت باشد بتراضی طرفین بقیمت عادله خریداری و بشرکت منتقل میشود در صورتیکه ملك زمین بقیمت پیشنهادی شرکت تسلیم نشود دادگاه شهرستان محل بنابتقاضای شرکت در ظرف سی روز از تاریخ تقاضا دستور تصرف اراضی مورد تقاضا را بنفع شرکت صادر خواهد نمود و مالك زمین میتواند برای تعیین بهای اراضی خود از طریق داوری طبق قانون آئین دادرسی مدنی بدادگاه شهرستان محل مراجعه نماید .

هیئت داوری قیمت عادله را در نظر گرفته رأی صادر مینماید .

مقصود از قیمت عادله قیمتی معادل با قیمت زمین مشابه در مجاورت اراضی مورد احتیاج شرکت بوده و در آن منظوری که شرکت از خرید دارد نباید در نظر گرفته شود . ترتیب مراجعه بدادگاه ودستور دادگاه مبنی بر تصرف شرکت و مراجعه مالك بدادگاه طبق آئین نامه مخصوصی که وزارت دادگستری وسازمان برنامه تنظیم وبه تصویب هیئت وزیران خواهد رسید تعیین خواهد شد .

ماده ۱۱ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۳۱/۹/۵

ماده ۱۱ - هرگاه زمینی برای انجام عملیات مربوط بامور نفت مورد احتیاج شرکت واقع شود بترتیب ذیل عمل خواهد شد .

الف - در صورتیکه زمینی اعم از دائر و بائر متعلق بدولت باشد بر حسب پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب هیئت وزیران مجاناً بشرکت واگذار میشود شرکت ضمن تقاضای خود نقشه کاملی از زمین مورد احتیاج را ارسال میدارد . در صورتیکه رفع احتیاج شرکت از زمین مزبور بشود حق انتقال بغير ندارد و باید آن را بدولت مسترد کند .

ب - در صورتیکه زمین متعلق باشخاص باشد صاحبان اراضی باید اراضی را بشرکت واگذارکنند و شرکت منتها در مدت سه ماه بهای آن را

پردازد در صورت عدم توافق نسبت بقیمت تعیین قیمت بوسیله رئیس دادگاه شهرستان و دادستان و فرماندار محل با توجه بقیمت اراضی مشابه و بدون در نظر گرفتن منابع نفتی تحت الارضی و یا نوع مصرفی که شرکت در نظر دارد بعمل میآید .

ج - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محل‌هاییکه جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دویست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند .
د - شرکت میتواند در حوزه عملیات و برای مصارف خود در اراضی بایر متعلق بدولت از هر نوع خاك و شن و آهك و سنگ و گچ و مصالح ساختمانی دیگر و معادن مورد نیاز مجاناً استفاده نماید اگر عمل شرکت برای استفاده از مواد مذکوره در این بند موجب ضرر شخص ثالثی گردد شرکت باید جبران خسارت را بنماید ولی در هر صورت شخص ثالث نمیتواند مانع عملیات شرکت بشود .

ماده ۱۷ لایحه قانونی معادن مصوب ۳/۱۰/۳۱

ماده ۱۷ - مالك هر ملكی باید زمین‌ها و مستحدثاتی را که از نظر بهره‌برداری برای ساختمان فنی و غیر فنی و احداث جاده و دکویل و سیمهای نقاله و غیره مورد احتیاج باشد بمیزان عادلانه در مقابل دریافت اجاره بها یا قیمت آن به بهره‌بردار واگذار و منتقل نماید .

چنانچه در مساحت اراضی و مستحدثاتی که مورد احتیاج بهره‌بردار است و یا اینکه بایستی رقبات مزبور باجاره یا بمالکیت باو واگذار شود اختلافی روی دهد بهره‌بردار باید بشورای عالی معادن مراجعه کند و رأی شورای مذکور از حیث ضروری بودن اراضی و مستحدثات با ذکر مساحت و تعیین مشخصات برای استخراج و همچنین از حیث اینکه ملك مزبور باید باجاره داده شود یا بمالکیت بهره‌بردار درآید برای طرفین قطعی و لازم الاجرا است هرگاه از حیث بها یا میزان اجاره بهای اراضی و مستحدثات در آن اختلاف شود دادگاه شهرستان محل بتقاضای استخراج‌کننده در ظرف ۳۰ روز از تاریخ تقاضا دستور تصرف اراضی مورد تقاضا را بشرط پرداخت یا تمهید پرداخت بها باجاره بهای تعیین شده بفتح استخراج‌کننده صادر خواهد کرد .

مالك زمين ميتواند براي تعيين قطعي ميزان اجاره بها يا بهاي اراضي و مستحداثات خود از طريق داوري طبق آئين دادرسي مدني بدادگاه شهرستان محل مراجعه نمايد هيئت داوري در ظرف دو ماه از تاريخ رجوع و خارج از نوبت قيمت عايله اجاره بها يا بهاي زمينها و مستحداثات را در نظر گرفته رآي صادر ميكند .

مقصود از اجاره بهاي عادلانه يا قيمت عادلانه زمين وجهي است معادل اجاره بهاي املاك مشابه يا بهاي زمينهاييكه در مجاورت زمين هاي مورد نياز بهره بردار مي باشد و منظوريكه بهره بردار از خريد يا اجاره دارد مطلقاً در نظر گرفته نميشود .

تبصره ۱ - كاشف و يا بهره بردار مجاز نيستند بقنوات دائر آسيب برسانند .

تبصره ۲ - سازمانها و شرکتهاي معدني دولتي مشمول اين ماده ميشانند .

ماده ۱۰ اساسنامه شرکتي ملي نفت ايران مصوب ۲۵/۱۰/۳۳

ماده ۱۰ - هرگاه زميني براي انجام عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شرکتي واقع شود بترتيب زير عمل خواهد شد .

الف - در صورتيكه زمين مورد احتياج باير و متعلق بدولت باشد برحسب پيشنهاد هيئت مديره و تصويب هيئت وزيران مجاناً بشرکتي واگذار ميشود . در مورد زمينهاي داير بهاي عادلانه آن بايد از طرف شرکتي بدولت پرداخت شود و در صورتيكه احتياج شرکتي از زميني كه مجاناً از دولت تحصيل نموده است رفع شود حق انتقال آنرا بغير ندارد بلكه بايد آنرا بلاعوض بدولت مسترد كند ولي در مورد زميني كه خريداري نموده باشد شرکتي در فروش آن بغير آزاد است منتها در اين موارد مالك اول زمين با تساوي شرائط حق تقدم در خريد ملك خواهد داشت .

ب - نسبت به زمين هائي كه از لحاظ عمليات اكتشاف و استخراج و تصفيه و سنجش مورد احتياج شرکتي بوده و متعلق باشخاصي باشد بايد آن زمين ها را در ازاي دريافت بهاي عادلانه آن بشرکتي واگذار نمايد چنانچه

مالك يا مالکين زمين از فروش استنکاف نمايند دادگاه شهرستان محل بدرخواست شرکت در ظرف دوهفته از تاريخ درخواست مزبور سه نفر کارشناس مرضی الطرفین و يا در صورت عدم تراضی طرفین بقید قرعه تعيين خواهد نمود .

کارشناسان مزبور حداکثر تا دوهفته پس از تاريخ انتخاب بهای عادلۀ زمين مورد تقاضا را باکثريت آراء براساس بهای اراضی مشابه و مجاور بدون در نظر گرفتن منابع نفتی و يا نوع استفاده ای که منظور شرکت میباشد بهای روز درخواست شرکت تعيين و به دادگاه اعلام خواهند نمود و دادگاه براساس نظریه کارشناسان بهای عادلۀ را در حکم خود معين خواهند کرد چنانچه یکی از طرفین بقیمت معينه مزبور معترض باشد دادگاه در قبال تودیع بهای معينه اجازه تصرف زمين را بنام شرکت صادر خواهد کرد و پس از آن طرف معترض ميتواند نسبت به حکم دادگاه درخواست پژوهش نمايد .

ج - در مورد زمين های مجهول المالك و يا زمين هائیکه دست رسی بمالك آن غير مقدور باشد و همچنين در مورد زمين هائیکه مالکيت آن مورد اختلاف و يا تشریفات ثبتی آن انجام نیافته باشد با نظر دادستان محل يا متصرفین وقت بهای آن از طرف دادگاه بنحوی که در قسمت اول بند ب قيد گردیده تعيين میشود و پس از تودیع بها ملک مزبور بتصرف شرکت در می آيد . در صورتیکه مالك تعيين گردید و يا اختلاف ثبت رفع شد چنانچه مالك يا مالکين به بهای تودیع شده تسليم بشوند طبق قسمت اخير بند ب عمل خواهد شد .

د - تحصيل حقوق ارتفاقی نسبت باراضی و استفاده از آب در صورت عدم رضایت مالك تابع تشریفات فوق میباشد .

مواد ۱۱ و ۱۲ قانون اصلاح قانون تأسيس بنگاه آبیاری

مصوب ۳۴/۵/۱۱

ماده یازدهم - هرگاه بنگاه مستقل آبیاری برای اجرای عملیات عمرانی و نیازمندیهای عمومی باستملاك اراضی (اعم از دائر و بائر) و ابنیه

و تأسیسات احتیاج پیدا کند بطریق زیر عمل خواهد کرد .
الف - قبل از هرگونه تصرفی بنگاه مستقل آبیاری نقشه محل واینه و تأسیسات مورد نظر را با قید حدود مشخص و مساحت تقریبی مورد نیاز تهیه خواهد نمود و با ذکر دلایل احتیاج باستملاك در دسترس هیئت مذکور در بند (ب) این ماده خواهد گذاشت .

ب - تشخیص عملیات عمرانی و نیازمندیهای عمومی (مگر در مواردی که قانون مشخص نموده یا خواهد نمود و حدود اراضی مورد استملاك و قیمت بوسیله هیئتی مرکب از دادستان کل - وزیرکشور - وزیرکشاورزی - مدیرکل ثبت و نماینده مالك یا نماینده اکثریت مالکین (که باید از تاریخ رؤیت اخطار در ظرف یکماه تعیین و کتباً بهیئت نامبرده معرفی شوند و الا نماینده مالکین محل از طرف استاندار تعیین خواهد شد) و یا نمایندگان آنها بر مبنای نظر کارشناسان فنی بعمل خواهد آمد و رأی هیئت قطعی است .

ج - بهای اراضی و اینه و تأسیسات مورد استملاك اعم از اینکه متعلق بدولت یا اشخاص باشد بطریق زیر تعیین خواهد شد .

۱ - ملك تعیین قیمت بهای عادلانه اراضی و اینه و تأسیسات مشابه واقع در حوزه عملیات در سال قبل از اعلام شروع عملیات و بدون در نظر گرفتن منظور از استملاك و تأثیر اجرای عملیات در قیمتتها خواهد بود .

۲ - در مورد استملاك اراضی و اینه و تأسیسات غیردولتی پنج درصد علاوه بر قیمت بمالك پرداخت خواهد شد هرگاه مالك در محل ساکن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد دیگر بقیمت افزوده خواهد شد و هرگاه ممر اعاشه او منحصر بدرآمد آن ملك باشد ده درصد قیمت نیز از این بابت باو پرداخت خواهد گردید .

تبصره - در مورد کشاورزان و خوش نشینان دهات ده درصد بهای كل املاك استملاك شده در آن ده اضافه بر قیمت بعنوان حق کوچ بوسیله شورای محلی بین آنها سرانه تقسیم خواهد شد .

۳ - در صورتیکه تاریخ تصرف با تاریخ اعلام استملاك ملك بیش از یکسال فاصله داشته باشد نسبت به رسال فاصله پنج درصد بقیمت افزوده خواهد شد مشروط بر اینکه جمعا از قیمت عادلانه روز تجاوز ننماید .

مدت کمتر از شش ماه تمام بحساب نخواهد آمد و مدتی که ششماه تمام یا بیش از آن باشد در حکم یکسال خواهد بود .

د - تصرف اراضی وابنيه قبل از پرداخت تمام قیمت مجاز نیست مگر با رضایت فروشنده .

ه - در صورتیکه پس از انجام تشریفات مندرج در این ماده مالك با انتقال ملك و تحویل آن رضایت ندهد دادستان محل نمایندگی از طرف او سند انتقال ملك مورد نظر را پس از تودیع تمام قیمت ملك در صندوق ثبت امضاء و در مدت سه ماه بتخلیه و تصرف قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

و - آئین نامه طرز اجرای این ماده بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

ماده دوازدهم - مالکین اراضی واقع در زیر دست تاسیسات آبیاری که اراضی آنها بتشخیص بنگاه مستقل آبیاری باید از تاسیسات مزبور مشروب شود مکلفند پس از اتمام عملیات آبیاری و اخطار بنگاه مزبور در ظرف سه تا پنج سال بتدریج باتوجه بآیش بندی کلیه آن اراضی را آبیاری کند والا بنگاه مستقل آبیاری پس از اخطار در رأس سال سوم و اوقضاء سال پنجم حق دارد اراضی مزبور را تملك و بهای آنرا بنرخ عادله یکسال قبل از شروع عملیات ساختمانی آبیاری بمالك پردازد در صورت بروز اختلاف در قیمت زمین طبق ماده ۱۱ عمل خواهد شد .

ماده ۱۶ قانون برنامه عمرانی هفت ساله دوم مصوب

۸ اسفند ۳۴

هرگاه برای اجرای عملیات عمرانی و نیازمندیهای عمومی احتیاج بخريد اراضی (اعم از دائر و بائر) وابنيه و تاسیسات پیدا شود بطریق زیر عمل خواهد شد .

الف - تشخیص اینکه عملیات مورد نظر عمرانی و جزء نیازمندیهای عمومی است (مگر در مواردیکه قانون مشخص نموده یا خواهد نمود) و حدود

اراضی مورد خرید و قیمت بوسیله هیاتی مرکب از دادستان کل - وزیر کشور - مدیر کل ثبت یا نمایندگان آنها بر مبنای نظر کارشناسان فنی بعمل خواهد آمد و رأی هیات قطعی است .

کارشناسان فنی سه نفر خواهند بود که یک نفر از طرف هیات فوق و نفر دوم از طرف مالک اراضی و ابنیه و تأسیسات و نفر سوم بر رأی دو نفر کارشناس مزبور انتخاب خواهد شد چنانچه بین دو نفر کارشناس اول در انتخاب کارشناس سوم تراضی حاصل نشود بر رأی دادستان کل انتخاب خواهد شد .

ب - بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات مورد خرید اعم از اینکه متعلق بدولت یا اشخاص باشد بطریق زیر تعیین خواهد شد .

۱ - ملاک تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تأسیسات مشابه واقع در حوزه عملیات در سال قبل از اعلام شروع عملیات و بدون در نظر گرفتن منظور از خرید و تأثیر اجرای عملیات عمرانی در قیمت ها خواهد بود .

۲ - در مورد خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات غیر دولتی پنج درصد علاوه بر قیمت عادلانه بمالک پرداخت خواهد شد و هرگاه ممر اعاشه او منحصر بدرآمد آن ملک باشد پانزده درصد قیمت عادلانه نیز از این بابت باو پرداخت خواهد گردید .

بصره - در مورد املاک مزروعی علاوه بر قیمت ملک که بمالک پرداخت میشود پانزده درصد آن بین زارعین و خوش نشینان محل که از آنجا کوچ مینمایند بوسیله شورای محل تقسیم خواهد شد .

۳ - در صورتیکه تاریخ تصرف با تاریخ اعلام خرید ملک بیش از یکسال فاصله داشته باشد نسبت بهر سال فاصله پنج درصد بقیمت عادلانه افزوده خواهد شد مشروط بر اینکه جمعاً از قیمت عادلانه روز تجاوز ننماید . فاصله کمتر از شش ماه تمام بحساب نخواهد آمد و فاصله ای که ششماه تمام یا بیش از آن باشد در حکم یکسال خواهد بود .

تاریخ تصرف با تاریخ اعلام خرید در هر سال نباید بیش از سه سال فاصله داشته باشد .

ج - تصرف اراضی و ابنیه و تأسیسات قبل از پرداخت تمام قیمت مجاز نیست مگر براضایت فروشنده و نسبت بمالک موقوفه ای که فروش آنها مجاز

نیست بطریق اجاره طویل‌المدت استفاده خواهد شد .

د - در صورتیکه مالک با انتقال ملک و تحویل آن رضایت ندهد دادستان محل از طرف او سند انتقال ملک مورد نظر را پس از تودیع تمام قیمت در صندوق ثبت امضاء و در مدت سه ماه بتخلیه قطعی ملک مذکور اقدام مینماید .

ه - تهیه آئین‌نامه طرز اجرای این ماده به پیشنهاد دولت و کمیسیون مشترك برنامه مجلسین خواهد بود .

قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۳۵

ماده واحده ۱- هرگاه دولت یا شهرداری تشخیص دهد که در تهران و اطراف آن از میدان سپه تا شعاع صد کیلومتر از هر سمت از طرف افراد یا اشخاص حقوقی نسبت به اراضی متعلق بدولت که در دفتر رقبات ثبت است و اراضی شهرداری و نیز اراضی اوقاف و اراضی متعلق ببنای کشاورزی یا بانک ساختمانی و مسیله‌ها و تپه‌ها و اراضی موات و اراضی بائربلا مالک تجاوز شده و بدون داشتن حق آن اراضی و یا مسیله‌ها و تپه‌های موات و یا اراضی بائربلا مالک را ثبت کرده‌اند و بر اثر انقضای مدت اعتراض و یا بعلت صدور سند مالکیت بنام متجاوز و یا ایادی متلقای آنها طرح دعوی در مراجع صلاحیت‌دار ممکن نیست بتقاضای دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف و یا بانکهای کشاورزی و ساختمانی و یا دادستان شهرستان موضوع در هیئتی مرکب از :

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل و یکی از رؤسای شعب دیوان کشور به انتخاب رئیس دیوان عالی کشور و رئیس کل دادگاههای استان مرکز و مدیر کل بازرسی کشور در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون (در کمیسیون دادگستری مشترك مجلسین) طرح خواهد شد .

هیئت مزبور با مراجعه بسوابق و پرونده‌ها و تحقیقاتی که برای رسیدگی لازم بداند در صورتی که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف یا بانکهای مذکور فوق و اراضی و مسیله‌ها و تپه‌های موات نامبرده را احراز کند به ترتیب ذیل عمل خواهد کرد .

الف - هرگاه متقاضی ثبت اراضی یا متجاوز اصلی اراضی و مسیله‌ها و تپه‌های مذکور را بدیگری منتقل نکرده باشد رأی پرداخت اعلی‌القیم‌بهای اراضی مذکور از تاریخ تجاوز تا تصویب اینقانون خواهد داد .

ب - هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی در اراضی و تپه‌های مذکور و مسیله‌ها تا تاریخ تصویب این قانون احداث ساختمان نموده باشد در آنصورت هیئت بادر نظر گرفتن قوانین احیاء اراضی موات رأی به پرداخت قیمت فعلی زمین در تاریخ تصویب این قانون خواهد داد .

ج - هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیله‌ها و تپه‌های مذکور را بدیگری منتقل کرده باشد هیئت رأی به پرداخت قیمت اراضی و مسیله‌ها و تپه‌های مذکور طبق قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد که قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی بوده که در آنصورت رأی پرداخت قیمت واقعی بتشخیص یکی از رؤسای بانکهای کشاورزی یارهنی یا ساختمانی در غیر مورد مربوط بادعای خودشان خواهد داد رأی این هیئت نسبت بموارد فوق قطعی و لازم‌الاجرا است حقوق دولت یا شهرداری یا بانکها یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارائی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم - الاجراء استیفا خواهد شد و اگر اراضی مورد تجاوز تمام یا قسمتی از آن در تصرف متجاوز باقی مانده باشد و پیشنهاد تسلیم عین زمینی را در قبال قیمتی که هیئت تعیین کرده بنماید قبول میشود .

د - اقدام بعملیات اجرائی بتقاضای دولت و یا شهرداری و بانکهای کشاورزی و ساختمانی و دادستان شهرستان تهران توسط اجرای دادگستری زیر نظر رئیس هیئت رسیدگی انجام خواهد شد .

ه - وجوه اراضی حاصل از اجرای بند اول ماده واحده باستثنای وجوه و اراضی متعلق بشهرداری و بانک کشاورزی و موقوفات بعنوان سرمایه در اختیار بانک ساختمانی قرار خواهد گرفت .

و - وزیر دادگستری مکلف است هر سه ماه یکبار گزارش کامل اقدامات هیئت رسیدگی مذکور را بکمسیون مشترك قوانین دادگستری تسلیم نماید .

ز - نقل و اتقالاتی که از تاریخ تقدیم این لایحه بمجلس سنا تا خاتمه

رسیدگی هیئت مذکور توسط متجاوزین و ایادی متلقای آنها بهر عنوان بعمل آمده باشد معتبر نخواهد بود .

ح - اشخاصی که طبق مقررات بنداول ماده واحده محکوم پرداخت مبلغی میشوند در صورتیکه تاده روز از تاریخ صدور رأی حاضر پرداخت محکوم به نشوند توقیف میشوند مدت توقیف این اشخاص مجموعاً از پنجسال تجاوز نخواهد کرد و عرض حال اعسار از آنها پذیرفته نمیشود .

۲ - برای خاتمه دادن به اختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون تقاضای ثبت ملکی را کرده اند و نسبت به تقاضای ثبت آنان اعتراضی در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراضی شده منجر بصدور حکم قطعی گردیده و یادارندگان سند اراضی شهر تهران از یکطرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف میباشند از طرف دیگر مقرر میگردد هیاتی مرکب از :

معاون اول دادستان کل و رئیس دادگاههای شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت باختلافات مزبور با توجه باوضاع واحوال واستطاعت هر یک از طرفین بطور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رأی پرداخت بهای عادلانه اراضی متصرفی حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رأی هیات توسط متصرفین بمالکین میدهد و یا بتقاضای مالکین ضمن صدور رأی پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب این قانون از طرف مالک بمتصرف رأی بخلع ید از متصرف نیز خواهد داد این حکم قطعی و غیر قابل اعتراض است .

الف - متصرفین اعیانی های فوق باید شخصاً ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتیکه بخواهند از مقررات این قانون استفاده نمایند منتهی ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود را باید در قبال اخذ رسید بدفتر دادگاه شهرستان تهران تسلیم دارند والا بتقاضای مالک طبق قسمت اخیر بند ۲ اقدام خواهد شد .

تبصره - مهلت مقرر در شق الف از بند دو ماده واحده فوق تا آخر فروردین ماه ۱۳۳۶ تمدید و حدود صلاحیت هیات ۳ نفری از میدان سپه تا شعاع ده کیلومتر تعیین میشود و نسبت باختلافاتی که تا قبل از وضع این قانون در دادگاههای تهران مطرح بوده اعم از اینکه حکم صادر نشده باشد یا صادر

شده ولی تا این تاریخ بهرجهتی از جهات اجزاء آن متعذر بوده در هیات ۳ نفری رسیدگی خواهد گردید .

ب - اراضی موضوع بند ۲ این قانون وقتی بملکیت قطعی متصرفین فعلی در خواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند
ج - اشخاصی که پس از تاریخ تسلیم لایحه اراضی موات از طرف دولت بمجلس سنا بتصرف و یاغصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات بند ۲ این قانون استفاده نمی کنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالك بازهم بتصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول بند ۴ ماده واحده خواهند بود .

۳ - در شهرستانهایی که وزارت دادگستری اجرای مقررات این قانون را لازم بداند میتواند طبق مقررات خاصی که از تصویب کمیسیون مشترك قوانین دادگستری مجلسین خواهد گذشت اقدام نماید .

۴ - اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون نسبت باراضی دولت یا بانکهای دولتی یا اوقاف یا شهرداری و یا اراضی موات بدون رعایت قوانین احیاء اراضی موات یا مردم (یا شکایت مدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند راساً از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها بمجازات از دوماه تا ششماه حبس محکوم خواهند شد .

۵ - در رسیدگی هیاتهای مذکور در این قانون رعایت تشریفات آئین دادرسی ضروری نیست و تصمیمات آنها با اکثریت آراء معتبر خواهد بود.
۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است .

بموجب قانون اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری پس از تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین لایحه قانونی مربوط باراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مشتمل بر ماده واحده که در جلسه ۸ شهریور ۱۳۳۵ به تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین رسیده موقتاً قابل اجرا میباشد .

قانون راجع باراضی دولت و شهرداریها و اوقاف در استان خوزستان و

شهرستانهای مشهد و قم

مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۳۵ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین .

ماده ۱ - مقررات بند يك از قانون راجع بتجاوز افراد نسبت باراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و غیره مصوب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین در مشهد ازفلکه دورییوت متبرکه آستان قدس رضوی (ع) تاشعاع صدکیلومتر اطراف آن ودرقم از میدان آستانه تاشعاع پنجاه کیلومتر ودرشهر های آبادان ، خرمشهر ، اهواز ، بندر معشور ، سوسنگرد ، شهرک شوش ، رامهرمز ، شوشتر ، دزفول ، شادکان وبهبهان ازمرکز هریک از شهرستانهای مزبور تاشعاع ۶۰ کیلومتر اطراف آن قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۲ - هیات مامور رسیدگی درمشهد و شهرهای خوزستان مرکب خواهدبود از رئیس دادگاه استان - دادستان استان و رئیس دادگاه شهرستان و هیات مامور رسیدگی اراضی قم همان هیات رسیدگی اراضی تهران که در لایحه قانونی فوق الذکر پیش بینی شده خواهد بود .

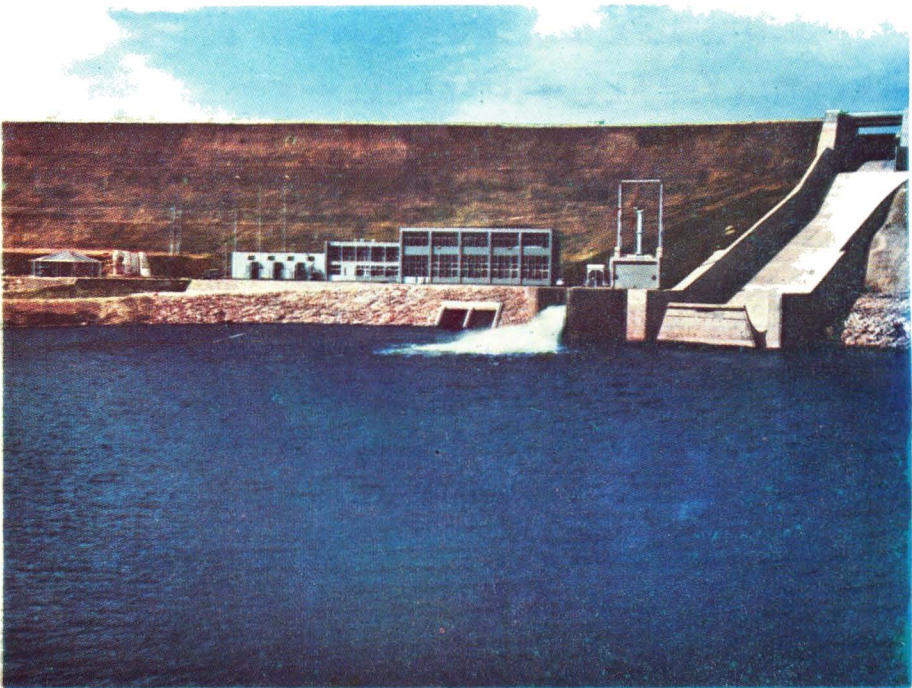
تبصره - نسبت باراضی خوزستان که بموجب قانون مصوب ۱۶ فروردین ماه ۱۳۱۴ باشخاص برای آبادانی واگذار شده اگر تااین تاریخ آباد نشده باشد بملکیت دولت بازگشت میشود .

ماده ۳ - وزارت دادگستری مامور اجرای اینقانون خواهد بود .

قانون راجع باراضی دولت و شهرداری در شهر اصفهان

مصوب ۲۱ آبانماه ۱۳۳۵ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین

ماده ۱ - مقررات بنديك از قانون راجع بتجاوز افراد نسبت باراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و غیره مصوب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین در شهر اصفهان از میدان نقش جهان تاشعاع ۱۵ کیلومتر اطراف آن قابل اجرا خواهد بود .



نیروگاه و سد مخزنی شاپور اول در مهاباد

ماده ۲ - هیئت مامور رسیدگی در اصفهان مرکب از رئیس دادگستری استان ، دادستان استان و رئیس دادگاه شهرستان می باشد .

ماده ۳ - وزارت دادگستری مامور اجرای این لایحه قانونی خواهد بود . بموجب قانون اجازه اجرای لوایح پیشنهاد وزارت دادگستری مصوب ششم مردادماه ۱۳۳۵ لایحه فوق که مشتمل بر سه ماده است و در تاریخ ۲۱ آبانماه ۱۳۳۵ بتصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین رسیده موقتاً قابل اجرا می باشد .

قانون راجع به اصلاح قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانكها

مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ مجلسین سنا و شور ایملی

ماده ۱ - به دادخواستهاییکه طبق بندیک لایحه قانونی مصوب ۸ شهریور ۱۳۳۵ و لایحه قانونی مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۵ و لایحه مصوب ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۵ و لایحه ۱۱۱۶ر۱۱۳۳۵ به هیئت های مذکور در آن لوایح تسلیم گردیده و تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون منتهی بصدور حکم نگردیده باتوجه بمفاد و مقررات آن لایحه آن قسمت که به هیئت پنج نفری مرکز تسلیم شده دریک یاچند هیئت که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر از رؤساء یا مستشاران دیوانعالی کشور که سمت ریاست هیئت را خواهد داشت و دو نفر از رؤساء یا مستشاران دادگاه استان و قسمتی که به هیئت های شهرستانها تسلیم گردیده در مرکز استانهای مربوط دریک یاچند هیئت که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر رئیس شعبه دادگاه استان که سمت ریاست هیئت را خواهد داشت و یک نفر مستشار دادگاه مزبور و یک نفر رئیس شعبه دادگاه شهرستان رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد .

تبصره - مقامات مذکور در لوایح قانونی فوق الذکر که دادخواستهای فوق را داده اند مکلفند ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای این قانون بانظر مشاورین حقوقی بکلیه دادخواستها مجدداً رسیدگی نمایند و چنانچه تشخیص دهند دادخواستهای مزبور مستند بدلائل و موجه نبوده و دعاوی آنان قابل پیشرفت نیست دادخواستهای خود را استرداد نمایند .

ماده ۲ - رئیس شعبه اول هیئت های فوق الذکر سمت ریاست کل هیئت را داشته و دادخواستها را به شعب ارجاع خواهد نمود .

ماده ۳ - وزارت دادگستری بتعداد کافی عضو علی البدل از بین قضات دادگاه استان مرکز برای هیئت های مرکز و از بین قضات دادگاه شهرستان مرکز استان برای هیئتهای شهرستانها تعیین خواهد کرد اعضاء علی البدل وقتی شرکت در رسیدگی مینمایند که اعضاء اصلی طبق آئین دادرسی مدنی مردود و یا بعلت بیماری معذور از انجام وظیفه باشند .

ماده ۴ - هیئتهای مزبور با مراجعه بسوابق و پرونده ها و باتوجه به مدارك و مستندات طرفین و تحقیقاتی که لازم بدانند در صورتیکه تجاوز بحق دولت یا شهرداری یا اوقاف عامه یا بانکها را در اراضی و مسیلهها و تپه های مذکور در لوایح قانونی ۸ شهریور و شهریور ۲۱ و ۲۵ و آبان ۱۳۳۵ احراز کنند بترتیب زیر عمل خواهند نمود .

الف - هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلهها و تپه های مزبور را بدیگری منتقل نکرده باشد رأی به رد اراضی و مسیلهها و تپهها و اصلاح سند مالکیت (در صورت صدور سند مالکیت) خواهد داد .

ب - هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی در اراضی و مسیلهها و تپه های مزبور تا تاریخ تصویب لوایح مزبور (بر حسب مورد ۸۵۶۶۳۵ یا ۲۵۶۶۳۵ یا ۳۵۸۲۱) احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیئت رأی پرداخت قیمت اراضی در تاریخ تصویب لوایح مزبور خواهد داد مگر آنکه در مورد اراضی موات یا بائربلا مالک متجاوز آن اراضی را طبق قانون مدنی قبل از تاریخ تصویب لوایح مزبور احیاء کرده باشد که در این صورت آن مقدار از اراضی که احیاء شده بملکیت او شناخته خواهد شد .

تبصره - حکم پرداخت قیمت در صورتی صادر میشود که مساحت مورد ادعاء بیش از ده برابر مساحت زمین زیر بنا نباشد اگر مساحت مورد ادعاء بیش از ده برابر زمین زیر بنا باشد نسبت بقسمت زائد هیئت طبق قسمت (الف) ماده چهار رأی به رد عین و یا اصلاح سند مالکیت صادر خواهد نمود و در صورت اخیر تفکیک آن قسمت از زمین که معادل ده برابر اراضی زیر بناست و برای استفاده از ساختمان ضرورت دارد بعهده خود هیئت خواهد بود .

ج - هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیله‌ها و تپه‌های مذکور را بدیگری منتقل کرده باشد هیئت رأی بقیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی در تاریخ انتقال بوده که در آن صورت رأی پیرداخت قیمت واقعی بتشخیص یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی درغیر مورد مربوط بادعای خودشان خواهد بود .

قانون مربوط به تملك زمينها براي اجراي برنامه هاي

شهرسازي مصوب ۱۳۳۹

ماده ۱ - بدولت اجازه داده ميشود درهرمورد زمينهاي راکه براي اجراي برنامه هاي شهر سازي و خانه سازي لازم و ضروري تشخيص ميدهد و همچنين محلاتي راکه بعلل شهرسازي و بهداشتي بايد تخریب و تجديد بنا گردد پس از پرداخت بهاي عاده بشرح زیر تملك و تصرف نمايد .

تبصره ۱ - بهاي عاده عبارتست از قيمت اراضي يکسال قبل از تاريخ اعلام تصميم دولت چنانچه اين بها از بهاي روز بيشتري باشد قيمت عاده روز ملاک عمل قرار خواهد گرفت بهاي عاده بدون در نظر گرفتن منظور از خريد و تاثير اجراي برنامه هاي شهرسازي و خانه سازي در قيمتها خواهد بود .

تبصره ۲ - بهاي عاده توسط کميسیون کارشناسي مرکب از سه نفر تعيين ميشود که يکنفر از طرف دولت نفردوم از طرف مالک يا مالکين و نفرسوم برضايت طرفين و در صورت عدم توافق و يا استنکاف در تهران از طرف دادستان کل و در ساير نقاط از طرف دادستان شهرستان هر محل انتخاب ميشوند .

رأی اکثریت هیئت مزبور قطعی و لازم الاجرا است هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ اعلام دولت تعیین نکند دادستان کل یا دادستان شهرستان بشرح فوق این وظیفه را انجام خواهند داد .

تبصره ۳ - چنانچه اراضي مورد نظر داراي اعياني ازهر قبيل باشد و همچنين درمورد تجديد بنای محلات قديمی يا غير بهداشتی شهرها بهاي

عادله مجموع عرصه واعیانی نیز بترتیب فوق تعیین و پرداخت میشود .
ماده ۲ - چنانچه اعیانی موجود در اراضی محل کسب و پیشه باشد
و حق کسب و پیشه به آن تعلق گیرد میزان آن طبق تبصره ۲ ماده ۱ تعیین
خواهد شد مشروط بر اینکه محل مزبور حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم
دولت محل کسب و پیشه بوده باشد . در این مورد نفردوم کمیسیون کارشناسی
از طرف صاحب کسب و پیشه تعیین خواهد شد .

دولت میتواند بجای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که پس از
انجام برنامه ساختمانی محل کسبی در همان حدود بوی واگذار کند .
ماده ۳ - در مواردی که دولت مقتضی بداند برای تعیین بهای عرصه
واعیانی و حق کسب و پیشه محلاتی که باید تجدید بنا گردد بتوسط کمیسیون
کارشناسی بترتیب زیر قیمت منطقه‌ای تعیین میشود .
الف - بهای عرصه محله‌ایکه باید تجدید بنا گردد بصورت منطقه‌ای
تعیین میشود .

ب - بهای اعیانی مشابه بر حسب نوع مصالح و تاریخ احداث و تناسب
آن بابهای عرصه و سایر مشخصات معین میشود .

پ - حق کسب و پیشه محله‌های مشابه بر حسب موقعیت محل و سایر
مشخصات معین میشود .

ت - نفردوم کمیسیون کارشناسی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱ توسط
سه نفر نماینده مالکین هر منطقه به اکثریت آراء و در غیر این صورت بقید قرعه
از بین کارشناسان منتخب آنها تعیین میشود .

اگر مالکین منطقه در انتخاب نمایندگان خود توافق نکردند سه نفر
نماینده مزبور با قید قرعه از بین مالکین تعیین میگردند .

در صورتیکه نمایندگان مالکین منطقه ظرف مدت پانزده روز پس از
تاریخ اعلام دولت حاضر به تعیین کارشناس نشدند دادستان بنمایدگی آنها
تعیین کارشناس خواهد کرد .

ماده ۴ - در مواردیکه مالکیت زمین و اعیانی بنحوی از انحاء
متنازعیه باشد و مدعیان مالکیت نتوانند در انتخاب کارشناس و یا نماینده
توافق کنند دادستان این تکلیف را انجام خواهد داد بهای تعیین شده پس از

آنکه مالك مشخص شد بوی تسلیم خواهد شد در صورتیکه مالك فوت شده باشد و ورثه قانوناً هنوز معین نشده باشد دادستان بنماینده قانونی از طرف مالك عمل خواهد کرد همچنین در مواردی که پس از تعیین و پرداخت بها مالك از امضاء اسناد معامله خودداری نماید دادستان بنماینده او اسناد مربوطه را امضاء خواهد کرد .

ماده ۵ - اگر بین تاریخ تعیین بها و تاریخ تصرف دولت مدتی فاصله شود دولت سالیانه ۶ درصد اضافه بها بمالك خواهد پرداخت .

تبصره - در صورتیکه دولت طبق ماده دوم بجای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که محل جدیدی واگذار کند سالانه صدی شش حق کسب و پیشه تعیین شده را از تاریخ تخلیه تا زمان تحویل محل کسب جدید بصاحب حق خواهد پرداخت .

ماده ۶ - از تاریخ تصویب این قانون در نقاطیکه از طرف شهرداری نقشه و بر اصلاحی تعیین و بتصویب مراجع قانونی رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شده باشد در صورتیکه مالکین بدون اخذ پروانه از شهرداری اقدام بساختن و هر نوع تجدید بنا و دیوار بنمایند و در اثر توسعه معبر طبق نقشه و بر اصلاحی مزبور آن ساختمان یا دیوار خراب شود مالکین حق مطالبه خسارت بابت بنای جدید یا دیوار را نخواهند داشت .

ماده ۷ - اگر اضافه ارزشی که در نتیجه اجراء برنامه های شهرسازی و خانه سازی در املاك خصوصی مجاور نسبت بارزش آن املاك در تاریخ يك سال قبل از آغاز برنامه های مزبور حاصل گردد بیش از بیست درصد باشد نصف مازاد بدولت تعلق خواهد گرفت این اضافه ارزش بر حسب منطقه از طرف کمیسیون کارشناسی مندرج در این قانون تعیین میگردد مالك میتواند اضافه ارزش تعیین شده را در مدت پنجسال با قسط مساوی پرداخت کند و یا مقداری از اراضی خود را که قیمت آن معادل اضافه ارزش تعیین شده باشد بدولت تحویل دهد .

در صورت استتکاف مالك از پرداخت اضافه ارزش یا انتقال اراضی طلب دولت بابت اضافه ارزش بوسیله اجراء ثبت وصول خواهد شد .

ماده ۸ - نقل و اتقالات مشمول این قانون از پرداخت هر گونه مالیات

وعوارض وسایر هزینه های مربوطه به استثناء حق ثبت معاف خواهد بود
حقی که به سردفتران دفاتر رسمی تعلق میگیرد بالمنافه توسط طرفین پرداخت
خواهد شد .

ماده ۹ - بدولت اجازه داده میشود در اجرای برنامه های خانه سازی
و شهر سازی با سرمایه های داخلی یا خارجی مشارکت نموده و طبق اصول
بازرگانی عمل نماید .

وزارت دارائی مجاز است باتصویب هیئت وزیران ضمانت پرداخت
اقساط قراردادهای منعقد شده مربوط به برنامه های خانه سازی و شهر سازی را
بنماید .

دولت در اجرای برنامه های خانه سازی و شهر سازی رعایت اصول
اقتصادی و ایجاد هم آهنگی بین برنامه های تولیدی و عمرانی را خواهد
نمود .

تبصره - بانک ملی ایران در مقابل ضمانت متقابل وزارت دارائی ضمانت
مندرجه در این ماده را بجای وزارت دارائی مینماید .

ماده ۱۰ - دولت مامور اجرای این قانون است و آئین نامه اجرایی
این قانون بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

طرز تملك اراضی مورد احتیاج در لایحه قانونی برنامه عمرانی

سوم کشور مصوب ۴۱/۶/۱۹

ماده ۳۳ - هرگاه برای اجرای طرحها احتیاج بخريد اراضی (اعم
از دائر و بائر) وابنيه و تأسیسات متعلق به افراد یا مؤسسات خصوصی پیدا شود
بطریق زیر عمل خواهد شد .

۱ - بهای اراضی وابنيه و تأسیسات چنانچه نسبت بآن بین دستگاہهای
اجرایی و مالک توافق حاصل نشود بوسیله هیئتی مرکب از وزیر کشور -
دادستان کل - مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنها باتوجه به نظر کارشناسان فنی
تعیین خواهد شد ورأی هیئت قطعی است .

۲ - ملاک تعیین قیمت عبارتست از بهای عادله اراضی و ابنیه و

تأسیسات مشابه واقع در حوزة عملیات در سال قبل از تاریخ تصویب طرح و بدون در نظر گرفتن منظور از خرید و تأثیر اجرای عملیات در قیمتتها .

۳ - پرداخت قیمت اراضی و ابنیه تأسیسات بمالك آن بر اساس قیمت عادله فوق باضافه پنج درصد آن خواهد بود . هر گاه مالك در محل ساكن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد دیگر بقیمت عادله افزوده خواهد شد و هر گاه مراعاته او منحصر بدرآمد آن ملك باشد پانزده درصد قیمت عادله نیز از این بابت باو پرداخت خواهد گردید .

۴ - در مورد املاك مزروعی علاوه بر آنچه طبق بندهای ۳ و ۲ فوق بمالك پرداخت میشود معادل پانزده درصد قیمت عادله مذکور در بند ۲ فوق بین زارعین و خوش نشینان محل که از آنجا کوچ مینمایند به نسبت تعداد عائله تحت تکفل بوسیله استاندار یا فرماندار کل محل تقسیم خواهد شد .

۵ - تصرف اراضی و ابنیه و تأسیسات قبل از پرداخت تمام قیمت مجاز نیست مگر بارضایت فروشنده و نسبت بمالك موقوفه که فروش آنها مجاز نیست بطریق اجاره طویل المدت استفاده خواهد شد .

۶ - در صورتیکه مالك به انتقال ملك و تحویل آن رضایت ندهد دادستان محل از طرف او سند انتقال ملك مورد نظر را پس از تودیع قیمت در صندوق ثبت امضاء و در مدت سه ماه به تخلیه قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

فصل هشتم - مقررات مختلف

از قانون برنامه سوم مصوب ۴۶/۳/۲۱

ماده ۲۹ - هر گاه برای اجرای طرحها احتیاج بخريد اراضی (اعم از دائر و بائر) و ابنیه و تأسیسات متعلق بافراذ یا مؤسسات خصوصی پیدا شود بطریق زیر عمل خواهد شد :

۱ - هر گاه نسبت به بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات بین مقامات اجراکننده طرح و مالك توافق حاصل نشود بها بوسیله هیئتی مرکب از وزیر کشور - دادستان کل - مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنها با توجه بنظر کار-

شناسان فنی تعیین خواهد شد و رأی هیئت قطعی است .

۲- مالك تعیین قیمت عبارتست از بهای عادله اراضی وابنيه و تأسیسات مشابه واقع در حوزه عملیات در سال قبل از تاریخ تصویب طرح .

۳- پرداخت قیمت اراضی وابنيه و تأسیسات بمالك آن براساس قیمت عادله فوق به اضافه پنج درصد آن خواهد بود . اگر مالك در محل ساکن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد بقیمت عادله افزوده خواهد شد و هرگاه ممرعاشه او منحصر به درآمد همان ملك متصرفی باشد پانزده درصد دیگر از این بابت به او پرداخت خواهد گردید .

۴- در مورد املاك مزروعی علاوه بر آنچه طبق بندهای ۲ و ۳ فوق بمالك پرداخت میشود معادل پانزده درصد قیمت عادله مذکور در بند ۲ فوق بین زارعین و خوش نشینان و برزگرانی که محل را ترك مینمایند به نسبت تعداد عائله تحت تکفل آنها بوسیله فرماندار محل تقسیم خواهد شد .

۵- در صورتیکه طبق نظر اداره کشاورزی محل زارعین حقوقی در آن ملك داشته باشند حقوق زارعین ذینفع از قیمت ملك کسر و بذوی الحقوق پرداخت و بقیه بمالك پرداخت خواهد شد .

۶- تصرف اراضی وابنيه و تأسیسات بعد از پرداخت تمام قیمت معین شده بمالك یا تودیع آن در صندوق ثبت محل مجاز و نسبت به املاك موقوفه ای که فروش آنها مجاز نیست بطریق اجاره طویل المدت یا تبدیل به احسن استفاده خواهد شد .

۷- در صورتیکه مالك به انتقال ملك و تحویل آن رضایت ندهد پس از تودیع قیمت ملك در صندوق ثبت دادستان محل از طرف او سند انتقال ملك مورد نظر را امضاء و ظرف یکماه به تخلیه قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

۸- اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راههای اصلی یا فرعی و یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب و لوله های گاز و نفت قرار میگیرد بارعایت حریم مورد لزوم که طبق تصویب نامه هیأت وزیران معین خواهد شد از طرف دولت مورد استفاده واقع میشود و از بابت این حق ارتفاق وجهی پرداخت نخواهد شد و در صورتیکه مستحقات و اعیانی وجود داشته باشد که بر اثر احداث تأسیسات فوق الذکر از بین برود و یا خساراتی

به آنها وارد شود مؤسسات دولتی مربوط باید قیمت اعیانی از بین رفته را طبق مقررات این قانون پردازند و یا خسارات وارده را بکلیه ذوی الحقوق جبران کنند.

ماده ۱۶ قانون برق ایران مصوب ۱۹/۴/۴۶

ماده ۱۶ - وزارت آب و برق و مؤسسات و شرکتهای تابع میتوانند در صورتیکه احتیاج بخريد اراضی وابنيه و مستحدثات و تأسیسات تولید و انتقال و توزیع نیروی برق متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی داشته باشند بشرح زیر خریداری و تصرف نمایند :

الف - تعیین بهای اراضی وابنيه و مستحدثات و تأسیسات تولید و انتقال و توزیع نیروی برق از طریق توافق بین دستگاه اجرائی و مالکین آنها بعمل میآید و در صورت عدم توافق هیئتی مرکب از دادستان کل و وزیر آب و برق و مدیر کل ثبت یا نمایندگان آنان با توجه بنظر کارشناسان بهای اموال مورد بحث را تعیین خواهند کرد و رأی هیئت قطعی است .

ب - ملاک تعیین قیمت اراضی وابنيه و مستحدثات عبارت از بهای عادلانه مشابه آنها واقع در حوزه عملیات درسال قبل از تاریخ تصویب طرح بدون در نظر گرفتن منظور از خرید و تأثیر اجرای عملیات در قیمتها خواهد بود .

ج - ملاک تعیین قیمت تأسیسات تولید و انتقال و توزیع نیروی برق در صورتیکه تأسیسات مزبور طبق اصول فنی نگاهداری شده باشد بهای خریداری تأسیسات مزبور در آغاز کار پس از کسر مبالغ مربوط باسهلاك طبق جدول منظم باین قانون خواهد بود در مواردیکه مدت استهلاك سپری شده باشد ولی تأسیسات مذکور قابل استفاده باشند وزارت آب و برق و مؤسسات و شرکتهای تابع میتوانند تأسیسات مزبور را به بهائی که از ده درصد قیمت خرید اولیه تجاوز نکند طبق نظر کارشناس خریداری نمایند . بهای خریداری تأسیسات مزبور در آغاز کار باید متکی به اسناد مثبته باشد و در صورت فقد اسناد یا قابل اعتماد نبودن اسناد کارشناس بهای خرید اولیه را با توجه بمشابه آن در تاریخ خرید تعیین خواهد نمود .

د - در صورتیکه تأسیسات مورد خریداری مطابق اصول فنی

نگاهداری نشده باشد بر مبنای فوق الذکر ارزیابی شده و کسر قیمت حاصله در نتیجه عدم نگاهداری طبق اصول فنی از طرف کارشناس تشخیص و از بهای مقرر کسر خواهد شد .

ه - بهای املاک مزروعی و باغات و قلمستانها طبق بند ب تعیین و بارعایت ماده ۵ قانون طرز تقویم و تملك اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی به مالك و کشاورزان پرداخت خواهد شد .

و - نسبت با املاک موقوفه طبق مقررات فوق عمل خواهد شد و در صورتیکه فروش آنها مجاز نباشد بطریق اجاره طویل‌المدت استفاده خواهد شد .

ز - در صورتیکه مالك با انتقال ملك و متولی موقوفه با جاره دادن و تحویل آن رضایت ندهد دادستان محل بارعایت مقررات این قانون از طرف او سند انتقال و یا اجاره ملك مورد نظر را پس از سپردن قیمت یا مال الاجاره پنجسال در صندوق ثبت اسناد امضاء و در مدت يك ماه به تخلیه قطعی ملك اقدام مینماید و در هر حال عدم توافق متولی موقوفه با جاره و یا مبلغ مال الاجاره مانع عملیات وزارت آب و برق نیست .

تبصره ۱ - در موارد ضروری با تصویب وزیر آب و برق انجام تشریفات ارزیابی و پرداخت بهای خرید مانع تصرف و انجام کار نیست .

تبصره ۲ - بهای تاسیسات متعلق بشهرداریه‌ها بشرح فوق ارزیابی خواهد شد ولی بجای پرداخت نقدی شهرداری مربوط معادل ارزش تاسیسات و یا سهام خود در شرکت برق منطقه‌ای شريك شده و سهام خواهد داشت .

آئین‌نامه اصلاحی آئین‌نامه اجرائی قانون تملك اراضی

تصوینامه ۵۶۶۵۸ - ۴۶/۱۲/۱۷

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۶/۱۲/۱۶ بنا به پیشنهاد وزارت آبادانی و مسکن و در اجرای ماده ۱۰ قانون تملك اراضی برای انجام برنامه های شهرسازی مصوب سال ۱۳۳۹ آئین‌نامه اصلاحی آئین‌نامه اجرائی قانون فوق را بشرح زیر تصویب نمودند .

ماده ۱ - اجرای قانون تملك اراضی و اقدام در مورد تملك زمین بمنظور انجام برنامه‌های شهرسازی و خانه سازی بعهده وزارت آبادانی و مسکن محول میشود .

ماده ۲ - کمیسیون ارزیابی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱ قانون در مورد انجام برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی در وزارت آبادانی و مسکن تشکیل خواهد شد و انتخاب کارشناس دولت و توافق در انتخاب کارشناس مشترك بعهده وزیر آبادانی و مسکن میباشد .

ماده ۳ - وزیر آبادانی و مسکن میتواند در مراکز استانها و شهرستانهای خارج از پایتخت اختیار انتخاب کارشناس را به مدیران کل یا رؤسای ادارات آبادانی و مسکن تفویض نماید .

ماده ۴ - در صورت استنکاف مالك یا مالكین از انتخاب و معرفی کارشناس اختصاصی یا توافق در انتخاب کارشناس مشترك ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ اعلام کتبی یا انتشار آگهی دادستان کل در تهران و دادستان شهرستان در شهرستانها بتقاضای وزارت آبادانی و مسکن یا ادارات آبادانی و مسکن استانها یا شهرستانها اقدام با انتخاب کارشناس خواهند نمود همین ترتیب مقرر است در مواردیکه باید حق کسب و پیشه تعیین شود و صاحب حق از انتخاب کارشناس اختصاصی یا توافق در انتخاب کارشناس مشترك استنکاف نماید .

ماده ۵ - کارشناسان مکلفند ظرف مهلت مقرر نظر خودرا راجع به بهای اراضی یا اعیانی مورد نظر اعلام دارند و در صورتیکه بجهات موجه اعلام نظر در مدت مزبور مقدور نباشد وزارت آبادانی و مسکن یا ادارات آن مهلت مناسب دیگری به کارشناسان خواهند داد .

ماده ۶ - در صورتیکه تخریب منطقه یا محله‌ای بمنظور شهرسازی یا خانه سازی لازم باشد مراتب برای تصویب از طرف وزارت آبادانی و مسکن به هیئت دولت پیشنهاد خواهد شد در تصویبنامه هیئت وزیران حدود منطقه یا محله مورد نظر صریحاً قید میشود .

ماده ۷ - وزارت آبادانی و مسکن پس از تصویب هیئت وزیران مراتب را یکبار در روزنامه رسمی و سه بار متوالی بفاصله ده روز در یکی از جراید

کثیرالانتشار آگهی نموده و صاحبان حق را دعوت مینماید ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی فوق ضمن ارائه مدارک مالکیت یا سایر حقوق کارشناس اختصاصی خودرا نیز معرفی نمایند .

ماده ۸ - صاحبان حق باید نشانی کامل و همچنین قبولی کارشناس اختصاصی خودرا بضمیمه مدارک فوق به وزارت آبادانی و مسکن یا ادارات آبادانی و مسکن محل تسلیم دارند .

ماده ۹ - هرگاه مالکین از اعلام مالکیت یا ارائه اسناد مربوطه استنکاف نمایند مالکین محدوده مورد تملک از ثبت محل استعمال و تشریفات تملک بنام کسی که از طرف اداره ثبت مالک یا صاحب حق معرفی میشود جریان خواهد یافت .

ماده ۱۰ - در مواردیکه بصورت منطقه‌ای تعیین قیمت میشود تقسیم محدوده مورد تملک بنطاق مجزی بوسیله وزارت آبادانی و مسکن انجام خواهد شد و دراین مورد مالکین هرمنطقه بوسیله آگهی در جراید برای انتخاب نمایندگان خود دعوت میشوند و نمایندگان مزبور مکلفند ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتخاب نسبت به تعیین کارشناس اقدام نمایند .

ماده ۱۱ - دستمزد کارشناسان را وزارت آبادانی و مسکن پرداخت و سهم مالک را از بهای ملک برداشت خواهد کرد مگر در موردیکه مالک شخصاً با کارشناس مربوط بخود قرار دیگری گذاشته باشد .

ماده ۱۲ - پس از ارزیابی زمین یا ملک بهای آن به مالک پرداخت و ملک یا زمین به دولت منتقل میشود در صورتیکه وضع مالکیت معلوم نباشد تا تعیین تکلیف قطعی بهای ملک در صندوق ثبت تودیع خواهد شد .

ماده ۱۳ - در صورت استنکاف مالک از امضای سند انتقال دادستان شهرستان بنماینده‌گی مستنکف اسناد را امضاء خواهد کرد .

ماده ۱۴ - برای تخلیه ملک ممکن است مهلت مناسبی به متصرف داده شود مخصوصاً در مواردی که ملک در تصرف مدارس یا بیمارستانها یا مؤسسات مشابه دیگر باشد .

ماده ۱۵ - هرگاه ملک در تصرف شخص مالک نباشد در موقع اعلام به مالک برای انتخاب کارشناس مراتب به متصرف نیز ابلاغ خواهد شد مگر

آنکه اعلام بوسیله جراید بعمل آید که در این صورت ابلاغ به متصرف ضرورت ندارد .

ماده ۱۶ - در صورتیکه مالک یا متصرف پس از پایان مهلت از تخلیه ملک خودداری نماید دادستان شهرستان دستور تخلیه آنرا صادر خواهد کرد و این دستور بوسیله کلاتری یا ژاندارمری محل اجرا خواهد شد .
ماده ۱۷ - آئین نامه مصوب ۳۹/۸/۱۴ هیئت وزیران ملغی است .

مواد ذیل بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ الحاق میشود :

ماده ۹۶ - شهرداری میتواند برای تأمین احتیاجات شهری از قبیل باغهای عمومی ایجاد تأسیسات برق و آب و نظایر آن که بمنظور اصلاحات شهری و رفع نیازمندیهای عمومی لازم باشد و باید تمام یا قسمتی از اراضی یا املاک یا ابنیه واقع در محدوده شهر بتصرف شهرداری درآید از مقررات قانون توسعه معابر مصوب سال ۱۳۳۰ استفاده نماید .

تبصره ۱ - هرگاه قسمتی از تأمین نیازمندیهای شهری طبق قانون بعهدہ سازمانها و مؤسسات دولتی گذاشته شده باشد سازمانها و مؤسسات مزبور برای انجام وظایف محوله با تصویب انجمن شهر بوسیله شهرداری از مقررات این ماده استفاده خواهند نمود .

تبصره ۲ - سازمانها و مؤسسات دولتی که اراضی و املاک وابنیهای داشته باشند که مشمول حکم این ماده باشد مکلفند در صورت تصویب انجمن شهر و تأیید استاندار یا فرماندارکل آن اراضی وابنیه را دراختیار شهرداری بگذارند اراضی وابنیه و املاک مشمول این تبصره در صورت تصویب هیئت دولت بلاعوض دراختیار شهرداریها گذارده میشود .

تبصره ۳ - درموارد فوق پس از انجام تشریفات مقرر دراین قانون و رعایت تبصره ۲ ماده ۴ قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۳۰ خودداری مالک از انجام معامله مانع اجرای نقشه شهرداری نخواهد بود و شهرداری مجاز است اراضی یا املاک را بمنظور عملیات عمرانی بتصرف خود درآورد .

تبصره ۴ - طبق ماده ۳۶ قانون نوسازی و عمرانی شهری مصوب آذر ۴۷ لغو شده است .

تبصره ۵ - در صورتیکه در مسیر احداث یا توسعه خیابان و گذر و باغ عمومی و میدان ملکی باشد که مالک یا مالکین آن مشخص نباشد و یا به ثبت نرسیده باشد اقدامات و عملیات شهرداری متوقف نخواهد شد و شهرداری باید قبل از هر اقدام مشخصات کامل ملک مزبور را با حضور نمایندگان دادستان و ثبت و انجمن شهر صورتجلسه نماید صورتجلسه مزبور مبنای اجرای پرداخت غرامت طبق مقررات خواهد بود و در موردی که مالک یا مالکین ملک مشخص باشد امتناع آنان از انتخاب و معرفی کارشناس خود یا کارشناس مشترک مانع از اجرای نقشه مصوب شهرداری نخواهد بود .

نسبت به املاکی که به ثبت نرسیده باشد و طبق مفاد این قانون به تصرف شهرداری درآید صورتجلسه تنظیم میگردد و در صورتجلسه مزبور آثار تصرف و حدود و مساحت و مشخصات کامل قید میگردد .
مدعی مالکیت میتواند با ارائه صورتجلسه مذکور در این قانون نسبت به تقاضای ثبت ملک خود اقدام و پس از احراز مالکیت بهای تعیین شده را دریافت نماید .

تبصره ۶ - اراضی کوچه‌های عمومی و میدانها و پیاده‌روها و خیابانها و بطور کلی معابر و بستر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضل آب شهرها و باغهای عمومی و گورستانهای عمومی و درختهای معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه‌ها واقع در محدوده شهرها بلامانع است شهرداریها نیز مکلفند برای اجرای هرگونه عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها قبلاً نظر وزارت آب و برق را جلب نمایند .

ماده ۹۷ - بمنظور رعایت اصول شهرسازی و بررسی و تصویب نقشه‌های مربوط به امر شهرسازی شورائی بنام شورایعالی شهرسازی تشکیل میشود اعضاء شورا و حدود وظایف و تکالیف شورایعالی شهرسازی طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً از طرف وزارت کشور و وزارت آبادانی و مسکن تهیه و بتصویب هیئت دولت خواهد رسید .

ماده ۹۸ - شهرداریها مکلفند با راهنمایی و طبق موازین مصوب

شورای عالی شهرسازی رأساً یا از طریق سازمان مذکور در ماده ۶۲ نقشه جامع شهرسازی را که شامل منطقه بندی نحوه استفاده از زمین تعیین مناطق صنعتی بازرگانی - اداری - کشاورزی - مسکونی - تأسیسات عمومی و سایر نیازمندیهای عمومی شهر باشد تهیه و پس از تصویب انجمن شهر از طریق وزارت کشور جهت تأیید شورای عالی شهرسازی ارسال و سپس بموقع اجرا بگذارند .

تبصره - تازمانیکه نقشه جامع شهرها تهیه و بتصویب شورای عالی شهرسازی نرسیده باشد نقشه های عمرانی و شهرسازی باید بتصویب وزارت کشور برسد .

ماده ۹۹ - شهرداریها مکلفند درمورد حریم شهر اقدامات زیر را بنمایند .

۱ - تعیین حدود حریم و تهیه نقشه جامع شهرسازی با توجه به توسعه احتمالی شهر .

۲ - تهیه مقرراتی برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه بندی و تفکیک اراضی خیابان کشی ایجاد باغ و ساختمان - ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی مخصوص بحریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر .

حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور برای اطلاع عموم آگهی و بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

تبصره ۱ - تغییر حدود فعلی شهرها از لحاظ اجرای مقررات قانون اصلاحات ارضی تأثیری نخواهد داشت .

تبصره ۲ - عوارضی که از عقد قراردادها عاید میگردد بایستی تماماً به شهرداریهای محل اجرای قرارداد پرداخت گردد .

تبصره ۳ - عوارض ساختمانها و اراضی واقع در محدوده شهر که خدمات شهری (آب - برق - نظافت - اسفالت) نسبت بآنها انجام نشده فقط بتناسب يك پنجم خدمات انجام شده دریافت میگردد .

ماده ۱۰۰ - مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم

آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند .

شهرداری میتواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه بوسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری نماید .

تبصره ۱ - در موارد مذکور فوق که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای بدون پروانه یا خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد کمیسیونی مرکب از فرماندار یا بخشدار - نماینده دادگستری شهرستان آن حوزه و نماینده انجمن شهر تشکیل و به ذینفع اعلام میشود که هر نوع توضیحاتی دارد ظرف ده روز کتباً ارسال و کمیسیون تصمیم لازم را ضمن تعیین ضرب الاجل مناسب صادر مینماید و شهرداری مکلف است مراتب را بمالك ابلاغ نماید هرگاه مالك در مهلت مقرر اقدام ننمود شهرداری رأساً اقدام و هزینه عملیات را طبق مقررات آئین نامه اجرای وصول عوارض از مالك دریافت مینماید .

تبصره ۲ - اقدامات شهرسازی خارج از محدوده شهرها باید با موافقت وزارت کشور باشد .

ماده ۱۰۱ - اداره ثبت اسناد و دادگاهها مکلفند در موقع تقاضای تفکیک اراضی محدوده شهر و حریم آن عمل تفکیک را طبق نقشه ای انجام دهند که قبلاً بتصویب شهرداری رسیده باشد نقشه ای که مالك برای تفکیک زمین خود تهیه مینماید و برای تصویب بشهرداری در قبال رسید تسلیم میکند باید حداکثر ظرف دو ماه از طرف شهرداری تکلیف قطعی آن معلوم و کتباً به مالك ابلاغ شود .

در صورتیکه در موعد مذکور شهرداری تصمیم خود را بمالك اعلام ننماید مراجع مذکور در فوق مکلفند پس از استعلام از شهرداری طبق نقشه هایی که مالك ارائه مینماید عمل تفکیک را انجام دهند .

معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث میشود متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن بهیچ عنوان وجهی بصاحبان آن پرداخت نخواهد کرد .



سد شاپور اول در مهاباد

ماده ۱۰۲ - اگر در موقع طرح و اجرای برنامه های مربوط به توسعه معابر و تأمین سایر احتیاجات شهری مندرج در ماده ۹۶ الحاقی این قانون به آثار باستانی برخورد شود شهرداری مکلف است موافقت وزارت فرهنگ و هنر را قبلاً جلب نماید و نیز شهرداریها مکلفند نظرات و طرحهای وزارت فرهنگ و هنر را راجع بنحوه حفظ آثار باستانی و میزان حریم و مناظر ساختمانها و میدانهای مجاور آنها را رعایت نمایند .

تبصره - وزارت فرهنگ و هنر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه وزارت کشور نظر قطعی خود را بشهرداری اعلام دارد .

ماده ۱۰۳ - کلیه وزارتخانهها و مؤسسات دولتی و خصوصی موظفند قبل از هرگونه اقدامی نسبت بکارهای عمرانی واقع در مناطق مندرج در ماده ۹۷ و ۹۸ از قبیل احداث شبکه تلفن و برق و آب و سایر تأسیسات و همچنین اتصال راههای عمومی فرعی رعایت نقشه جامع شهرسازی را بنمایند این قبیل اقدام باید با موافقت کتبی شهرداری انجام گیرد و مؤسسه اقدام کننده مکلف است هرگونه خرابی و زیانی را که در اثر اقدامات مزبور باسفالت یا ساختمان معابر عمومی وارد آید در مدت متناسبی که با جلب نظر شهرداری تعیین خواهد شد ترمیم نموده و به وضع اول درآورده والا شهرداری خرابی و زیان وارده را ترمیم و بحال اول درآورده هزینه تمام شده را با ۱۰ درصد (ده درصد) اضافه از طریق اجرای ثبت اسناد وصول خواهد کرد .

ماده ۱۰۴ - نحوه انجام معاملات و مقررات مالی شهرداریها طبق آئین نامه ای خواهد بود که ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون از طرف وزارت کشور تهیه و بتصویب کمیسیون مشترك کشور مجلسین برسد مادام که آئین نامه مزبور بتصویب نرسیده مقررات مالی فعلی بقوت خود باقی است .

ماده ۱۰۵ - مواد معدنی طبقه اول مذکور در ماده يك قانون معادن مصوب ۱۳۳۶/۲/۲۱ واقع در داخل حوزه خدمات و نظارت شهرداری جزء اموال شهرداری محسوب میشود مگر اینکه داخل ملك اشخاص حقیقی و یا حقوقی باشد .

ماده ۱۰۶ - وزارت کشور مکلف است کلیه عوارض نفت و گاز و مواد نفتی که در خارج از محدوده شهرها وصول میشود (باستثنای موضوع

قانون مربوط به وصول عوارض از بنزین بمنظور کمک به مستمندان مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۳۴ که بقوت خود باقی است) و همچنین عوارض قرارداد های پیمانکاری که در خارج از محدوده شهرها اجرا میشود به تناسب جمعیت بین شهرداری شهرهاییکه از پنجاه هزار نفر جمعیت کمتر دارند تقسیم نماید .

ماده ۱۰۷ - توهین به شهردار و معاون و رؤسای ادارات شهرداری در حین انجام وظیفه یا بسبب آن در حکم توهین به مستخدمین رسمی دولت بوده و مرتکب به مجازات های مقرر در قانون کیفر عمومی محکوم خواهد شد .

ماده ۱۰۸ - بمنظور ایجاد همکاری بین شهرداریهای کشور و برقراری ارتباط با اتحادیه های بین المللی شهرداریها سازمانی بنام اتحادیه شهرداری های کشور تشکیل خواهد شد که اساسنامه آن بر حسب پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران تعیین میگردد .

ماده ۱۰۹ - شهرداریها از پرداخت حق الثبت املاك و مالیات معاف خواهند بود .

تبصره - موسساتیکه تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق بشهرداری است ولو بصورت بازرگانی اداره شود نسبت به سهم شهرداری از پرداخت مالیات معاف است .

ماده ۱۱۰ - نسبت بزمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب باوضع محل و یا نیمه تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافعی با پاکي و پاکیزگی و زیبائی شهر یا موازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر میتواند بمالك اخطار کند منتها ظرف دو ماه به ایجاد زده یا دیوار و یا مرمت آن که منطبق بانقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند اگر مالك مسامحه و یا امتناع کرد شهرداری میتواند بمنظور تأمین نظر و اجرای طرح مصوب انجمن در زمینه زیبائی و پاکیزگی و شهرسازی هرگونه اقدامی را که لازم میدانند معمول و هزینه آنرا به اضافه صدی ده از مالك یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید در این مورد صورت حساب شهرداری بدو بمالك ابلاغ میشود و در صورتیکه مالك ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ بصورت حساب شهرداری اعتراض نکرد صورت حساب قطعی تلقی میشود و هرگاه مالك ظرف مهلت مقرر اعتراض کرد موضوع به کمیسیون مذکور

در ماده ۷۷ ارجاع خواهد شد .

صورت حسابهاییکه مورد اعتراض واقع نشده و همچنین آراء کمیسیون رفع اختلاف مذکور در ماده ۷۷ در حکم سند قطعی و لازم الاجرا بوده و اجرای ثبت مکلف است بر طبق مقررات اجرای اسناد رسمی لازم الاجراء نسبت به وصول طلب شهرداری اجرائیه صادر و بموقع اجراء بگذارد .

ماده ۱۱۱ - بمنظور نوسازی شهرها شهرداریها میتوانند از طریق تاسیس موسساتی با سرمایه خودخانهها و مستغلات و اراضی و محلات قدیمی و کهنه شهر را با استفاده از مقررات قانون تملك زمينها مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۳۹ خریداری نمایند و در صورت اقتضاء برای تجدید ساختمان طبق طرحهای مصوب شهرداری بفرشند و یا اینکه راساً اقدام با اجرای طرحهای ساختمانی بنمایند اساسنامه اینگونه موسسات را که بر طبق اصول بازرگانی اداره خواهد شد شهرداری هر محل تهیه و با تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور قابل اجراء خواهد بود در حاکه در قانون تملك زمينها و آئين نامه مصوب ۱۴ اردیبهشت ۳۹ هیئت وزیران اسم از سازمان مسکن و وزارت کشاورزی و هیئت وزیران برده شد و وظایف مزبور را به ترتیب شهرداری - انجمن شهر و وزارت کشور انجام خواهند داد .

ماده ۱۱۲ - ادارات و موسسات دولتی و وابسته بدولت به نسبت سهامی که متعلق بدولت است و همچنین باشگاههای ورزشی غیر انتفاعی که وابسته به سازمان تربیت بدنی بوده و ترازنامه آنها مورد رسیدگی و تصویب سازمان مزبور قرار گیرد از پرداخت عوارض مستغلات و سطح شهر معافند ولی مکلف به پرداخت سایر عوارض شهرداریها خواهند بود .

ماده ۱۱۳ - مواد ۶۰ و ۶۱ و ۶۳-۶۴ و تبصره ذیل بند ۲۵ ماده ۵۵ و تبصره ذیل ماده ۵۸ و مواد ۵۹-۶۰-۶۱-۶۳-۶۴ و تبصره ذیل آن و مواد ۶۹ و ۷۰ و تبصره های ذیل آن و مواد ۷۲-۷۶ و تبصره مربوطه (اصلاحی تصویب نامه شماره ۸۲۰۶ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۴۲) و مواد ۸۱-۸۳ قانون مصوب سال ۱۳۳۴ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است لغو میشود .

ماده ۲۹ قانون برنامه عمرانی چهارم مصوب

۴۶/۱۴/۲۷

ماده ۲۹ - هرگاه برای اجرای طرحها احتیاج بخريد اراضی (اعم از دائر و بائر) و ابنیه و تأسیسات متعلق به افراد یا مؤسسات خصوصی پیدا شود بطریق زیر عمل خواهد شد .

۱- هرگاه نسبت به بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات بین مقامات اجراکننده طرح و مالک توافق حاصل نشود بها بوسیله هیاتی مرکب از وزیر کشور - دادستان کل مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنان با توجه بنظر کارشناسان فنی که از طرف هیأت مزبور انتخاب میگردند تعیین خواهد شد ورأی هیأت قطعی است .

درمورد املاک مزروعی وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی بجای وزیر کشور خواهد بود .

۲ - ملاک تعیین قیمت عبارتست از بهای عادله اراضی و ابنیه و تأسیسات مشابه واقع در حوزة عملیات درسال قبل از تاریخ تصویب طرح .

۳ - پرداخت قیمت اراضی و ابنیه و تأسیسات بمالک آن براساس قیمت عادله فوق به اضافه پنج درصد آن خواهد بود . اگر مالک در همان ملک ساکن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد بقیمت عادله افزوده خواهد شد و هرگاه ممر اعاشه مالک منحصر به درآمد همان ملک متصرفی باشد پانزده درصد دیگر قیمت عادله از این بابت به او پرداخت خواهد گردید .

۴ - درمورد املاک مزروعی طبق تبصره ۲ ماده نوزدهم قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹۰۱۰۱۰۴ اقدام و علاوه بر آنچه طبق بندهای ۳ و ۲ فوق بمالک پرداخت میشود معادل پانزده درصد قیمت عادله مذکور در بند ۲ فوق بین زارعین و خوش نشینان و برزگرانی که محل را ترك مینمایند به نسبت تعداد عائله تحت تکفل آنها تقسیم خواهد شد .

۵ - در صورتیکه طبق نظر اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستائی محل زارعین حقوقی در آن ملک داشته باشند حقوق زارعین ذینفع از قیمت ملک کسر و بذوی الحقوق پرداخت و بقیه بمالک پرداخت خواهد شد .

۶ - تصرف اراضی وابسته و تاسیسات بعد از پرداخت تمام قیمت معین شده بمالك یا تودیع آن در صندوق حسابداری دادگستری محل مجاز است نسبت به املاك موقوفه‌ای که فروش آنها مجاز نیست بطریق اجاره طویل‌المدت یا تبدیل باحسن استفاده خواهد شد در مورد املاك موقوفه در صورتیکه زارعین طبق نظر اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستائی محل حقوقی در آن ملك داشته باشند حقوق آنان پرداخت میشود .

۷ - در صورتیکه مالك به انتقال ملك و تحویل آن رضایت ندهد پس از سپردن قیمت ملك در صندوق حسابداری دادگستری دادستان محل از طرف او سند انتقال ملك مورد نظر را امضاء و ظرف یکماه بتخلیه قطعی ملك مذکور اقدام مینماید .

۸ - اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راههای اصلی یا فرعی و یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب و لوله های گاز و نفت قرار میگیرد با رعایت حریم مورد لزوم که طبق تصویبنامه هیات وزیران معین خواهد شد از طرف دولت مورد استفاده واقع میشود و از بابت این حق ارتفاق وجهی پرداخت نخواهد شد .

در صورتیکه مستحدمات و اعیانی وجود داشته باشد که بر اثر احداث تاسیسات فوق‌الذکر از زمین برود و یا خساراتی به آنها وارد شود موسسات دولتی مربوط باید قیمت اعیانی از زمین رفته را طبق مقررات این قانون بپردازند و یا خسارات وارده بکلیه ذوی الحقوق را جبران کنند .

ماده ۱۱ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب

۴۷/۲/۱۵

ماده ۱۱ - هرگاه زمین‌هایی برای انجام عملیات مقرر در این اساسنامه مورد احتیاج شرکت واقع شود به ترتیب زیر عمل خواهد شد :

الف - در مورد اراضی موات حیازت و تملك آن از طرف شرکت مجاز و تابع احکام کلی است .

ب - در صورتیکه زمین مورد احتیاج بایر و متعلق بدولت باشد بر حسب پیشنهاد شرکت و تصویب هیات وزیران مجاناً بشرکت واگذار میشود . در صورتیکه احتیاج شرکت بزیمینی که بدین طرز تحصیل نموده باشد رفع شود

شرکت بدون اجازه دولت حق انتقال آنرا به غیر نخواهد داشت و باید آنرا بلاعوض بدولت مسترد دارد .

انجام تشریفات ثبتی این قبیل اراضی مستقیماً از طرف دولت صورت خواهد گرفت .

ج - زمینهای دایر متعلق به دولت در مقابل پرداخت بهای عادلانه آن شرکت انتقال داده خواهد شد . در صورت اختلاف نسبت به بهای عادلانه نظر هیات سه نفری مندرج در بند «د» این ماده قطعی و الزام آور خواهد بود . چنانچه احتیاج شرکت از زمینی که ازدولت خریداری نموده رفع شود باید مراتب را کتباً بدولت اعلام و زمین مزبور را برای فروش بدولت پیشنهاد کند در صورتی که دولت مایل بخرید زمین مزبور باشد شرکت آن را در مقابل بهای خرید بدولت واگذار خواهد نمود . چنانچه ظرف ششماه از تاریخ پیشنهاد فروش دولت زمین را ابتیاع ننماید شرکت در فروش آن به غیر آزاد خواهد بود .

تبصره ۱ - در مورد اراضی دولتی مذکور در دو بند فوق مراجعه شرکت بدولت از طریق هر سازمانی که بحکم قانون امور اراضی متعلق بدولت را عهده دار باشد بعمل خواهد آمد .

تبصره ۲ - در مورد اراضی مشمول بند «ج» که پیشنهاد فروش آن بدولت داده میشود دولت در صورتیکه خود مایل بخرید نباشد ممکن است استفاده از حق خود را بشهرداری یا مؤسسات عمومی دیگر واگذار نماید و در این صورت زمین در مقابل بهای خرید بشهرداری یا موسسه عمومی رسمی که دولت تعیین نماید انتقال داده خواهد شد .

د - در مواردیکه شرکت برای انجام عملیات خود احتیاج به اراضی متعلق باشخاص اعم از دائر و بایر و ابنیه و تاسیسات و اعیانهای موجود در زمینهای مزبور داشته باشد بطریق زیر عمل خواهد شد :

۱ - تشخیص اینکه خرید اراضی و مستحقات موجود در آن مورد نیاز شرکت میباشد با هیات مدیره شرکت است .

۲ - شرکت وضع ثبتی اراضی (اعم از عرصه و اعیان) مورد نیاز عملیات خود را از ثبت محل استعلام خواهد نمود . و اداره ثبت مکلف است حداکثر

ظرف (۱۵) روز وضع ثبتی ملک را تعیین و اعلام دارد و در صورتی که تشریفات ثبتی ملک خاتمه یافته باشد نام مالک و یا مالکین و مقدار سهم هر کدام و اقامتگاه آنان را تعیین و گواهینامه لازم را صادر و بشرکت تسلیم نماید .

۳ - چنانچه مالک یا مالکین از فروش ملک خودداری نمایند و یا هرگاه بین شرکت یا مالک یا مالکین برای خرید اراضی و اعیانها از لحاظ قیمت توافق حاصل نشود شرکت ضمن ارسال دادخواستی متضمن رونوشت مصوب هیات مدیره مبنی بر لزوم تحصیل آن و رونوشت گواهی ثبتی متضمن نام و نشانی مالک و یا مالکین و (۳) نسخه نقشه زمین مورد نیاز از هیات سه نفری مرکب از دادستان کل کشور - وزیر کشور - مدیرکل ثبت اسناد و املاک و یا نمایندگان آنها درخواست خواهد نمود که برای تعیین قیمت عادلانه ملک و الزام مالک و یا مالکین بفروش اراضی و اعیانها اقدام نمایند .

۴ - هیات سه نفری حداکثر ظرف (۱۵) روز از تاریخ وصول دادخواست شرکت کارشناسانی برای تعیین قیمت عادلانه ملک بدین شرح تعیین خواهد نمود .

یک نفر کارشناس از طرف شرکت و یک نفر کارشناس بر حسب اخطار بمالک یا مالکین از طرف آنان تعیین و معرفی میگردد و کارشناس سوم باتوافق دو نفر کارشناس مزبور انتخاب میشود .

در صورتیکه بین دو نفر کارشناس در انتخاب کارشناس سوم توافق حاصل نشود کارشناس سوم را هیات سه نفری تعیین خواهد نمود .

تبصره ۱ - مالک یا مالکین ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه ای که از طرف دفتر هیات سه نفری صادر خواهد شد باید کارشناس خود را به دفتر هیات سه نفری معرفی و برگ قبولی او را نیز دریافت نموده و در همین مدت ارسال دارند .

در صورت انقضای مدت ده روز و عدم معرفی کارشناس و یا عدم ارسال برگ قبولی کارشناس مالک و یا مالکین کارشناس مزبور نیز توسط هیات سه نفری تعیین خواهد شد .

تبصره ۲ - در صورتیکه اقامتگاه یا محل کار مالک یا مالکین مشخص

نباشد ابلاغ اخطاریه به اقامتگاه مالك و یا مالکین که در گواهی اداره ثبت تعیین شده باشد قانونی خواهد بود .

تبصره ۳ - در صورتیکه مالك مشاع و یا مالکین آن متعدد باشند کارشناس توسط اکثریت مالکین تعیین خواهد شد .

تبصره ۴ - دستمزد و هزینه ایاب و ذهاب و فوق العاده روزانه کارشناسان بمیزانی که از طرف هیات سه نفری تعیین گردد بوسیله شرکت ملی نفت و از طریق دفتر هیات سه نفری پرداخت خواهد شد .

۵ - کارشناسان مکلفند حداکثر ظرف (۱۵) روز از تاریخ انتخاب قیمت عادلانه اراضی و اعیانهای مورد نیاز عملیات شرکت را به اتفاق یا با اکثریت آراء بر اساس بهای اراضی مشابه و مجاور بدون در نظر گرفتن منابع نفتی و نوع استفاده‌ای که منظور شرکت میباشد و به بهای قبل از تاریخ تصویب هیات مدیره شرکت تعیین و بدفتر هیات سه نفری اعلام نمایند .

۶ - هیات سه نفری بهای عادلانه تعیین شده از طرف کارشناسان را بشرکت ابلاغ خواهد نمود . در صورتیکه مالك یا مالکین به بهای تعیین شده تسلیم شوند انتقال زمین به بهای مزبور بعمل خواهد آمد و در غیر این صورت شرکت قیمت معینه را بصندوق دادگستری تودیع و قبض دریافتی را بدفتر هیات سه نفری ارسال خواهد داشت . هیات سه نفری حداکثر ظرف سه روز از تاریخ تسلیم قبض مذکور تصمیم لازم دائر به الزام مالك و یا مالکین به تنظیم سند انتقال را صادر و بطرفین ابلاغ خواهد نمود و در صورتیکه مالك یا مالکین ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیات از امضاء سند خودداری نمایند بدستور دادستان کل از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملك سند انتقال ملك امضاء و عرصه و اعیان مورد تصمیم بموجب صورت جلسه‌ای از طرف دادستان شهرستان بنماینده شرکت تحویل خواهد شد .

در این مورد هر وقت مالك و یا مالکین حاضر بدریافت قیمت ملك خود گردیدند حواله پرداخت آن بصندوق دادگستری از طرف دفتر هیات سه نفری صادر خواهد شد و همچنین است در مورد املاك مندرج در شق (۷) زیر که پس از مشخص شدن مالك حواله پرداخت وجه بنام او صادر میگردد .

۷ - در مورد املاکی که مالکیت آن مورد اختلاف بوده و یا تشریفات

ثبتی آن ملك انجام نگرفته و یادستری بمالك و یامالكین نباشد تعیین کارشناس مالك و یامالكین آن بعهدہ هیات سه نفری خواهد بود و پس از تعیین قیمت ملك و تودیع در صندوق دادگستری و صدور تصمیم لازم از طرف هیات سه نفری بنابستور دادستان كل سند انتقال را دادستان شهرستان محل وقوع ملك امضاء نموده و اراضی و اعیانهای واقعه در آن را بموجب صورتجلسه بشرکت تحویل خواهند داد .

تبصره ۱ - در صورتیکه این قبیل اراضی مورد استفاده بمالکیت دولت شناخته شود و سند مالکیت بنام دولت صادر گردد و جوه تودیدی بابت قیمت اراضی بائر بشرکت مسترد خواهد شد .

تبصره ۲ - اقامه دعوی شخص ثالث و یا دعوی متقابل موجب تأخیر در انجام مقررات این ماده نخواهد بود و هیات سه نفری باید در هر مورد تشریفات کارشناسی و تودیع بها و صدور حکم را ظرف مواعدی که بشرح فوق تصریح گردیده است انجام دهد .

۸ - هرگاه به تشخیص کارشناسان و تأیید هیات سه نفری اراضی و اعیانهای مورد ارزیابی ممراعاشه مالك و یامالكین باشد برابر (۱۵) درصد قیمت عادله اضافه پرداخت خواهد شد .

۹ - درباره املاك مزروعی مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مورد احتیاج شرکت وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ظرف مدت يك ماه از تاریخ درخواست شرکت اجازه تجزیه و فروش آن املاك را خواهد داد . ضمناً در مواردیکه مساحت اراضی مزروعی مورد احتیاج بقدری باشد که زارعین مجبور بکوچ کردن شوند شرکت علاوه بر قیمت ملك که پرداخت میکند ۲۵ درصد قیمت را هم بوسیله وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی با حضور فرماندار یا بخشدار محل بین زارعین محل که از آنجا کوچ مینمایند تقسیم خواهد کرد .

۱۰ - در مورد املاك موقوفه و یا املاکی که شرکت بخواهد بطریق اجاره از آن استفاده و یا حق ارتفاق تحصیل کند اگر برای تعیین میزان اجاره و حق ارتفاق بین شرکت و طرف مقابل توافق نشود هیات سه نفری بترتیب مندرج در شقوق (۵ و ۴) بند «د» این ماده اقدام و میزان اجاره و یا حق ارتفافی

را تعیین و رأی بتنظیم سند اجاره و یا تفویض حق ارتفاع صادر خواهد نمود که در صورت امتناع مالک و یا مالکین و همچنین متولی یا متولیان یا نماینده اوقاف بدستور دادستان کل سند اجاره و اعطاء حق استفاده از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملک امضاء و زمین و اعیانهای مورد لزوم بموجب صورتجلسه شرکت تحویل خواهد شد .

تبصره - در مورد املاک موقوفه مزروعی زارعین مستاجر این املاک مکلفند اراضی مورد احتیاج شرکت را در مقابل مال الاجاره ای که بشرح مذکور در این شق تعیین خواهد شد به اجاره شرکت واگذار نمایند . در صورتیکه زارعین مستاجر این املاک ناگزیر به ترك اراضی زراعتی گردند و یا خساراتی به زراعت یا مستحذات آنان وارد شود میزان حقوق و خسارت توسط وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی تعیین و بوسیله شرکت پرداخت خواهد شد.

۱۱ - در مورد اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که برای عبور لوله های نفت و گاز و انواع دیگر مواد نفتی یا ایجاد شبکه مخابراتی مورد احتیاج شرکت باشد عرصه مجاناً از طرف شرکت تصرف شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت و فقط قیمت اعیانهای موجود در آن باتوافق با صاحبان اعیان و در صورت عدم توافق بشرح مفاد شقوق (۶ و ۵ و ۴) بند «د» این ماده تعیین و پرداخت میگردد .

تبصره ۱ - شرکت در معدوم کردن اعیانهای موجود در مسیر خطوط لوله پس از تودیع قیمت عادله بشرح مندرج در این ماده مختار است .
تبصره ۲ - اراضی خارج از محدوده شهرداری هر شهر جزو زمینهای خارج از محدوده آن شهر محسوب میشود .

تبصره ۳ - عرض مسیر و حریم خطوط لوله شرکت مجموعاً از چهل متر تجاوز نخواهد کرد .

۱۲ - هرگونه تصرف از طرف اشخاص در اراضی که بموجب مقررات این اساسنامه برای خطوط لوله تحصیل شده است اعم از احداث بنایاغرس اشجار و یا زراعت و غیره ممنوع میباشد و شرکت مجاز است این قبیل اعیانها و مستحذات را با حضور نماینده ژاندارمری یا شهربانی یا بخشداری که دعوت خواهد نمود منهدم نماید و اشخاص حق هیچگونه ادعا و مطالبه خسارتی

از این بابت علیه شرکت نخواهند داشت .

ه - برای اثبات عدم انجام تشریفات ثبتی یا اختلاف در مالکیت اراضی گواهینامه اداره ثبت محل و نسبت بعدم دسترسی بمالك اظهار شرکت که متکی به نشر آگهی در مجله رسمی و يك روزنامه کثیرالتشعار باشد کفایت خواهد کرد .

ه - برای اثبات عدم انجام تشریفات ثبتی یا اختلاف در مالکیت اراضی و در رهن یا بیع شرط هستند در صورتیکه مالك خود برای پرداخت بدهی امضاء سند انتقال حاضر نشود و دادستان شهرستان مأمور امضاء سند انتقال گردد بستانکار میتواند به هیات سه نفری مراجعه و به نسبت اراضی که مورد این حکم قرار گرفته طلب خود را از محل وجه سپرده مطالبه و دریافت دارد و سندی مبنی بر ابطال یا اصلاح سند رهنی یا شرطی و وصول وجه تودیع شده بدهد و در این مورد که طلب بستانکار در صندوق دادگستری سپرده شده است امضاء سند انتقال از طرف دادستان شهرستان معامله معارض محسوب نمیگردد هرگاه مبلغ سند رهنی یا شرطی بیش از مبلغ ارزیابی شده باشد نسبت بمازاد شرکت مسئول نخواهد بود .

ز - پرداخت هزینه دفتری سند انتقال بعهدہ طرفین است و سایر هزینه های آن بعهدہ مالك میباشد و در مواردیکه دادستان سند انتقال را امضاء مینماید تمام مخارج وسیله شرکت پرداخت و با ارائه مدارك مربوطه به هیات سه نفری آنچه را که بحساب مالك پرداخت نموده است از محل وجه سپرده مسترد خواهد داشت .

ح - در اجرای هر يك از موارد مندرج در این ماده اعم از ارزیابی و پرداخت بهای املاك و اراضی مورد نیاز شرکت باید حقوق زارعین براساس قوانین و مقررات اصلاحات ارضی بانظر وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی تعیین و از بهای ملك کسر و بزارعین پرداخت گردد .

قانون طرز تقویم و تملك اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی

(لتیان) مصوب ۱۷ خرداد ۴۷

ماده ۱ - تملك و تصرف اراضی و باغها و ویستانها و قلمستانها و مستحدثات و همچنین استفاده از حقوق ارتفاقی مورد نیاز برای ساختمان سد فرحناز پهلوی (لتیان) و تأسیسات مربوط و بهره برداری از آنها به پیشنهاد سازمان آب منطقه ای تهران و تصویب وزیران آب و برق و کشاورزی و مدیرعامل سازمان برنامه صورت خواهد گرفت و بهای آنچه که به ترتیب فوق بتصرف سازمان آب منطقه ای تهران درآمده طبق مقررات این قانون پرداخت میگردد .

ماده ۲ - تعیین درآمد و تشخیص ضرائب ارزیابی بمنظور تقویم اراضی و باغها و زمینهای مشجر و کلیه مستحدثات بوسیله هیئت مرکب از وزیر آب و برق و وزیر کشاورزی و دادستان کل و مدیرعامل سازمان برنامه و مدیرکل ثبت یا نمایندگان آنان با توجه بنظر کارشناس یا کارشناسانیکه بوسیله هیئت مزبور تعیین میشوند طبق مقررات و ضوابط مندرج در این قانون بعمل میآید و نظر هیئت به اکثریت آراء قطعی است .

تبصره - هیئت مذکور در فوق باید بمالك هرملك مورد ارزیابی اعلام نماید که در مدت معینی خود یا نماینده وی در جلسه هیئت حضور بهم رسانند و هیئت پس از استماع اظهارات مالك یا نماینده او نظر خود را بطور قطع اعلام میدارد . در صورت عدم حضور مالك یا نماینده او بدون عذر موجه هیئت میتواند تصمیم نهائی را اتخاذ نماید و تشخیص عذر موجه نیز بعهده هیئت مذکور است .

ماده ۳ - اگر املاکی مشمول مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی بوده ولی بعللی تاکنون قانون در مورد آنها اجرا نشده باشد سازمان اصلاحات ارضی بلافاصله اجرای قانون اصلاحات ارضی را در آن ملك خاتمه خواهد داد سپس سازمان آب منطقه ای تهران طبق مقررات این قانون اقدام خواهد نمود .

ماده ۴ - ارزیابی اراضی و باغهای میوه و قلمستان ها و زمینهای مشجر و دیمزار و بایر و کلیه مستحقات با توجه به نکات زیر بعمل خواهد آمد .

الف - در مورد اراضی ماخذ ارزیابی برای هر هکتار زمین زراعتی آبی با توجه بموقعیت و نوع زراعت و مدت آیش و فاصله آن با جاده های موجود قبل از تاریخ شروع اجرای طرحهای ساختمان سد و بدون در نظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی که بمنظور احداث سد در این منطقه صورت گرفته حداکثر ۱۵ برابر معدل درآمد خالص واقعی سالانه آن در سه سال اخیر سالهای (۴۲-۴۳-۴۴) خواهد بود .

ب - ملاک ارزیابی قلمستان و ویدستان و زمینهای مشجر مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ باشد با توجه به نوع و تعداد و سن درختها تعیین میشود ولی حداکثر بهای آن از یک ونیم برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده نباید تجاوز کند .

اشجار موجود در قلمستان و ویدستان متعلق به مالکین خواهد بود ولی مالکین مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ اخطار سازمان که بوسیله آگهی در محل و جراید و رادیو به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید بکنند در غیر این صورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی مبادرت به قطع اشجار خواهد نمود .

سازمان آب منطقه ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

پ - ملاک ارزیابی باغهای میوه مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۲۸/۲/۱۳۳۷ باشد با توجه بنوع و تعداد و سن درختها و میزان محصول تعیین میشود مشروط به اینکه حداکثر بهای تعیین شده از سه برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند اشجار موجود در باغات میوه متعلق به مالکین بوده و تا موقعی که مورد استفاده سد و تاسیسات آن قرار نگرفته میتوانند از آنها بهره برداری کنند ولی مالکین مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ اخطار سازمان آب منطقه ای تهران که بوسیله آگهی در محل و جراید و رادیو به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید کنند و در

غیراینصورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی رأساً مجاز بقطع اشجار و استفاده از زمین خواهد بود. سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست.

ت - ماخذ ارزیابی اراضی دیمزار برای هر هکتار حداکثر ده هزار ریال و اراضی بایر هر هکتار یکصد ریال خواهد بود.

ث - ارزیابی عرصه و اعیانی ساختمانها و انبار و اصطبل و نظایر آن با توجه بمصالح ساختمانی و موقعیت محل بدون در نظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی سد بنرخ عادلانه خواهد بود.

ولی بهای اعیانی ساختمانهای غیر روستائی بشرطی پرداخت میشود که تاریخ احداث آن قبل از بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ باشد.

ماده ۵ - نحوه پرداخت بهای اراضی زراعتی و باغهای میوه و قلمستانها و ویدستانها و زمینهای مشجر و دیمزار و بایر و مستحدثات بشرح زیر خواهد بود:

الف - در صورتیکه ملك متعلق به اشخاصی باشد که در اثر اجرای مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی مالك شده باشند با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاحات ارضی پس از کسر بدهی زارع بابت بهای ملك مازاد بها به آنها پرداخت میشود.

ب - املاکی که در اجاره زارعین است هیئت ارزیابی علاوه بر تعیین بهای زمین برای پرداخت بصاحب آن حق السعی و حقوق زارعه را تعیین خواهد نمود تا بزارعین ذیحق پرداخت گردد.

پ - حقوق زارعین اعم از حق ریثه بهای شخم و کود و ارزش زحماتی که زارع برای آباد کردن زمین مورد نیاز متحمل شده است برآورد و بزارعین پرداخت و از بهای تعیین شده جهت مالکین کسر میشود.

ت - در مورد باغهای میوه و قلمستانها و ویدستانهایی که بعد از تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ احداث شده‌اند ارزیابی براساس اراضی مشابه زراعتی بترتیب مقرر در این قانون صورت خواهد گرفت ولی حقوق زارعین طبق بند پ این ماده محاسبه و اضافه بر بهای فوق بزارعین مربوطه پرداخت خواهد شد.

ث - در صورتیکه اعیانی باغهای میوه و قلمستانها و ویدستانها و اراضی مشجر متعلق بزارع باشد و یا مالک و زارع طبق قرارداد های خاصی در اعیانی شریک و سهمیم باشند ارزش اعیانی بر اساس مقررات این قانون بزارع و یا مالک و زارع بمیزان سهم هر یک پرداخت خواهد شد .

ج - بهای کلیه ساختمانهای روستائی که طبق ماده ۳۱ قانون اصلاحات ارضی بزارعین تعلق یافته است به آنها پرداخت خواهد شد .

ماده ۶ - در صورتیکه مساحت کل زمین زراعی یا باغ میوه و قلمستان و ویدستان و اراضی مشجر متعلق بیک مالک در تاریخ تقدیم این لایحه از پنج هکتار بیشتر باشد (به استثنای تقسیم قهری از طریق ارث) مأخذ پرداخت بهای ملك نسبت بمازاد پنج هکتار بقرار زیر خواهد بود :

مازاد بر پنج هکتار تا ده هکتار هفتاد و پنج درصد نرخ ارزیابی و از ده هکتار به بالا نسبت به مازاد شصت درصد نرخ ارزیابی مقرر در این قانون است و انتخاب پنج هکتار و ده هکتار اولیه از پر ارزشترین اراضی مالک بعمل خواهد آمد .

ماده ۷ - در صورتیکه مالک یا مالکینی از انجام معامله و امضای اسناد انتقال خودداری نمایند دادستان شهرستان تهران یا نماینده او باید بجای مالک یا مالکین اسناد انتقال قطعی و دفاتر مربوطه را امضاء نموده و ثمن معامله در صندوق ثبت بنام مالک یا مالکین سپرده شود .

ماده ۸ - پرداخت بهای اراضی و املاک مالک یا مالکین که قبلاً از طرف سازمان آب تهران تملك و عملاً تصرف شده ولی هنوز سند انتقال قطعی تنظیم نگردیده است مشمول مقررات این قانون خواهد بود چنانچه وجوهی که مالکین مذکور بطور علی الحساب دریافت داشته اند از مأخذ ارزیابی که بر این قانون بعمل میآید بیشتر باشد مابه التفاوت قابل استرداد نخواهد بود .

قانون نوسازی و عمران شهری

مصوب ۱۳۴۷/۹/۷

ماده ۱ - در اجرای اصل یازدهم منشور انقلاب شاه و ملت نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندیهای شهری و احداث و اصلاح

و توسعه معابر و ایجاد پارکها و پارکینگها (توقفگاهها) و میدانها و حفظ و نگهداری پارکها و باغهای عمومی موجود و تأمین سایر تأسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداریها است و شهرداریها در اجرای وظایف مذکور مکلف به تهیه برنامه های اساسی و نقشه های جامع هستند .

ماده ۲ - در شهر تهران از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور تعیین و اعلام کند بر کلیه اراضی و ساختمانها و مستحقات واقع در محدوده قانونی شهر عوارض خاص سالانه بپذیرد و پنج در هزار بهای آنها که طبق مقررات این قانون تعیین خواهد شد برقرار میشود .

شهرداریها مکلفند بر اساس مقررات این قانون عوارض مذکور را وصول کرده و منحصراً بمصرف نوسازی و عمران شهری برسانند . مصرف وجوه حاصل از اجرای این قانون در غیر موارد مصرح در این قانون در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولت خواهد بود .

تبصره ۱ - ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض مذکور و ترتیب تعیین نسبتی از قیمت ملک که در هر شهر باتوجه بمقتضیات و شرایط خاص اقتصادی مأخذ دریافت عوارض قرار میگیرد بموجب آئین نامه ای که از طرف وزارت کشور تنظیم و به تصویب هیئت وزیران میرسد تعیین و اجرا خواهد شد .

تبصره ۲ - در شهر تهران عوارض املاک مؤدیانی که مجموع عوارض هر یک از آنان در سال تا مبلغ یک هزار و پانصد ریال باشد بخشوده میشود و در سایر شهرها انجمنهای شهر میتوانند با تأیید وزارت کشور تمام یا قسمتی از عوارض املاک کلیه مؤدیانی را که مجموع عوارض هر یک از آنان طبق مقررات این قانون در سال تا مبلغ یک هزار و پانصد ریال باشد باتوجه بمقتضیات خاص اقتصادی شهر با انتشار آگهی مضمول بخشودی قرار دهند .

تبصره ۳ - در شهر تهران از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور اجرای مقررات این ماده را اعلام میکند عوارض



سد مخزنی ارس

سطح شهر و سایر عوارض دریافتی از اراضی و ساختمانهای شهری ملغی میشود.

تبصره ۴ - علاوه بر عوارض مذکور در ماده ۲ حق مرغوبیت و هر نوع درآمد دیگری که در اثر اجرای این قانون تحصیل شود منحصرأ بمصرف نوسازی و عمران شهری خواهد رسید.

تبصره ۵ - برای تأمین هزینه‌های اداری و وصول عوارض موضوع این ماده و تجهیز کادرفنی و اداری جهت اجرای این قانون شهرداریها میتوانند حداکثر تا میزان ده درصد درآمد وصولی موضوع این قانونرا طبق بودجه‌ایکه بتصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور خواهد رسید بمصرف برسانند و مصرف بیش از این میزان از درآمد حاصل از اجرای قانون بهیچوجه مجاز نیست.

تبصره ۶ - شهرداریها میتوانند در عملیات نوسازی از محل درآمد ماده ۲ این قانون رقمی به ساختمان دبستان اختصاص دهند.

ماده ۳ - در مورد عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمانهایی که در اجرای این قانون در هر یک از شهرها ملغی میگردد بقایای مطالبات شهرداری غیر قابل توافق و بخشودگی است و در صورت بروز اختلاف در اصل عوارض طبق ماده ۷۷ قانون شهرداریها عمل خواهد شد ولی هرگاه مؤدیان عوارض مذکور ظرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون بشهرداری مراجعه و نسبت به پرداخت اصل بدهی خود در هر مرحله که باشد تقدأ اقدام کنند و یا قرار تقسیط حداکثر سه ساله با منظور نمودن سود صدی شش از تاریخ تقسیط باشهرداری بگذارند از پرداخت زیان دیرکرد و جرائم متعلقه معاف خواهند بود.

تبصره ۱ - در مورد مؤدیانی که بقایای بدهی آنان بابت عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمانها و مستحدثات بیش از پانزده هزار ریال باشد قرار تقسیط باخذ وثیقه و تنظیم سند رسمی بعمل می‌آید.

تبصره ۲ - شهرداری مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز بعد از مراجعه مؤدی میزان بدهی او را روشن و بادریافت مطالبات خود نقدأ یا باقرار تقسیط بترتیب فوق مفاصاحساب صادر کند.

ماده ۴ - بهای اراضی و ساختمانها و مستحقات مذکور در ماده ۲ این قانون بر مبنای ممیزی شهرداری تعیین و اعلام خواهد شد و شهرداریهای مشمول ماده ۲ مکلفند حداکثر ظرف دو سال از تاریخ شمول ممیزیهای مذکور را با رعایت ضوابط ذیل بعمل آورند و مادام که ممیزی بعمل نیامده بهائی که از طرف مالک یا مالکین یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنها بر اساس این ضوابط تعیین و اعلام میگردد ملاک عمل محسوب خواهد شد .

بهای اراضی طبق قیمت منطقه ای خواهد بود که وسیله وزارت کشور و وزارت دارائی با کسب اطلاع از مراجع محلی تعیین و بتصویب هیئت وزیران رسیده باشد و بهای ساختمانها و مستحقات بر اساس ضوابطی خواهد بود که وزارتخانه های کشور و آبادانی و مسکن تعیین نموده و بتصویب هیئت وزیران رسیده باشد .

تبصره ۱ - در مورد کارخانه ها و کارگاهها و مؤسسات صنعتی و اقتصادی و علمی فقط قیمت زمین و ساختمان ملاک پرداخت عوارض قرار خواهد گرفت .

تبصره ۲ - در مناطقی از محدوده شهر که آب مشروب لوله کشی و برق یا یکی از آنها در دسترس ساکنین آن منطقه گذارده نشده باشد بابت هر یک از آنها که تأمین نشده ۲۵ درصد از عوارض مقرر کسر میگردد ولی زمینهای بایر واقع در آن مناطق مشمول این بخشودگی نخواهند شد .

تبصره ۳ - مالکین و متصرفین املاک مکلفند در ممیزی اراضی و ساختمانها و مستحقات با مأمورین ممیزی همکاری کنند و هرگاه از انجام این تکلیف خودداری کند مأمورین ممیزی در مورد اراضی بایر یا بدون حصار با تشخیص علی الرأس و در مورد ساختمانها و باغات و اراضی محصور با اعلام کتبی قبلی و با حضور نماینده دادستان وارد ملک شده اوراق ممیزی را تنظیم خواهند نمود .

تبصره ۴ - ضوابط مذکور در این ماده برای تقویم زمین و یا ساختمان باید ساده و مشخص و روشن باشد .

ماده ۵ - محدوده قانونی هر شهر و همچنین ضوابط مذکور در ماده ۴ توسط شهرداری بطرق مقتضی جهت اطلاع عموم اعلام خواهد شد و در شهر

های مشمول ماده ۲ این قانون مالکین زمینها و ساختمانها و مستحداثات واقع در محدوده شهر یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان مکلفند ظرف ششماه از تاریخ اعلام شهرداری مشخصات کامل ملک را با تعیین بها تفکیک هر قطعه ملک بترتیب مقرر در ماده ۴ کتباً بشهرداری اعلام دارند و هرگاه در مهلت مقرر نسبت با اعلام بهاء اقدام نکنند عوارض متعلقه برای مدت تأخیر بدو برابر افزایش خواهد یافت .

ماده ۶ - هرگاه پس از اعلام ضوابط طبق ماده ۵ و قطعیت ممیزی معلوم شود که بهای اعلام شده از طرف مالک یا قائم مقام یا نماینده قانونی او کمتر از هفتاد درصد (۷۰ درصد) قیمت ملک بر طبق ماده ۴ این قانون است ما به التفاوت عوارض از تاریخ برقراری تا تاریخ قطعیت ممیزی بدو برابر افزایش خواهد یافت .

ماده ۷ - شهرداری باید پایان ممیزی هر منطقه را بوسیله نشر آگهی در جراید کثیرالانتشار و الصاق آن در معابر عمومی و وسائل مقتضی دیگر باطلاع مالکین آن منطقه برساند و بعلاوه نتیجه ممیزی هر ملک را بوسیله پست بمالك اطلاع دهد .

مؤدیان عوارض نیز میتوانند بمراجع مربوط که در آگهی مذکور تعیین خواهد شد مراجعه و از نتیجه ممیزی اطلاع حاصل نمایند در صورتیکه نسبت بممیزی ملک خود اعتراض داشته باشند میتوانند ظرف چهارماه از تاریخ نشر آگهی در جراید دلائل و مدارک اعتراض خود را بکمسیون رسیدگی مذکور در ماده ۸ این قانون تسلیم دارند و در صورت عدم اعتراض ممیزی قطعی خواهد بود .

ماده ۸ - اعتراضات راجع به ممیزی در مورد اختلاف مساحت اراضی و مستحداثات و محل وقوع ملک و تطبیق مشخصات ملک یا ضوابط موضوع ماده ۴ اعلام شده از طرف شهرداری در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون و همچنین رسیدگی با اعتراضات راجع به ارزیابی املاک و حقوق کسب و پیشه و میزان آن مربوط باجرای طرحهای نوسازی و اصلاح و توسعه معابر در کلیه شهرداری های کشور در کمیسیونی مرکب از سه نفر از افراد محلی بصیر و مطلع در تقویم املاک که یک نفر آن از طرف انجمن شهر و یک نفر از طرف

رئیس دادگاه شهرستان ویکنفر از طرف وزارت کشور تعیین میشود بعمل خواهد آمد. تصمیم اکثریت اعضاء کمیسیون در این مورد قطعی و لازم الاجراء است و رسیدگی بسایر اختلافات ناشی از اجرای این قانون منحصرأ در صلاحیت کمیسیون رفع اختلاف موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری میباشد.

تبصره ۱ - تشریفات رسیدگی و پرداخت حق الزحمه اعضاء کمیسیون طبق آئین نامه ای که بتصویب وزارت کشور خواهد رسید مشخص میشود. وزارت کشور تعداد کمیسیونهای رسیدگی و کمیسیونهای رفع اختلاف را در شهرداری باتوجه بوسعت شهر و میزان اعتراضات تعیین میکند.

تبصره ۲ - قبول اعتراض مؤدی راجع به ممیزی در کمیسیون ماده ۸ موکول بان است که عوارض ملك خود را بر اساس اعلام بهائی که خود مالك طبق ماده ۴ نموده است پردازد و رونوشت یافتو کپی قبض پرداخت را بضمیمه برگ اعتراض بدفتر شهرداری برای ارسال بکمیسیون تسلیم کند مگر اینکه بهای اعلام شده از طرف مالك مشمول حدنصاب بخشودگی باشد.

ماده ۹ - ممیزی هائی که طبق مقررات این قانون از طرف شهرداری بعمل آید تا پنج سال ملاك وصول عوارض خواهد بود مگر اینکه ظرف این مدت تغییرات کلی در اعیان ملك داده شود بنحویکه قیمت آنرا بیش از پنجاه درصد افزایش یا کاهش دهد که در اینصورت مؤدی مکلف است مراتب را بشهرداری اعلام نماید و میزان افزایش یا کاهش قیمت بر اساس مقررات این قانون تعیین و از سال بعد ملاك وصول خواهد شد.

شهرداریهای مشمول این قانون مکلفند هر پنجسال یکبار ممیزی عمومی را تجدید کنند و هرگاه در پایان مدت پنجسال تجدید ممیزی بعمل نیامده باشد ممیزی قبلی تا اعلام نتیجه ممیزی جدید معتبر خواهد بود.

ماده ۱۰ - عوارض هر سال در اول فروردین ماه آنسال تحقق می یابد و باید حداکثر تا پایان همانسال به شهرداری پرداخت گردد.

تبصره ۱ - از عوارض مودیانی که ظرف مدت مذکور عوارض متعلق بهر ملك را پردازند ده درصد عوارض آنسال بعنوان جایزه منظور و کسر خواهد شد.

تبصره ۲ - ساختمانهای اساسی که بجای ساختمانهای کهنه و قدیمی

نوسازی و تجدید بنا شود بمدت سه سال از تاریخ اتمام بنا مشخص شده در پروانه ساختمان از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود. تبصره ۳ - بهای ایانی پارکینگهای اختصاصی درهر ساختمان در احتساب عوارض منظور نخواهد شد .

ماده ۱۱ - نسبت به اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی بوده و یا باغ شهری بآن اطلاق نشود در صورتی که تا یکسال بعد از پایان مهلت مقرر در ماده ۵ مالکین یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان مشخصات و بهای ملك خود را بشهرداری اعلام نکنند شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند اینگونه املاک را بتصرف در آورده و بقائم مقامی مالک از طریق مزایده بارعایت آئین نامه معاملات شهرداری و براساس قیمت منطقه ای بفروش برسانند و مطالبات خود را بانضمام جرائم و هزینه های متعلقه باضافه ۵ درصد قیمت ملك بسود برنامه نوسازی از محل بهای ملك برداشت نموده مابقی را در حساب ثابت شهرداری در بانک نگهداری کنند تا در صورت مراجعه مالکین یا نمایندگان قانونی آنان در مقابل اخذ رسید به آنها پرداخت شود و هرگاه ظرف ده سال مالک ملك یا نمایندگان قانونی آنان مراجعه ننمایند وجوه مذکور بحساب درآمد نوسازی منظور خواهد شد .

تبصره ۱ - هرگاه مالکیت ملك محل اختلاف باشد مدت ۱۰ سال مذکور در این ماده از تاریخ صدور حکم نهائی مبنی بر رفع اختلاف شروع میشود .

تبصره ۲ - ساختمان اساسی مذکور در این قانون بساختمانی اطلاق میگردد که ارزش آن براساس ضوابط مندرج در ماده ۴ این قانون برابر حداقل بیست درصد بهای کل زمین باشد مرجع رسیدگی باختلاف حاصله در این مورد کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون است .

تبصره ۳ - شهرداری مکلف است وضع املاک مشمول این ماده را قبل از انتشار آگهی مزایده باحضور نماینده دادستان شهرستان صورت مجلس کند .

تبصره ۴ - در صورتیکه مالکین اینگونه اراضی قبل از انتقال قطعی ملك مشخصات بهای ملك خود را بشهرداری اعلام دارند و عوارض و جرائم

مربوط را نقداً پردازند عملیات شهرداری در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد .

ماده ۱۲ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ انقضاء مهلت مقرر در ماده ۱۰ مشخصات مودیانی را که نسبت به پرداخت عوارض املاک خود اقدام نکرده‌اند بمؤسسات برق و گاز تسلیم کنند و مؤسسات مذکور مکلفند با اعلام مهلت دو ماهه بمؤدی هرگاه مطالبات شهرداری تا انقضاء مهلت وصول نشود نسبت بقطع برق و گاز محل سکونت ملکی او اقدام کنند .

تبصره - آئین‌نامه اجرائی این ماده وسیله وزارت کشور و وزارت آب و برق تنظیم و پس از تصویب هیئت دولت بمورد اجرا گذارده میشود .
ماده ۱۳ - در هر مورد که عوارض یا حق مرغوبیت موضوع این قانون بیک ملک تعلق گیرد و قطعی گردد علاوه بر مالک که مسئول پرداخت است عین ملک وسیله تأمین مطالبات شهرداری بوده و شهرداری مکلف است در صورتیکه مالک عوارض یا حق مرغوبیت را ظرف مهلت‌های مقرر بارعایت آئین‌نامه مذکور در تبصره ۱ ماده ۲ پردازد با صدور اجرائیه نسبت بوصول طلب خود از مالک یا استیفاء آن از عین ملک اقدام کند .

تبصره ۱ - ادارات و دوائر اجرای ثبت بنابتقاضای شهرداری مکلف بصدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائی طبق مقررات مربوط باجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا میباشد .

تبصره ۲ - در قبال اجرائیه‌های صادره مربوط باین ماده بازداشت شخص مودی مجاز نیست .

ماده ۱۴ - مودیانی که تا پایان هر سال عوارض مقرر در این قانون را پردازند از آغاز سال بعد ملزم بپرداخت صدی نه زیان دیر کرد در سال به نسبت مدت تأخیر خواهند بود و شهرداری مکلف است پس از پایان ششماه اول سال بعد طبق مقررات ماده ۱۳ این قانون نسبت باستیفای مطالبات خود اقدام کند .

ماده ۱۵ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند باراهنمائی وزارت کشور برنامه عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهر را برای مدت پنجسال براساس نقشه جامع شهر و در صورتیکه فاقد نقشه جامع باشند براساس

احتیاجات ضروری شهر و بارعایت اولویت آنها در حدود منابع مالی مقرر در این قانون و سایر امکانات مالی شهرداری تنظیم کرده و پس از تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور طرحهای مربوط را براساس آن اجرا کنند .

ماده ۱۶ - شهرداریها مکلفند برای هر یک از طرحهای نوسازی و عمران و ایجاد تأسیسات شهری و توسعه و احداث و اصلاح معابر بدو نقشه کاملی تهیه و سپس توسط هیئت‌های ارزیابی فهرست جامعی حاوی مقدار مساحت و تعداد اشجار و میزان حق ریشه هر ملک که در معرض عملیات قرار میگیرد و تصرف میشود با تعیین بهای هر یک از آنها براساس ماده ۱۸ این قانون و همچنین میزان مرغوبیتی که مالک مکلف پرداخت آن میباشد و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک تنظیم نموده و ضمن تأمین اعتبار کافی برای تصویب انجمن شهر فرستاده و پس از تصویب انجمن برای تأیید بوزارت کشور ارسال دارند .

تبصره ۱ - شهرداری مکلف است بمحض شروع عملیات نقشه‌کشی و ارزیابی مراتب را در جراید کثیرالانتشار و با الصاق آگهی در محل باطلاع عموم برساند .

تبصره ۲ - نحوه تشکیل هیئت‌های ارزیابی و طرز اعلام طرحهای مصوب و تعیین مدت قبول اعتراضات و ترتیب رسیدگی به آنها طبق آئین‌نامه‌ای که بوسیله وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید معین میگردد .

تبصره ۳ - هیئتهای ارزیابی و همچنین کمیسیون رسیدگی موضوع ماده ۸ این قانون مکلفند در ارزیابی و اعلام نظر نسبت به بهای املاکی که مشمول پرداخت حق کسب و پیشه می‌باشند مقررات تبصره ماده ۲۷ این قانون را رعایت کنند .

ماده ۱۷ - همین که طرح مصوب انجمن شهر از طرف وزارت کشور تأیید و برای اجرا بشهرداری ابلاغ شد شهرداری مکلف است ظرف یکماه جزئیات طرح مصوب و تاریخ شروع و مدت تقریبی اجرای آنرا جهت اطلاع عموم اعلام و ظرف سه ماه پس از اعلام مزبور نسبت پرداخت قیمت اراضی و اماکن و مستحقات مشمول طرح مصوب بارعایت ماده ۲۰ این قانون بصاحبان

املاك يا متوليان يا متصدیان موقوفه يا قائم مقام يا نمايندگان قانونی آنان اقدام و سپس با دو ماه مهلت برای تخلیه ملك نسبت بتصرف و تخریب آن عمل کنند و عدم مراجعه مالك يا مالکین برای دریافت بها مانع از اجرای طرح نخواهد بود لکن در مواردی که مالکین به ارزیابی انجام شده در مهلت مقرر اعتراض نموده باشند شهرداری مکلف است قبل از تخریب بنا وضع اعیانی را با حضور مالك يا متولی موقوفه و نماينده دادستان شهرستان و یکی از مأمورین فنی خود صورتجلس کند هرگاه با وجود دعوت کتبی شهرداری مالك يا متولی موقوفه برای تنظیم صورتجلس حاضر نشود حضور دادستان برای تنظیم صورتجلس کافی است و این صورتجلس ملاك رسیدگی و اظهار نظر خواهد بود .

تبصره - اعتراض ارزیابی مربوط بطرحهای توسعه و اصلاح و احداث معابر و نوسازی محلات و تأمین نیازمندیهای عمومی شهر در هیچ مورد مانع عملیات شهرداری در اجرای طرحهای مزبور نخواهد بود .

ماده ۱۸ - ارزیابی املاك و تعیین غرامت و پرداخت آن بمالکینی که تمام یا قسمتی از ملك آنها در اجرای طرحهای نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و تأمین نیازمندیهای عمومی شهر مورد تصرف قرار میگیرد و دریافت حق مرغوبیت از کسانی که ملك آنها بر اثر اجراء طرحهای مذکور مرغوب میشود بشرح زیر خواهد بود .

الف - در مورد اعیانی بنسبت خسارت وارده بملك ارزیابی و پرداخت میشود و در مورد عرصه ارزش آن بمأخذ بهای یکسال قبل از تاریخ ارزیابی به اضافه شش درصد تعیین میگردد و در صورتیکه این قیمت بیش از بهای ملك در تاریخ انجام ارزیابی باشد بهای زمان ارزیابی ملاك عمل خواهد بود .

ب - در مورد مرغوبیت کلیه اراضی و املاکی که بر اثر اجرای طرحهای نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر در برگذر احداثی یا اصلاحی واقع میشوند مشمول پرداخت حق مرغوبیت میباشند مأخذ و نحوه دریافت حق مرغوبیت از مالکین اینگونه املاك طبق آئین نامه و جدولی است که از طرف وزارت کشور تهیه و بتصویب کمیسیونهای کشور مجلسین خواهد رسید .

تبصره - در صورتیکه باقیمانده ملك به تشخیص مالك غير قابل انتفاع گردد و مالك پیشنهاد فروش آنرا بشهرداری کند شهرداری مکلف است باقیمانده ملك را هم خریداری و تصرف کند و در این صورت دیگر مطالبه و دریافت حق مرغوبیت موضوعاً منتفی است .

ماده ۱۹ - هرگاه در نتیجه اجرای طرحهای شهرداری تمام یا قسمتی از معابر بصورت متروک درآید آن قسمت متعلق بشهرداری بوده و هرگاه شهرداری قصد فروش آنرا داشته باشد مالك مجاور در خرید آن حق تقدم خواهد داشت .

ماده ۲۰ - شهرداری مکلف است بهای اراضی و اماکن و مستحقات مشمول طرحهای عمرانی و نوسازی واحداث و توسعه معابر را در تهران تا یک میلیون ریال و در سایر شهرها به تناسب وضع مالی هر شهرداری بمیزانیکه انجمن شهر پیشنهاد و وزارت کشور تصویب کند نقداً و بقیه را به اقساط پنجساله با بهره صدی شش (۰/۰۶) در سال بمالکین یا نماینده یا قائم مقام قانونی آنان پرداخت کند .

تبصره ۱ - پرداخت اقساط مذکور در این ماده بموجب قبوض مخصوص قابل انتقال خواهد بود که اصل و بهره آن در سر رسید از طرف شهرداری به دارنده قبض پرداخت میشود و بهره این قبوض از پرداخت هرگونه مالیات معاف است . ترتیب اجرای این تبصره بموجب آئین نامه ای خواهد بود که بوسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

تبصره ۲ - شهرداری مکلف است قبوض اقساطی مذکور در این ماده را بطور کلی بابت بهای اراضی و املاکی که بفروش میرساند و قبوض اقساطی هر سال را بابت عوارض همان سال قبول کند .

تبصره ۳ - در مورد املاکی که طبق این قانون بشهردارها منتقل میشود آن قسمت از هزینه های ثبتی و مالیاتی و تنظیم اسناد که بعهده مالك است و همچنین مطالبات قطعی شده شهرداری بابت عوارض از وجوه نقدی که بمالك پرداخت میگردد کسر خواهد شد .

ماده ۲۱ - در مورد اراضی و املاکی که قبل از تصرف شهرداری بموجب اسناد رسمی مورد معاملات شرطی و رهنی واقع گردیده در صورتیکه

تمامی مساحت ملك بتصرف شهرداری درآمده و موعد پرداخت طلب دائن نرسیده باشد موعد آن حال میشود و پس از اجرای مقررات این قانون در موقع تنظیم سند انتقال اگر مالك دین خود را پرداخته و ملك آزاد نشده باشد شهرداری طلب دائن را حداکثر تا میزان بهای ملك مورد تصرف (بارعایت مقررات ماده ۲۰) این قانون بدائن میپردازد و با این ترتیب معامله رهنی یا شرطی قانوناً فک شده محسوب میشود و در صورتیکه بهای املاک و اراضی مورد تصرف زائد بر اصل طلب دائن باشد مازاد بمالك پرداخت و ملك بشهرداری منتقل میشود . هرگاه شهرداری قسمتی از ملك را تصرف نماید پرداخت غرامت بمالك موکول بتوافق مالك و دائن خواهد بود در صورت عدم توافق غرامت در صندوق ثبت تودیع و اداره ثبت مکلف است بدرخواست شهرداری نسبت بقسمتی که بتصرف شهرداری درآمده است سند تفکیکی بنام شهرداری صادر کند و بقیه ملك در رهن دائن باقی خواهد ماند .

تبصره - در موردیکه تمامی ملك بتصرف شهرداری در میآید شهرداری به بستانکار اخطار میکند که در روز مقرر جهت دریافت طلب خود و انجام تشریفات فک رهن ملك مشمول تصرف در دفترخانه و اسناد رسمی حاضر شود و هرگاه بستانکار به این اخطار عمل نکند شهرداری حداکثر تا میزان بهای ملك (وجه نقد یا قبوض اقساطی) بابت طلب بستانکار در اداره ثبت تودیع میکند و دفترخانه اسناد رسمی مربوط مکلف است معامله رهنی یا شرطی را فک کند .

ماده ۲۲ - شهرداریها مجازند اراضی و املاکی را که طبق قانون به ملکیت خود در میآورند (به استثناء اراضی و املاک موضوع ماده ۲۴ این قانون) بمنظور نوسازی بموجب قرارداد و در قبال اخذ تضمینات کافی بشرکتها و مؤسساتی که با سرمایه کافی و صلاحیت فنی تشکیل یافته اند واگذار کنند . صلاحیت فنی و مالی اینگونه شرکتهای بطور کلی و برتری طرحهای عمرانی آنها بر اساس نقشه جامع شهر در هر مورد باید از طرف شهرداری پیشنهاد شده و انجمن شهر آنرا تصویب و وزارت کشور تأیید کند .

شهرداریها بهای اینگونه اراضی و املاک و هزینههای پرداختی را برتریبی که پرداخت و تعهد نموده اند بعلاوه ده درصد از شرکتهای و مؤسسات

مذکور دریافت خواهند داشت .

شرکتها و مؤسسات مذکور در این ماده مادام که طرح مصوب را طبق قرارداد منعقدہ اجرا نموده اند حق واگذاری تمام یا قسمتی از اراضی و املاک مورد قرارداد را بغیر ندارند .

تبصره - آئین نامه اجرائی این ماده و شرایط فسخ قرارداد وسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

ماده ۲۳ - شهرداریها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر از جمله تعیین تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمانها براساس نقشه جامع شهر و منطقه بندی آن بارعایت ضوابط و معیارهایی که از طرف شورایی عالی شهرسازی تعیین و وسیله وزارت کشور ابلاغ خواهد شد هستند و با استفاده از اختیارات فوق مکلف بمراقبت دررشد متناسب و موزون شهرها و تأمین تسهیلات لازم برای زندگی اجتماعی خواهند بود .

تبصره ۱ - شهرداری مجاز است مادام که نقشه جامع شهر تهیه و تنظیم نشده است ایجاد ساختمان و احداث هرگونه بنا و تأسیساتی را در قسمتی از محدوده شهر فقط برای یکبار و با ذکر علت از تاریخ اجرای این قانون حداکثر برای مدت سه سال ممنوع کند و پس از تهیه و تصویب نقشه جامع مکلف است ظرف یکسال اراضی و املاکی را که براساس نقشه مذکور در معرض طرحهای عمرانی و نوسازی واقع میشود مشخص نموده و احداث هرگونه بنا و تأسیساتی را که مغایر با نقشه جامع شهر باشد در اینگونه اراضی ممنوع اعلام کند . اینگونه اراضی از پرداخت عوارض موضوع این قانون در مدت ممنوعیت معاف میباشند .

تبصره ۲ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند از تاریخ اعلام وزارت کشور ظرف سه سال نقشه جامع شهر را تهیه و تنظیم و برای تصویب پیشنهاد کنند .

تبصره ۳ - آئین نامه اجرائی این ماده توسط وزارت کشور تهیه و پس از تصویب کمیسیونهای کشور مجلسین بموقع اجرا گذارده میشود .

ماده ۲۴ - شهرداریها میتوانند در موقع تنظیم و اجرای طرحهای

نوسازی و همچنین توسعه یا احداث معابری که عرض آنها حداقل بیست متر باشد بارعایت نقشه جامع یا نقشه هادی شهر طرحهای مربوط را متناسب موقعیت محل و ضوابطی که وزارت کشور تعیین و اعلام خواهد کرد وسیعتر از میزان مورد احتیاج طرح تنظیم و اجرا نموده و اراضی مازاد را در صورت عدم احتیاج از طریق مزایده و بارعایت آئین نامه معاملات شهرداری بفروش رسانیده وجوه حاصله را بحساب درآمد نوسازی و عمران شهری موضوع این قانون منظور کنند .

تبصره - در اجرای مقررات ماده فوق شهرداریها مکلفند راه عبور متعارفی برای باقیمانده ملک تأمین کنند .

ماده ۲۵ - در هر مورد که بموجب این قانون ملکی باید بشهرداری منتقل شود هرگاه مالک از امضاء سند انتقال ملک استنکاف کند یا مالکیت زمین و اعیانی بنحوی از انحاء متنازع فیه بوده و مالک مشخص نباشد و همچنین در اجرای مفاد ماده ۱۱ این قانون دادستان شهرستان یا نماینده او اسناد انتقال و دفاتر مربوط را امضاء خواهد کرد . در صورتیکه تملک یا خرید شهرداری برای اجرای طرحهای نوسازی و عمران و اصلاح و احداث و توسعه معابر باشد بهای ملک بارعایت تبصره ۳ ماده ۲۰ این قانون بصندوق ثبت سپرده خواهد شد .

ماده ۲۶ - مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت های مذهبی (مسیحی - زردشتی - کلیمی) و مدارس قدیمه طلاب علوم دینی به گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت و اراضی و ساختمانهای متعلق بوزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و تأسیسات سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران و کتابخانه های عمومی شهر و همچنین آن قسمت از اراضی و املاک شرکتها و مؤسسات آب و برق و گاز و تلفن متعلق بدولت که برای فعالیتهای مربوط به آب و برق و گاز و تلفن مورد استفاده میباشد از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود .

تبصره ۱ - شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت که با اصول بازرگانی اداره میشود یا مشمول پرداخت مالیات هستند مشمول پرداخت عوارض و حق مرغوبیت موضوع این قانون نیز میباشد .

تبصره ۲ - اراضی و املاک و مستحدثات ملکی متعلق بموقوفات خاندان پهلوی و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و شیروخورشید سرخ ایران از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف میباشند. معافیت سایر مؤسسات خیریه منوط به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور خواهد بود.

تبصره ۳ - موقوفاتی که تولیت آنها با سلطان عصر است بطور کلی و همچنین اراضی و املاک و مستحدثات موقوفات عام بشرط گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف میباشند ولی عوارض موقوفات خاص از موقوف علیهم و یا متولی (باختر شهرداری) دریافت میشود در صورتیکه اراضی موقوفات موضوع این تبصره یا اراضی غیر موقوفه باشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار و یا اجاره داده شده یا بشود و در سند اجاره و یا واگذاری حق ایجاد بنا و مستحدثات و اخذ سند مالکیت اعیانی برای اشخاص منظور شده باشد اشخاص مذکور از نظر پرداخت عوارض موضوع این قانون در حکم مالک محسوب و مکلفند طبق مقررات این قانون نسبت به پرداخت عوارض عمل و اقدام کنند.

تبصره ۴ - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت و مؤسسات خیریه برای ایجاد ساختمان مؤسسات خود مکلف بدریافت پروانه ساختمان از شهرداری و رعایت ماده ۱۰۰ قانون اصلاحی شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر مقررات مذکور در قانون شهرداریها و این قانون راجع با ایجاد بنامیباشند.

ماده ۲۷ - پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاص (اعم از مستأجر یا متصرف یا خود مالک) که محل کار آنان در اثر اجرای طرحهای احداث و توسعه معابر و نوسازی و عمران شهری از بین میرود بعهده شهرداری میباشد. مشروط بر اینکه قبل از اعلام مقرر در ماده ۱۶ این قانون ملک محل کسب و پیشه یا تجارت باشد ترتیب اجرای این ماده و نحوه تعیین و تشخیص و پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت طبق آئین نامه ای خواهد بود که وسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره - غرامت زمین زیر بنای محل کسب و پیشه با توجه باینکه حق کسب و پیشه آن پرداخت گردیده تعیین و بمالک پرداخت میشود.

ماده ۲۸ - سایر عوارض شهرداری که براساس آئین‌نامه‌ی اجرایی وصول عوارض شهرداری موضوع ماده ۷۴ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ بمرحله قطعیت برسد در صورت عدم پرداخت طبق تبصره‌های ماده ۱۳ این قانون با صدور اجرائیه وصول خواهد شد .

ماده ۲۹ - عوارض اراضی واقع در محدوده شهر که آب لوله‌کشی و برق آن تأمین شده و فاقد ساختمان اساسی باشد دو برابر میزان مقرر در ماده ۲ این قانون خواهد بود .

تبصره ۱ - در صورتیکه مالکین اینگونه اراضی طبق نقشه شهرداری به نرده‌کشی و ایجاد فضای سبز در اراضی مزبور اقدام کنند مشمول مقررات این ماده نبوده و عوارض بمأخذ مقرر در ماده ۲ این قانون وصول خواهد شد .
تبصره ۲ - در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداریها صادر میشود باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروریست قید گردد و کسانیکه در میدانها و معابر اصلی شهر اقدام بساختن میکنند باید ظرف مدت مقرر در پروانه‌ها ساختمان خود را به اتمام برسانند و در صورتیکه تا دو سال بعد از مدتی که برای اتمام بنادر پروانه قید شده بازهم ناتمام بگذارند عوارض مقرر در این قانون بدو برابر افزایش یافته و از آن ببعد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند برای هر دو سالی که بگذرد عوارض بدو برابر مأخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد در سال بالغ گردد . ابنیه ناتمام که از طرف مقامات قضائی توقیف شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود .

ماده ۳۰ - شهرداریها مکلفند مفاصاحساب پرداخت کنندگان عوارض را حداکثر ظرف پانزده روز از (تاریخ پرداخت) تسلیم مودی کنند یا باپست سفارشی ارسال دارند .

تبصره - هرگاه مودی عوارض قطعی شده موضوع این قانون را بشهررداری پرداخت کند و شهرداری ظرف مدت مقرر در این ماده نسبت بصدور برگ مفاصاحساب اقدام نکند قبض پرداخت عوارض در حکم مفاصاحساب عوارض نوسازی آن سال ملک میباشد .

ماده ۳۱ - شهرداریها میتوانند برای تأمین نیازمندیهای شهری و

عمومی و عمران و نوسازی با تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور اراضی و املاک واقع بین حد مصوب فعلی هر شهر تا حد نهائی مشخص در نقشه جامع آن شهر را ظرف پنج سال پس از تصویب نقشه جامع با پرداخت بها تملک و تصرف کنند .

تبصره ۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از اراضی و املاکی که در اجرای این ماده خریداری میشود در مناطق صنعتی که در نقشه جامع شهر منظور شده است واقع شده باشد شهرداریها میتوانند برای انتقال کارگاهها و کارخانجات و امثال آن از داخل شهر بمناطق صنعتی از اراضی مزبور بمیزانیکه برای استقرار آنها ضروری تشخیص میشود بصاحبان مؤسسات مذکور منتقل نموده و بهای آنرا بیاخذ تمام شده باضافه ده درصد از آنان دریافت دارد .

تبصره ۲ - مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این ماده کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون میباشد و طرح اختلاف در کمیسیون مزبور مانع تصرفات شهرداری نمیشد .

تبصره ۳ - ملاک و نحوه ارزیابی اینگونه اراضی و املاک و مستحقات و تعیین مقدار مساحتی از اراضی مزبور که مشمول مقررات این ماده میباشد و مدت و ترتیب و طرز پرداخت قیمت املاک مزبور و بطور کلی طرز اجرای این ماده و تبصره ۱ آن طبق آئین نامه ایست که وزارت کشور تهیه نموده و بتصویب کمیسیون کشور و دادگستری مجلسین برسد .

ماده ۳۲ - هرگاه ممیزین در اجرای مقررات این قانون در تنظیم اوراق ممیزی تمام واقع را ذکر نکنند یا برخلاف واقع چیزی ذکر کنند بطوریکه قیمت تعیین شده املاک و مستحقات در اوراق مذکور با قیمت واقعی آنها براساس ضوابط مندرج در این قانون و آئین نامه مربوط بیش از ۲۰ درصد (اعم از اضافه یا نقصان) اختلاف داشته باشد بحسب تادیبی از سه تا شش ماه محکوم خواهند شد .

تبصره - ارزیابانی که در اجرای این قانون قیمت ملک را بیش از ۲۰ درصد بیشتر یا کمتر از بهای عادلانه منظور کنند به کیفر مقرر در این ماده محکوم خواهند شد .

اعضاء کمیسیون ماده ۸ از لحاظ حدود و وظائف و تخلفات مشمول مقررات قانون راجع بکارشناسان رسمی میباشند .

ماده ۳۳ - سازمانهای مذکور در ماده ۱۱۱ الحاقی بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ در تصرف ابنیه و اراضی جهت اجرای طرحهای مربوط از مقررات این قانون استفاده خواهند کرد .

ماده ۳۴ - قانون اصلاح قانون توسعه معابر مصوب تیرماه ۱۳۳۰ از تاریخ اجرای این قانون ملغی است لکن طرحهای مصوب توسعه معابر که از طرف شهرداری قبل از اجرای این قانون آگهی شده باشد تا پایان اجرای آن تابع مقررات قانون اصلاح قانون توسعه معابر خواهد بود .

ماده ۳۵ - مقررات مربوط به نوسازی و عمران و توسعه و احداث و اصلاح معابر مندرج در این قانون جایگزین قانون اصلاح قانون توسعه معابر اشاره شده در مواد قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر قوانین خواهد بود .

ماده ۳۶ - تبصره ۴ ماده ۹۶ و تبصره ۳ ماده ۹۹ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید بقانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است .

قانون الحاق بند (د) بماده ۴ قانون اراضی دولت و شهرداریها

و اوقاف و بانکها مصوب تیر ماه ۱۳۴۸ مجلسین

ماده واحده - بند (د) و ۵ تبصره آن بماده ۴ قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب سال ۱۳۳۹ اضافه میگردد .

بند (د) - در مورد بند (ج) هرگاه اراضی مذکور در قانون اراضی دولت و شهرداریها مصوب سال ۱۳۳۵ و اصلاحی سال ۳۹ تا تاریخ تقدیم این لایحه بصورت موات یا بائر اعم از اینکه محصور شده یا نشده باقیمانده باشد و مورد حکم قطعی هیئت‌های مربوط واقع نشده باشد دولت و سازمانهای مذکور در قانون میتوانند هر یک در مورد خاص خود از تاریخ تصویب این قانون تا حداکثر یکسال نسبت به استرداد عین زمین موضوع پرونده های طرح شده



سرریز سد مخزنی کوروش کبیر - زرینه رود

در هیئت های رسیدگی از هیئت تقاضای صدور حکم نمایند . هیئت علاوه بر اصدار رأی طبق بند مذکور علیه متجاوز اصلی یا وراث آنها و یا امتقاضی ثبت حکم به رد عین اراضی علیه آخرین منتقل‌الیه صادر مینماید در این صورت آخرین منتقل‌الیه مستحق دریافت قیمتی است که طبق سند رسمی انتقال بفروشنده پرداخته است به اضافه ۹ (نه) درصد بهره در سال از تاریخ آخرین سند انتقال تا تاریخ پرداخت و ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند سند مالکیت این قبیل اراضی را بنام سازمانهای مذکور صادر و یا اصلاح نمایند . منتقل‌الیه نیز میتواند برای مطالبه خسارات حاصل از معامله زمین علیه ناقل در دادگاه اقامه دعوی نماید .

تبصره ۱ - در صورتیکه انتقال بصورت صلح یا به غیر معوض یا موارد مشابه آن انجام گرفته باشد قیمت واقعی روز انتقال به تشخیص کارشناس با اضافه نه درصد بهره احتساب و به منتقل‌الیه پرداخت گردد .

تبصره ۲ - منظور از آخرین سند انتقال رسمی در این بند سندی است که قبل از اول آذرماه سال یک هزار و سیصد و چهل و هفت (۱۳۴۷) تنظیم گردیده باشد .

هرگاه پس از تاریخ مذکور نقل و انتقالاتی واقع شده باشد هر یک از ایادی بعدی نسبت به مبلغی که به دید قبلی خود اضافه پرداخته است از طریق محاکم عمومی حق مطالبه خواهد داشت .

تبصره ۳ - آرائیکه در فاصله تقدیم این لایحه بمجلس و تصویب نهائی آن از طرف هیئت ها دایر به موات یا بائر بودن برفع سازمانهای مذکور در قانون صادر میگردد مشمول مقررات این قانون بوده و دولت و سازمانهای مذکور در قانون میتوانند با معرفی منتقل‌الیه از هیئت صادرکننده رای بارعایت بند (د) این قانون درخواست استرداد عین زمین را بنمایند و هیئت های رسیدگی رای به استرداد عین زمین صادر خواهد نمود .

تبصره ۴ - نقل و انتقالاتی که نسبت باراضی موضوع بند (ج) قانون اصلاحی اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب سال ۳۹ تا تاریخ تقدیم این لایحه بمجلس شورای ملی صورت گرفته است تا هزار متر مربع از شمول مقررات این قانون معاف خواهد بود ولی در این مورد با امتقاضی ثبت یا متجاوز

اصلی یا وراث آنها طبق (ج) ماده ۴ قانون مصوب سال ۱۳۳۹ رفتار خواهد شد استحقاق استفاده از این تبصره برای هر شخص فقط نسبت به يك قطعه زمین میباشد در صورتیکه مساحت زمین مورد انتقال بیش از هزار متر مربع باشد انتخاب هزار متر مربع مذکور در این تبصره با دولت و سازمانهای مذکور در این قانون میباشد.

تبصره ۵ - سازمان مسکن میتواند این قبیل اراضی و سایر اراضی موات یا بائر که بنام دولت به ثبت رسانیده یا بعداً به ثبت خواهد رساند و همچنین اراضی خالصه موضوع بند (ب) ماده ۷ قانون انحلال خالصجات مصوب سال ۴۶ را طبق اساسنامه خود بفروش رسانده و وجوه حاصل را صرفاً بمصرف تهیه مسکن و آپارتمان و خانه‌های سازمانی و مدرسه بارعایت فضای سبز و پارک متناسب و تاسیسات و لوازم آنها برساند سازمان مسکن همچنین میتواند حداکثر تا ده درصد از وجوه حاصل را بمصرف تقسیم و حفاظت و نگهداری اراضی و مخارج مربوط در تهران و شهرستانها برساند.

ماده ۵ - هرگاه در احکام هیئت های مذکور در ماده يك اشتباهات مذکور در ماده ۱۸۹ آئین دادرسی مدنی رخ داده باشد ذینفع میتواند از هیئت تقاضای تصحیح حکم را بنماید.

ماده ۶ - نقل و اتقالاتی که از تاریخ تقدیم لوایح مزبور بمجلس سنا تا خاتمه اجراء حکم هیئت های مذکور توسط متقاضیان ثبت یا متجاوزین اصلی و یا ایادی متلقای آنها بهر عنوان بعمل آمده باشد نافذ نخواهد بود بعلاوه دفاتر اسناد رسمی پس از آنکه بوسیله اداره ثبت از تقدیم دادخواست مطلع شوند از انجام اینگونه معاملات ممنوع خواهند بود ولی اگر متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی قبل از تقدیم لوایح مذکور بمجلس سنا مورد ادعا را انتقال داده باشد اتقالات بعدی ایادی متلقای از آنها صحیح و معتبر خواهد بود.

ماده ۷ - حقوق دولت یا شهرداری یا بانکها یا موقوفات عامه از نقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجراء بتقاضای محکوم له و توسط اجراء دادگاه شهرستان استیفاء خواهد شد.

ماده ۸ - اشخاصی که پرداخت وجوهی محکوم میشوند در صورتیکه تا یکماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه حاضر پرداخت محکوم به نشوند در ازاء هر

هزار ریال از محکوم به یکروز توقیف میشوند مگر اینکه اعمار آنها ثابت شود و در هر صورت مدت توقیف از پنجمال تجاوز نخواهد کرد .

ماده ۹ - هیئتهای مذکور جز در مورد ابلاغ اوراق ملزم برعایت تشریفات آئین دادرسی نیستند .

ماده ۱۰ - در صورتیکه اشکالاتی راجع بمفاد احکام صادر بموجب این قانون و یا احکامی که طبق لوایح قانونی مذکور صادر گردیده برای هر یک از طرفین یا اداره اجراء پیش آید هر یک میتواند از هیئت تقاضای رفع اشکال نمایند .

ماده ۱۱ - در کلیه موارد فوق هرگاه هیئت های مزبور ارجاع امر را بکارشناس لازم بدانند میتوانند یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی و یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان و یا طبق آئین دادرسی مدنی یکی از کارشناسان رسمی رجوع نمایند .

تبصره - در صورتیکه کارشناسی یکی از بانکها ارجاع گردد بانکها حق ندارند جز هزینه واقعی انجام شده برای انجام عمل هزینه دیگری دریافت دارند و تعرفه کارشناسی طبق آئین نامه وزارت دادگستری در این مورد رعایت نخواهد شد .

ماده ۱۲ - برای خاتمه دادن باختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۱۳۳۵/۶/۸ کمیسیون دادگستری مجلسین در اراضی شهر تهران تقاضای ثبت ملکی را کرده اند و نسبت بتقاضای ثبت آنان اعتراضی در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراض شده منجر بصدور حکم قطعی گردیده و یا دارندگان سند اراضی شهر مزبور از یکطرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف میباشند مقرر میگردد هیئتی مرکب از :

یک نفر از دادیاران دیوانعالی کشور با انتخاب وزیر دادگستری و رئیس کل دادگاه شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت یا معاون ثبت کل به اختلافات مزبور باتوجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین بطور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رأی پرداخت بهای عادلانه اراضی متصرف حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیئت توسط متصرفین بمالکین

بدهد و یا بتقاضای مالکین ضمن صدور رأی پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۱۳۳۵ر۶ر۸ از طرف مالک بمتصرف رای بخلع ید از متصرف بدهد و این حکم قطعی و غیر قابل اعتراض است .

ماده ۱۳ - متصرفین اعیانی های مذکور در ماده قبل باید شخصاً ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی از مقررات این قانون استفاده خواهند نمود که ظرف دو ماه از تاریخ اجراء لایحه قانونی مصوب ۳۵ر۶ر۸ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین دادخواست خود را در قبال اخذ رسید بدفتر دادگاه شهرستان تسلیم نموده باشند والا بتقاضای مالک طبق قسمت اخیر ماده ۱۲ اقدام خواهد شد .

ماده ۱۴ - اراضی موضوع ماده ۱۲ این قانون وقتی بملکیت قطعی متصرفین در خواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند .

ماده ۱۵ - اشخاصی که پس از تاریخ تقدیم لایحه قانونی اراضی موات مصوب هشتم شهریور ماه ۳۵ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین از طرف دولت بمجلس سنا بتصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات ماده ۱۲ این قانون استفاده نمیکنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک بازهم بتصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول ماده ۱۶ این قانون خواهند بود .

ماده ۱۶ - اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب لوایح قانونی مذکور فوق نسبت به اراضی دولت یا بانکهای مذکور یا اداره اوقاف یا شهرداری یا اراضی موات بلا مالک بدون رعایت قوانین احیاء اراضی موات یا مردم (در صورت شکایت مدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها بمجازات حبس از دو ماه الی شش ماه محکوم خواهند شد .

ماده ۱۷ - هیئتهای مذکور در این قانون میتوانند در غیر اوقات اداری نیز انجام وظیفه نمایند و وزارت دادگستری برای انجام امور اداری به تعداد لازم کارمندان دفتری در اختیار آنها خواهد گذاشت .

ماده ۱۸ - رسیدگی بدادخواستهاییکه بموجب لوایح قانونی مصوب

۳۵۶۸ و ۳۵۶۲۵ و ۳۵۸۲۱ و ۳۵۸۱۶ و ۳۵۸۱۱ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین و باتوجه بمفاد و مقررات لوایح مزبور تقدیم شده و تا تاریخ اجراء این قانون خاتمه نیافته است، برطبق این قانون بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۹ - وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون میباشد .

قوانین دیگری که مربوط به تصرف اراضی است از قبیل :

۱ - قانون انجام لوله کشی آب و فاضلاب شهر تهران مصوب ۳۰۳۷ ر ۳۰

۲ - قانون راجع به ساختمان و بهره برداری از تاسیسات سد لارولتیان

مصوب ۳۷ ر ۴۱۷

۳ - قانون راجع باصلاح قانون سد های لارولتیان مصوب ۳۸ ر ۱۱۲۸

۴ - قانون تعیین حریم دریاچه احدائی در پشت سد ها مصوب

۴۴ ر ۲۷

۵ - آئین نامه ماده ۱ قانون حریم دریاچه احدائی در پشت سد ها

مصوب ۴۶ ر ۲۲ که در فصل سوم ذیل ماده ۳۸ نقل شده است .

و ماده ۸ قانون الحاق ۸ ماده به آئین نامه اصلاحات ارضی مصوب

۴۶ ر ۳۲۲ در ذیل بند ۴ ماده ۵۱ ذکر خواهد شد .

تمام قوانین موضوعه و موصوفه دال بر این است که اراضی مورد نیاز برای ایجاد تاسیسات عمرانی اکثراً بارضیات کامل مالك تملك نشده و اگر رضایت کامل مالك یا مالکین شرط بود هیچگونه توفیقی در امر عمرانی حاصل نمیشد در قوانین اساسی خارجی و یا متمم آن این نوع امتیازات را قبلاً برای کارهای عام المنفعه مثل سد سازی و تاسیسات آبیاری و امثال آنها قائل شده اند و حتی قیمت هم تعیین نموده اند ولی در ایران چون مالکیت سلطه مطلقه مالک بر ملك خود بوده و بمرور زمان آنچه هم در قانون مدنی که ماخوذ از شرع اسلام است برای استفاده عموم مباح دانسته شده است و در مواردی که ملکی بر اثر نقل و انتقالات بمالکیت افراد در آمده مثل بسیاری از معابر و بسترانهار و کاروانسرا و حتی موقوفات از این جهت در قبال این نوع مالکیت های واقعی و تجاوزات و لزوم تحول سریع در ایجاد مظاهر تمدن و توسعه و عمران بتدریج قوانینی در تملك اراضی از طرف دولت وضع شد گرچه این اقدام ضروری و انصافاً بسیار مفید بود لکن بعلت اینکه هر سازمانی بدون شور

ودقت کافی وبدون تماس بامرجمع قانون نویسی که درگذشته اداره حقوقی وزارت دادگستری بود وبدون رعایت وجود قوانین معارض رأساً بتهیه طرحی اقدام مینمودند و مجلسین هم از نظر همکاری بادولت در تصویب آنها شتاب مینمود بطوریکه در تحصیل اراضی به تنهایی شاید چندین قانون گذشته است که قطع دارد اگر اداره مرکزی برای وضع قوانین میبود این همه آشفتگی پیدا نمیشد وحتى در خود وزارت آب وبرق هم از تاریخ تأسیس لوله کشی آب در تهران تا این تاریخ قوانین زیادی در زمینه تعیین حریم وتملک اراضی وضع شده است که نویسندگان را عقیده براینست که شتاب زدگی تا این حد لزومی نداشت ولااقل وزارت آب وبرق میتواندست قانون جامع و واحدی به تصویب برساند که بی نیاز از قوانین مکرر ومتعدد باشد و برای همین منظور در مورد تدوین قوانین ومقررات کشوری وتنقیح آنها در تاریخ ۱۸ر۲ر۴۹ طرحی از مجلس شورای ملی تحت ماده واحده گذشته است که برای استحضار خوانندگان درج میگردد ولی هنوز در کمیسیون مجلس سنا میباشد و تاکنون بتصویب نهائی نرسیده است . (۱)

ماده واحده

دولت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون ظرف یکسال بمنظور تدوین قوانین ومقررات کشور وپیشنهاد تنقیح آنها سازمانی بنام سازمان تنقیح وتدوین قوانین ومقررات کشور زیر نظر نخست وزیر تأسیس کند این سازمان کلیه قوانین ومقررات لازم الاجرا را بانظر متخصصان فن بر حسب روش موضوعی فهرست وبصورت مجموعه ها تنظیم وتدوین خواهد کرد در مورد قوانینی که با یکدیگر متناقض و معایر هستند سازمان موارد تناقض و مغایرت را تعیین و بکمیسیون دادگستری مجلسین که بطور مشترك تشکیل خواهد شد تقدیم میکند .

تبصره - آئین نامه اجرائی این قانون پس از تصویب هیئت وزیران قابل اجرا است .

۱ - این قانون در هنگام چاپ کتاب به تصویب کمیسیون سنا نیز رسیده است .

گرچه این ماده واحده مصوب مجلس شورای ملی رافع مشکل بطور کلی نیست و اساساً تکلیف قوانین معایر و متناقض را بطور کامل روشن نکرده است و منظور از ارسال این نوع لوایح و مواد بکمیسیون مشترک را نگفته است که کمیسیون پس از وصول این نوع مواد چه کند آیا حق دارد رأساً اقدام و اتخاذ نظر نماید یا در صورتیکه تناقض مستلزم دگرگونی لایحه مخصوصی میشود موضوع را بجلسه علنی مجلس شورای ملی و سنا محول نماید و بعلاوه در تبصره هم مشخص ننموده است که آئین نامه اجرائی چگونه آئین نامه ای خواهد بود و متضمن چه مطالب و عناوینی میباشد بهرحال این ماده واحده با این تبصره نمیتواند هدف را تأمین کند مگر اختیارات بیشتری کسب گردد و یا راه و طریق تنقیح مواد بهتر از این تشریح شود تا سازمان مذکور بتواند کار مورد نظر را بخوبی انجام دهد.

بهرحال قبل از تصویب نهائی این ماده واحده از نظر حقوقی و از نظر سیاست دولت در تهیه قوانین، لازم است مؤسسه ای بوجود آید که قبل از ارسال هر طرحی بمجلسین آن مؤسسه آن طرح قانونی را مطالعه نماید تا اگر معارض با قوانین موجود است و در عین حال تصویبش ضروری است موارد نقض را یادآور شود و اگر واقعاً مشابه آن قانون موجود است سازمان مذکور صریحاً با تهیه و تنظیم و ارسال آن بمجلسین موافقت ننماید.

امروز قضاوت برای دادرسان حقاً بعلت وجود قوانین متعارض و متهافت و گاهگاهی قوانینی که بحد کافی انتشار نیافته کار مشکلی است زیرا بکرات دیده شده است که بسیاری از قضات از وجود و تصویب بعضی مواد آگاه نیستند زیرا بحد کافی در زمینه طرح قانون مورد نظر بحث نمیشود و در جرایدهم صرفاً اشاره بطرح قانونی فلان وزارت میگردد که این خود موجب عدم آشنائی و دانائی آنها بقوانین موضوعه میباشد تعجب است اگر بگویم وکیل دادگستری را می شناسم که سوابق علمی و عملی فوق العاده دارد ولی از وجود ماده اصلاحی ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع و از بسیاری از مواد طرحهای مشابه آگاه نبود.

این عدم وقوف بکلیه قوانین و یا عدم دانش بوجود بعضی از قوانین موجب تکثیر دعاوی در مراجع قضائی میگردد که شاید آشنائی بقوانین تاحدی

از میزان دعاوی بکاهد گواينکه کثرت دعاوی و جريان پرونده های زياد در مراجع قضائی دلائل زيادی دارد ولی یکی از آنها مسلماً عدم آشنائی مردم بحد کافی بقوانين موضوعه مملکتی است گرچه اين بحث دامنه وسيعی دارد ولی در اين مقام شايسته توضيح بیشتری نميباشد فقط بايد دونکته قابل توجه را در مقدمه ماده ۵۰ از نظر استحضار خواننده عزيز ذکر کرد .

یکی اينکه چرا برخلاف ساير قوانين تحصيل اراضی هيئت سه نفری بهيئت پنجنفری تبديل شد و ديگری چرا الزام بتامين دليل و تنظيم صورتمجلس وضع موجود مقرر شده است .

در تاريخ تنظيم طرح قانون آب منشور ۱۲ گانه انقلاب بتصويب رسيده بود بنا بر اين در تحصيل هر زمينی لازم بود وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی اظهار نظر نمايد . و مديرعامل سازمان برنامه از نظر لزوم اجرای طرح دخالتش ضروری مينمود و وزارت درخواست کننده يعنی وزارت آب و برق را هم جزء هيئت منظور داشتند در صورتیکه در گذشته در موارد مشابه فقط دادستان کل - و مديرکل ثبت اسناد و مديرعامل سازمان برنامه هيئت سه نفری را تشکيل ميدادند .

مطلب ديگری که در مقدمه اين ماده غير از جامعيت هدف منظور شده است تصرف زمين مورد نظر در موارد ضروری و فوری باتصويب وزير آب و برق است و چون احتمال داده ميشد که پس از تصرف يا در حين تصرف تغييرات غير قابل جبرانی داده شود يا متصرف منکر وجود بعضی اشیاء و تاسيسات شود از اينرو مقنن مقرر نموده است که وضع موجود بايد وسيله کارشناس و نماينده طرح مشخص و صورت مجلس شود تا در مواقعی که کارشناس مراجعه میکند با مطالعه آن صورت مجلس و وضع موجود و موقعيت زمين اظهار نظر نمايد .

بهای اراضی و ابنیه و مستحذات و تاسيسات و ساير حقوق ممکن است از طريق توافق بين مالک و دستگاه اجرائی تعيين گردد و در صورتیکه اين توافق حاصل نشد بهيئت پنجنفری مذکور در قانون بايد مراجعه نمايند تا آن هيئت هم کارشناس برای ارزيابی انتخاب نمايد در بند الف ماده ۵۰ قانون آب قيد ساير حقوق مثل سرقفلی ، حق ريشه و حقوق ديگری که در قوانين برسميت شناخته شده اند منظور گرديده در صورتیکه در ساير قوانين تملك و تحصيل

اراضی چنین قیدی نیست و چنین حقی شناخته نشده است .
ملاك تعیین قیمت عبارت از بهای مشابه آن اراضی و ابنیه در حوزه
عملیات در سال قبل از تاریخ تصویب طرح مقدماتی است بدون رعایت اجرای
عملیات در قیمت .

مثلا اگر طرح مقدماتی سد کرج در سال ۱۳۲۸ تهیه شده بود باید
قیمت اراضی و مستحقات تملکی را بقیمت سال ۱۳۲۷ تعیین کنند مشروط
بر آنکه چنین تاسیساتی را در قیمت گذاری منظور ندارند . و تحقیقاً در
درخواستی که از هیئت سه نفری یا پنجنفری مینمایند باید سال تهیه طرح
صریحاً قید گردد و مخصوصاً بکارشناسان هم که اکثرآ از قوانین خاصی اطلاع
هستند اطلاع دهند .

در بند ج بهای املاک مزروعی و باغات و قلمستانها راطبق بند ب تعیین
میکند منتها مفاد مواد ۶۰ و ۶۱ قانون طرز تملك اراضی سد فرحناز را که قبلا
درج شده است باید عمل نمایند .

مطلبی که باز در ماده ۵۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن از نظر این
نوع قوانین کاملاً تازگی دارد پرداخت خسارت بدون لزوم تصرف و خرید
بمالک زمین و مستحقات است .

مثلا اگر برای کشیدن خط برق بین دوشهر خسارتی از نظر حریم
خطوط و یا خسارتی بزمارع کشاورزان وارد شد باید آن خسارت پرداخت شود
در صورتیکه نه آن زمین مزروعی و نه آن ساختمان مورد نیاز باشد .

در تبصره ۴ ماده ۵۰ تقریباً با عباراتی رساتر و جامعتر مدلول بند ۵۶
تبصره بودجه سال ۴۳ را یادآور شده است که ما در فصل حریم و در تبصره
ماده ۳۸ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بطور جامع قوانین مربوط را قید
کردیم . منتها کیفیت پرداخت خسارت طبق همین قانون آب و نحوه ملی شدن
آن تعیین شده است .

در تبصره ۵ هم در مورد تحصیل اراضی که در اجرای قوانین اصلاحات
ارضی بزارعین واگذار میشود مفاد تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاحی قانون

اصلاحات ارضی باید رعایت شود. برای اطلاع شما خواننده عزیز عین تبصره ۲ ماده ۱۹ ذیلا درج میگردد :

(تبصره ۲ - هرگاه زمینهای تقسیم شده مصرف دیگری غیر از زراعت پیدا نماید که درآمد آن بیش از کشاورزی باشد وزارت کشاورزی پس از رسیدگی اجازه تجزیه و فروش آنرا خواهد داد .)

در تبصره ۶ این ماده عین این اختیارات بوزیر کشاورزی در اجرای طرحهای توسعه کشاورزی داده شده و با توضیحاتی که تفصیلا ذکر شد دیگر نیازی بتوضیح بیشتر در این تفویض اختیار و جایگزین شدن وزیر کشاورزی بجای وزیر آب و برق بنظر نمیرسد .

آثار حقوقی بعد از ملی شدن آب

ماده ۵۱

(در صورتیکه در اثر ملی شدن آب در ناحیه یا منطقه ای آب قنوات و چاهها و هر نوع تأسیسات استخراج آب زیر زمینی متعلق باشخاص تملك شود و یا در اثر اجرای طرحهای مربوط بملی شدن منابع موجود نقصان یافته یا خشک شوند بترتیب زیر برای جبران خسارت عمل خواهد شد .

۱ - در مواردیکه اراضی زراعتی آبی مشروب شده بوسیله این منابع در محدوده طرح عمرانی قرار گیرند و تأمین آب آنها از منابع ملی شده طرح متدور باشد یا در مواردی که این اراضی خارج محدوده طرح عمرانی بوده و تأمین آب آنها از منبع دیگری بحد مصرف مفید امکان پذیر باشد فقط بهای عادلانه قنات یا تأسیسات استخراج آب طبق مقررات این قانون بمالك یا متضرر پرداخت میشود و در غیر اینصورت خسارت طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ این قانون تعیین و پرداخت خواهد شد .

۲ - نسبت به چاهها و قنوات و تأسیسات مربوط باستخراج آب زیرزمینی که قانوناً میباید پروانه داشته باشند ولی بدون پروانه ایجاد شده اند طبق تبصره ۲ ماده ۴۳ این قانون اقدام خواهد شد .

۳ - در مورد اراضی که از منابع ملی شده در داخل و یا خارج طرح آبیاری میشود و خسارت آنها طبق این قانون پرداخت شده است بهای آب مصرفی طبق مقررات و معیارهای وزارت آب و برق مانند سایر مصرف کنندگان آب از طرف مصرف کننده باید پرداخت شود .

۴ - در مورد اراضی و تأسیسات کشاورزی اشخاص و کشاورزانی که از خارج طرح بداخل طرح جا بجا میشوند طبق ماده ۸ قانون راجع بالحاق هشت ماده بآیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۲۳/۳/۴۶ عمل خواهد شد .)

اگر در اثر اجرای ملی شدن قانون آب در مناطق و نواحی خساراتی بصاحبان حق استفاده از آب وارد آید بکیفیت زیر جبران خسارت میشود .

۱ - در اثر اجرای طرح ملی شدن آب زمین واقع در داخل محدوده طرح آبخیز از منابع ملی تضمین میگردد و اگر زمین خارج از محدوده طرح عمرانی باشد و از منبع دیگری آب برای شرب اراضی موجود باشد بهای عادلانه تاسیسات اختصاصی هم پرداخت میشود و اگر امکان شرب اراضی میسر نگردد طبق تبصره ۲ ماده ۵۰ خسارت تعیین و پرداخت میشود (برای توجه خواننده عزیز و همچنین مقامات وزارت آب و برق لازم است توضیح داده شود که در متن قانون بجای تبصره ۲ اشاره به تبصره ۱ نموده است باید بموقع اصلاح شود) .

۲ - در مورد چاهها و قنوت و تأسیساتی که به تشخیص وزارت آب و برق در مناطق ممنوع و محدود بدون اجازه حفر ایجاد شده اند طبق تبصره ۲ ماده ۲۳ اقدام میشود یعنی بدون پرداخت هیچگونه خسارت مورد تملک قرار میگیرد یا با حضور دادستان شهرستان محل مسدود میگردد .

۳ - حال اگر اراضی داخل یا خارج طرح از منابع ملی شده آبیاری شده باشند خسارت تملک منابع آب اختصاصی بصاحبانش پرداخت و قیمت آب تحویلی هم دریافت میگردد . مثلاً اگر اراضی داخل یا خارج طرحی قبلاً از قنات اختصاصی مشروب میشدند حالا از منبع ملی که آن قنات جزء آن است مشروب میگردد در اینصورت وزارت آب و برق خسارت تملک قنات اختصاصی را میپردازد و قیمت آب تحویلی بآن اراضی را هم بر طبق معیارهایی که خود دارد و در گذشته تفصیلاً توجیه گردید دریافت میدارد .

برای اینکه مطلب کاملاً روشن شود باید بدانیم که غالباً آب منابع اختصاصی که بکیفیت فوق خریداری میشود یا جزء منابع ملی منظور میگردد و یا مسدود میشود که بمنابع ملی لطمه نزند. ضمناً واحدهای کشت و زرع و صنعتی و یا هر گونه اقدام عمرانی بحدود جغرافیائی محدود میگردد که باید از نظر آبیاری و کنترل مشخص و معین باشد تا در نتیجه راندمان (کارآئی) هر یک از واحدها از نظر آب معین باشد .

۴ - در مورد اراضی و تاسیسات کشاورزی که از خارج طرح عمرانی

وملی بداخل طرح منتقل ویاباصطلاح قانونی وفنی واگذار وجابجا میشوند دراین اراضی طبق ماده ۸ قانون راجع بالحاق هشت ماده بآئین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۹ر۳ر۲۲ که ذیلا جهت توجه بیشتر نقل میگردد عمل مینمایند .

ماده ۸ قانون الحاق هشت ماده بآئین نامه اصلاحات ارضی

مصوب ۴۶/۳/۲۲

ماده ۸ - درنواحی ومناطقى که دولت بااجرای طرحهای توسعه منابع آب وخاک وهمچنین اجرای طرحهای توسعه آبهای سطحی وزیرزمینی یااحداث سدها وبندها وگروه چاههای عمیق ونیمهعمیق منابع آب را مهار کرده وبالنسجه موجبات ازدیاد بهره برداری زارعینی که در اجرای قوانین اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند فراهم گردد . دولت اجازه دارد نسق زارعین آبخور قدیمی را ارزیابی و معادل ارزش آن از اراضی داخل طرح بآنان منتقل نماید .

درصورتیکه این قبیل زارعین به اراضی بیشتری احتیاج داشته باشند درصورت امکان زمین اضافی مورد تقاضا حداکثر تامساحت ۶ هکتار وسیله کمیسیون مندرج درتبصره ۲ این ماده ارزیابی وباقساط ۱۵ ساله بآنان فروخته میشود .

تبصره ۱ - مقدار زمینی که دراجرای این ماده در داخل محدوده طرح بزارعین واگذار خواهد شد درهرحال کمتر ازمیزان نسق قبلی آبی آنان نخواهد بود ودولت برای تأمین خانه ومسکن زارعین مذکور در محل جدید ضمن پرداخت ارزش تاسیسات قبلی آنان تسهیلات لازم را برای ساختن خانه وتاسیسات جدید فراهم نمود وبطورکلی زارعین مزبور ازتمام مزایای طرح عمرانی بهره مند میشوند .

تبصره ۲ - بهای اراضی ومستحدثات واعیان متعلق بزارعین ازطریق توافق سازمان عمران دولتی مربوط وصاحبان آن تعیین میشود . درصورت عدم توافق بهای مذکور براساس احتساب قیمت عادلانه اراضی ومستحدثات

مشابه واقع درحوزه عملیات عمرانی در تاریخ اجرای قانون در هر منطقه بوسیله کمیسیونی مرکب از وزیر آب و برق - دادستان کل کشور و مدیرعامل سازمان برنامه - رئیس سازمان اصلاحات ارضی کل کشور - مدیر کل ثبت و یانمایندگان آنان با توجه بنظر کارشناس تعیین خواهد شد .

حضور زارع یا مالک یا نمایندگان در کمیسیون مذکور بلامانع است و رای کمیسیون در این مورد قطعی است .

تبصره ۳ - در صورتیکه زارع یا مالک پس از تقویم و معرفی اراضی که باید بدانجا نقل مکان نماید با انتقال ملک و تخلیه و تحویل آن تمکین ننماید سازمان اصلاحات ارضی کل کشور پس از ۱۵ روز از تاریخ اخطار راساً اسناد انتقال مربوطه را امضاء و زمین را بتصرف سازمان عمرانی مربوطه خواهد داد .

اداره ثبت و دفاتر اسناد رسمی و مامورین انتظامی مکلف با اجرای دستورات سازمان اصلاحات ارضی در این مورد خواهند بود .

استفاده از مراتع و اراضی موات و بایر برای ایجاد تأسیسات عمرانی

ماده ۵۴

(وزارتخانه‌های منابع طبیعی و اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مجازند مراتع غیر مشجر و اراضی موات و بایری که مورد احتیاج وزارت آب و برق بمنظور اجرای طرحهای عمرانی باشد در اختیار وزارتخانه قرار دهند .

تبصره ۱ - وزارت آب و برق راساً یا بوسیله سازمانها و شرکتهای تابع خود هر گونه دخل و تصرفی که بمنظور بهره‌برداری لازم بدانند میتواند در اراضی واگذاری مزبور بکند .

تبصره ۲ - بمنظور حفظ اراضی واگذاری بصورت اولیه یا دائر و جلوگیری از تجاوز باراضی مزبور وزارت آب و برق میتواند بوسیله پلیس آب و وظائف و اختیاراتی را که طبق مقررات قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی بعهده وزارت منابع طبیعی محول شده است مستقیماً انجام دهد و از متجاوزین خلع ید کند .

تبصره ۳ - در مورد اراضی واگذاری از طرف وزارتین منابع طبیعی و اصلاحات ارضی و تعاون روستائی بوزارت آب و برق در صورتیکه سند مالکیت بنام وزارتخانه مذکور در فوق صادر شده باشد ثبت اسناد مکلف است اسناد مالکیت صادره را بنام وزارت آب و برق ثبت نماید و در صورتیکه سند مالکیت صادر نشده باشد جریان ثبتی را بنام وزارت آب و برق تا صدور سند مالکیت ادامه دهد .

مقدمتاً لازم است توضیح داده شود که وزارت منابع طبیعی طبق پیشنهاد دولت و تصویب مجلسین بعنوان سازمان حفاظت جنگلها و مراتع بوزارت کشاورزی ملحق گردید، و وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی هم بعنوان وزارت تعاون و امور روستاها و تولیدات کشاورزی تغییر نام داده است.

چون طبق قوانین اولیه وزارت منابع طبیعی سابق امکان تحویل زمین مرتع بوزارت خانه های دیگر بمیزان بزرگ غیر ممکن بود بخصوص آنکه از نظر توسعه عمران ممکن است تغییر ماهیت دهد از اینجهت در ماده ۵۲ این مطلب عنوان گردیده است که وزارتخانه مذکور بتواند آنچه وزارت آب و برق از نظر اجرای طرحهای عمرانی زمین میخواهد اعم از اینکه مراتع غیر مشجر و اراضی موات و بایر باشد زمین تحویل دهد تا طرح عمرانی بعلت کمبود زمین معطل نماند و بعلاوه باین کیفیت توسعه عمران تحقق پیدا کند و ضمناً چون در منابع طبیعی در گذشته نمیشد تغییراتی داد از اینجهت در تبصره ۱ این منظور تامین شده است که اگر مرتع غیر مشجر در زیر سد واقع شد بتوانند کارکشت و صنعت را در آن زمین عملی سازند و از صورت مرتع مشجر یا زمین بایر و موات خارج ساخته و وظائف گارد جنگل برای حفظ و نگهداری منابع طبیعی و این نوع اراضی را بعهد سازمان پلیس مسلح و اگذار نمایند تا از تجاوز متجاوزین جلوگیری و در صورت تصرف خلعید کنند.

در صورتیکه اراضی مراتع و بایر و موات که بوسیله وزارتین مذکور تحویل وزارت آب و برق میگردد سند مالکیت داشته باشد این اسناد بنام وزارت آب و برق خواهد شد و در صورتیکه سند مالکیت صادر نشده باشد بمت اسناد مکلف است که بنام وزارت آب و برق سند مالکیت صادر کند.

وزارت آب و برق از این ماده بطوریکه عملاً مشاهده شد خیلی خوب استفاده کرده است و بسیاری از طرح های خود را روی این چنین اراضی پیاده نموده و در واقع عمران واقعی را عملی و توسعه داده است.

فصل ششم

وصول آب بها و دیون

ماده ۵۳

(وزارت آب و برق موظف است در مناطقی که طرحهای عمرانی یا قانون ملی شدن آب بمرحله اجرا درآمده است نرخ متوسط تمام شده آب را برحسب مترمکعب بتدریج در هر ناحیه یا حوزه آبریز برای کلیه مصرف کنندگان پنجسال یکبار با توجه بهزینهای جاری شامل مدیریت و نگهداری و تعمیر و بهره برداری و هزینه استهلاک و بهره سرمایه با توجه باستهلاک تعیین و اعلام دارد و همچنین تدریجاً نرخ آب مصارف کشاورزی را برای محصول واحد در تمام کشور یکسان تعیین و وصول کند .

ضروری که بعلت گرانتر بودن هزینه استحصال آب در يك منطقه آبریز بسازمان یا شرکت مزبور تحمیل میگردد از محل درآمد شرکتهای یا سازمانهاییکه در منطقه آبریز دیگر بعلت ارزانتر بودن هزینه استحصال عاید میشود جبران کند و آب بران موظف پرداخت بهای آب مصرفی براساس نرخ مذکور هستند والا آب مصرف کننده که حاضر پرداخت آب بها نگردیده است پس از برداشت هر محصول قطع میشود وبعلاوه آب بهای معوق طبق مقرراتی که در این قانون پیشبینی شده است وصول خواهد شد تحویل مجدد آب مستلزم پرداخت هزینههایی که تعیین میشود خواهد بود .

در صورتیکه آب بران مستتکف ظرف مهلت مقرر در تبصره ۶ این ماده که از طرف مدیران و رؤسای مناطق و نواحی آبیاری تعیین میشود بدهی خودرا پرداخت نکنند و یا ترتیب قابل قبولی برای تصفیه حساب خود برقرار ن سازند متصدی و مسئول منطقه یا ناحیه مربوط صورت بدهی را جهت صدور اجرائیه بداره ثبت محل ارسال خواهد کرد و اداره ثبت مکلف است برطبق مقررات اجرای اسناد رسمی لازم الاجراء اقدام بصدور ورقه اجرائیه و وصول مطالبات از بدهکار کند .

تبصره ۱ - شرکتهای و سازمان های مذکور در این قانون از تاریخ تأسیس از معافیت های مالیاتی که در قانون مالیات بر درآمد برای شرکتهای خصوصی (کشاورزی و صنعتی) در نظر گرفته شده بهره مند میشوند و بمنظور اعمال نرخ واحد برای محصول معین در مناطق مختلف کشور شرکتهای و سازمانهای نفع دهنده زبان شرکتهای و سازمانهای

ضرردهنده را به تشخیص وزارت آب و برق به‌زینه خود منظور و بشرکتها و سازمانهای ضرردهنده پرداخت میکنند و سود خالص که به این ترتیب محاسبه میشود پس از انتضای مدت معافیت مشمول مقررات مالیاتی است .

تبصره ۲ - میزان بهره سرمایه که در نرخ آب باید احتساب شود در مورد مصارف کشاورزی با توجه بوضع اجتماعی و اقتصادی در هر منطقه‌ای که وزارت آب و برق تشخیص دهد حداکثر تا ده سال اول بهره‌برداری در نرخ منظور نمیشود و پس از دوره معافیت بنا به پیشنهاد وزارت آب و برق از طرف هیئت وزیران تعیین میشود .

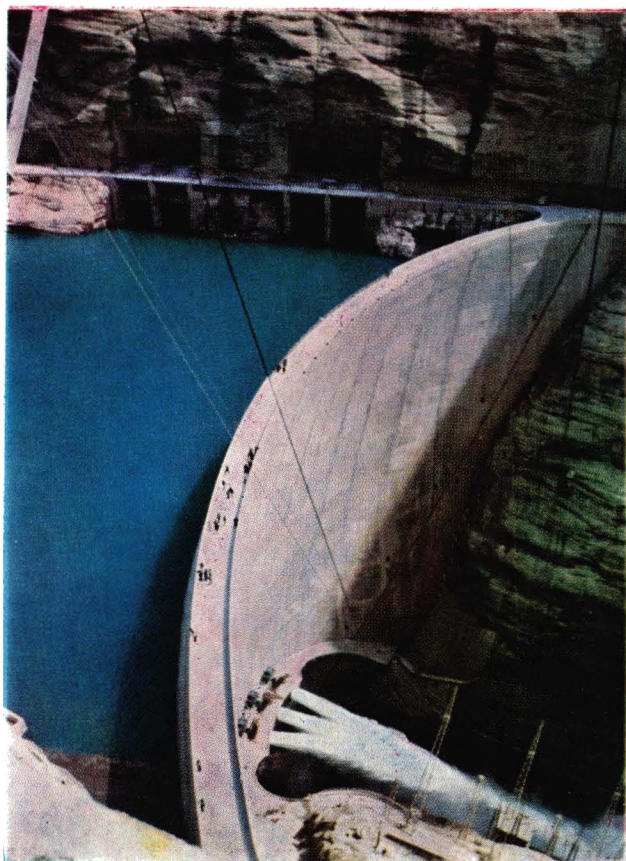
تبصره ۳ - پس از صدور پروانه مصرف مفید در هر ناحیه یا منطقه طرز احتساب آب بها طبق ماده ۵۳ این قانون خواهد بود لیکن در نواحی که تأسیسات ذخیره وانحراف و انتقال و توزیع آب تکمیل نشده باشد تا تاریخ خاتمه تکمیل طرح هزینه‌های استهلاک و بهره سرمایه در نرخ آب بهای دارندگان حثابه‌های قبلی بمیزان حجم آب مندرج در پروانه محسوب نخواهد گردید .

تبصره ۴ - کلیه وجوه دریافتی بموجب این قانون به‌عنوان طبق اساسنامه شرکتها و سازمانهای آب که مسئول اداره رودخانه‌ها و سایر منابع آب است بمصرف هزینه‌های جاری و بهره‌برداری و نگهداری و استهلاک و تکمیل تأسیسات و کمک احتمالی بشرکتهای ضرردهنده موضوع تبصره ۱ این ماده خواهد رسید . در محاسبه نرخ آب بهره سرمایه برای مصارف شهری مراکز استانها و مراکز صنعتی ۶ درصد در سال و مصارف شهری سایر شهرها ۳ درصد محسوب میشود .

تبصره ۵ - وظایف مقرر در ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری تا اجرای قانون ملی شدن آب در هر ناحیه و هر منطقه رأساً بوسیله وزارت آب و برق یا شرکتها و سازمانهای تابع انجام خواهد شد و عواید حاصله صرفاً صرف اداره و مرمت تأسیسات آبیاری حوزه مربوط خواهد گردید .

تبصره ۶ - مدت اخطار قطع آب بعلم عدم پرداخت آب بها به تشخیص وزارت آب و برق از یکماه تا چهار ماه است و برای امور زراعی پس از برداشت هر محصول .
تبصره ۷ - اجرای ثبت درمورد وصول بدهی آب‌بهاء مصرف کشاورزی کمتر از بیست هزار ریال فقط از طریق توقیف اموال استیفای حثوق دائن را خواهد نمود و از بازداشت این بدهکاران خودداری خواهد شد .

دریکی از مواد راجع بعوامل متشکله نرخ آب بها بطور تفصیل مطالبی یادآور شد . خوشبختانه همان شرح و تفصیل بزبان قانونی در ماده ۵۳ منعکس است منتها در این ماده پس از اعلام ملی‌شدن قانون آب یا پیاده‌کردن طرح عمرانی از طرف دولت نرخ آب بهارا براساس سیستم متریک تشریح و تعریف و پایه‌گذاری نموده است و چون معمولاً این احتمال داده میشود که پنجسال به پنجسال نرخ محصولات کشاورزی در بازار آزاد تغییر نماید از اینرو نرخ آب بهارا هم پنجسال به پنجسال قابل تجدید نظر دانسته است مشروط



سد محمد رضا شاه پهلوی - رودخانه دز

براینکه بعوامل زیرهم که یکی از آنها هزینه جاری باشد توجه شود .
در این ماده هزینه جاری برای استحصال درآمد و محصول شامل مدیریت و نگهداری و تعمیر و بهره برداری و هزینه استهلاک و بهره سرمایه باتوجه باستهلاک تعیین شده است. و باین اقدام قانون گذار مصمم است که برای محصول واحد در سراسر کشور نرخ آب بها یکسان باشد . مثلاً در شهرستان همدان نرخ آب برای محصول چغندر بانرخ آب برای همین محصول در شهرستان اهواز و در شهرستان قزوین یکسان باشد ولو آنکه در همدان باتوجه بهزینه که برای تاسیس سدبکار رفته نرخ متر مکعب آب ۲۰ ریال تمام شود و در شهرستان قزوین بلحاظ طرح عمرانی و وام صندوق بین المللی و دخالت مهندسی خارجی متر مکعبی ۱۵ ریال تمام شود و در شهرستان اهواز بعلت آب فراوان سد دز و وجود تاسیسات گوناگون و کیفیت استهلاک متر مکعب آب هفت شاهی یاده شاهی تمام گردد باید در سراسر کشور يك نرخ واحدی برای آب بدست آید که محصول در بازار آزاد اختلاف فاحشی از نظر قیمت آب نداشته باشد طبیعی است که این ارقام ذکر شده ارقام فرضی است ضمناً باید وزارت آب و برق بین شرکتهای آب این نوع نرخها را با توجه باینکه ترازنامه ضرر نشان ندهد تعدیلی بنماید تا از محل سود یکی ضرر دیگری تأمین گردد .

شاید در بادی امر گفته شود که هر شرکتی دارای شخصیت حقوقی است و معنی ندارد که ضرر يك شرکت بانفع شرکت دیگر ادغام شود ولی چون بودجه این نوع شرکتهای جمعاً و خرجاً بحساب وزارت آب و برق منظور میگردد اجرای این نظر تا حدی مشکل نخواهد بود .

البته رعایت نرخ واحد برای چند محصول مخصوص است که حوائج ضروری مردم را تشکیل میدهد والا نسبت بمحصولات لوکس و ترفنی مثل آرتی شو و یا مارچوبه امکان رعایت نکته فوق مقدور و معقول نیست .

در گذشته امکان قطع آب بعلمت عدم پرداخت آب بها مقدور نبود و در قوانینی که بتصویب رسیده بود نسبت باین امر کمال احتیاط را رعایت کرده بودند و طبعاً باعدم وصول حقا به و یا آب بها تاسیسات خود نگاهدار نبودند و مرتباً هر ساله مجبور بتأمین اعتبار جدید برای حفظ و نگهداری آن تاسیسات

میشدند لکن در این قانون برای اینکه تأسیسات خود نگهدار باشند و بتوانند همیشه بر پایه و اساس مالی و فنی خود استوار بمانند کیفیت وصول آب بها تغییر کرده و چنانچه عملاهم مشاهده میشود این نوع تأسیسات در این تاریخ اکثراً خود نگهدار هستند و نیازمند بکمک مخصوص دولت یا سازمان برنامه نمیباشند مگر آنکه قصد توسعه و بهره برداری جدیدی داشته باشند .

در این ماده قانون صریحاً قید شده است که در صورت عدم پرداخت آب بها قطع خواهد شد منتها برای اینکه محصول صاحب ملك باین علت باصطلاح ازبی آبی نسوزد و از بین نرود و طبعاً سرمایه عمومی کشور لطمه نخورد مقنن این مهلت را داده است که تا پایان برداشت محصول از قطع آب خودداری شود . در وصول مطالبات بدو رئیس ناحیه یا مدیر منطقه سعی میکند بامدیون ترتیب قابل قبولی را برقرار سازد مثلاً طرفین توافق میکنند که آب بها در سه قسط مطالبه شود یا باقسط بیشتر دیون پرداخت گردد و یا آب بها باغات میوه را پس از برداشت بدهد و محصولات دیگر را پس از فروش بپردازد .

در صورتیکه این توافق حاصل نگردد متصدیان مربوط مکلفند صورت بدهی را جهت صدور برگ اجرائیه بداره ثبت اسناد محل بفرستند و اداره مذکور هم مکلف است بر طبق مقررات اجرای اسناد رسمی لازم الاجراء و رقه اجرائیه صادر و مطالبات را وصول نماید .

این کیفیت وصول و ایصال بدهی از طرف اداره اجرای ثبت اسناد محل سریعترین طریق وصول آب بها میباشد و دیگر لزومی ندارد که بمراجع قضائی برای رسیدگی مورد اختلاف مراجعه نمایند .

زیرا در این میان مطلب مورد اختلافی باقی نمیماند چنانکه میزان آب تحویلی طبق کنتور های منصوبه مشخص و نرخ آن هم معین و طبعاً میزان بدهی هر مصرف کننده معلوم میباشد بنابراین تنها وصول بدهی و ایصال آن بسازمان های آب امری است که در این قانون منظور شده است .

طبق تبصره ۲ میزان بهره سرمایه که در نرخ آب باید احتساب و منظور گردد در مصارف کشاورزی در ده سال اول از تاریخ ایجاد تأسیسات در آب بها منظور نمیگردد و پس از دوره معافیت هم اگر قرار باشد بهره از این بابت منظور گردد بنا به پیشنهاد وزارت آب و برق و تصویب هیئت وزیران است .

این امر یعنی عدم منظور داشتن بهره سرمایه در نرخ آب تقریباً یک تصمیم جهانی است. منتها در بعضی از کشورها از ۲۵ درصد تا ۳ درصد بهره منظور میدارند ولی در بیشتر ممالک بزرگ این بهره هم منظور نمیگردد.

البته این عدم منظور داشتن بهره سرمایه در نرخ آب اکثراً در سدها و تاسیسات چند هدفی است زیرا تاسیسات آبیاری که هم از برق و از آب و هم از تاسیسات جنگلبانی و از تاسیسات تفریحی و جلب توریست و از تاسیسات شیلات و ماهیگیری استفاده میکنند میتوانند در واقع بهره سرمایه را از سایر اهداف و درآمد های اقتصادی تامین کنند و طبعاً نسبت بکشاورزان این تسهیلات را قائل گردند و الا اگر سد یا تاسیسات آبیاری یک هدفی و یک منظوری مثلاً آبیاری باشد خیلی مشکل است که بهره سرمایه منظور نگردد زیرا طبعاً چنین مؤسسه ای خود نگهدار نخواهد بود و بزودی از نظر مالی واژگون خواهد و طبعاً امکان استفاده غیر مقدر میگردد.

بموجب تبصره ۱ این ماده شرکتهای آب و سازمانهای مربوط را از تاریخ تاسیس از معافتهای مالیاتی که در قانون مالیات بر درآمد منظور شده معاف نموده است و کیفیت اختلاف نرخ آب بها را در هر شرکت و پرداخت شرکت منتفع بشرکت متضرر را هم صریحاً معلوم نموده است. منتها باید یک نکته خاص توجه داشت که سود حاصل شرکت سود دهنده را چون بحساب ضرر شرکت ضرر دهنده منظور میدارند از این جهت هم نباید در واقع مالیات بر درآمد پردازد طبیعی است پس از ختام دوره معافیت که ظاهراً ده سال می باشد مقررات عمومی شامل حال یکایک این شرکتها خواهد شد.

در تبصره ۳ اشاره بتاریخ پس از ملی شدن آب و صدور پروانه مصرف در هر ناحیه و منطقه و احتساب نرخ آب بها مینماید که در واقع عوامل متشکله نرخ آب بها که در مقدمه ماده ۵۳ ذکر شد طبعاً در تعیین آب بها در این جا هم منظور گردد. منتها در بعضی از نواحی و مناطق تاسیسات آبیاری کاملاً ساخته نشده است که عوامل چندگانه در تعیین نرخ آب بها منظور گردد. طبیعی است عواملی که بوجود نیامده است طبعاً در تعیین نرخ آب بها منظور میگردد. مثلاً در مورد تاسیساتی که ساخته نشده یا ناتمام است رعایت هزینه استهلاک بهره سرمایه مفهوم و مورد ندارد بنابراین تا تاریخ تکمیل و اتمام تاسیسات

عوامل کامل منظور و بمیزان حجم آب مفید تحویلی در پروانه آب بها دریافت میگردد .

وجوه دریافتی بطور عموم بمصرف هزینه جاری و بهره برداری و نگهداری و استهلاك و تکمیل تاسیسات و کمک احتمالی بشرکتهای ضرردهنده طبق تبصره ۴ این قانون خواهد رسید .

در محاسبه نرخ آب بهره سرمایه برای مصارف شهری مراکز استانها و مراکز صنعتی ۶ درصد در سال و مصارف شهری سایر شهرها ۳ درصد محسوب میشود که این رقم هم از نظر تعیین ضابطه است که بعداً متصدیان بدون توجه ارقام غیر قابل قبولی را منظور ندارند .

در گذشته وجوهی که توسط هیئت مالکین دریافت میشد طبق ماده ۱۶ قانون سابق بنگاه مستقل آبیاری صرف مرمت و تعمیرات رودخانه و تاسیسات میشد در اینجا هم طبق مفاد تبصره ۵ این وظیفه که بعهدہ وزارت آب و برق تا قبل از اجرای قانون ملی شدن آب محول شده است صریحاً تعیین کرده است که عواید حاصله باید صرف اداره و مرمت تاسیسات آبیاری حوزه مربوط گردد و بهیچوجه نمیتواند عواید حاصله از رودخانه را صرف مرمت رودخانه دیگری نماید .

چون موضوع قطع آب بعلت عدم پرداخت آب بها از موضوعات قابل توجه است تبصره خاصی بعنوان تبصره ۶ ماده ۵۳ در این قانون عنوان گردیده که متصدیان بمیل شخصی مبادرت بقطع آب مصرف کننده نمایند بلکه مدت اخطار قطع آب را از یکماه تا چهار ماه دانستند که معمولاً در این مدت هر محصولی بکمال میرسد و قابل استفاده و فروش است و مخصوصاً برای امور کشاورزی صریحاً قید شده است که پس از برداشت هر محصول، یعنی اخطار قطع آب باید طوری تنظیم گردد که پس از برداشت محصول باشد .

چون در همه جا و در همه حال رعایت وضع کشاورزان شده است در این قانون هم در تبصره ۷ قید شده که بدهی کمتر از بیست هزار ریال را بابت آب بهاء از کشاورزان از طریق توقیف اموال وصول نمایند نه از طریق بازداشت کشاورز .

ماده ۵۴

(دارندگان حقاچه‌های قبلی از منابع سطحی که مشمول ماده ۷ این قانون میشوند متناسب با حجم آب مصرفی طبق پروانه صادره برای مدت دهسال از سی درصد تخفیف آب بها بهره‌مند میشوند) .

در این قانون حتی الامکان سعی شده است که بتدریج عنوان حقاچه و مزایائی که قبلاً برای حقاچه‌داران از نظر عدم پرداخت هزینه نگهداری تأسیسات منظور شده است از بین برود و همه استفاده‌کنندگان از آبهای سطحی رادر قبال هزینه عمومی بطور یکسان عهده‌دار سازد بدین لحاظ باین طبقه مصرف‌کننده که در گذشته امتیازات فراوانی داده شده بود دهسال فرصت و مهلت داده است که از تخفیف سی درصد نرخ آب بها استفاده کنند و پس از سپری شدن دهسال عموم مصرف‌کنندگان نرخ آب بهارا یکسان و بمیزان حجم آبی که استفاده میکنند بدون تخفیف و امتیاز پردازند .

بدینست در اینجا که ذکر از امتیاز شد این نکته تذکر داده شود که در قوانین گذشته صاحبان حقاچه یعنی کسانی که توانسته بودند در اسناد مالکیت خود عنوان حقاچه را منظور دارند و یا کسانی که نامشان در دفاتر جزء جمع جز حقاچه بران ثبت شده بود تمام امور رودخانه را بدون تعمیر و مرمت عهده‌دار بودند و حتی قوانین را طوری تنظیم کرده بودند که اکثر افراد هیئت مالکین که مدیریت رودخانه را عهده‌دار بودند از بین حقاچه‌بران انتخاب می‌گردیدند و طبعاً بعلت عدم پرداخت وجه کافی رودخانه ها بهممان حال سرگردانی حتی بدون مقسم‌سازی باقی میماند و وجوه دریافتی حتی کافی برای پرداخت حقوق میرآبها نمی‌بود . این رویه و این روش مدیریت خواه ناخواه کار را باین مرحله رساند که نه تنها هیچیک از حقاچه‌داران دیگر سمت و عنوانی در اداره رودخانه ندارند بلکه پس از ده سال مانند سایر استفاده‌کنندگان باید تمام نرخ آب بهارا پردازند زیرا اداره کردن رودخانه ها و ایجاد تأسیسات آبیاری و ترمیم و مرمت بستر و بازوان رودخانه اعتبار کافی لازم دارد که باید از این طریق تامین گردد . و البته ایجاد تأسیسات آبیاری مثل سدسازی و کانال‌سازی با اعتبارات جدید دولتی برقرار میشود ولی این نوع تأسیسات هم باید طوری از نظر مالی اداره شود که با اصطلاح خودنگهدار باشد زیرا هر موسسه که نتواند خودنگهدار

باشد بزودی از بین خواهد رفت این سدها و کانالها روزی پرخواهد شد باید سد دیگر و کانال دیگر ساخت ویالاروبی نمود و این هزینه ها باید از محل درآمد ها تامین گردد تا واقعاً عمران و آبادانی سراسری کشور عملی گردد و الا اعتبارات مملکتی باید صرف چند عدد از همین نوع تاسیسات الی الابد گردد که تحقیقاً این راه ورسم مدیریت صحیح نخواهد بود .

فصل هفتم

جلوگیری از آلودگی منابع آب

ماده ۵۵

(آلوده ساختن آب ممنوع است و مؤسساتیکه آب را بمصارف شهری یا صنعتی یا معدنی میرسانند موظفند طرح تصفیه آب و دفع فاضل آب را با تصویب آب و برق و وزارت بهداشتی تهیه و اجرا کنند .

تبصره - در مواردیکه بسبب عدم کفایت مقدار آب قابل استفاده بکار بردن مکرر آب ضرورت داشته باشد مؤسسات مورد بحث در ماده فوق موظفند بنا بردستور وزارت آب و برق آب را تصفیه کرده بازهم بکار برند) .

در جلد دوم کتاب حقوق آب در باب آلودگی بتفصیل سخن گفتیم و تاحدی معتقد است که مطالعه آن فصل شرح و تفصیل این ماده را آسان میسازد.

بموجب این ماده از تاریخ تصویب آئین نامه اجرائی که در ماده ۵۷ اشاره بان شده است آلوده ساختن آب ممنوع شده است و این قانون در ایران تازگی دارد و در گذشته چنین قوانینی نداشتیم مگر در امور شهری که انجمن های شهر مقررات خلافی وضع میکردند که آنها مجازاتش آنقدر کوچک بود که کسی توجهی باین نوع مطالب نداشت بعلاوه آلودگی این حد نبود طبیعی است کشوری که روز بروز صنعتی میگردد و دامنه توسعه اقتصادی و فنی و صنعتی گسترش می یابد بتدریج گرفتار عوارض آلودگی میگردد که اجتناب از آن ضروری است .

عملا مفاد این ماده بیشتر ناظر بمؤسسات خصوصی است زیرا کیف کان دولت موظف باجرای قوانین و جلوگیری از آلودگی است لکن بسیاری از مؤسسات صنعتی و معدنی و شهری هستند که آب را آلوده میسازند اما طرح تصفیه آب و دفع فاضل آب را فراهم نمی نمایند و در نتیجه مستمراً آب

رودخانه ها و آبهای زیرزمینی را آلوده میسازند .
 مثلاً بعضی از کارخانجات مثل کارخانه کاغذسازی یا قند که جزء مؤسسات خصوصی میباشند فاضل آب خود را وارد رودخانه های عمومی مینمایند و در نتیجه آب را آلوده میسازند و این آب آلوده اگر صرف امور کشاورزی شود زراعت را می خشکاند و اگر صرف امور شهری گردد امراضی تولید می نماید از این جهت این مؤسسات و مؤسسات مشابه آن را موظف نمودند که طرح تصفیه آب و دفع فاضل آب را تهیه و برقرار سازند و چون احتمال داده میشود که مطابق موازین فنی نباشد از اینرو مقنن پیش بینی کرده است که این طرحها باید با صواب دید وزارتین آب و برق و بهداری باشد .

اگر آب بمقدار کافی در دسترس این نوع کارخانجات یا مؤسسات نباشد قانون آنها را موظف کرده است که طرح تصفیه آب و دفع فاضل آب را بکار بردند و طبعاً این اقدام هم یک نوع صرفه جوئی در مصرف آب است و هم از آلوده ساختن مکرر آب جلوگیری مینماید. عنوان صرفه جوئی آب پیش آمد و بیاد گزارشی افتادم که برای تهیه یک تن چدن که ۲۰۰ تن آب مصرف میشده اخیراً با رعایت تصفیه مکرر به ۵ تن تقلیل یافته است و این اختلاف رقم شگفت انگیز است و طبعاً هر مؤسسه را و ادار میسازد که از این روش مدیریت و اقتصاد پیروی کند .

ماده ۵۶

(منظور از آلوده ساختن آب آمیختن مواد خارجی بآب است بمیزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیائی یا بیولوژیکی آن را بطوریکه مضر بحال انسان و چهارپایان و آبزیان و گیاهان باشد تغییر دهد مواد خارجی بترار زیر است :
 مواد نفتی - ذغالی - اسیدی و هرگونه اضعاف کربنی و نفتی مواد مضر شیمیائی اعم از جامد و مایع از هر پالایشگاه یا منبع گازی و یا دستگاههای رنگ کاری و الکل کشی و کارگاهها و کارخانجات شیمیائی و معدنی و صنعتی و مواد غذایی و فاضل آب شهرها .)
 قبل از آنکه وارد شرح این ماده شویم بهتر است از نظر استحضار خوانندگان عزیز بطور اجمال تعریفی از کیفیت فیزیکی - یا شیمیائی یا - بیولوژیکی بنمایند .

۱ - کیفیت فیزیکی ناظر برنگ ، بو ، طعم ، کدورت میباشد یعنی

در صورتیکه رنگ طعم و بو و کدورت آب تغییر نماید کیفیت فیزیکی آن تغییر کرده است و طبعاً اگر تاسرحدی برسد که مضر بحال جانداران باشد مستلزم مجازات است .

۲ - کیفیت شیمیائی ناظر بر غلظت مواد و املاح شیمیائی مختلف از قبیل سرب - آرسینیک - منیزیوم - آهن - مس - منگنز - رادیو اکتیو و سایر املاح شیمیائی از قبیل نترات ها و کربنات ها و سولفات ها و نمک می باشد . طبیعی است در این مورد هم اگر کیفیت شیمیائی آب بحدی تغییر کند که مضر بحال جانداران باشد مباشر امر مستحق مجازات است زیرا چنین آبی بعلت آلوده بودن مصرفش مضر است .

۳ - کیفیت بیولوژیکی - ناظر بوجود میکربها و باکتریها در آب است . میکروبهای مضر - مثل میکرب و با - تیفوئید - پاراتیفوئید - شیتوزمیا می باشد و احياناً باکتری های مفید بعضاً در آب دیده میشوند بهرحال اگر تغییر کیفیت بیولوژی بحدی باشد که مضر بحال جانداران باشد مصرف آن آب مضر خواهد بود .

بنابراین اگر کیفیت فیزیکی و کیفیت شیمیائی و کیفیت بیولوژیکی آب در اثر ریختن مواد مشروح در فوق بحدی باشد که مضر بحال انسان و چهارپایان و آبزیان و گیاهان باشد آن آب را آلوده خوانند و طبق مقررات جزائی مقرر در قانون آب متخلف مستحق کیفر قانونی است .

در قانون از نظر تمثیل مواد خارجی مضر که هر يك از کیفیتهای فیزیکی و شیمیائی و بیولوژیکی را تغییر میدهد مشروحاً ذکر شده است و این امر را در کمتر کدی (Code) خواهید دید که باین تفصیل در امر آلودگی آب و ذکر مواد خارجی مطلب قانونی گفته شده باشد . البته در کتب تفسیر حقوقی یاد در مقالات اجتماعی و اقتصادی بسیار راجع بآلودگی سخن گفته شده است ولی در هیچ قانونی باین صراحت آلودگی را بیان ننموده است و اگر چنین قانونی بوجود آمده باشد تحقیقاً پس از این قانون و یا متقبس از قانون آب ایران است .

ماده ۵۷

(وزارت آب و برق موظف است با موافقت وزارت بهداشتی و وزارت کشور و

وزارت منابع طبیعی و سازمان شکاربانی و نظارت برصید آئین نامه مخصوصی بمنظور جلوگیری از آلودگی آب و تعطیل تأسیساتی که موجب آلودگی میگردند تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارد.

دراین ماده مقنن وزارت آب و برق را موظف نموده است که با همکاری وزارت بهداری و وزارت منابع طبیعی و سازمان شکاربانی و نظارت برصید آئین نامه اجرای قانون آلودگی آب را تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا درآورند.

همانطوریکه در گذشته یادآور شد وزارت منابع طبیعی سازمان جنگلها و مراتع تبدیل گردید و سازمان شکاربانی هم جزیکی دیگر از سازمانهای وابسته بوزارت کشاورزی درآمده است که درواقع میتوان گفت فقط این ماده ناظر بوظائف وزارت آب و برق و کشاورزی و بهداری خواهد بود درهرحال اخیراً آئین نامه ای مشتمل بر ۳۶ ماده بتصویب هیئت وزیران رسیده است که نگارنده را عقیده براینست که بعضی از مواد آئین نامه تناقض با اصل قانون دارد وبعلاوه امکان اجرای بعضی از مواد آئین نامه هم میسر نیست خوشبختانه چون این آئین نامه بعنوان آئین نامه تجربی و برای مدت یکسال وضع شده است خواه ناخواه معایب آن مشهود میگردد و امیدوار است در تجدید نظر بعدی اصلاح شود و معیارهای آلودگی را بعهده لابراتوارهای مشخصی واگذار نمایند تا امکان اجرائی آن بیشتر باشد.

ماده ۵۸

(کارکنان وزارت آب و برق و شرکتها و سازمانهای آنوزارت و کارکنان وزارت کشاورزی و وزارت منابع طبیعی و سازمان شکاربانی که طبق حکم وزارت آب و برق و برابر آئین نامه های مربوط مأمور جلوگیری از آلودگی آب و تعطیل تمام یا قسمتی از کارخانه یا مؤسسه می شوند موظفند از آلودگی آب طبق مقررات جلوگیری کنند و در صورت تکرار متخلف را بوسیله مأمورین انتظامی یا پلیس آب بنزدیکترین مرجع قضائی تسلیم کنند) .

دراین ماده ظاهراً بکلیه کارکنان وزارت آب و برق و کارکنان شرکتها و سازمانهای وابسته و همچنین بکلیه کارکنان وزارت کشاورزی که فعالمنابع طبیعی و سازمان شکاربانی هم جزئی از آنست اجازه داده که همگی مأمور اجرای آئین نامه مربوط بجلوگیری از آلودگی آب باشند .

طبیعی است در آئین نامه مربوط به جلوگیری از آلودگی آب و یا آئین نامه جداگانه‌ای که ممکن است برای این نوع مامورین و کارکنان تنظیم و تصویب نمود مقرراتی از لحاظ حفظ نظام مدیریت باید منظور نمایند تا این امر کیفری با ضوابط و مقررات مخصوص بخود تعقیب گردد والا اگر قرار باشد همه کارکنان در این کار دخالت داشته باشند مسئولیتها لوث و هرج و مرج خواهد شد. گرچه در قانون قید شده است مامورینی که با حکم وزیر آب و برق انتخاب میشوند این تخلفات را تعقیب مینمایند، مع الوصف باید توجه داشت که اگر این نوع کارکنان که همان ضابطین دادگستری مامور اجرای قانون آب میباشند نتوانستند متخلف را با مقررات آشنا و جلوگیری از آلودگی آب بنمایند در این صورت بواسطه تکرار بزه متخلف را بوسیله مأمورین انتظامی یا پلیس آب بمراجع قضائی معرفی مینمایند تا طبق مقررات عمومی رسیدگی بنمایند و در صورتیکه در مراجع قضائی گناهکار شناخته شد بکیفر قانونی مجازات شوند.

نگارنده را عقیده بر اینست که مخصوصاً برای اجرای مفاد ماده ۵۸ یعنی تعیین کارکنان وزارتخانه مذکور باید آئین نامه خاصی باستناد این ماده و ماده ۶۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن تهیه و تنظیم و بتصویب و اجرا گذاشت زیرا اگر منظور این ماده همان آئین نامه جلوگیری از آلودگی آب بود می باید بدنبال همان ماده مامورین مخصوص را تعیین مینمودند لکن بدبختانه با توجه بماده ۳۶ آئین نامه جلوگیری از آلودگی آب معلوم میشود که توجهی بقسمت اول ماده ۵۸ نشده است فقط توجه بقسمت اخیر ماده مذکور گردیده است که در صورت تکرار مامور مخصوص باید بزه کار را بوسیله مامورین انتظامی و پلیس آب بمراجع قضائی معرفی نماید.

در حال اگر یکی دو ماده براتهای آئین نامه جلوگیری از آلودگی آب اضافه مینمودند و ضابطه‌ای غیر از حکم وزیر آب و برق از نظر وظائف برای کارکنان وزارتخانه ها که در قسمت اول ماده ۵۸ مقرر شده است تعیین مینمودند رفع این شبهه بعمل می‌آید و این بحث بمیان نمی‌آید که بگویند : «ماموران اجرای آئین نامه که در تحت نام پلیس آب انجام وظیفه

خواهند کرد باید از نظر علمی تا حد لازم مطلع باشند تا اظهار عقیده آنها ارزش منطقی و درست داشته باشد» بطور خلاصه و با توجه بمفاد مواد ۲۰-۲۱ و ۵۷ و ۵۸ قانون آب استنباط میشود که وزارت آب و برق دارای سه نوع مامور جهت رسیدگی بتخلفات و یا تعقیب متخلفین است. یکی ضابطین دادگستری که طبق ماده ۲۰ معلوم شده است دیگری پلیس که طبق ماده ۲۱ و سومی همین نوع کارکنانی که بموجب حکم وزارت آب و برق تعیین میشوند و حدود اختیارات هر یک تا حدی معلوم و مشخص شده است.

ماحصل کلام اینکه اگر خواستند آئین نامه آلودگی آب را تغییر دهند غیر از آنکه باید به بسیاری از موضوعات توجه نمایند باین نکته هم توجه کنند والا باید آئین نامه مخصوصی هم برای سایر کارکنان که بحکم وزیر آب و برق تعیین میشوند و مأمور تعقیب متخلف در مرحله اول هستند وضع و تعیین کنند. که این کارکنان دارای چه نوع صلاحیت و مشخصاتی باشند و ضمناً معلوم نمایند که وظیفه آنان و وظیفه ضابطین است یا پلیس مسلح آب یا سمت مقدماتی در تعقیب امر تا حدودی که قانون اشاره نموده است دارند.

فصل هشتم

تخلفات و جرائم

ماده ۵۹

(هر کس در بهره‌برداری از آب چاه بیش از حد مقرر در پروانه مصرف اقدام کند و یا مقررات وزارت آب و برق را در نحوه استفاده از آن رعایت نکند بپردازد جریمه از یکهزار تا سی هزار ریال محکوم و در صورت تکرار پروانه او لغو خواهد شد و در صورتیکه بدون پروانه از چاه مزبور استفاده نماید چاه از طرف وزارت آب و برق با حضور نماینده دادستان مسدود و عندالاقضاء پر خواهد شد) .

این ماده پس از اجرای مواد ۶۵-۶۷-۸۷ قانون آب یعنی پس از آنکه حقا به ها تبدیل به پروانه مصرف شد و بکلیه مصرف‌کنندگان مجاز پروانه مصرف دادند اجرا و عمل خواهد شد .

در این ماده بیک نکته اشاره شده است که توضیح آن ضروری بنظر میرسد و آن نحوه و کیفیت استفاده از آب است بطوریکه در متن ماده یادآور شده است (اگر مصرف‌کننده مقررات وزارت آب و برق را در نحوه استفاده رعایت نکند) طبق مقررات عمومی اگر مصرف‌کننده از میزان مقرر در پروانه تجاوز کند یعنی بجای دولیتر در ثانیه ۴ لیتر مصرف کند معلوم است که تخلف او تجاوز از حد مقرر است و مجازاتش هم بنا بر صراحت ماده مشخص می‌باشد لکن اگر مصرف‌کننده از نحوه استفاده که وزارت آب و برق مقرر داشته و یا در پروانه مصرف رعایتش را ضروری دانسته تخلف کند تعقیب قانونی میشود .

معمولا در آبیاری های دستجمعی برای اینکه همه شارین بحد ممکن از آب موجود اعم از سطحی یا زیرزمینی استفاده نمایند دستگاههای مسئول

نحوه استفاده را خاصه در ایام کم آبی معین مینمایند مثلاً مقرر میدارند که از چاههای قسمت شمالی محدوده خاص روزها و از چاههای قسمت جنوبی محدوده شبها استفاده نمایند یا پیش از این محدودیت ایجاد نمایند مثلاً حتماً باید نهرها غیر قابل نفوذ باشد و کیفیت استفاده چنین و چنان در این صورت متخلف از این مقررات که مبین نحوه و کیفیت استفاده از آب میباشد قابل تعقیب قانونی است .

از اینرو در قانون پیش بینی شده است که نه تنها در پروانه مقدار آب مورد نیاز قید شود بلکه نحوه استفاده را هم در پروانه قید کنند چنانکه علاوه بر توضیح بالا ممکن است هر چند ماه بچند ماه با توجه بسطح آب زیرزمینی وزارت آب و برق نحوه استفاده را معین و کیفیت استفاده را اعلام دارد .

بنابراین متخلفین از هر دو قسمت در بادی امر پرداخت جریمه از یک هزار تاسی هزار ریال محکوم میشوند و اگر بدون رعایت تذکرات وزارت آب و برق یا سازمانها و شرکتهای تابع مجدداً بروش تخلف ادامه دادند پروانه متخلفین لغو میشود و اگر متخلفینی که پروانه آنها لغو شده باز هم استفاده کنند در این صورت با حضور نماینده دادستان آنها را مسدود یا پیر خواهند کرد .

ماده ۶۰

- (اشخاص زیر به پرداخت دوهزار تا پنجهزار ریال یا از ۲ ماه تا ۶ ماه حبس تأدیبی یا بپردو مجازات بر حسب مورد محکوم خواهند شد .
- ۱ - هر کس عمداً و بدون اجازه دریاچه و مقسمی را باز کند یا در تقسیم آب تغییری دهد یا دخالت غیر مجاز در وسائل اندازه گیری آب کند یا بنحوی از انحاء امر بهره برداری از تأسیسات عمومی را مختل سازد .
 - ۲ - هر کس عمداً آبی را بدون حق یا اجازه مقامات مسئول بمجاری یا شبکه آبیاری متعلق بخود منتقل کند و یا موجب گردد که آب حق دیگری باو نرسد .
 - ۳ - هر کس آب حق دیگری را بدون مجوز قانونی تصرف کند .

۴ - هرکس عمداً بنحوی از انحاء بضرر دیگری آبی را بهدر دهد .
۵ - هرکس عمداً آب رودخانه و انهار عمومی و جویبارها و مخازن و منابع و قنوات و چاهها را با اضافه کردن مواد خارجی بنحو مندرج در ماده ۵۶ این قانون آلوده کند در مواردی که منبع آب بعنوان منبع آب آشامیدنی بکار میرود مرتکب بموجب سایر قوانین مربوط نیز مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت .
۶ - هرکس از مقررات مندرجه در پروانه مصرف آب تخلف کند یا بدون اجازه وزارت آب و برق پروانه خود را بدیگری منتقل سازد یا از مقررات موضوعه وزارت آب و برق در اجرای مواد فصل دوم این قانون تخلف کند .
۷ - هرکس بدون رعایت مقررات این قانون بحفرچاه و یاقنات و یا بهره‌برداری از منابع آب مبادرت کند .
تبصره - درمورد بندهای ۴ و ۳ و ۴ با گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف میشود .

بااعتبار کوچک و بزرگ بودن جرم قانونگذار اختیارات وسیعی نسبت بیک سلسله از جرائم که درشقوق هفتگانه ماده ۶۰ وصف نموده است بدادرسان داده است تادرسورت دادرسی و رسیدگی بتوانند هرمتخلفی را بمیزان بزه ارتكابی مجازات نمایند ازاینرو سه نوع مجازات قائل شده است :

الف - پرداخت دو هزار تا پنجهزار ریال .

ب - ۲ تا ۶ ماه حبس تأدیبی .

ج - هر دو مجازات مقرر دربند ۱ و ۲ .

۱- شق اول ماده ۶۰ ناظر بمرتکبین جرائم عمدی میباشد و این شق وقتی قابلیت اجرا دارد که شبکه آبیاری و تاسیسات آبیاری کاملاً منظم و ساخته شده باشد تا امکان اجرای مفاد آن عملی باشد . زیرا عموماً در رودخانه های طبیعی و یا سرگردان دریچه و مقسمی وجود ندارد تا اجرای شق ۱ میسر باشد بنابراین در رودخانه‌ای که دارای شبکه آبیاری است اگر کسی عمداً دریچه یا مقسمی را بازکند یا درتقسیم آب تغییری بدهد یا آنکه بدون اجازه در وسائل اندازه‌گیری دخالت نماید یا امر بهره‌برداری را مختل سازد دادگاه پس از رسیدگی و تحقق بزه بیکی از جرائم مقرر یا بهردو متخلف را بکیفر قانونی میرساند .

۲ - مفاد شق ۲ ماده ۶۰ همان سرقت آب است و سلب حق دیگری که در اینجا با اصطلاحات فنی بیان مقصود شده است و دادرسان راهم مخیردر سه نوع مجازات مقرر نموده است .

۳ - در شق ۳ ماده مذکور ذکر عمد نشده است بلکه هر کس بدون مجوز قانونی ولو سهواً آب حق دیگری را تصرف کند بمجازات مقرر محکوم خواهد شد. منتها باگذشت شاکی تعقیب موقوف میگردد.

۴ - مفاد شق ۴ اینست که اگر کسی عمداً بهر طریقی آب حق دیگری را هدر دهد که در واقع زراعت یا محصول یا فعالیت اقتصادی او را تعطیل نماید بمجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۵ - شق ۵ ماده مذکور آلوده ساختن آب رودخانه ها و انهار عمومی و جویبار ها و مخازن و منابع و قنوات و چاهها که در گذشته بطور تفصیل در شرح ماده ۵۶ قانون مطالبی گفته شد جرم شناخته و مجازات مقرر را معلوم کرده است و ظاهراً نیازی از این بابت بتوضیح بیشتر نیست.

بخاطر دارد که در موقعیکه وزارت بهداری قصد داشت قانونی برای جلوگیری از آلودگی منابع آب آشامیدنی بمجلس شورای ملی تقدیم دارد در آن طرح مجازات مرتکبین را اعدام تعیین کرده بود از اینرو پس از مباحثه و مبادله نظریات در مورد مشکل فعلی، قسمت دوم بند ۵ تنظیم گردید.

بدیهی است در صورتیکه برای منابع آب آشامیدنی مجازات خاصی تعیین نشده باشد فقط قسمت اول این ماده که آلودگی آبهای سطحی وزیرزمینی است قابل اجرا میباشد و برای قسمت دوم این ماده اگر قوانین خاص نباشد از عموماًت قانون مجازات عمومی برای تعقیب و بکیفر رساندن متخلف استفاده مینمایند.

۶ - منظور از شق ۶ ماده ۶۰ همانست که قبلاً در این مورد بطور تفصیل شرح لازم نوشته شده است و در اینجا بمناسبت مقام اضافه مینماید که مقرراتی را که وزارت آب و برق در پروانه مصرف منظور میدارد لازم الاتباع میباشد و اگر کسی از مقررات مذکور در پروانه تخلف کند یا پروانه را بدیگری منتقل نماید بمجازات مقرر در صدر ماده ۶۰ محکوم خواهد شد.

علاوه بر اینکه شق ۶ ماده ۶۰ متخلفین از مندرجات پروانه مصرف را قابل تعقیب کیفری دانسته همین مجازات را هم برای متخلفین از مقررات موضوعه در فصل دوم قانون آب قائل شده است که این نکته را بموقع در شرح فصل دوم قانون یادآور شد منتها در این جا هم باید اضافه نماید که وزارت



سد شاه عباس کبیر

آب و برق موظف است که برای اجرای وظائف خود هرچه زودتر تشکیلات لازم را براساس این قانون اعلام دارد و مقررات مربوط را با استفاده از ماده ۶۶ وضع نماید در اینحال متخلفین از این مقررات موضوعه طبق مفاد این شق از ماده ۶۰ قابل تعقیب کیفری خواهند بود .

۷ - شق ۷ ماده ۶۰ ناظر بکسانی است که بدون رعایت مقررات این قانون یعنی قانون آب و نحوه ملی شدن آن و طبعاً آئین نامه های مربوط بحفر چاه وقتات و بهره برداری از آنها مبادرت کنند .

شاید در بادی امر این ماده مفاداً با تبصره ۲ ماده ۲۳ مغایر یا مخالف باشد در صورتیکه چنین نیست تبصره ۲ ماده ۲۳ ناظر با اجرای قانون قبل از اعلام ملی شدن آب است و مربوط بزمانی است که محدودیت و ممنوعیت منطقه آگهی گردد لکن مفاد شق ۷ ماده ۶۰ ناظر بزمانی است که آب در آن منطقه یا ناحیه ملی اعلام شده باشد . طبیعی است مجازات مقرر در این تاریخ بمراتب شدیدتر از قبل از اعلام ملی شدن آب است زیرا در آن تاریخ بعنوان مالکیت بحفر چاه مبادرت مینمودند ولی در تاریخ ملی شدن آب عنوان و موضوع مالکیت شخصی آب منتفی میگردد بنابراین حق بر این است که میزان مجازات شدیدتر باشد .

در مواردی که اضرار جنبه شخصی داشته است مقنن با گذشت شاکی خصوصی خواسته است تعقیب را موقوف دارد بهمین دلیل در تبصره ماده ۶۰ قید کرده است که در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ با گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف میشود .

نکته قابل توجه اینست که شق ۲۰۱ ماده ۶۰ قانون آب همان سرقت آب است که در گذشته برای آن ماده خاصی در قانون حریق و تخریب منظور شده بود ولی بعلمت اینکه مجازات مقرر قلیل و اصطلاحات و تغییرات فنی نارسا بود شقوق ماده ۶۰ جایگزین بعضی از قسمتهای آن ماده شده است که ذیلاً برای اطلاع خواننده عزیز ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی درج میگردد .
(ماده ۲۶۲ - اشخاص ذیل بحبس تأدیبی از یازده الی سه ماه و یا بتأدیه غرامت ازده الی دویست تومان محکوم خواهند شد .

اولا - هرکس حاصل دیگری را بچراند یا تاکستان باغ میوه یا

نخلستان کسی را خراب کند یا بواسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق بانست یا با اقدامات و وسائل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن شود .

ثانياً - هرکس حاصل دیگری را قطع و درو کند .

ثالثاً - هرکس عمداً یخ موجود در یخچال دیگری را آب کند .

رابعاً - هرکس عمداً حمام یا اسباب دیگری را از استفاده بیندازند .

بنا بمراتب و با توجه بمفاد ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی و شقوق

ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن خاصه شقوق ۳ و ۲ بخوبی میتوان

استنباط نمود که نه تنها اصطلاحات و تعابیر از نظر فنی بمقتضای زمان تغییر

کرده بلکه میزان مجازات مقرر هم زیادتر شده است .

ماده ۶۱

(هرکس عمداً بنحوی از انحاء سد و تأسیسات سد اعم از تأسیسات آبیاری و

تأسیسات مربوط به نیروی برق آبی و پستهای انتقال خط و خط انتقال فشار قوی را تخریب یا منهدم نماید بحسب با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد) .

قبل از اینکه بشرح و تفصیل ماده فوق مبادرت نمائیم بهتر است یکی

دو ماده از قانون مجازات عمومی را که در تحت عنوان قانون مجازات قطع و

تخریب وسائل مخابرات و برق مصوب ۱۳۳۷ میباشد درج نمائیم تا با ورود در موضوع

و سابقه امر مواد وارد بحث لزوم وضع چنین ماده ای بشویم .

ماده ۱ - هرکس وسائل مخابرات کشور را از تلگراف و تلفن و

دستگاههای فرستنده و گیرنده خبر دولتی و همچنین مراکز و سیم کشیهای

برق شهرها و قصبات را اعم از اینکه سیم کشیها متعلق بادارات دولتی و شهرداری

و مجلسین شورای ملی و سنا و یا متعلق بکارخانه های دولتی و غیره و یا اشخاص

حقیقی و حقوقی باشد بمنظور اخلال در نظم و آرامش عمومی و یا پیشرفت

مقاصد سیاسی تخریب کند که از این راه موجبات قطع ارتباط و یا تاریکی و

تعطیل را فراهم سازد بحسب مجرد از دو تا پنجسال محکوم میشود و اگر در

نتیجه عملیات مزبور يك یا چند نفر کشته شود جزای مرتکب اعدام است .

ماده ۲ - در صورتیکه هر يك از جرائم مذکور در ماده ۱ بر اثر مواضعه

و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد و در نتیجه آن قتل واقع شده باشد هر يك از

مواضعه و تبانی کنندگان برای این عمل بدو سال تا پنج سال حبس مجرد محکوم خواهد شد .

تبصره - هرگاه مرتکب از کارمندان دستگاه مربوط باشد بحد اکثر مجازات مقرر محکوم میشود .

ماده ۳ - هرگاه قصد مرتکب ارتکاب بجرمهای مذکور در ماده یک فقط سرقت و سائل مخابرات و برق باشد بیک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

و چند ماده دیگر که ذکرش فعلا در اینجا ضرور نیست .

بطور کلی چنین قانونی تا حدی رفع نیازمندی های روز را مینمود ولی چون کار فنی و شبکه برق رسانی یا آب رسانی بطور قابل توجهی توسعه یافته است از اینجهت احساس میشد که قانون جدیدی که با آلات و ادوات و تأسیسات فنی منطبق و جامعیت داشته باشد باید وضع گردد . در قانون آب چون مجال و موقع یادآوری امور برقی و مخابراتی نبود فقط بامر آب و منابع آبی و برقهایی آبی توجه گردید از اینرو ماده ۶۱ با اصلاحات و تعبیرات لازم وضع و تصویب گردید و وضع این ماده فقط ناظر به پستهای انتقال خط و خط انتقال فشار قوی میباشد البته نسبت به پیشنهاد انتقال خطو خط انتقال فشار قوی از تأسیسات سد نه هر پست انتقال و خط فشار قوی که از منابع دیگر انرژی بوجود آید .

از اینجهت اخیراً طرحی تحت عنوان لایحه قانونی مجازات اخلال - کنندگان تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور تنظیم و با موافقت وزارت دادگستری و جنگ و وزارت آب و برق و وزارت پست و تلگراف و تلفن بمجلسین جهت تصویب تقدیم شده است که با جامعیت این لایحه و با درج الغاء قانون مجازات قطع و تخریب و سائل مخابرات و برق مصوب ۱۳۳۷ در صورت تصویب بماده ۶۱ راجع بامور خطوط و پستهای انتقال و تخریب سد نیازی نخواهد بود یعنی باتصویب آن نسخ ضمنی این ماده عملی خواهد شد . در هر حال از تاریخ تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن مفاد این ماده ۶۱ تا تاریخ و تصویب و توشیح لایحه مذکور معتبر خواهد بود .

لکن اگر صریحاً الغاء ماده ۶۱ در آن لایحه قید شود از هر جهت بهتر است زیرا بخاطر دارم که در یکی از تبصره‌های آن ماده واحده قید شده است در صورتیکه طبق قوانین دیگری جرائم ارتكابی مستلزم مجازات شدیدتری شود مرتکب بهمان مجازات محکوم خواهد شد.

با وجود این تبصره الغاء ضمنی ماده ۶۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بفرض تصویب صورت نخواهد گرفت و نگارنده را عقیده بر این است که باید در کمیسیون مجلسین و یا در خود جلسات علنی پیشنهاد مفیدی در تلفیق این ماده ۶۱ قانون آب و نحوه ملی شدن با لایحه مجازات اخلاص کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور بشود تا دادرسان در موقع دادرسی پس از رسیدگی قضائی در اتخاذ تصمیم با بهام قانونی برخورد نمایند و صریحاً تکلیف این نوع مرتکبین معلوم باشد و این عمل جز با الغاء صریح ماده ۶۱ قانون آب بعقیده اینجانب چاره دیگری ندارد.

فصل نهم

مقررات مختلفه

ماده ۶۲

(ملی شدن آب و مواد و مقررات مربوط بآن تدریجاً در حوزه آبریز رودخانه‌ها و منابع آبریز زمینی منطقه منطقه و ناحیه بناحیه با توجه بامکانات مالی و فنی و برنامه‌های عمرانی آگهی و اجرا خواهد شد . تشخیص این مقررات خاص و تاریخ اجرای آن بعهده وزارت آب و برق است) .

اولاً - بموجب ماده فوق معلوم میشود که وزارت آب و برق علاوه بر رعایت قانون آب و نحوه ملی شدن در ملی کردن آب یک ناحیه یا یک منطقه باید مقررات خاصی تدوین نماید یعنی با استفاده از ماده ۶۶ آئین نامه اجرائی برای اجرای ملی شدن آب قبلاً تهیه و تصویب نماید و تا آنجا که بخاطر دارد چنین آئین نامه و مقرراتی تا این تاریخ تنظیم نشده است .

ثانیاً - همانطوریکه در مقدمه این مجلد توضیح کافی داده شد اجرای قانون ملی شدن آب دفعتاً در سراسر کشور بدون ایجاد تأسیسات و امکانات فنی و مالی میسر نیست زیرا در تاریخ اعلام ملی شدن آب در هر ناحیه و هر منطقه عنوان حقا به منتفی میگردد و همه مصرف کنندگان آب باید دارای پروانه مصرف مفید باشند و بعلاوه قدرت و امکان توزیع آب در سراسر منطقه یا ناحیه را وزارت آب و برق یا شرکتهای تابع داشته باشند و این امر مقدور نیست مگر تأسیسات مجهزی چه از نظر منابع آب و چه از نظر شبکه آبرسانی و اندازه گیری و دریچه‌های مقسم آب وجود داشته باشد .

چون این نوع تأسیسات مستلزم هزینه زیادی است بنابراین اعتبارات مالی هم یکی از ارکان اولیه اجرای این قانون در هر ناحیه و منطقه‌ای است و برای اینکه تاریخ اجرای قانون ملی شدن آب که در ماده ۶۲ متذکر گردیده با اعلام منابع ملی که در ماده ۱ قانون آب عنوان شده است بطور صریح مشخص

شود صریحاً در ذیل ماده ۶۲ قید شده است (تشخیص این مقررات خاص و تاریخ اجرای آن بمعده وزارت آب و برق است) بنابراین پس از ایجاد تأسیسات باید مقررات خاص وضع شود و سپس تاریخ اجرای آن در هر ناحیه اعلام گردد و این اقدام صرفاً بمعده وزارت آب و برق است یعنی بمحض اینکه مقدمات امر فراهم گردید و خود را آماده اجرای چنین مقرراتی دانست باید تاریخ اجرای قانون را اعلام نماید .

منتهی در این مورد مقنن رعایت احتیاط را نموده است و در ماده دیگر که ماده ۶۳ باشد متذکر میگردد که وزارت آب و برق بلافاصله پس از انتشار آگهی ملی شدن آب مبادرت با اجرای قانون ملی شدن آب ننماید زیرا احتمال ضرر و زیان برای مصرف کنندگان داده است از این رو مقرر داشته است که از تاریخ انتشار آگهی ملی شدن آب ششماه باید بگذرد تا هر مصرف کننده در آن ناحیه و منطقه بتکالیف خود آگاه گردد و ضمناً وزارت آب و برق وظایفی دارد که باید در این مدت اعمال نماید مثلاً ممکن است از نظر اجرای ماده ۵۱ قانون آب برخورد بمشکلاتی نماید که در مدت کوتاهی اجرای قانون را میسر سازد و توافق های اصولی تحصیل نماید که در تاریخ اجرای قانون بهیچ مشکلی برخورد ننماید تا زارعتی یا مؤسسه بی آب نگردد و در نتیجه ضرر غیر قابل جبرانی بمصرف کننده مجاز آب وارد نشود بنابراین عیناً ماده ۶۳ هم درج میشود تا بهتر بنکات مورد نظر مقنن توجه گردد .

ماده ۶۳

(وزارت آب و برق موظف است که ششماه قبل از آغاز اجرای ملی شدن آب محدوده ناحیه یا منطقه مورد نظر را آگهی نماید تا مشمولین بوظائف و تکالیف خود و وزارت آب و برق واقف گردند) .

خوشبختانه تا این تاریخ بیشتر آئین نامه ها به تصویب هیئت وزیران رسیده است و فقط بعقیده نگارنده یکی دو آئین نامه ضروری دیگر باقی مانده است که وزارت آب و برق را از نظر قانونی آماده اجرای ملی کردن آب نماید . اما مطلب دیگری که از بدو امر بکرات یادآور شده است امکانات فنی است که وجود تأسیسات مخزنی آب و شبکه آبرسانی میباید بنا بر مراتب با ایجاد تأسیساتی مانند :

شماره ردیف	نام سد	نام رودخانه	محل سد	نوع سد	طول تاج سد متر	ارتفاع از کف متر
۱	محمد رضا شاه پهلوی	دز	شمال دزفول	بتونی قوسی	۲۱۲	۲۰۳
۲	شهبانو فرح	سفیدرود	منجیل	بتونی پایه دار	۴۲۵	۱۰۶
۳	امیر کبیر	کرج	۲۳ کیلومتری شمال کرج	بتونی قوسی	۳۹۰	۱۸۰
۴	شهناز پهلوی	آبشینه	یالفان همدان	بتونی وزنی	۲۸۶	۵۳
۵	شاه اسمعیل	گلپایگان	اختخوان	خاکی	۲۲۰	۵۱
۶	فرحناز پهلوی	جاجرود	لثیان	بتونی پایه دار	۴۵۰	۱۰۷
۷	شاه عباس کبیر	زاینده رود	قربدایسی سو	بتونی قوسی ضخیم بادوانحنا	۴۵۰	۱۰۰
۸	شاپور اول	مهاباد	مهاباد	سنگریز با هسته خاکی	۷۰۰	۴۶/۵
۹	کوروش کبیر	زرینه رود	جنوب شرقی بوکان	خاکی با هسته خاک رس	۷۲۰	۵۰
۱۰	ارس	ارس	قرل قشلاق	خاکی	۹۴۵	۳۸
۱۱	وشمگیر	گرگان رود	سنگر سوار گرگان	خاکی	۴۳۰	۱۹

۱۲	داریوش کبیر	کر	درودزن	خاکی با پوشش سنگی	۷۰۰	۶۰
۱۳	رضا شاه کبیر	کارون	شمال شرقی مسجد سلیمان	بتونی قوسی	۳۸۰	۲۰۰

۱۴	نادر شاه	مارون	تنک تکاب	خاکی با سرریز بتونی	۳۲۰	۱۷۵
۱۵	جیرفت	نیلرود	تنک نراب	بتونی قوسی	۲۵۰	۱۳۰
۱۶	میناب	میناب	میناب	خاکی بتونی	۴۵۰	۵۳
۱۷	لار	لار	شمال پلور	خاکی	۸۰۰	۱۰۵

مُشخصات بئدهای آبیاری دزکشی ایران و مقدار انجام شده آن تا پایان سال ۱۳۵۰

ردیف	نام محل	طول کانال اصلی (دکیومتر)		طول کانالهای درجه ۱ (دکیومتر)		طول کانالهای درجه ۳ (دکیومتر)	
		انجام شده	طول کل	انجام شده	طول کل	انجام شده	طول کل
۱	شادور	۲۰٫۲	۲۰٫۲	۸۵٫۸	۸۵٫۸	-	-
۲	دز بزرگ	۸۵٫۷	۶۷٫۴	۶۴٫۱	۲۶۶٫۴	-	-
۳	دز آذین	۱٫۸	۱٫۸	۱۸۳	۱۸۳	-	-
۴	هفت پنه	-	-	۲۴	۲۴	۳۹٫۲	۳۹٫۲
۵	بهبان	۴	۴	۶۰	۶۰	-	-
۶	کره	۴۵	۴۵	۱۰۰	۱۰۰	-	-
۷	شباکاره	۶	۶	۴۵	۴۵	۱۵۰	۱۵۰
۸	مردوشت	۲۸	۲۸	۴۲	۱۴۲	-	-
۹	اصفهان	۱۶۴٫۱	۸۵٫۷	۱۲۹	۱۳٫۹	-	-
۱۰	کرج	۱/۵	۱/۵	۵۳	۵۳	-	-
۱۱	گیلان	۵	۵	۲۶٫۶	۲۶٫۶	۷۰	۷۰
۱۲	قزوین (قسمت شرق)	۳۱	-	۱۱۰	-	۸۲	-
۱۳	گیلان	۱۴۹	۱۴۹	۲۲	۴۱۰	-	-
۱۴	منان	۱۱۶٫۷	۴۵٫۷	۲۱۵٫۳	۲۱۵٫۳	-	-
۱۵	عماد	۳۳٫۸	۲۴٫۷	۶۳	۲۹۰	-	-
۱۶	زرینه رود	۲۳٫۸	-	۸۵٫۶	۱۴۹	۲۸٫۸	۵٫۹
۱۷	بسط	۲۰٫۹	۲٫۱	۱٫۲	۶۰٫۱	-	-
۱۸	بیانگی (بیستان)	۲۶	۲۳	۲۵	۱۲۰	مخت	بررسی
۱۹	گیاخیم	۳٫۱	۳٫۱	۴۱٫۷	۴۱٫۷	۸۰	۲۱۰
۲۰	دشت ذاب	۹	۶	۲	۲۲	-	۶۰

و ناحیه دشت قزوین ، وزارت آب و برق می تواند با تعیین حدود جغرافیائی هر منطقه یا ناحیه مربوط باین تأسیسات قانون ملی شدن آب را اعلام نماید .

مرجع تعیین صلاحیت علمی کارشناسان

ماده ۶۴

(تشخیص صلاحیت علمی کارشناسان رشته های مختلف فنون توسعه منابع آب و آبیاری درمورد اخذ پروانه کارشناسی رسمی با وزارت آب و برق است) .
درسال ۱۳۱۷ قانون کارشناسان رسمی طی ۳۰ ماده بتصویب رسید که در آن قانون شرایط کارشناسان رسمی بشرح زیر قید شده است .
۱ - داشتن تخصص کامل در علم یا فنی که داوطلب کارشناسی در آن هستند .

۲ - داشتن بیش از ۲۵ سال .

۳ - عدم شهرت بفساد اخلاق و تجاهر باستعمال سکر وافیون .

۴ - نبودن تحت ولایت و قیمومیت .

۵ - عدم محکومیت بجنایت و محکومیت بجنحه که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی بوده و یا مستلزم محرومیت از شغلی است که تخصص در آن دارند و همچنین عدم محکومیت بکلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت و ورشکستگی بقلب و جنحه های مذکور در این قانون .

۶ - عدم محکومیت بانفصال ابد از خدمات دولتی .

در موارد دیگر این قانون کیفیت انتخاب آنها هم تعیین شده است منتها در سال ۱۳۳۹ قانون دیگر مربوط بکارشناسان رسمی گذشت که عیناً جهت استحضار کامل خوانندگان درج میگردد .

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون انتخاب و تجدید و تمدید پروانه کارشناسان رسمی بطریق زیر بعمل می آید کسانی که بخواهند پروانه کارشناسی تحصیل و یا پروانه خود را تجدید یا تمدید نمایند باید تقاضا نامه خود را باقید

رشته تخصصی در تهران بداره فنی وزارت دادگستری و در شهرستانها برؤسای دادگستری محل تسلیم نمایند .

رؤسای دادگستری مکلف هستند تقاضانامه مزبور را در هیئتی که با شرکت خود آنها و دادستان شهرستان و رئیس اداره ثبت محل تشکیل میشود طرح و پس از اظهارنظر درباره صلاحیت اخلاقی متقاضی نظر کتبی خود را با مدارك لازم بداره فنی ارسال نمایند و اداره مزبور پس از رسیدگی از جهت صلاحیت فنی در صورتیکه صلاحیت فنی متقاضی را محرز بداند پروانه بنام او صادر مینماید .

ماده ۲ - رسیدگی بصلاحیت فنی و اخلاقی متقاضیان در تهران در هیئتی مرکب از رئیس دادگاه استان و رئیس دادگاه شهرستان مرکز و دادستان شهرستان تهران و یکی از معاونین اداره کل ثبت و رئیس اداره فنی و یک نفر از متخصصین در موضوعی که نسبت بآن تقاضای پروانه کارشناسی شده است بانتخاب اداره نامبرده بعمل خواهد آمد هیئت مزبور با توجه بصلاحیت متقاضیان کسانی را که واجد شرایط لازم برای کارشناسی باشند معین مینمایند و سپس اداره فنی وزارت دادگستری پروانه کارشناسی صادر خواهد نمود .

ماده ۳ - صدور یا تجدید یا تمدید پروانه کارشناس فقط برای يك رشته تخصص ممکن است .

ماده ۴ - اداره فنی وزارت دادگستری مکلف است پروانه کارشناسی کسانی را که سه بار ظرف سه سال به مجازات های انتظامی محکوم میشوند ملغی نماید اینگونه کارشناسان میتوانند پس از مدت دو سال از تاریخ الغاء پروانه مجدداً تقاضای صدور پروانه کارشناسی بنمایند مگر اینکه مجازات انتظامی محرومیت دائم از شغل کارشناسی باشد .

ماده ۵ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است. (۱)

توسعه علوم و فنون موجب شد که بسیاری از کارشناسانی که در تاریخ تصویب این قانون یا بعد پروانه کارشناسی رسمی داشتند عملاً از عهده

۱ - این قانون دارای آئین نامه ایست که در ماده ۹ آن اخیراً تصحیح لازم بعمل آمده است .

وظائف محوله خاصه در امر آب و آبیاری برنمیآمدند چنانکه اطلاع دارید اکثر کارشناسان این رشته مقنی های سابق بودند که در اثر ممارست فراوان در يك ناحیه خاص اطلاعاتی بدست میآوردند که تقریباً با بحثی که در فصل حریم کرده ایم قادر بانجام وظائف محوله این قانون در سراسر کشور یا ناحیه و منطقه اختصاصی خود نمیشاند .

بعلاوه در گذشته هم بنگاه مستقل آبیاری و وزات آب و برق تجربه زیادی داشتند که این طبقه نمیتواند جوابگوی مشکلات حریم درهرمورد خاص چه درامر قنوت و چه درمورد چاه باشند از اینجهت ماده ۶۴ قانون آب را با توجه بقوانین موجود تشخیص صلاحیت کارشناس آب و آبیاری را بعهدہ وزارت آب و برق محول نموده است . از اینرو اداره فنی وزارت دادگستری برای تأیید صلاحیت فنی کارشناسان رشته آب و آبیاری درخواست متقاضیان را برای اجرای مقدمات امر و اجرای بعضی از مواد قانون کارشناسی مستقیماً بوزارت آب و برق ارسال میدارد .

موضوع کارشناسی در کمیسیونی که از طرف وزیر آب و برق تعیین شده است مورد بررسی و مطالعه قرار میگردد و نسبت بصلاحیت متقاضی با توجه بضوابطی که دراین امر دارند و با توجه بائین نامه آبهای زیرزمینی اظهارنظر مینماید و عیناً جهت اتخاذ تصمیم باداره فنی وزارت دادگستری ارسال میدارد تا پروانه کارشناسی برای متقاضی صادر نماید یادرخواست اوراباستناد نظریه کمیسیون وزارت آب و برق رد کند .

لغو قوانین و مقررات مغایر با این قانون

ماده ۶۵

(کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد و همچنین قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی کشور از تاریخ تصویب این قانون در آن قسمت که مغایر است بلااثر است) .

بعد از وضع قانون مدنی قوانین جدیدی در امر آب و تأسیسات آبیاری و تأمین اعتبارات لازم از قبیل قانون بنگاه مستقل آبیاری و قانون اصلاحی آن مورخ ۱۱/۵/۳۴ و سپس قانون حفظ و حراست آبهای زیر زمینی

و قانون قنوات وضع شده‌اند که جز مواد قانون مدنی هیچیک از قوانین مذکور بطور کافی از نظر ذکر ضوابط و اصول رافع احتیاجات نبوده‌اند که اساساً موضوع ملی شدن آب در قوانین مذکور مطرح نبوده تا بموجبات و لوازم این امر مهم توجهی شده باشد و باین جهت پس از احساس احتیاج باین امر و اجرای اصل دهم انقلاب با مطالعات همه‌جانبه و کافی قانون آب و نحوه ملی شدن آن تهیه و بتصویب رسید که قسمتی از توضیحات مربوط باین قانون در جلد کتاب اول حقوق آب باستحضار خوانندگان گرام رسید .

نکته قابل توجهی که در این ماده بنظر میرسد جمله (قوانینی که با این قانون در آن قسمت که مغایر است بلاثر است) میباشد که از نظر قانون‌گذاری و قانون‌نویسی خالی از اشکال نیست که در زیر لایحه قانون بطور اجمال و کلی نوشته شود که قوانین مغایر با این قانون لغو میشود بلکه شایسته است بطور صریح موادی که میخواهند فسخ و لغو نمایند یکایک در ذیل لوایح مورد نظر قید کنند تا در اجرای قانون و استنباط قضات حین دادرسی مشکلاتی از نظر ابهام و فراموشی فراهم نگردد بعلاوه این شیوه قانون‌نویسی اصولی نیست کما اینکه منتسکیو در روح القوانین متذکر شده‌است که قوانین باید بطوری تهیه و تصویب شوند که همیشه قوانین منسوخ و غیر منسوخ معلوم و مشخص باشند تا موجب گمراهی متصدیان و دادرسان نگردد . بنا بمراتب بهتر بود که صریحاً قوانین فسخ و لغو شده در ذیل این ماده و یا مواد مشابه قید شود تا هرکس در بادی امر متوجه هدف مقنن گردد و شایسته بنظر میرسد که در کمیسیونهای مجلسین این نکته رعایت شود تا دستگاههای دولتی و اجرائی لااقل بفکر این مطلب اصولی باشند و قوانینی را که میخواهند بلاثر و منسوخ گردد یکایک در ذیل لایحه تقدیمی بمجلسین قید نمایند .

بهر صورت همانطوریکه در شرح یکی از مواد توضیح داده شد مجدداً در اینجا هم متذکر میگردد که کمیسیون مخصوصی لوایح را قبل از تقدیم بمجلسین کنترل نماید و در واقع ماده واحده‌ای که دولت بمجلسین تقدیم داشته بصورت کامل تصویب و عملی گردد این هدف خود بخود عملی خواهد شد ولو ادارات و مؤسسات ذربط وارد باین اصول و مبانی نباشند یا آشنائی کامل بقوانین نداشته باشند .



مرتضی سرمد

پس از طی تحصیلات عالیه در سال ۱۳۱۴ در وزارت دادگستری به خدمات قضائی پرداخت و مراحل قضائی را بشرح زیر پیمود .
ریاست دادگاههای بخش تهران
ریاست دادگاه تجارت ، دادگاههای شهرستان تهران .
مستشاری دادگاه استان مرکز و دیوان جنائی
دادیاری دیوانعالی کشور
و نیز بمقامات اداری زیر منصوب و انجام خدمت نمود .
مدیریت کل اقتصاد
عضویت هیئت مدیره بنگاه مستقل آبیاری سابق
مشاورت سازمان برنامه
معاونت نخست وزیر
و در حال حاضر مستشار دیوانعالی کشور و مشاور عالی وزارت آب و برق

تألیقاتی که تاکنون منتشر نموده است

۱ - طلاق و ازدواج در قوانین دنیا و اسلام

۲ - نظام اقتصادی

۳ - سه جلد کتاب حقوق آب

